



# ماتا آخر ایستاده ایم

مدیریت شرایط جنگ، تهدید، بحران و فتنه  
مدل مفهومی شده معارف قرآن



اسفندماه ۱۴۰۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





# مناظره پایانی

مدیریت شرایط جنگ، تهدید، بحران و فتنه  
(مدل مهندسی شده معارف قرآن)

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)  
نماینده ولی فقیه در سپاه





ما تا آخر ایستاده‌ایم  
مدیریت شرایط جنگ، تهدید، بحران و فتنه  
(مدل مهندسی‌شده معارف قرآن)

تهیه‌کننده: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)  
به سفارش: معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

|               |                               |
|---------------|-------------------------------|
| نویسندگان:    | سیدرضی سیدنژاد و علیرضا صداقت |
| ناظر علمی:    | مجید غلامرضا                  |
| ناظر نهایی:   | مهدی عزیزان                   |
| ناظر سازمانی: | علی حمیدی                     |
| واپایش نهایی: | علیرضا صداقت                  |

|           |                 |
|-----------|-----------------|
| ناشر:     | زمزم هدایت      |
| صفحه‌آرا: | روح‌الله جلالی  |
| طراح جلد: | رضا پارسای      |
| ناظر چاپ: | میلاذ شمس‌آبادی |

|          |            |
|----------|------------|
| چاپ:     | مرکز چاپ   |
| قطع:     | رقعی       |
| نوبت:    | اول / ۱۴۰۴ |
| شمارگان: | ۳۰۰۰       |

نشانی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع): قم، بلوار شهید محلاتی

تلفن: ۰۲۵-۳۷۲۱۲۶۹۱

نشانی معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه:

تهران، بزرگراه شهید یاسینی، ستاد فرماندهی کل سپاه

تلفن: ۰۲۱-۳۵۲۳۳۵۱۶ / ۳۵۲۳۳۵۱۸



## فهرست مطالب

|               |    |
|---------------|----|
| پیشگفتار..... | ۷  |
| مقدمه .....   | ۱۱ |

### بخش اول:

#### کلیات (مبانی، چهارچوب و منطق حاکم بر منظومه قرآنی)

|   |    |
|---|----|
| مبانی، چهارچوب و منطق کلی منظومه قرآنی .....                                | ۱۵ |
| ۱-۱. ضرورت رجوع به قرآن در نبرد ذهن‌ها و دل‌ها .....                        | ۱۵ |
| ۱-۲. هدف و چرایی (منظومه قرآنی مدیریت شرایط جنگ، تهدید، بحران و فتنه) ..... | ۱۷ |
| ۱-۳. مهندسی معارف قرآنی برای مدیریت میدان‌های سخت .....                     | ۲۱ |
| ۱-۴. معادله قرآنی غلبه جبهه حق .....  | ۲۶ |

### بخش دوم:

#### محورهای تفصیلی منظومه قرآنی در مدیریت میدان

|   |     |
|---|-----|
| محور اول: ایمان نصرت‌ساز و یقین‌آفرین .....             | ۳۱  |
| محور دوم: سنت‌های قطعی الهی در شکست و پیروزی .....      | ۶۱  |
| محور سوم: مقاومت سازمان‌یافته و الگوی «رَبِّيُون» ..... | ۱۰۳ |
| محور چهارم: جهاد همه‌جانبه در میدان‌های نوین .....      | ۱۳۷ |

|  |     |
|--|-----|
| محور پنجم: بصیرت و ایمنی سازی شناختی.....            | ۱۷۵ |
| محور ششم: انسجام اجتماعی و مقابله با آشوب و بغی..... | ۲۱۷ |
| محور هفتم: ولایت‌مداری.....                          | ۲۵۷ |
| محور هشتم: عدالت، مردم‌داری و اخلاق جهادی.....       | ۲۹۷ |
| کتابنامه.....  | ۳۴۴ |



## پیشگفتار

در شرایطی که جبهه حق با پیچیده‌ترین صورت‌های جنگ ترکیبی، فشارهای چندلایه، بحران‌های درهم‌تنیده و فتنه‌های شناختی مواجه است، نقش آموزش معارف قرآنی دیگر محدود به انتقال دانسته‌ها یا بیان توصیه‌های اخلاقی نیست. امروز، آموزش قرآن در میدان انقلاب اسلامی، بخشی از مقابله راهبردی با دشمن و یکی از ارکان اصلی حفظ اراده، امید و روحیه جهادی جامعه هدف به‌شمار می‌آید.

جنگ امروز، پیش از آن‌که جنگ سلاح باشد، جنگ ذهن، دل و اراده است؛ جنگی که اگر درست فهم نشود، می‌تواند باورها را فرسوده، امیدها را تضعیف و عزم‌ها را متزلزل کند. ازاین‌رو، مربیان و استادان قرآنی در این میدان، صرفاً معلم نیستند؛ بلکه افسران جنگ شناختی و معنوی‌اند که مأموریت دارند جامعه هدف را در برابر یأس، تردید، تحریف و انفعال مصون‌سازی کنند و آنان را برای ایستادگی فعال و آگاهانه آماده سازند.

این کتاب با همین نگاه و برای همین مأموریت تدوین شده است.

### مخاطب این اثر چه کسانی‌اند؟

این متن ویژه استادان و مربیان است؛ کسانی که مسئولیت هدایت فکری و معنوی پاسداران، بسیجیان و بدنه مؤمن و انقلابی جامعه را بر عهده دارند. کتاب حاضر برای «مطالعه عمومی» نوشته نشده، بلکه راهنمای طراحی و اجرای جلسات

آموزشی قرآنی در شرایط جنگ و بحران است. از این رو، از اساتید و مربیان انتظار می‌رود به ارائه سطحی و گزینشی مطالب بسنده نکنند، بلکه منظومه قرآنی مهندسی شده‌ای را که در این اثر طراحی شده است، به صورت کامل و پیوسته در ذهن مخاطب بنشانند؛ منظومه‌ای که عقل، دل و عمل را هم‌زمان درگیر می‌کند و انسان مسئول، امیدوار و ایستاده می‌سازد.

### فلسفه نگارش و شیوه بهره‌برداری از کتاب

نحوه نگارش این کتاب، ناظر به راهنمایی استادان است، نه جای‌گزین نقش آنان. بنابراین، این متن قرار نیست عیناً و خطابه‌وار برای مخاطب خوانده شود؛ بلکه استاد باید محورهای اصلی را استخراج کند، مسئله‌سازی کند، پرسش‌ها و شبهات واقعی مخاطب را به میدان بیاورد، و با تکیه بر آیات، سنت‌های الهی و تجربه تاریخی انقلاب اسلامی، پاسخ‌های قرآنی آرام، مستدل و امیدآفرین ارائه دهد.

هدف نهایی این فرآیند، تردیدزدایی، تقویت تصمیم و مصمم‌کردن مخاطب برای ایستادگی تا آخر در مسیر انقلاب و ولایت است؛ به گونه‌ای که خود مخاطب به منشأ امید، مقاومت و پایداری در محیط پیرامونش تبدیل شود.

### پیوند قرآن با تجربه زنده انقلاب اسلامی

این کتاب بر این باور استوار است که قرآن، کتابی انتزاعی و منفک از واقعیت نیست؛ بلکه راهنمای زنده اداره انسان و جامعه در میدان‌های سخت است. همان قرآنی که: در دوران دفاع مقدس، روح ایستادگی را در دل رزمندگان دمید؛ در میدان محور مقاومت، منطق صبر، نصرت و استقامت را زنده نگه داشت؛ در مواجهه‌های مستقیم و پیچیده، از جمله نبردهای محدود اما تعیین‌کننده با آمریکا و رژیم صهیونیستی، پیروزی را نه در منطق قدرت مادی، بلکه در ثبات اراده و

ایمان رقم زد؛ و در فتنه‌های داخلی، از جمله فتنه دی‌ماه ۱۴۰۴، با پا به کاری، بصیرت و جان‌فشانی نیروهای مؤمن، حماسه‌های بزرگ آفرید.

امروز، در چهل‌وهفتمین سال پیروزی انقلاب اسلامی، این نهضت الهی که با پیشوایی حضرت امام خمینی علیه السلام آغاز شد، به دست علمدار راستین ایشان، حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای دامنه‌ای، با صلابت و حکمت در مسیر آینده‌ای روشن گام برمی‌دارد؛ مسیری که ریشه در مکتب قرآن و تعالیم عمیق آن دارد.

### مأموریت نهایی آموزش قرآنی

براساس این نگاه، آموزش قرآن باید:

انسان متزلزل نسازد، بلکه انسان متعالی تربیت کند؛ تماشاگر نسازد، بلکه کنشگر مسئول پرورش دهد؛ و به جای آرام‌بخشی زودگذر، زره روانی- معرفتی برای شرایط سخت بسازد. درس‌های قرآنی، باید مبنای ساخت و تربیت پاسداران انقلاب اسلامی قرار گیرد؛ پاسدارانی که: دل‌شان در سختی‌ها نلرزد، تحلیل‌شان در فتنه‌ها نلغزد، و اراده‌شان در میدان فشار نشکند.

امید است استادان و مربیان با بهره‌گیری عمیق، خلاق و مسئولانه از این کتاب، خود الهام‌بخش مقاومت، امید و ایستادگی باشند و در تربیت نسل مؤمن، آگاه و پای‌کار انقلاب اسلامی، نقش تاریخی خویش را به بهترین وجه ایفا کنند. در پایان، لازم است تأکید شود که این اثر حاصل هم‌افزایی علمی، تربیتی و راهبردی میان معاونت تربیت و آموزش عقیدتی — سیاسی و پژوهشگاه امام صادق علیه السلام است و در مسیر تدوین، از هدایت‌ها، راهنمایی‌ها و جهت‌گیری‌های کلان نماینده محترم ولی‌فقیه در سپاه بهره‌مند بوده است.

این پشتوانه، ضامن آن است که محتوای ارائه‌شده، نه صرفاً یک تلاش فردی یا آموزشی محدود، بلکه بخشی از یک نگاه منظومه‌ای، عمیق و متصل به ولایت در

عرصه تربیت قرآنی نیروهای انقلاب اسلامی است. بدهی است این اثر، آغاز یک مسیر است نه پایان آن؛ و تحقق کامل اهداف آن، در گرو فهم عمیق، التزام عملی و خلاقیت مسئولان و مربیان در میدان آموزش و تربیت خواهد بود. امید آن‌که با اتکا به قرآن کریم، هدایت ولیّ امر مسلمین و روحیه جهادی، این تلاش گامی مؤثر در تقویت جبهه حق و تربیت رزمندگان آگاه، ثابت قدم و امیدوار در میدان پیچیده امروز باشد.

اداره برنامه‌ریزی، ارزشیابی و تهیه متون آموزشی

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی

نماینده ولی فقیه در سپاه



## مقدمه

در عصری که عرصه نبرد از میدان‌های نظامی به فضای پیچیده «ادراک، باور و اراده» انتقال یافته است، جبهه حق در قلب یک نبرد سرنوشت‌ساز قرار دارد. همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای رحمته‌الله تأکید فرموده‌اند:

امروز ما فراتر از درگیری‌های نظامی که وجود داشت دیدید و همین طور مرتب احتمالش هم می‌دهند، بعضی هم عمداً در این کانون می‌دمند برای اینکه مردم را دل به شک نگه دارند، دلهره ایجاد کنند که موفق هم نمی‌شوند ان‌شاءالله. ما فراتر از درگیری‌های نظامی در کانون یک درگیری تبلیغاتی و رسانه‌ای هستیم با کی؟ با یک جبهه وسیع، با یک جبهه وسیع. ما در جنگ تبلیغاتی قرار داریم، در جنگ معنوی قرار داریم. دشمن فهمید که تصرف این ملک و این خاک و این سرزمین الهی و معنوی با ابزار فشار و ابزار نظامی امکان ندارد. فهمید که اگر بخواهد تصرفی بکند، دخالتی بکند، موفقیتی پیدا کند باید دل‌ها را تغییر بدهد، باید مغزها و فکرها را عوض کند. رفتند توی این خط. ما البته ایستادیم در مقابل‌شان، محکم، اما خطر این است، خط این است، دشمن هدفش این است امروز.<sup>۱</sup>

این بیان ژرف، عینیت «جنگ شناختی» حاکم را ترسیم می‌کند؛ جنگی که در آن هدف غایی، نه تصرف خاک، که تسخیر ذهن‌ها و قلب‌ها و ایجاد دگرگونی در باورها و اراده جمعی از طریق ابزار تبلیغ و رسانه است. مکانیسم این جنگ، «بی‌ثبات‌سازی» جامعه با شایعه و دلهره‌افکنی و «تأثیرگذاری» جهت تغییر برداشت‌ها به نفع مهاجم است. پاسخ‌های پراکنده یا منحصر به مدیریت بحران‌های مقطعی، در برابر این هجوم سازمان‌یافته به هویت فکری جامعه ناتوان است. از این رو، شکاف راهبردی در فقدان یک الگوی نظام‌مند و مهندسی شده ریشه‌دار در وحی است که بتواند هم‌زمان، سپر مصونیت‌بخش و نقشه راه عملیاتی را برای ایستادگی محکم در این خطیر ارائه دهد.

اثر حاضر با عنوان «منظومه قرآنی مدیریت شرایط جنگ، تهدید، بحران و فتنه» پاسخی

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در مراسم جشن میلاد حضرت زهرا علیها‌السلام، ۱۴۰۴/۹/۲۰.



ساختاریافته به این ضرورت است. هدف غایی این پژوهش، کسب «اقتدار فعال شناختی» و تحقق همان «ایستادگی محکم» مورد تأکید در بیانات امام خاتمه‌ای (قَلْبُهُ) است. نوآوری محوری اثر در ارائه چهارچوبی دو لایه است: در لایه نخست (کلیات)، با روش تحلیل منظومه‌ای معارف قرآن کریم و استنتاج راهبردی از آن در تعامل با تجربه انقلاب اسلامی و هدایت ولایت، معماری جامعی مشتمل بر «مبانی نظری»، «هشت اصل راهبردی به هم پیوسته» و یک «معادله قرآنی غلبه» ارائه می‌شود. این اصول، از «ایمان نصرت‌ساز» به عنوان موتور محرکه تا «بصیرت و ایمن‌سازی شناختی» به عنوان سپر دفاعی، دقیقاً پاسخی مهندسی شده به نیاز تغییرناپذیر نگه داشتن دل‌ها و فکرها در برابر تهاجم دشمن است. لایه دوم (محورهای تفصیلی)، هر یک از آن اصول را در قالب یک ساختار ثابت موشکافی می‌کند. این ساختار - شامل هدف، مؤلفه‌های قرآنی، منطق راهبردی، نقش‌آفرینان، پاسخ به شبهات و نتیجه نهایی - اثر را از یک طرح نظری به یک دستگاه عملیاتی شفاف برای ایمن‌سازی، بصیرت‌افزایی و مقاومت‌سازی شناختی جامعه تبدیل می‌کند.

گستره این پژوهش متمرکز بر مدیریت شرایط «جنگ، تهدید، بحران و فتنه» با تأکید ویژه بر بُعد شناختی و معنوی این نبردهاست. این اثر در پی آن است تا با برقراری پیوندی زنده بین نص الهی و اقتضائات جنگ تبلیغاتی و معنوی امروز، سپر دفاعی امت را در برابر تهاجم به باورها استحکام بخشد و توان کنشگری آگاهانه جبهه حق را در نبردی تقویت کند که قلب و مغز میدان آن است.

امید است این اثر که حاصل تلاش جمعی و عزمی جهادی است، بتواند در روشنگری افق‌های نبرد شناختی، تقویت ایمان و بصیرت امت اسلامی و ارائه نقشه‌ای عملی برای «ایستادگی محکم» در برابر هجوم فکری دشمنان، گامی مؤثر بردارد و به یاری خداوند متعال، در تثبیت سنت الهی نصرت و غلبه جبهه حق نقشی هرچند کوچک ایفا نماید. در اینجا بر خود لازم می‌دانیم از همه عزیزانی که در مراحل مختلف تدوین، پژوهش، بررسی و آماده‌سازی این مجموعه همت گماشته و با اندیشه، قلم و دقت نظر خود آن را غنا بخشیدند، صمیمانه سپاسگزاری کنیم.



بخش اول:

## کلیات

(مبانی، چهارچوب و منطق حاکم بر منظومه قرآنی)





## مبانی، چهارچوب و منطق کلی منظومه قرآنی

### ۱-۱. ضرورت رجوع به قرآن در نبرد ذهن‌ها و دل‌ها

تحولات پرشتاب جهان معاصر نشان می‌دهد که صورت‌بندی تقابلی جبهه حق و باطل، دچار دگرگونی بنیادین شده است. اگر در گذشته، غلبه نظامی و اشغال سرزمین‌ها ابزار اصلی سلطه بود، امروز میدان اصلی درگیری، میدان «ادراک، باور و اراده» ملت‌هاست. در این میدان، آنچه هدف قرار می‌گیرد نه صرفاً ساختارهای سیاسی و اقتصادی، بلکه بنیان‌های فکری، هویتی و ایمانی جوامع است. دشمن با تجربه دهه‌ها ناکامی در مواجهه مستقیم با انقلاب اسلامی، به این جمع‌بندی رسیده است که تغییر مسیر این انقلاب، بیش از هر چیز، از مسیر تغییر محاسبات ذهنی، تضعیف ایمان قلبی و فرسایش امید جمعی می‌گذرد.

در چنین نبردی، ابزارهای دشمن الزاماً نظامی و خشن نیستند؛ بلکه «شبهه»، «روایت»، «تحلیل جعلی»، «بزرگ‌نمایی ضعف‌ها»، «تحریف دستاوردها» و «القای بن‌بست» به سلاح‌های اصلی تبدیل شده‌اند. جنگی که بی‌صدا پیش می‌رود، اما آثار آن عمیق و ماندگار است؛ زیرا اگر ذهن جامعه دچار اختلال شود، تصمیم‌ها خطا می‌روند، اراده‌ها سست می‌شوند و حتی ظرفیت‌های عظیم مادی نیز بدون استفاده می‌مانند. از همین روست که این

جنگ، پیش از آنکه جنگ سلاح‌ها باشد، جنگ «ذهن‌ها و دل‌ها» است. در این وضعیت، مأموریت جبهه انقلاب صرفاً پاسخ به یک تهدید مقطعی یا مدیریت یک بحران محدود نیست؛ بلکه مسئله، «اداره مستمر شرایط ناپایدار» است. شرایطی که در آن تهدید، بحران و فتنه به صورت پیوسته و ترکیبی بازتولید می‌شوند و جامعه را در معرض فرسایش قرار می‌دهند. چنین وضعیتی، با واکنش‌های موردی، احساسی یا مقطعی قابل مدیریت نیست؛ بلکه نیازمند یک چهارچوب پایدار، الهام‌بخش و جهت‌دهنده است که بتواند هم تحلیل درست از صحنه ارائه دهد و هم نیروی اجتماعی را در مسیر درست نگه دارد. در این نقطه، پرسش کلانی مطرح می‌شود: منبع این چهارچوب پایدار چیست؟

پاسخ در جایگاه حقیقی قرآن کریم نهفته است. قرآن کتابی نیست که صرفاً برای تلاوت فردی یا توصیه‌های اخلاقی جدا از میدان نازل شده باشد؛ بلکه کتاب هدایت زنده برای اداره زندگی فردی و اجتماعی در شرایط عادی و بحرانی است. قرآن، منبع شکل‌دهی به نوع نگاه، تنظیم محاسبات، تثبیت امید و تقویت اراده در سخت‌ترین میدان‌هاست. به بیان دیگر، قرآن ظرفیت آن را دارد که از «متن مقدس محترم» به «نقشه راه عملی برای هدایت، مقاومت و پیشرفت» تبدیل شود؛ مشروط بر آنکه معارف آن با نگاه منظومه‌ای، ناظر به واقعیت میدان و متناسب با نیاز روز فهم به کار گرفته شود.

تجربه انقلاب اسلامی شاهدهی روشن بر این حقیقت است. هر جا که پیوند میان ایمان دینی، رهبری الهی و حضور آگاهانه مردم برقرار شده، محاسبات دشمن فرو ریخته است. از دفاع مقدس گرفته تا عبور از فتنه‌های پیچیده داخلی، از مقابله با تروریسم تکفیری تا ایستادگی در برابر فشارهای همه‌جانبه

نظام سلطه، آنچه توان ایستادگی و پیشروی را فراهم کرده، صرفاً محاسبات مادی و ابزارهای سخت نبوده، بلکه «باور به راه، اعتماد به وعده الهی و انسجام ایمانی- عقلانی جامعه» بوده است.

امروز نیز ادامه این مسیر، بیش از هر زمان، نیازمند بازسازی و تعمیق همین بنیان‌هاست؛ به‌ویژه در مواجهه با نسلی که در معرض بمباران روایت‌ها، تحلیل‌های جهت‌دار و تردیدافکنی‌های مستمر قرار دارد. اگر ذهن و دل جامعه، به‌صورت فعال و آگاهانه با معارف الهی، امید قرآنی و تحلیل صحیح از صحنه تغذیه نشود، دشمن این خلأ را با یأس، تحریف و سردرگمی پر خواهد کرد. از این رو، رجوع به قرآن، یک انتخاب فرهنگی یا توصیه اخلاقی صرف نیست، بلکه یک ضرورت راهبردی برای مدیریت میدان‌های پیچیده امروز است.

اما سؤال بعدی این است: این نقشه راه عملی، برای مدیریت کدام شرایط مشخص و به چه شیوه‌ای باید طراحی شود؟ پاسخ به این سؤال، ما را به هدف اصلی این بحث رهنمون می‌سازد.

## ۱-۲. هدف و چرایی (منظومه قرآنی مدیریت شرایط جنگ، تهدید، بحران و فتنه)

هدف، ارائه یک «منظومه قرآنی برای مدیریت شرایط جنگ، تهدید، بحران و فتنه» که قرآن را از سطح استنادهای پراکنده و واکنشی، به سطح یک چهارچوب مهندسی شده و هم‌افزا ارتقا دهد. منظومه‌ای که هدف آن صرفاً افزایش اطلاعات دینی نیست، بلکه «معرفت‌افزایی جهت‌دار، امیدآفرینی پایدار و آماده‌سازی جامعه برای استمرار جهاد در نبرد تاریخی حق و باطل» است.

### ۱-۲-۱. ضرورت میدانی: پیچیدگی بی‌سابقه جنگ ترکیبی و شناختی

جبهه استکبار، پس از چهار دهه ناکامی، به این درک استراتژیک رسیده است که دیگر مسئله، «فروپاشی سخت» نیست، بلکه «فرسایش درونی» است.

برهمن اساس، محور تمرکز دشمن به طور کامل تغییر یافته است: از «حمله مستقیم» به «اختلال در محاسبات»، از «اشغال سرزمین» به «تسخیر ذهن و دل» و از «براندازی سریع» به «فرسایش تدریجی». این تحول، جمهوری اسلامی را در برابر یک جنگ تمام عیار ترکیبی قرار داده است؛ جنگی که به صورت هم‌زمان و درهم تنیده، ابعاد اقتصادی (از طریق تحریم، فشار معیشتی و ...)، شناختی و رسانه‌ای (با ابزار تحریف واقعیت و شبهه افکنی و ...)، اجتماعی (با راهبرد دوقطبی سازی، تضعیف انسجام و ...)، امنیتی (با اجرای عملیات نفوذ و شبکه سازی) و هویتی (با هدف تضعیف ایمان و بی اعتبار سازی انقلاب و ...) را نشانه رفته است. در مواجهه با این پیچیدگی بی سابقه، مدیریت سنتی و واکنشی بحران به تنهایی کارآمد نخواهد بود؛ بلکه آنچه به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر مطرح می شود، ایجاد یک «منظومه هدایت گر الهی و یکپارچه» است که بتواند همه این میدان های به هم پیوسته را با هماهنگی، عمق و بینشی فراتر از رویکردهای مقطعی، اداره و هدایت کند.

#### ۱-۲-۲. ضرورت درونی: عبور از واکنش های پراکنده به جبهه هم افزا

یکی از اهداف اصلی دشمن، جزیره ای سازی نیروهای مؤمن، ایجاد پراکندگی در کنش ها و خنثی سازی ظرفیت های جمعی است تا از قدرت یکپارچه و هدایت شده نظام جلوگیری کند. در مقابل، تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی به وضوح نشان می دهد که در هر مقطعی که ایمان عمیق با عقلانیت راهبردی همراه شده، پیوند ارگانیک مردم با ولایت استوار گشته، مقاومت به صورت سازمان یافته شکل گرفته و معارف ناب قرآنی به زبان عملیاتی میدان ترجمه شده اند، محاسبات پیچیده دشمن به کلی فرو ریخته است.

بر پایه همین منطق تجربه شده و پیروزمند، مدل منظومه مهندسی شده قرآنی

طراحی شده است. هدف این مدل، بیرون آوردن محورها، مؤلفه‌ها و کنش‌های پراکنده و تبدیل آنها به یک جبهه هم‌افزا، هم‌جهت و یکپارچه در ذیل ولایت است. در این معماری هدفمند، هر محور، حلقه‌ای تکمیل‌کننده و تقویت‌کننده محور دیگر است؛ هیچ مؤلفه‌ای به صورت منفرد و جزیره‌ای عمل نمی‌کند؛ مقاومت از حصار احساسات محض فراتر رفته و در تلفیقی از عقلانیت، ایمان و ساختار متجلی می‌شود؛ جهاد محدود به میدان رزم نظامی نبوده و مفهومی همه‌جانبه و زمان‌مند می‌یابد و مردم از جایگاه تماشاگران منفعل خارج شده و به ارکان اصلی پایداری و پیروزی تبدیل می‌گردند.

دستیابی به این هم‌افزایی نظام‌یافته، دقیقاً نقطه مقابل سناریوی مورد انتظار دشمن است؛ چراکه استراتژی دشمن بر محور گسست‌های داخلی، ضعف انسجام، ایجاد یأس و سردرگمی بنا شده و این منظومه یکپارچه، با از بین بردن همین بسترها، بنیان محاسبات دشمن را به طور کامل بر هم می‌ریزد.

### ۱-۲-۳. ضرورت کاربردی: قرآن به مثابه «کتاب تدبیر» در شرایط عینی

«مدیریت شرایط جنگ، تهدید، بحران و فتنه»، تنها یک عنوان تشریفاتی نیست، بلکه بازتابی دقیق و ضروری از وضعیت موجود انقلاب اسلامی است؛ وضعیتی که با تهدیدی مستمر و چندلایه، بحران‌سازی‌های مصنوعی پیاپی، فتنه‌های ترکیبی با ظاهری اجتماعی و باطنی امنیتی، و فشار هم‌زمان خارجی و عملیات داخلی تعریف می‌شود. در مواجهه با این واقعیت پیچیده، قرآن نمی‌تواند در جایگاه کتابی برای تبرک باقی بماند، بلکه باید به «کتاب تدبیر» و نقشه راه عملیاتی تبدیل گردد؛ همان‌گونه که در تجربه رهبری معظم انقلاب اسلامی، قرآن همواره منبع تحلیل شرایط، تشخیص صحنه، تنظیم اولویت‌ها و حفظ امید و جهت حرکت بوده است. براین اساس، این بحث در پی ارائه یک



«نظریهٔ ذهنی» صرف نیست، بلکه الگویی عملی برای مدیریت میدان است؛ الگویی که مربی قرآنی را در برابر شبهه مجهز می‌کند، فرمانده را در لحظهٔ تصمیم‌گیری تثبیت می‌نماید، نیروی میدانی را در اوج بحران‌ها آرام و امیدوار نگه می‌دارد و جامعه را از افتادن در دام آشوب و فرسایش مصون می‌دارد.

#### ۱-۲-۴. ضرورت زمانی: پاسخ به اقتضانات نبرد امروز

طرح این بحث در شرایط کنونی، یک ضرورت تاریخی اجتناب‌ناپذیر است. این ضرورت از چند واقعیت تلخ و روشن سرچشمه می‌گیرد: دشمن به‌صراحت کانون جنگ را از عرصهٔ «سخت» به جبههٔ «شناختی» منتقل کرده است؛ نسلی که امروز در خط مقدم این نبرد قرار دارد، بیش از هر زمان دیگری در معرض هجوم شبهات و موج‌های یأس‌آفرین قرار گرفته است و فتنه‌های نوین، اغلب با پوشش فریبندهٔ مطالبات اجتماعی، اما با طراحی و مهندسی بیرونی شکل می‌گیرند. در چنین میدان لغزنده و پیچیده‌ای، تنها سلاح کارآمد و شکست‌ناپذیر، تجهیز به بصیرت قرآنی، اتکا به امید الهی و حفظ پیوند استوار با ولایت است. چنان‌که تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی، خود گواه زنده کارآمدی این منطق است؛ منطقی که با تکیه بر آن توانسته‌ایم از حماسهٔ دفاع مقدس عبور کنیم؛ جریان‌های شوم تکفیری و داعشی را درهم بشکنیم؛ فتنه‌های به ظاهر پیچیده را خنثی کنیم و در برابر ابرقدرت‌هایی چون آمریکا و رژیم صهیونیستی ایستادگی تاریخی داشته باشیم.

باین حال، ادامهٔ این مسیر پیروزمند و پرشکوه، دیگر با تکرار صرف فرمول‌های دیروز ممکن نخواهد بود. آنچه امروز بیش از هر زمان نیاز داریم، بازخوانی هوشمندانه، بازتولید خلاقانه و سازمان‌دهی نوین معارف قرآنی است؛ نه با زبان و بیان دیروز، بلکه با درکی عمیق و کاربرستی دقیق از اقتضانات میدان نبرد امروز.

براین اساس، هدف غایی این بحث، گذار از وضعیت انفعال به اقتدار فعال است؛ خروج نیروهای جبهه انقلاب از چرخه واکنشی و تبدیل آنان به بازیگرانی که محاسبات دشمن را پیشاپیش و در مرحله طراحی خنثی می‌کنند. این منظومه در پی آن است که ذهن‌ها را از آلودگی شبهه و تاریکی ناامیدی پالایش کند و جامعه را بر پایه سه ستون استوار «ایمان»، «عقلانیت» و «امید»، در مسیر ولایت تثبیت و غیرقابل نفوذ نماید. در یک کلام، این منظومه قرآنی مدیریت شرایط جنگ، تهدید، بحران و فتنه است؛ مهندسی‌ای که از سه منبع اصیل قرآن، تجربه زیسته انقلاب و هدایت زنده ولایت سرچشمه گرفته و توان آن را دارد که نه تنها راه حال، که مسیر آینده را نیز روشن و پایدار نگه دارد. با تبیین هدف و ضرورت‌های آن، اکنون به سراغ چگونگی و ساختار این منظومه می‌رویم.

### ۱-۳. مهندسی معارف قرآنی برای مدیریت میدان‌های سخت

جنگ‌ها و بحران‌های تعیین‌کننده سرنوشت امروز، دیگر تنها در میدان نظامی رخ نمی‌دهند، بلکه در عرصه مدیریت ایمان، امید، عقلانیت، انسجام و اراده جمعی در شرایط پرفشار جریان دارند. دشمنان انقلاب اسلامی، پس از شکست‌های پیاپی، به این جمع‌بندی استراتژیک رسیده‌اند که مسیر غلبه بر جبهه حق، نه از طریق حمله مستقیم، بلکه از راه فرسایش درونی، تردیدافکنی، اختلال شناختی و فروپاشی اجتماعی می‌گذرد. در برابر این رویکرد پیچیده، قرآن کریم نمی‌تواند صرفاً به مثابه کتابی برای تلاوت یا توصیه‌های اخلاقی فردی باقی بماند، بلکه باید به نقشه جامع و عملیاتی مدیریت میدان تبدیل شود؛ مشروط بر آنکه معارف آن به صورتی مهندسی‌شده، منظومه‌ای و ناظر به صحنه واقعی فهم و به کار گرفته شود.

### ۱-۳-۱. مبانی نظری مهندسی معارف قرآنی

مهندسی معارف قرآنی برای مدیریت میدان، نیازمند اتکا بر بنیان‌های نظری مستحکمی است که امکان، مشروعیت و چهارچوب چنین منظومه‌سازی را تضمین می‌کند. این مبانی در سه اصل کلیدی قابل شناسایی است:

**الف) قرآن به مثابه کتاب تدبیر:** همان‌گونه که در مقدمه تشریح شد، قرآن کریم به مثابه «کتاب تدبیر» و نقشه راه عملیاتی است. این نگاه، مبنا و توجیه اصلی برای مهندسی و به‌کارگیری نظام‌مند معارف آن در مدیریت میدان‌های سخت به‌شمار می‌رود. براین اساس، قرآن ظرفیت آن را دارد که از متن مقدس محترم، به چهارچوبی زنده برای تحلیل صحنه، تنظیم محاسبات، تثبیت امید و تقویت اراده در پیچیده‌ترین شرایط تبدیل شود.

**ب) نظام‌مندی معارف قرآنی:** معارف قرآن کریم، مجموعه‌ای پراکنده و تصادفی نیست، بلکه منظومه‌ای به هم پیوسته است که هر جزء آن در ارتباط ارگانیک با اجزای دیگر معنا می‌یابد. این نظام‌مندی، امکان مهندسی و به‌کارگیری هدفمند این معارف را در شرایط مختلف فراهم می‌سازد.

**پ) زمان‌مندی و قابلیت تطبیق:** قرآن کریم با حفظ اصول ثابت، قابلیت تطبیق با شرایط متغیر تاریخی را داراست. این ویژگی، امکان بازخوانی هوشمندانه و بازتولید خلاقانه معارف قرآنی را برای پاسخ‌گویی به نیازهای زمانه فراهم می‌کند.

### ۱-۳-۲. منطق مهندسی معارف قرآنی در مدیریت شرایط

بر پایه سه مبنای یادشده، مهندسی معارف قرآنی در عرصه عمل و مدیریت میدان، در قالب هشت محور راهبردی زیر متجلی می‌شود. این محورها، حلقه‌های به هم پیوسته یک منظومه عملیاتی را تشکیل می‌دهند که پاسخ‌گوی نیازهای پیچیده شرایط جنگ، تهدید، بحران و فتنه است:

**الف) ایمان نصرت‌ساز و یقین‌آفرین؛ سد فروپاشی درونی: قرآن، نقطه آغاز**  
پیروزی را نه در بیرون، بلکه در عمق جان انسان و کانون جامعه تعریف می‌کند. آنجا که ایمان ریشه‌دار به یقینی استوار بدل می‌گردد، مانعی نفوذناپذیر در برابر توطئه‌های دشمن ایجاد می‌کند؛ ایمانی که اجازه نمی‌دهد ترس، جای تصمیم را بگیرد، تردید به نقطه نفوذ دشمن تبدیل شود، یا بحران‌های مقطعی، به یأس راهبردی منجر گردد. این ایمان نصرت‌ساز، همان موتور محرک و سامانه پیش‌ران جبهه حق است و به‌عنوان نخستین و حیاتی‌ترین گام در مدیریت هر بحران و فتنه، اساس هرگونه اقدام سنجیده و پیروزمند را پایه‌ریزی می‌کند.

**ب) سنت‌های قطعی الهی؛ چهارچوب تحلیل و روایت: قرآن، حوادث را**  
پدیده‌هایی بی‌منطق و رهاشده به تصویر نمی‌کشد، بلکه آن‌ها را در چهارچوب سنت‌های ثابت و حکیمانه الهی تفسیر می‌کند. سنت‌هایی مانند نصرت مشروط به تقوای پیشگان، امتحان و غربال برای ظهور مجاهدان راستین، معیت و یاری الهی در کنار صابران، و غلبه نهایی حق بر باطل، به جبهه ایمان ابزاری تحلیلی می‌بخشد تا شکست‌های مقطعی را پایان راه نپندارد و پیروزی را حاصل فرآیندی دانا‌محور و مبتنی بر اصول بداند، نه رویدادی تصادفی. این بینش عمیق، جنگ روایت‌ها و تفسیر وقایع را به سود جبهه حق مدیریت می‌کند و در هر حادثه‌ای، چه ظاهری تلخ و چه شیرین، درس‌های استقامت و امید را به نیروهای خودی می‌آموزاند.

**پ) جهاد همه‌جانبه؛ فعال‌سازی همه ظرفیت‌ها: در نگاه راهبردی قرآن،**  
جهاد مفهومی فراتر و فراگیرتر از میدان رزم نظامی است. امروز، جهاد تبیین در عرصه اندیشه، جهاد اقتصادی در میدان مقاومت معیشتی، جهاد علمی در

مرزهای دانش، جهاد امنیتی در مقابله با نفوذ، در کنار جهاد نفس برای تهذیب درون و آمادگی دفاعی برای صیانت از مرزها، یک منظومه واحد و به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند. این نگاه همه‌جانبه، جامعه را از انفعال و تماشاگری خارج کرده و هر فرد و نهاد را بر حسب تخصص و موقعیت خود، به یک «کنشگر» در صحنه تبدیل می‌کند؛ این دقیقاً در نقطه مقابل راهبرد دشمن قرار دارد که با ایجاد یأس و بی‌تفاوتی، در پی خالی کردن میدان از نیروهای مؤمن است.

**ت) مقاومت سازمان‌یافته و الگوی «رَبِّیون»؛ ستون پایداری بلندمدت:** قرآن پیروزی را نه محصول تلاش‌های پراکنده و افراد تک‌افتاده، بلکه ثمره شکل‌گیری نسلی تربیت‌یافته، به هم پیوسته و مقاوم می‌داند؛ همان الگوی «رَبِّیون» که در علم و تقوا پیش‌تاز و در میدان‌های گوناگون حاضرند. این منطق راهبردی، پیامدهای بنیادینی دارد: مقاومت را از یک هیجان زودگذر به یک ساختار پایدار و سازمان‌یافته تبدیل می‌کند، تاب‌آوری اجتماعی را در برابر ضربه‌ها و فشارها نهادینه می‌سازد، و با ایجاد یک پیکره منسجم و زنده، امکان فرسایش بلندمدت را از استراتژی دشمن سلب می‌نماید.

**ث) بصیرت و ایمن‌سازی شناختی؛ خنثی‌سازی جنگ ذهن‌ها:** در استراتژی جنگ نوین، دشمن بیش از آنکه در اندیشه تسخیر خاک باشد، به دنبال تسخیر ذهن‌ها و قلب‌ها است. در این میدان حساس، بصیرت قرآنی به عنوان سلاح اصلی و سپر دفاعی عمل می‌کند؛ بصیرتی که شایعه را بی‌اثر می‌سازد، تحریف را در برابر دیدگان جامعه افشا می‌کند، و شبهه را از یک تهدید به فرصتی برای تبیین و روشن‌گری تبدیل می‌نماید. این مؤلفه کلیدی، همان سپر شناختی جامعه است که آن را در برابر جنگ روانی دشمن واکسینه کرده و شرط لازم برای عبور سالم و هوشیارانه از پیچیده‌ترین فتنه‌ها به شمار می‌رود.

ج) وحدت و انسجام اجتماعی؛ خنثی سازی آشوب و بغی: قرآن با نگاهی ژرف به حکمرانی، تفرقه را صرفاً یک اختلاف نظر اجتماعی نمی داند، بلکه آن را یک تهدید راهبردی و خطر امنیتی علیه پیکره جامعه قلمداد می کند. در برابر این تهدید، وحدت حول محور «حبل الله» (قرآن و عترت) به عنوان تنها داروی شفابخش عمل می کند؛ وحدتی که مانع تبدیل اعتراضات قانونی به آشوب های سازمان یافته می شود، امکان سوء استفاده دشمن از گسل های قومی، مذهبی یا جناحی را سلب می نماید، و جامعه را همچون دژی نفوذناپذیر در برابر هرگونه بغی و اغتشاش مصون می دارد. این انسجام درونی، تنها سپر بقای جامعه در برابر تهدیدات ترکیبی نیست، بلکه شرط اساسی و غیرقابل جایگزین برای پیروزی نهایی جبهه حق است.

چ) ولایت مداری و حفظ فرماندهی واحد: در شرایط پیچیده و چندوجهی جنگ ترکیبی، که دشمن از هرگونه تشتت و چندصدایی بهره می برد، وجود چند مرکز تصمیم ساز و سیاست گذار، سم مهلکی است که اراده ملی را فلج می کند. در برابر این آشفتگی برنامه ریزی شده، ولایت مداری به عنوان ستون اصلی هدایت، نقش حیاتی خود را ایفا می نماید. ولایت مداری، وحدت فرماندهی را در کلیه عرصه ها برقرار ساخته و از پراکندگی نیروها جلوگیری می کند؛ تکلیف محوری و التزام به فرامین شرعی و راهبردی را جایگزین سلیقه گرایی و عمل براساس منافع شخصی و گروهی می نماید؛ و با ایجاد انسجام فکری و عملیاتی، شبکه های نفوذ و نفاق را که در شکاف های تصمیم گیری رشد می کنند، خنثی می سازد. این محور، نه تنها یک اصل اعتقادی، بلکه ستون مرکزی هدایت کل منظومه دفاعی و مدیریتی در برابر تهدیدات ترکیبی است.

ح) عدالت، مردم داری و اخلاق مجاهدانه؛ حفظ سرمایه اجتماعی: قرآن،

پیروزی پایدار را بدون نقش آفرینی و حضور فعال مردم ناممکن می‌داند. در این معادله، اجرای عدالت، برخورداری از رأفت، خدمت‌رسانی صادقانه و رعایت اخلاق در حکمرانی و کنش اجتماعی، ارکان حفظ این پیوند حیاتی هستند. این ارزش‌ها اعتماد عمومی را که سرمایه نرم نظام است، حفظ می‌کنند؛ مردم را از تماشاگرانی منفعل به پشتوانه‌ای زنده و فعال برای جبهه مقاومت تبدیل می‌سازند؛ و بدین ترتیب جبهه حق را از درون مستحکم و غیرقابل نفوذ نگه می‌دارند. بی‌تردید، بدون پایبندی عملی به اخلاق و عدالت، حتی دستاوردهای ظاهری و پیروزی‌های مقطعی نیز فاقد استحکام و تداوم خواهند بود و در معرض فرسایش از درون قرار می‌گیرند.

**جمع‌بندی:** این هشت اصل، نه فهرستی پراکنده، بلکه اجزای یک منظومه به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند که در تعامل با یکدیگر، معادله عملیاتی غلبه جبهه حق را می‌سازند. مهندسی معارف قرآنی دقیقاً به معنای درک این تعامل‌ها و به کارگیری نظام‌مند آن‌ها در مدیریت میدان‌های سخت است. این همان تحولی است که قرآن را از متن مقدس محترم به نقش‌آراه زنده و کارآمد برای اداره شرایط جنگ، تهدید، بحران و فتنه تبدیل می‌کند. این اصول در تعامل با یکدیگر، معادله نهایی غلبه جبهه حق را شکل می‌دهند.

#### ۴-۱. معادله قرآنی غلبه جبهه حق

برآیند نهایی این منظومه مهندسی شده، پاسخی عینی و آزمون‌شده به همان ضرورتی است که در آغاز تشریح شد: تبدیل قرآن از متن مقدس محترم به نقشه راه عملیاتی برای اداره شرایط پیچیده. این تبدیل در قالب یک معادله کاربردی متجلی می‌شود که مؤلفه‌های هشت‌گانه حیاتی را در یک کلیت هم‌افزا ترکیب می‌کند: ایمان یقین‌آفرین به عنوان موتور محرکه و پاسخ به جنگ روانی

دشمن؛ سنت‌شناسی الهی به‌عنوان نقشه راه تحلیلی و ابزار درک صحنه‌های به‌ظاهر آشوب‌زده؛ مقاومت سازمان‌یافته به‌عنوان سازه پایداری در برابر فشارهای مستمر؛ جهاد همه‌جانبه به‌عنوان میدان عمل در تمام عرصه‌های نبرد نوین؛ بصیرت شناختی به‌عنوان سپر دفاعی در برابر هجوم شبهات و تحریف‌ها؛ وحدت اجتماعی به‌عنوان پیکره یکپارچه و مانع تفرقه‌افکنی؛ ولایت‌مداری به‌عنوان ستون هدایت و تضمین وحدت رویه؛ و عدالت و مردم‌داری به‌عنوان پایه مشروعیت و حفظ سرمایه اجتماعی.

این معادله، دقیقاً همان «چهارچوب پایدار، الهام‌بخش و جهت‌دهنده» ای است که برای مدیریت شرایط ناپایدار جنگ ترکیبی ضروری تشخیص داده شد. حاصل جمع این اجزای به‌هم‌پیوسته، سه دستاورد راهبردی را محقق می‌سازد که مستقیماً پاسخ‌گوی چالش‌های مطرح در مقدمه است: نخست، مدیریت موفق شرایط پیچیده جنگ، تهدید، بحران و فتنه که همان «اداره مستمر شرایط ناپایدار» مورد اشاره است؛ دوم، تحقق غلبه جبهه حق بر جبهه باطل در درازمدت که هدف نهایی رجوع به قرآن برای هدایت است؛ و سوم، برهم زدن کامل معادلات و محاسبات استکبار جهانی که معنای عملی پیروزی در جنگ ذهن‌ها و دل‌هاست.

این مهندسی هدفمند و نظام‌یافته، عینیت‌بخش این ادعای کلیدی است که پیروزی انقلاب اسلامی، رویدادی تصادفی نبوده، بلکه تجلی عینی سنت‌های الهی در گستره تاریخ است. براین اساس، مقاومت در برابر دشمنان، هرگز یک واکنش هیجانی و کوتاه‌مدت نیست، بلکه یک منظومه عمیقاً عقلانی، ایمانی و مهندسی شده است که قابلیت تطبیق با پیچیده‌ترین میدان‌ها را دارا می‌باشد. نتیجه نهایی این نگاه، تحقق همان ضرورت آغازین است: قرآن کریم، تنها



کتاب اخلاق فردی یا مراسم مذهبی نیست، بلکه کتاب راهبردی و نقشه جامع اداره میدان‌های سخت جنگ، بحران و فتنه است. درنهایت، جبهه حق تا زمانی که اجزای این معادله قرآنی را یکپارچه و زنده نگه دارد، در برابر هرگونه توطئه و هجمه‌ای شکست‌ناپذیر و پیروزمند خواهد ماند؛ زیرا این معادله، ترجمه عملیاتی همان «هدایت زنده قرآن» است که می‌تواند جامعه را در مسیر صحیح حفظ کند.

تحقق عملی این معادله پیروزی، مستلزم عزمی ملی، برنامه‌ریزی هوشمند و تقسیم کاری روشن میان تمامی نهادهای حاکمیتی و اقشار مختلف مردم است. تنها با چنین همکاری منظومه‌واری است که این مهندسی قرآنی از متن به میدان زندگی و نبرد منتقل شده، شکست‌ناپذیری نظام را عینیت می‌بخشد و ضرورت رجوع به قرآن را از یک توصیه نظری به یک واقعیت ملموس و پیروزمند تبدیل می‌کند.



بخش دوم:

**محورهای تفصیلی منظومه قرآنی  
در مدیریت میدان**





## محور اول:

# ایمان نصرت ساز و یقین آفرین

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹).  
و هرگز سست نشوید و غمگین مباشید که شما برترید اگر مؤمن  
باشید.

### ۱-۱. هدف کلان

ایجاد و نهادینه سازی مکانیزم روانی - معنوی «ثبات قلب» در فرد و جامعه  
مؤمنان، به گونه ای که در مواجهه با فشارها، شکست های مقطعی و جنگ روانی  
دشمن، واکنش غالب، نه «سستی و اندوه»، که «احساس برتری و اعتماد به  
نفس برخاسته از ایمان» باشد؛ تا ظرفیت تحلیلی و کنشی در شرایط بحران  
حفظ و تقویت گردد.

### ۲-۱. کارکرد کلان

جلوگیری از فروپاشی درونی، تزلزل روانی و نفوذ تردید در شرایط جنگ،  
تهدید و بحران.

### ۳-۱. تبیین محوری

در میدان نبرد نوین که هدف دشمن، تسخیر ذهن ها و دل ها با سلاح های شبهه،  
تحریف و یأس است، راهبرد بنیادین قرآن در مواجهه با این جنگ شناختی،

ارائه محور «ایمان بصیرت‌آفرین و یقین‌ساز» است. قرآن نقطه آغاز پیروزی را نه در بیرون، که در عمق جان انسان و کانون جامعه تعریف می‌کند. در این منطق، ایمان ریشه‌دار به یقینی استوار بدل می‌گردد که سدی نفوذناپذیر در برابر شبهه‌افکنی دشمن ایجاد کرده، اجازه نمی‌دهد ترس جای تصمیم را بگیرد یا بحران به یأس بینجامد. این ایمان، سلاح اصلی رزمنده و موتور محرک پدافند عمیق در برابر جنگ روانی است.

#### ۴-۱. مؤلفه‌های اساسی (با استناد قرآنی)

##### ۴-۱-۱. توحید عملی و اتکا به خدا

ایمان قرآنی، صرف اعتقاد ذهنی نیست؛ بلکه تکیه واقعی دل و تصمیم بر خداوند در میدان عمل است.

#### الف) آیات و شواهد قرآنی

«قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (توبه: ۵۱)؛ بگو: هیچ حادثه‌ای برای ما رخ نمی‌دهد، مگر آنچه خداوند برای ما نوشته و مقرر داشته است؛ او مولا (و سرپرست) ماست؛ و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.»

«وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (مائده: ۲۳)؛ و اگر مؤمن هستید بر خدا توکل کنید.»

«وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران: ۱۲۲)؛ افراد باایمان، باید تنها بر خدا توکل کنند.»

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ» (طلاق: ۳)؛ و کسی که بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است، [و] خدا فرمان و خواسته‌اش را [به هر کس که بخواهد] می‌رساند.»

«أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ» (زمر: ۳۶)؛ آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده اش کافی نیست؟!»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- اتکا به خدا، عامل آرامش، جسارت تصمیم و رهایی از محاسبات فلج‌کننده است؛
- باور به حاکمیت و تدبیر الهی، بزرگ‌ترین پناهگاه روانی برای مقابله با غیرمنتظره‌ها و کاهش اضطراب ناشی از حوادث سخت است؛
- توکل، یک شعار نیست؛ نشانه ممیزه و تکلیف همیشگی مؤمن در همه میدان‌ها (از جنگ نظامی تا جنگ روانی) برای خنثی‌سازی ترس است؛
- توکل و ایمان واقعی، فرد را تحت پوشش و محاسبه ویژه الهی قرار می‌دهد و خداوند خود، متکفل کار و پشتیبان او در رسیدن به مقصود می‌شود؛<sup>۱</sup>
- این خطاب تأکیدی «أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ»، مخاطب را وادار می‌کند که با مرور نصرت‌های گذشته، پاسخ «آری» دهد و برای مقابله با چالش جدید، امید و اطمینان خود را تجدید کند.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

- حرکت امت اسلامی، این حرکتی که با تشکیل نظام جمهوری اسلامی در دنیا آغاز شده است و هرچه هم تلاش کرده‌اند نتوانسته‌اند آن را از بین ببرند و روزه‌روز قوی‌تر شده است، روزه‌روز عمیق‌تر شده است، این نهضت قطعاً پیروز خواهد شد؛ دشمنی دشمنان نمی‌تواند این حرکت عظیم را از بین ببرد. اینجا ما باید به توصیه و امرِ آیه شریفه قرآن... عمل کنیم: «فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ»؛ اگر دیدی با تو مخالفت می‌کنند، اگر دیدی روگردانی می‌کنند، اگر دیدی با ابزارهای گوناگون از همه طرف تو را احاطه می‌کنند، «فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.» این توکلِ امام بزرگوار ما بود که راه را به

---

۱. «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال: ۴۹).

ما نشان داد و ما را تا اینجا رساند و ملت ایران با همین توکل ان شاء الله راه را ادامه خواهد داد.<sup>۱</sup>

- اگر به خدا توکل داشته باشیم و به خودمان اعتماد کنیم، روحیه‌های مان قوی خواهد بود؛ هم در زمینه علمی، هم در زمینه مدیریتی، هم در زمینه اداری. آنچه من بر روی آن تکیه می‌کنم روحیه انقلابی‌گری است؛ این روحیه را باید حفظ کنید.<sup>۲</sup>

- در همه تلاش‌های ما، آن چیزی که به تلاش ما برکت می‌دهد و اراده و عزم ما را راسخ می‌کند، توکل و توجه به خدای متعال و اخلاص است. در همه زمینه‌ها این لازم است.<sup>۳</sup>

#### ۱-۴-۲. توکل همراه با اقدام؛ نه انفعال

توکل قرآنی هرگز به معنای دست‌روزی دست‌گذاشتن نیست، بلکه اعتماد به خدا پس از تدبیر، اقدام و حضور در میدان است.

#### الف) آیات و شواهد قرآنی

«فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (آل عمران: ۱۵۹)؛ اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن!»  
«وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُنْشِئُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (نساء: ۸۱)؛ و [آنان در محضر تو] می‌گویند: ما مطیع و فرمانبرداریم، ولی هنگامی که از نزد تو بیرون می‌روند، گروهی از آنان در شب‌نشینی‌های مخفیانه

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۵/۲/۱۶.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۵/۸/۱۲.

۳. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور، ۱۳۹۰/۱۰/۷.

خود بر خلاف آنچه تو می‌گویی، [و غیر آنچه در حضورت می‌گفتند] تدبیر می‌کنند. خدا آنچه را که در شب‌نشینی‌های مخفیانه تدبیر می‌کنند [در پرونده اعمال‌شان] می‌نویسد. بنابراین از آنان روی برتاب، و بر خدا توکل کن؛ و کارساز بودن خدا [نسبت به امور بندگان] کافی است.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- ایمانی که عزم آهنین را با توکل زنده می‌آمیزد، در پیچیده‌ترین شرایط، تصمیمی شجاعانه و بی‌تزلزل می‌آفریند؛
- اراده جنبه درونی و روانی (موتور و نیروی محرکه) و عزم جنبه عملی (شروع با حرکت و اراده) دارد؛
- اقدام مبتنی بر عقل و اراده، مقدمه ضروری توکل فعال است؛
- توکل، عامل رفع دودلی و تقویت اراده برای اقدام نهایی است؛
- توکل واقعی، همراه با بهره‌گیری از همه اسباب مشروع و عقلانی است؛
- توکل، نقطه اوج یک فرآیند مدیریتی خردمندانه و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

- [در مواجهه با دشمن] خطر وجود دارد، فشار می‌آورند؛ «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا»؛ در مقابل همه این فشارها به خدا تکیه کن؛ توکل معنایش این نیست که کار را رها کنی و بنشیند تا خدا بیاید عوض شما کار را انجام بدهد؛ این نیست؛ توکل این است که شما راه بیفتید، عرق بریزید، تلاش کنید، آن وقت یقین داشته باشید که خدای متعال شما را کمک خواهد کرد.<sup>۱</sup>

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ۱۳۹۵/۳/۳.



- در عرصه‌های گوناگون جهانی، درگیری‌ها غالباً جنگ اراده‌ها است؛ هر طرفی که اراده‌اش زودتر ضعیف شود، شکست خواهد خورد. صبر یعنی این عزم را، این اراده را نگه داشتن، حفظ کردن. توکل هم یعنی کار را انجام دادن و نتیجه را از خدا خواستن. گمان نشود - که البته در فضای دینی امروز گمان هم نمی‌شود؛ در گذشته چرا، تبلیغ می‌شد، این جور توهم می‌شد - که توکل یعنی بنشین تا خدا برساند، بنشین تا خدا درست کند، بنشین تا خدا گره را باز کند؛ نه، توکل یعنی کار را انجام بده، نتیجه را از خدا بخواه؛ منتظر نتیجه از سوی پروردگار باش. بنابراین در موضوع توکل - به قول ما طلبه‌ها - «کار» اخذ شده است.<sup>۱</sup>

#### ۱-۴-۳. تردید به دل راه ندادن

تردید، از نگاه قرآن، نه یک حالت طبیعی بی‌خطر، بلکه دروازه نفوذ شیطان و دشمن است؛ به‌ویژه در میدان‌های حساس. قرآن نه تنها به مؤمنان هشدار می‌دهد که در برابر تردید مقاومت کنند، بلکه منشأ آن و راه مقابله با آن را نیز به وضوح نشان می‌دهد.

#### الف) آیات و شواهد قرآنی

«إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ» (آل عمران: ۱۷۵)؛ این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی‌اساس)، می‌ترساند. «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹)؛ و هرگز سست نشوید و غمگین مباشید که شما برترید اگر مؤمن باشید. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰)؛ بی‌تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس [در میدان عمل بر این حقیقت]

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۲/۴/۳۰.

استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند [و می‌گویند]:  
مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می‌دادند،  
بشارت باد.»

«يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ  
الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ (ابراهيم: ۲۷)؛ خدا مؤمنان را به سبب اعتقاد  
و ایمان‌شان در زندگی دنیا و آخرت ثابت قدم و پابرجا می‌دارد، و خدا  
ستمکاران [به آياتش] را [به علت لجاجت و عنادشان] گمراه می‌کند، و  
خدا هر چه بخواهد [براساس حکمتش] انجام می‌دهد.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- ترس و تردید القایی، ابزار جنگ روانی دشمن برای فلج‌سازی جبهه حق است؛
- ترس و وحشت را نه یک واقعیت گریزناپذیر، که یک حمله روانی حساب‌شده از سوی دشمن (شیطان و اولیائش) بدانید و اثر آن را با این شناسایی خنثی کنید؛
- با دوری از سستی و اندوه، ظرفیت روانی فردی و جمعی را برای اقدام، مقاومت و برنامه‌ریزی فعال حفظ کنید.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

یکی از معارف، ایستادگی و تسلیم نشدن در مقابل زورگو است. امروز... انگیزه  
شدید و قوی‌ای وجود دارد برای اینکه ملت ایران را قانع کنند که آقا باید کوتاه  
بیایید. ... ملت ما بحمدالله ایستاده، اما بایستی نیروی معنوی را پی‌درپی  
تزریق کرد، نیروی معنوی را پی‌درپی باید زنده کرد؛ این یکی از معارف است.  
در همین دعای صحیفه سجّادیه [آمده: «وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ ... يَدًا»؛  
یعنی من را مدیون کافر و فاسق نکن، من را محتاج آنها نکن، چشم من به دست

آنها نباشد، من در مقابل آنها احساس ضعف نکنم؛ این یکی از معارف است. اینکه از خدا می‌خواهد او را در مقابل دشمن به این وضع دچار نکند، معنایش این است که در مقابل دشمن نباید به این وضع دچار شد.<sup>۱</sup>

#### ۱-۴-۴. نفی ترس و مرعوبیت در برابر دشمن

قرآن به صراحت، مؤمنان را از ترس دشمن نهی می‌کند و منشأ ترس را ضعف ایمان یا فریب القائنات شیطانی معرفی می‌کند. مؤمنان باید در برابر دشمن، صلابت و قدرت داشته باشند و به جای ترسیدن از آنان، تنها از خداوند بترسند.

#### الف) آیات و شواهد قرآنی

«فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۷۵)؛ از آنها نترسید! و

تنها از من بترسید اگر ایمان دارید.»

«الَّذِينَ قَالُوا لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ... فَرَاذَهُمْ إِيْمَانًا

(آل عمران: ۱۷۳)؛ اینها کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: «مردم [= لشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند؛

... اما این سخن، بر ایمان‌شان افزود.»

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانًا مَرْصُوصًا (صف: ۴)؛

خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند گویی بنایی آه‌نین‌اند!»

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ

(فتح: ۲۹)؛ محمد ﷺ فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در

برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.»

«فَلَا تَخْشَوْا النَّاسَ وَخَشَوْنَ اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا (مائده: ۴۴)؛ پس از

مردم نترسید و از من بترسید، و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید.»

«الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۹۸/۱۱/۲۶.

حَسْبِيَ (احزاب: ۳۹)؛ [آری این روش خداست دربارهٔ آنان که همواره پیام‌های خدا را به مردم می‌رسانند و از [عظمت و مقام] او می‌ترسند و از هیچ کس جز او واهمه ندارند و برای حسابرسی [کار با ارزش اینان] خدا کافی است.]»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- خبرسازیِ تهدیدآمیز دشمن، اگر درست فهم شود، می‌تواند ایمان‌افزا باشد نه تضعیف‌کننده؛
- مهم‌ترین ابزار دشمن برای دستیابی به اهدافش، ترساندن است: «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۷۵)؛ این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی‌اساس)، می‌ترساند. از آنها نترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید!»؛
- شرط مهم برای ایجاد تحوّل، ترسیدن از دشمن و دشمنی‌ها است. چنان‌که خدای متعال به پیغمبرش فرمود: «وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ (احزاب: ۳۷)؛ از مردم نباید ترسی؛ از حرف این و آن نباید ترسی.»
- در مواجهه با حوادث سخت مثل جنگ، تحریم و ... راهبرد قرآن ایستادگی و نترسیدن است.<sup>۱</sup>
- معیار سنجش ایمان عملی، انتقال ترس از دشمن به خشیت از خدا است؛ این انتقال، بنیان روانی تمام شجاعت‌های میدانی است؛
- آموزش مدل رفتاری گروهی که اخبار تهدیدآمیز، نه تنها آنان را نمی‌هراساند، بلکه محرکی برای تقویت عینی ایمان و اعلام حضور بیشتر می‌شود؛
- محبوبیت الهی، شامل رزمندگانی می‌شود که در عین ایثار، چنان منسجم، منظم و به هم پیوسته عمل می‌کنند که گویی بنایی یکپارچه‌اند؛

۱. ر.ک. احزاب (۳۳)، آیه ۲۲؛ یونس (۱۰)، آیه ۶۲؛ بقره (۲)، آیه ۱۱۲ و ...

• الگوی انقلابی، تلفیق شدت و صلابتِ غیرقابل نفوذ در برابر دشمن با رحمت و همبستگی عمیق در درون صفوف خودی است.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

– اعتقاد بنده این است که امروز در دنیای اسلام، دشمنان اسلام و امت اسلامی به طور عمده از دو سلاح استفاده می‌کنند: یکی سلاح رعب، دیگری سلاح تطمیع. دولت‌ها و روشنفکران و برگزیده‌ها و آحاد ملت را گاهی مرعوب و گاهی تطمیع می‌کنند و هر دویِ اینها شبکه‌های شیطان است. از ارباب آنها نباید ترسید: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ.. اینها برای ما درس است؛ باید این گونه حرکت کنیم. نباید از ارباب دشمن مرعوب شد. به تطمیع دشمن هم نباید دل بست؛ چون دشمن هیچ خیری نمی‌رساند و تطمیع او دامی بیش نیست. این قضیه، هم در مورد اشخاص، هم در مورد دولت‌ها و حکومت‌ها، هم در مورد نخبگان و هم در مورد آحاد مردم صدق می‌کند. به تطمیع آنها امیدوار نشویم و از ارباب آنها نترسیم. ما قدرتمندیم: «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ ان كنتم مؤمنين»<sup>۱</sup>.

– یک شرط مهم برای ایجاد تحوّل، ترسیدن از دشمن و دشمنی‌ها است. خدای متعال به پیغمبرش می‌فرماید که «وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ»؛ از مردم نباید بترسی؛ از حرف این و آن نباید بترسی. بالاخره هر اقدام مثبتی، هر کار مهمی ممکن است یک عده‌ای مخالف داشته باشد؛ مخالف، مخالفت می‌کند. امروز با حضور فضای مجازی، نوع مخالفت‌ها هم غالباً نوع برخوردکننده و تیز و

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش «جهان اسلام، چالش‌ها و فرصت‌ها»، ۱۳۸۲/۱۰/۲.

آزاردهنده است؛ اگر چنانچه یک حرکت مهمّ صحیح متقن محاسبه شده‌ای انجام می‌گیرد، باید ملاحظه اینها را نکنند. ملاحظه دشمن خارجی را هم نباید بکنند... باید از اینها ترسید، باید حرکت کرد؛ و به نظر من راهش هم این است که نیروهای جوان حضور داشته باشند؛ آن که ملاحظه نمی‌کند و نمی‌ترسد و بدون ملاحظه حرکت می‌کند نیروی جوان است.<sup>۱</sup>

– در مواجهه با حوادث نباید دچار ترس و دلهره شد؛ «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ این [آیه] در سوره یونس است؛ نگاه کردم، در سوره بقره [هم] شاید چهار پنج جا «لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» در مورد مؤمنین آمده. خب، این به خاطر ایمان است، به خاطر ارتباط با خدا است، به خاطر قبول ولایت الهی است؛ خوف و مانند آن نباید باشد.<sup>۲</sup>

#### ۱-۴-۵. ایمان افزاینده در دل بحران

ایمان حقیقی، در شرایط آرام سنجیده نمی‌شود؛ بلکه در دل تهدید، فشار و محاصره رشد می‌کند.

#### الف) آیات و شواهد قرآنی

«فَرَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (آل عمران: ۱۷۳)؛ اما این سخن، بر ایمان‌شان افزود؛ و گفتند: «خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست.»

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ (فتح: ۴)؛ او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمان‌شان بیفزایند.»

---

۱. سخنرانی تلویزیونی امام خامنه‌ای رحمته‌الله به مناسبت سی و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۹۹/۳/۱۴.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۷/۱۲/۲۳.

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- بحران، اگر درست مدیریت شود، کارگاه تربیت ایمان و یقین است؛
- مؤمنان حقیقی، اخبار تهدیدآمیز را نه تنها بی‌اثر می‌کنند، بلکه آن را به موتور محرکی برای افزایش ایمان و توکل جمعی تبدیل می‌نمایند؛
- «سکینه» (آرامش عمیق و اطمینان قلب) یک موهبت الهی است که خداوند مستقیماً در دل مؤمنان می‌افکند تا در اوج فشار، ظرفیت ایمانی آنان را ارتقا دهد.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

– اسلام، می‌تواند دنیای امروز را از این رو به آن رو کند... طرفداران اسلام، معتقدان به اسلام، مؤمنان به اسلام می‌توانند دنیا را از سراسیمی فساد به سمت ارتفاعات صلاح و نجات و شرافت بیرون بکشند؛ می‌توانند از طرف جهنم بکشند به طرف بهشت؛ ... منتها یک شرط دارد: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ»؛ «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» یعنی می‌توانید دنیا را پشت سر خودتان راه بیندازید؛ اما کی؟ «إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ ایمان لازم است. خب من و شما یک ایمانی داریم الحمدلله، خدا را شکر، اما این ایمان، ایمان ابوذر نیست؛ عمل‌مان را باید درست کنیم، کارمان را باید درست کنیم، دل‌مان را باید درست کنیم. اگر توانستیم این کارها را بکنیم، به نصیحت قرآن، به نصیحت اسلام، به نصیحت پیغمبر گوش فرا بدهیم، به نهج‌البلاغه اهمیت بدهیم و عمل بکنیم، ما هم همان چیزی را خواهیم داشت که آن روز پیغمبر داشت، همان کاری را خواهیم توانست کرد که پیغمبر آن روز کرد؛ می‌توانیم دنیا را برگردانیم به سمت صلاح؛ جوامع تحت سلطه همین آدم‌های ناباب را می‌توان تبدیل کرد به جامعه پیشرفت‌انسان‌ساز.<sup>۱</sup>

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اعظم (ص)،

ما [دنیای اسلام] نباید ضعیف باشیم، ما باید قوی باشیم. قوت فقط به سلاح نیست، قوت فقط به پول نیست؛ مبنای اصلی قوت، ایمان به خدا و پایداری است. خدای متعال [می فرماید]: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا»؛ اگر ایمان به خدا بود و اگر کفر به طاغوت بود، این تمسک به عروۀ وثقی است، این مایۀ قدرت است، مایۀ اقتدار است. در دنیای اسلام، این را ما باید ترویج کنیم؛ این را باید بخواهیم.<sup>۱</sup>

### ۵-۱. جمع بندی محور اول / منطق راهبردی

قرآن کریم در این محور به وضوح ترسیم می کند که شکست حقیقی نه در میدان نبرد، که از درون قلب ها و جان ها آغاز می گردد. این فروپاشی درونی، هنگامی رخ می نماید که دشمن بتواند سلاح های روانی خویش، یعنی تردید و ترس، را در دل نیروهای مؤمن نفوذ دهد. در برابر این هجوم، تنها یقین ریشه دار توحیدی است که می تواند به عنوان سدی نفوذناپذیر، عاملی برای آرامش در طوفان های بحران، و موتوری بی وقفه برای حرکت به سوی پیشرفت چهارچوب و پیروزی عمل کند.

### ۶-۱. گزاره راهبردی نهایی

تردید، نقطۀ نفوذ دشمن است؛ یقین توحیدی، سد فروپاشی روانی و زمینه ساز نصرت الهی است. این محور، سنگ بنای همه محورها بعدی است؛ زیرا بدون ایمان یقینی، مقاومت، جهاد، بصیرت و ولایت مداری نیز پایدار نخواهد ماند.

### ۷-۱. چگونگی تحقق ایمان نصرت ساز و یقین آفرین

ایمان نصرت ساز، محصول موعظه صرف یا هیجان مقطعی نیست؛ بلکه نتیجه

---

۱. بیانات امام خامنه ای (عجله) در دیدار قاریان و حافظان برتر شرکت کننده در مسابقات بین المللی قرآن کریم، ۱۳۹۵/۲/۲۹.



یک فرآیند تربیتی - عملیاتی مستمر است که باید آگاهانه طراحی و مدیریت شود. قرآن، ایمان را امری «ساختنی» و «افزاینده» می‌داند، نه صرفاً حالتی ثابت. در ادامه این مرحله بیان می‌شود.

#### ۱-۷-۱. انتقال ایمان از سطح ذهن به میدان عمل

ایمان، زمانی به موتور نصرت و پیروزی تبدیل می‌شود که از حصار باور قلبی فراتر رفته و در سه عرصه حیاتی متجلی گردد: در لحظات سرنوشت‌ساز، حضوری تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری بیابد؛ در سخت‌ترین شرایط، به نیرویی فعال برای تحمل و استقامت بدل شود؛ و در عرصه انتخاب نهایی، خود را به‌صورت آمادگی کامل برای هزینه‌دادن در راه هدف مقدس نشان دهد؛ چنان‌که قرآن فرمان می‌دهد: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (آل‌عمران: ۱۵۹)؛ اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکل کن»

پرورش چنین ایمان عملیاتی، نیازمند یک راهبرد سه‌بعدی است: نخست، تمرین تصمیم‌گیری شجاعانه در دل ابهام‌ها تا جامعه در جنگ ترکیبی دچار فلج تحلیلی نشود؛ دوم، عادی‌سازی فرهنگ هزینه‌دهی برای حق تا ایشار، قاعده و نه استثنای کنش انقلابی شود. و سوم، پرهیز از شرطی‌کردن ایمان به نتایج سریع دنیوی؛ زیرا تکیه‌گاه ایمان واقعی، وعده‌های الهی است، نه موفقیت‌های آنی؛ و این، رمز نهایی پایداری و شکست‌ناپذیری در مسیر طولانی مبارزه است.

#### ۱-۷-۲. پیوند ایمان با سنت‌های الهی نه تحلیل‌های صرفاً مادی

یقین، آن ایمان استوار و شکست‌ناپذیر، زمانی در جان انسان شکل می‌گیرد که سه رکن اصلی را درک کند: نخست، تاریخ نصرت الهی را نه به‌عنوان قصه، بلکه به‌عنوان الگویی مکرر بفهمد؛ دوم، سنت‌های ثابت و تغییرناپذیر الهی در پیروزی و شکست را بشناسد؛ و سوم، بداند که تأخیر در نصرت، هرگز به معنای نفی نصرت

نیست. این بینش، بر دو آیه محوری استوار است: شرط اساسی در «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد: ۷)؛ اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند» و قاعده اطمینان بخش «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب: ۶۲)؛ و برای سنت (و روش) خدا هرگز تغییر و دگرگونی نخواهی یافت.»

راهبرد تبدیل این فهم به باوری عملیاتی نیز سه‌گانه است: تبیین هر شکست یا عقب‌افتادگی مقطعی در چهارچوب حکیمانه «آزمون و رشد»، جلوگیری از تسلط تحلیل‌های مایوس‌کننده و کوتاه‌بینانه بر فضای فکری جامعه، و مهم‌تر از همه، پیوند زدن حوادث و تحولات روزمره با سنت‌های کلی و فراتاریخی قرآن، تا هر رویدادی نه یک اتفاق تصادفی، که حلقه‌ای از زنجیره حکمت الهی برای امتحان، پیرایش و تقویت جبهه حق قلمداد شود.

### ۱-۷-۳. ایمن‌سازی شناختی در برابر تردید، شایعه و جنگ روانی

ایمان، بدون مصونیت ذهنی و ایمن‌سازی شناختی، در میدان ویرانگر جنگ روانی دشمن تاب نمی‌آورد. قرآن کریم بارها هشدار داده که استراتژی دشمن، پیش از هر حمله سخت، معطوف به «تسخیر دل‌ها» و آلوده‌سازی ذهن‌هاست. این منطق در آیه راهبردی «لَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً» (توبه: ۴۶)؛ اگر آنها اراده داشتند که (به‌سوی میدان جهاد) خارج شوند، وسیله‌ای برای آن فراهم می‌ساختند»، آشکار است؛ آنجا که قرآن نیت واقعی منافقان را نه در سخنان‌شان، که در آمادگی عملی و ذهنی آنان جست‌وجو می‌کند. براین اساس، راهبرد دفاعی بر سه محور استوار است: نخست، آموزش سواد رسانه‌ای و خبری مبتنی بر معیارهای قرآنی، تا مخاطب بتواند حق را از تحریف تشخیص دهد؛ دوم، شناخت نظام‌مند الگوها، تکنیک‌ها و اهداف شایعه‌سازی و شبهه‌پراکنی دشمن، به گونه‌ای که نیروهای خودی غافلگیر نشوند؛ و سوم، تبدیل

هر تهدید خبری و حمله شناختی به فرصتی برای تبیین، روشن‌گری و تقویت ایمان جمعی، زیرا پاسخ فعال به شبهه، از خود شبهه نیروبخش‌تر است.

#### ۱-۷-۴. تبدیل بحران به «کارگاه افزایش ایمان»

ایمان قرآنی، محصول رفاه و آسایش نیست، بلکه در کوره‌های سخت فشار و بحران است که آبدیده و افزون می‌شود. این اصل را خداوند در آیه راهبردی «لِيُزِدَاْوَ اِيْمَانًا مَّعَ اِيْمَانِهِمْ (فتح: ۴)؛ تا ایمانی بر ایمان‌شان بیفزایند»، بیان می‌کند، و نشان می‌دهد که هر سختی، در منطق الهی، می‌تواند کارگاه افزایش ایمان باشد. راهبرد تبدیل تهدیدها به این فرصت معنوی، سه‌بعدی است: نخست، بازخوانی و تحلیل درست بحران‌ها براساس سنت‌های الهی، نه احساسات زودگذر؛ دوم، روایت‌سازی فعال و الهی از پدیده‌هایی مانند جنگ، تحریم و تهدید، به گونه‌ای که در چهارچوب آزمایش و تقویت الهی معنا شود؛ و سوم، جلوگیری قاطع از شکل‌گیری و گسترش روایت‌های مایوس‌کننده، شکست‌محور و بن‌بست‌ساز، زیرا روایت دشمن از بحران، خطرناک‌تر از خود بحران است.

#### ۱-۸. نتیجه راهبردی نهایی

در منطق قرآنی، پیروزی نهایی از دل ایمان ثابت‌قلب و عملیاتی‌شده بیرون می‌آید. نتیجه راهبردی این محور آن است که با تبدیل ایمان از یک باور ذهنی به یک منبع قدرت روانی و عملی، و با ایمن‌سازی دل‌ها در برابر ترس و تردید، می‌توان جبهه درونی را آن‌چنان تقویت کرد که هیچ شکست بیرونی نتواند به فروپاشی روانی و معنوی منجر شود. این ثبات برخاسته از یقین، زیربنای همه اشکال مقاومت، جهاد و پیروزی در میدان‌های سخت و نرم است.

## ۹-۱. نقش آفرینان کلیدی در تثبیت ایمان جبهه حق

تحقق ایمان نصرت‌ساز، یک مأموریت جمعی و شبکه‌ای است و هر رکن جبهه انقلاب، وظیفه‌ای خاص و غیرقابل جای‌گزین دارد:

### ۱-۹-۱. نقش پاسداران

#### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی پاسداران، تجسم عملی ایمان و نماد توکل اقدام‌محور است. آنان با ایفای نقش «ستون اطمینان روانی ملت»، جهت حرکت جامعه را در بحران‌ها تعیین کرده و گفتمان برتری جبهه حق را به واقعیتی ملموس تبدیل می‌کنند.

#### ب) وظایف عملیاتی

- **مهندسی فضای امن روانی:** اقدام به شناسایی، رصد و خنثی‌سازی سریع حملات روانی، شایعات و شبکه‌های نفوذی که هدف‌شان ایجاد ترس و تردید است. این کار، زمینه‌سازی عملی برای فعالیت مربیان و استادان معارف است؛

- **الگودهی زنده به مقاومت:** نمایش ثبات قدم، انضباط سازمانی و تاب‌آوری در مواجهه با تهدیدات، از طریق حضور منظم، تمرین‌های مستمر و گزارش‌های عملیاتی. جامعه با مشاهده این الگو، «صبر» و «استقامت» را به عینیت می‌بیند؛

- **عملیات روانی مثبت (روایت‌سازی اقتدار):** تولید و انتشار محتوا و نمایش عملیات‌هایی که ضعف دشمن و قدرت، هوشمندی و برتری جبهه خودی را به تصویر می‌کشد. این اقدام، مستقیم در مقابل «تخویف اولیائه» شیطان قرار می‌گیرد.

- **پایش و حفاظت از فضای فرهنگی:** حراست فیزیکی و امنیتی از کانون‌های ترویج ایمان نصرت‌ساز (حوزه‌ها، حسینیه‌ها، جلسات) و مقابله با عوامل مخلّ فضای سالم تفکر و تحلیل. این کار، اجرای عملیاتی سیاست «تردید به دل راه ندادن» است؛
- **پیوند با مردم به مثابه پشتیبان:** اجرای طرح‌های جهادی، امدادی و خدمت‌رسانی در بحران‌ها، به گونه‌ای که این حضور، تجلی «رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» و تقویت پیوند عاطفی و اعتماد ملی باشد. این اعتماد، سرمایه روانی کلانی برای مدیریت بحران‌های بزرگ‌تر است.

#### ۱-۹-۲. نقش بسیجیان

##### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی بسیج، گسترش و تجسّم ایمان نصرت‌ساز در پیکره جامعه است. این نهاد، با ایجاد پُل زنده میان حاکمیت و مردم و تبدیل شدن به ذخیره بی‌پایان اراده، عمق و ماندگاری مقاومت را تضمین می‌کند.

##### ب) وظایف عملیاتی

- **تولید و ترویج روایت‌های امیدآفرین محلی:** تبدیل شدن به راویان میدانی پیروزی‌های کوچک و بزرگ در سطح محله، شهر و روستا از طریق بیان خاطرات، تولید محتوای ساده (شبکه‌های اجتماعی محلی) و برگزاری مراسم‌های خودجوش. این کار، عملیات روانی مثبت در خردترین سطح است؛
- **اجرای پروژه‌های جهادی به مثابه «نمایش عمل متوکلانه»:** سازماندهی و اجرای کارهای جهادی در محروم‌ترین نقاط (ساخت مدرسه، درمانگاه،

امداد در سیل و زلزله) به گونه‌ای که خود، یک درس عملی بزرگ از توکل همراه با اقدام «فَإِذَا عَزَمْتَ...» و تجلی «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» برای جامعه باشد؛

• **ایمن‌سازی محیط‌های اجتماعی در برابر شایعه:** استفاده از اعتماد اجتماعی و نفوذ در دل شبکه‌های خانوادگی و محلی برای رصد سریع شایعات، روشنگری چهره‌به‌چهره و جلوگیری از گسترش ویروس روانی تردید. این نقش، خط مقدم مقابله با «يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ» است؛

• **شرکت منظم در تمرین‌های دفاعی و امنیتی:** حضور گسترده و منظم در مانورها، دوره‌های آموزشی بسیج و پدافند غیرعامل به‌عنوان نمایش آمادگی و انسجام عمومی. این حضور، آرامش (سکینه) ناشی از اطمینان به پشتیبانی مردمی را به کل جامعه تزریق می‌کند؛

• **نقش پیش‌قراول در گفتمان‌سازی:** استقبال فعال و گسترده از بیانات رهبری و تبدیل آن به شعار، عمل و محتوای قابل فهم برای همهٔ اقشار در قالب پوستر، سرود، نمایش‌های ساده و... این کار، بسیجی را به مترجم و منتشرکننده گفتمان برتری ایمانی در سطح جامعه تبدیل می‌کند.

### ۳-۹-۱. نقش فرماندهان و مدیران

#### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی فرمانده و مدیر، روشن‌نگه‌داشتن چراغ یقین و جهت‌دهی عملی به بصیرت نیروها در میدان است. او با تبیین گفتمان برتری در عمل، تبدیل ایمان به توکل عملی و انتقال سکینه رهبری، پناهگاهی در طوفان جنگ روانی می‌سازد و نیروها را بر صخرهٔ ایمان استوار می‌دارد.

### ب) وظایف عملیاتی

- مترجم راهبرد به مأموریت: تبدیل گفتمان و راهبرد کلان به دستورالعمل‌ها، برنامه‌ها و مأموریت‌های مشخص و قابل اجرا برای یگان‌های تحت امر؛
- فرمانده و کنترل‌کننده عملیات: هدایت نیروها در صحنه، اتخاذ تصمیمات تاکتیکی به‌موقع و اطمینان از اجرای دقیق مأموریت‌ها برای کالبد بخشیدن به اراده راهبردی؛
- مدیر حفظ روحیه در خط مقدم: نظارت مستقیم بر روحیه نیروها در شرایط سخت، حل مشکلات میدانی و الگوبودن در شجاعت و استقامت برای جلوگیری از بروز سستی «وَهْن»؛
- ارزیاب و بازخورددهنده: تحلیل نتایج عملیات‌ها و ارائه بازخورد واقع‌بینانه به سطوح راهبردی برای برقراری پیوند بین «تجربه میدان» و «تصمیم‌سازی کلان».

## ۱-۹-۴. نقش روحانیون و مربیان

### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی روحانی و مربی، حفاظت از اصالت گفتمان ایمان و تبدیل آن به نیروی اجتماعی بصیرت‌آفرین است. او با روایت توحیدی نصرت، مقابله با تحریف و ترویج معنویت جهادی، هم چراغ هدایت امروز را روشن می‌کند و هم با تربیت نسل مفسر، زنجیره یقین را برای فردا امتداد می‌بخشد.

### ب) وظایف عملیاتی

- تبیین چهره‌به‌چهره و اقناعی معارف: حضور در مساجد، حسینیه‌ها، دانشگاه‌ها و محیط‌های مختلف برای انتقال مستقیم معارف با زبان قابل فهم، پاسخ به شبهات و ایجاد ارتباط عاطفی با آحاد مردم، به‌ویژه جوانان؛

- مدیریت مراکز دینی به مثابه پایگاه‌های روانی: تبدیل مساجد و مراکز مذهبی به کانون‌های آرامش‌بخش «سکینه»، امیدآفرینی، سازماندهی مردمی و پشتیبانی روحی از خانواده‌های رزمندگان و آحاد جامعه در شرایط بحران؛
- طراحی و اجرای برنامه‌های نمادین اثرگذار: طراحی مراسم، آیین‌ها و برنامه‌های مذهبی مانند ایام محرم، رمضان، دعا‌های جمعی، به گونه‌ای که علاوه بر بعد عبادی، حس همدلی، مقاومت و هوشیاری جمعی را تقویت کند؛
- رصد و پاسخ‌گویی به موقع به شبهات: ایجاد و فعالیت در اتاق‌های فکر و پایش فکری برای شناسایی سریع شبهات و حملات فرهنگی - تبلیغی دشمن و تولید پاسخ‌های سریع، دقیق و قابل انتشار در رسانه‌ها و فضای مجازی؛
- همراهی عملی با جبهه‌های مقاومت: حضور میدانی و معنوی در مناطق محروم، جبهه‌های نبرد و کنار رزمندگان نه به عنوان تماشاگر، بلکه به عنوان پشتیبان روحی، مشوق و یادآورکننده معنا و فلسفه جهاد.

#### ۱-۹-۵. نقش آحاد مردم

##### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی مردم، تأمین سه رکن حیاتی برای شکوفایی ایمان نصرت‌ساز است: مشروعیت زنده از طریق رضایت و همراهی، ذخیره بی‌پایان نیرو به عنوان پشتوانه عینی و عاطفی، و حفظ سلامت معنوی جامعه به مثابه خاک حاصلخیزی که شرط رشد همه نهادها و تداوم این گفتمان در تاریخ است.

##### ب) وظایف عملیاتی

- مدیریت مصرف خبری: پرهیز از انتشار شایعه، رجوع به منابع معتبر و



توقف زنجیره انتشار اخبار اضطراب‌آور به عنوان اولین قدم عملی در «تردید به دل راه ندادن»؛

- **الگوسازی محلی مقاومت:** حفظ آرامش و امید در محیط خانواده، محل کار و محله، و تبدیل شدن به منبع آرامش (سکینه) برای اطرافیان در شرایط فشار؛

- **پشتیبانی عینی و ملموس:** مشارکت در کمک‌های مردمی، تقدیر از مجاهدت رزمندگان و ایجاد شبکه‌های حمایتی خودجوش حول محورهای جهادی به عنوان تجلی «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛

- **تقویت گفتمان برتری در گفتار:** استفاده از زبان امید و اعتماد در گفتگوهای روزمره، نقل خاطرات پیروزی‌ها و پرهیز از تکرار گفتمان یأس و شکست القا شده از سوی دشمن؛

- **مشارکت در تمرین‌های عمومی:** حضور در مراسم‌های نمادین (راهپیمایی‌ها، دعا‌های جمعی)، دوره‌های آموزشی عمومی (پدافند غیرعامل) به عنوان نمایش آمادگی و انسجام ملی.

#### ۱-۱۰. جمع‌بندی ارتقایی / تثبیت نگاه راهبردی

ایمان نصرت‌ساز و یقین‌آفرین تصادفی، خطابه‌ای صرف نیست؛ بلکه نتیجه مهندسی معرفتی، تربیتی و میدانی است. این محور تاکتیک یا شعار نیست، بلکه یک مهندسی فرهنگی عمیق است که می‌خواهد پایه‌ترین لایه مقاومت یک ملت - یعنی ظرفیت روانی و معنوی آن - را در برابر پیچیده‌ترین حملات دشمن، مقاوم و حتی رشدیابنده کند. موفقیت در دیگر عرصه‌های نبرد (سیاسی، اقتصادی، نظامی) در گرو موفقیت در این عرصه بنیادین است.

### گزاره نهایی تکمیلی:

اگر ایمان فهم شود؛ تمرین شود؛ در میدان تصمیم و خطر حاضر شود؛ آن‌گاه هیچ تهدیدی توان فروپاشی جبهه حق را نخواهد داشت. این محور، نه فقط یک باور؛ بلکه ستون مدیریت جنگ، تهدید، بحران و فتنه در منظومه قرآنی انقلاب اسلامی است. ایمان نصرت‌ساز، با تبدیل تهدید بیرونی به فرصت افزایش یقین درونی، شکست‌های مقطعی را به مدرسه‌ای برای تمرین صبر و توکل فعال تبدیل می‌کند. این چرخه، «ثبات‌قلب» را به تنها دارایی غیرقابل تحریم و انفعال‌ناپذیر جبهه حق مبدل می‌سازد.

## ۱۱-۱. شبهات و سوالات مطرح

### ۱-۱۱-۱. شبهه اول

**شبهه:** «ایمان، امر درونی و فردی است؛ چه نسبتی با پیروزی‌های میدانی و مدیریت بحران دارد؟»

**پاسخ:** ایمان در منطق قرآنی، یک نیروی روانی - اجتماعی عمل‌ساز است، نه یک احساس درونی منفعل. این ایمان، با ایجاد ثبات قلب، امید و معنابخشی به تلاش، اراده جمعی یک ملت را برای مقاومت، تاب‌آوری و اقدام قاطع در شرایط بحران بسیج می‌کند. یک اراده واحد و شکست‌ناپذیر، خود یک واقعیت راهبردی تعیین‌کننده در هر میدانی است.

تاریخ جنگ‌ها و انقلاب‌ها ثابت کرده که برتری مادی، ضامن پیروزی نهایی نیست. آنچه جوامع را در نبردهای سخت و طولانی پیروز می‌کند، تاب‌آوری روانی و ظرفیت حفظ انسجام است. ایمان، دقیقاً منبع تولید این تاب‌آوری است. جامعه‌ای که به یک چرایی قدرتمند (ایمان) مجهز باشد، چگونگی تحمل سختی‌ها و غلبه بر مشکلات مادی را می‌یابد.

بنابراین، پیوند ایمان و نصرت، نه ساده‌اندیشی، که واقع‌بینی عمیق است. این نگاه، عوامل مادی (علم، اقتصاد، تسلیحات) را نفی نمی‌کند، بلکه بر این تأکید دارد که این ابزارها در دستان یک ارادهٔ جمعی با ایمان، کارآمدی و جهت‌گیری به مراتب بیشتری خواهند داشت. تجربهٔ انقلاب و دفاع مقدس، نمونهٔ عینی این مدعاست.

#### ۱-۱۱-۲. شبههٔ دوم

**شبهه:** «اگر ایمان کافی است، چرا مؤمنان شکست می‌خورند یا دچار فشار و عقب‌نشینی می‌شوند؟»

**پاسخ:** جواب در گام اول، تعریف و فهم دقیق از مفهوم «نصرت» در قرآن است. قرآن هرگز به مؤمنان وعدهٔ یک مسیر هموار، بدون سختی و مملو از پیروزی‌های سریع نداده است. وعدهٔ الهی، پیروزی نهایی و غلبهٔ حق بر باطل در افق تاریخی است. تجربهٔ فشار، شکست مقطعی و عقب‌نشینی، نه تنها نقض این وعده نیست، بلکه خود بخشی جدایی‌ناپذیر از مسیر تحقق آن است. آیهٔ «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ...» به‌صراحت این منطق را بیان می‌کند: ورود به سعادت (که نتیجهٔ نهایی نصرت است)، مستلزم عبور از کورهٔ حوادث و آزمایش‌هایی همانند گذشتگان است. بنابراین، نصرت، به معنای حذف بحران نیست، بلکه به معنای توانمندی در مدیریت و عبور از بحران به‌سوی مقصد نهایی است.

منطق الهی آزمون و پالایش به جای شکست صرف شکست‌ها و فشارهای مقطعی در این نگاه، نه یک نشانهٔ بی‌اثری ایمان، که یک ابزار حکیمانه برای رشد، پالایش و تقویت جبههٔ حق هستند. این اتفاقات سه کارکرد راهبردی دارند:

- غربالگری: افراد سست‌ایمان و منافق را از صفوف مؤمنان راستین جدا می‌سازد؛

- آزمایش مقاومت: استقامت و عمق ایمان باقیمانندگان را می‌سنجد و آن را در عمل تقویت می‌کند؛
- آماده‌سازی: جامعه مؤمن را برای مسئولیت‌ها و پیروزی‌های بزرگ‌تر در آینده آماده می‌کند.

آیه «وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا» دقیقاً به این فرآیند پالایش و خالص‌سازی اشاره دارد. در این چهارچوب، آنچه در نگاه سطحی شکست نامیده می‌شود، درواقع، تمرین مقاومت و کارگاه تربیت ایمان است.

**جمع‌بندی:** ایمان واقعی در میدان فشار معنا می‌یابد. نتیجه آن است که برای داوری دربارهٔ رابطهٔ ایمان و نصرت، نباید به یک لحظه مقطعی نگاه کرد، بلکه باید به کل فرآیند و مسیر حرکت توجه داشت. ایمان، نه یک طلسم برای دور زدن مشکلات، بلکه یک منبع قدرت درونی است که به مؤمن توانایی می‌بخشد تا در سخت‌ترین شرایط: سست نشود؛ «وَلَا تَهِنُوا»، دل به اندوه نسپارد؛ «وَلَا تَحْزَنُوا» و با حفظ روحیه برتری؛ «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ»، به تلاش و مقاومت ادامه دهد. پیروزی نهایی، نه محصول نبود سختی، بلکه محصول ماندن و مقاومت در دل سختی است. بنابراین، فشار و عقب‌نشینی مقطعی، نفی نصرت نیست، بلکه بستر و گذرگاه اجباری برای رسیدن به نصرت اصیل و پایدار است.

### ۱-۱۱-۳. شبههٔ سوم

**شبهه:** «تردید، امری طبیعی است؛ چرا قرآن آن را خطرناک می‌داند؟»  
**پاسخ:** جواب در گام اول، تمایز قائل شدن بین دو مفهوم مشابه ولی ذاتاً متفاوت است. قرآن هرگز با پرسشگری برای فهم و ژرف‌اندیشی مخالفت نکرده است. آیات فراوانی به «تدبر»، «تعقل» و «سؤال از اهل ذکر» دعوت می‌کند.

آنچه قرآن با قاطعیت با آن مقابله می‌کند، «تردیدِ بازدارنده» (ارتیاب) است. «سؤال» برای یافتن جواب و حرکت است، اما «تردیدِ مذموم» حالتی روانی است که فرد یا جامعه را در نقطهٔ ابهام متوقف می‌سازد، قدرت تصمیم‌گیری را از او می‌گیرد و او را از اقدام باز می‌دارد. آیهٔ ۱۵ حجرات ایمان واقعی را به «عدم ارتیاب» پیوند می‌زند؛ زیرا تردید پس از ایمان، مانند سمی است که پیوند ارادهٔ انسان با حقیقت پذیرفته‌شده را سست می‌کند.

در نبرد کلان حق و باطل، تردید یک ابزار جنگ نرم است، نه یک کنجکاو فلسفی بی‌طرف. دشمن با القای تردید در باورها، تاریخ، مسیر و رهبری جبههٔ حق، سه هدف را دنبال می‌کند:

- تعویق تصمیم: فرد یا جامعه مُردد، نمی‌تواند در لحظات حساس، تصمیم قاطع بگیرد؛
- شکستن عزم جمعی: وقتی تردید همه‌گیر شود، وحدت رویه و اتحاد عمل از بین می‌رود؛
- تخریب روحیه: تردید، امید را می‌خشکاند و زمینه را برای پذیرش شکست فراهم می‌کند.

به همین دلیل است که در آیات جهاد و مدیریت بحران، خطاب مستقیم است: «فَإِذَا عَزَمْتَ...»؛ وقتی تصمیم گرفتی... تردید، دشمن عزم است. قرآن با تردید مخالف است چون می‌داند در میدان نبرد سرنوشت‌ساز، جامعه‌ای که در دام تردید بیفتد، پیش از درگیری نظامی، در جبههٔ روانی شکست خورده است.

جمع‌بندی راهبردی این است: قرآن عقلانیتِ مسئول و هدفمند را که به یقین و سپس به عمل منتهی می‌شود، تأیید می‌کند؛ اما با شگاکیتِ منفعل و

فلج گر که به عنوان یک سلاح روانی، اراده فرد و جامعه را از درون می پوساند، به شدت مقابله می کند. تردید خطرناک است نه به خاطر اینکه «سؤال» است، بلکه به خاطر اینکه «پایان حرکت» و «ابتدای انفعال» است. در منظومه قرآنی، انسان مؤمن پس از طی مرحله تحقیق و رسیدن به حقیقت، باید مانند کوه استوار بایستد؛ تردید پس از یقین، مانند ریشه خوری است که این کوه را از درون خالی می کند.

#### ۱-۱۱-۴. شبهه چهارم

**شبهه:** «آیا تأکید بر نترسیدن از دشمن، غیر واقع بینانه و احساسی نیست؟»  
**پاسخ:** نخستین پاسخ، تصحیح این سوء تفاهم بنیادین است. قرآن هرگز وجود خطر یا قدرت دشمن را انکار نمی کند و ترس به عنوان یک حس طبیعی را نامعتبر نمی شمرد. بلکه، قرآن یک مدیریت راهبردی و جهت دار بر احساس ترس ارائه می دهد. دستور «فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا» در حقیقت می گوید: ظرفیت روانی ترسیدن شما، یک منبع محدود و انرژی راهبردی است؛ آن را بر روی موضوع صحیح متمرکز کنید. ترس از دشمن، شما را فلج می کند، اما «خشیت از خدا» (که برآمده از عظمت شناسی و التزام به تکلیف است) به شما قدرت، احتیاط حکیمانه و شجاعت می بخشد. بنابراین، قرآن به جای حذف ترس، قانون آن را جابه جا می کند تا از یک عامل بازدارنده، به یک محرک تبدیل شود. در منطق جنگ ترکیبی، ترس یک سلاح کلیدی است. دشمن با نمایش قدرت و جنگ روانی، پیش از هر درگیری فیزیکی می کوشد روحیه طرف مقابل را بزداید. هدف این است که شما پیش از شکست خوردن در میدان، در ذهن خود شکست را بپذیرید. ترس مدیریت نشده دقیقاً همین اثر را دارد: قدرت تحلیل را مختل می کند، ابتکار عمل را سلب می نماید و فرد یا جامعه را به

سمت تصمیمات انفعالی، شتاب‌زده یا حتی تسلیم سوق می‌دهد. بنابراین، نترسیدن یک دستورالعمل امنیتی و روانی ضروری است، نه یک شعار احساسی. این نترسیدن، پوشش دفاعی در برابر یکی از مرگبارترین سلاح‌های دشمن است.

**جمع‌بندی:** ترس، دشمن خرد است. وقتی ترس بر فضای ذهنی حاکم شود، عقل توانایی سنجش واقعی و متعادل تهدیدها و فرصت‌ها را از دست می‌دهد. برعکس، فضایی که از سیطره ترس از دشمن رها شده باشد، فضای مناسب برای عقلانیت مسئول، برنامه‌ریزی دقیق و اقدام جسورانه فراهم می‌آورد. نترسیدن به این معنا نیست که خطر وجود ندارد، بلکه به این معناست که ارزیابی از خطر، تحت تأثیر هیجان مخرب قرار نمی‌گیرد. این نگاه، اوج واقع‌بینی است: ما خطر دشمن را می‌بینیم، اما اجازه نمی‌دهیم تصویر خطرناک او، بر تصویر قدرتمند خداوند، حقانیت مسیر و توانایی‌های خودمان در ذهن مان سایه بیندازد. پیروزی، از آن کسانی است که بتوانند در سایه امن «توکل»، عقل خود را برای تدبیر آزاد کنند.

#### ۱-۱۱-۵. شبهه پنجم

**شبهه:** «اینکه بحران‌ها محل رشد ایمان هستند یک ادعاست حال آن ایمان در بحران بیشتر آسیب می‌بیند تا تقویت شود.»

**پاسخ:** نخستین و اساسی‌ترین پاسخ، تمایز قائل شدن بین دو مفهوم است: ۱. خودِ واقعه بحران و ۲. نحوه تفسیر، روایت و تبیین آن بحران. قرآن نمی‌گوید هر بحرانی به صورت خودکار و جبری ایمان را افزایش می‌دهد. بلکه قرآن یک فرمول علّی ارائه می‌دهد: «تبیین الهی بحران» است که موجب «افزایش ایمان و تسلیم» می‌شود. کلید این معما در آیه ۲۲ سوره احزاب است: زمانی که

مؤمنان لشکر احزاب را دیدند، نگفتند «ما شکست خوردیم»؛ بلکه گفتند: «هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ؛ این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده بودند.» همین تبیین و روایت توحیدی از حادثه بود که نتیجه‌اش «وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» شد. بنابراین، بحران یک آزمایشگاه خنثی است؛ نتیجه آن بستگی به این دارد که با کدام نرم‌افزار ذهنی (تبیین الهی یا تبیین مادی‌یأس‌آور) تحلیل شود.

ایمان در گفتمان قرآنی، یک مفهوم ایستا و شکننده نیست، یک قدرت پویا و رشدپذیر است که دقیقاً در کوره آزمایش‌ها آبدیده و مستحکم می‌شود. بحران سه کارکرد اساسی برای تقویت ایمان حقیقی دارد:

- غربال و پالایش: بحران، ایمان‌های سطحی، سست و منفعت‌محور را از ایمان‌های ریشه‌دار و ایشارگر جدا می‌کند. این همان «تُمَحِّصٌ» است (آل‌عمران: ۱۴۱)؛

- تمرین توکل عملی: بحران، فرد و جامعه را به مرزهای توان مادی خود می‌رساند و این احساس نیاز مطلق، بستر واقعی برای تجربه توکل زنده و فعال «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» فراهم می‌کند؛

- افزایش ظرفیت: همچون عضله‌ای که تنها در زیر فشار وزن قوی می‌شود، ظرفیت‌های صبر، استقامت و اعتماد به وعده الهی نیز تنها در میدان فشار بحران افزایش می‌یابد «لِيُزَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ».

بنابراین، پاسخ قطعی به این شبهه آن است که بحران، ذاتاً نه تضعیف‌کننده است و نه تقویت‌کننده. این «ما» هستیم که با نوع نگاه خود به بحران، آن را به داروی تقویت‌کننده یا سم مهلک تبدیل می‌کنیم. ایمان قرآنی اگر به‌درستی تبیین شود، نه تنها در بحران آسیب نمی‌بیند، بلکه به تنها دارایی غیرقابل تحریم



و انفعال‌ناپذیر یک ملت تبدیل می‌شود. این ایمان، موتور معنابخش به رنج‌ها، قطب‌نمای جهت‌دهنده در تاریکی‌ها و پایدارکننده نهایی قدرت مادی است. تاریخ انقلاب اسلامی گواه زنده این مدعاست: تحریم‌ها و فشارهای بی‌سابقه، اگر با روایت «جنگ اقتصادی» و «حماسه‌سازی» مدیریت نشده بود، می‌توانست تخریب‌گر باشد؛ اما با تبیین مقاومت و جهاد، به عاملی برای افزایش همبستگی و خلاقیت داخلی تبدیل شد. شکست، زمانی رخ می‌دهد که بحران، بی‌معنا و بن‌بست تبیین شود؛ و پیروزی، زمانی محقق می‌شود که بحران، «آزمون الهی» و «مقدمه پیروزی بزرگ‌تر» معنا شود.

#### ۱-۱۲. نتیجه نهایی

در منطق قرآنی، ایمان واقعی نیروی محرکه اصلی برای مقاومت و پیروزی است. این ایمان، با ایجاد ثبات قلب و تبدیل تهدیدها به فرصت‌های رشد معنوی، جامعه را در برابر جنگ روانی دشمن واکسینه می‌کند. موفقیت نهایی در گرو تبدیل این ایمان از یک باور ذهنی به یک منبع قدرت عملی و روانی در تمام سطوح فردی و اجتماعی است.



## محور دوم:

# سنت‌های قطعی الهی در شکست و پیروزی

وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (حج: ٤٠)؛  
و خداوند کسانی را که او را یاری کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری  
می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

## ۱-۲. هدف کلان

ساخت یک چهارچوب تحلیلی مقاومتی و مبتنی بر قرآن برای تفسیر حوادث،  
به گونه‌ای که جامعه مؤمن در شرایط جنگ، تهدید، بحران و فتنه، به جای گرفتار  
شدن در دام تحلیل‌های هیجانی و کوتاه‌مدت دشمن، بتواند با نگاهی راهبردی،  
بلندمدت و مبتنی بر سنت‌های قطعی الهی، روندهای کلان تاریخ را فهمیده و  
موضع و اقدام خود را براساس آن تنظیم نماید.

## ۲-۲. کارکرد کلان

تنظیم روایت کلان حوادث، جلوگیری از تحلیل‌های هیجانی و تثبیت نگاه  
راهبردی در شرایط جنگ، بحران و فتنه.

## ۳-۲. تبیین محوری

الف) یکی از مهم‌ترین میدان‌های نبرد در جنگ‌های ترکیبی، میدان روایت  
و تفسیر حوادث است. دشمن تلاش می‌کند با بزرگ‌نمایی شکست‌ها،

پنهان‌سازی پیروزی‌ها و قطع ارتباط حوادث با منطق الهی، جامعه مؤمن را دچار سردرگمی، ناامیدی و بی‌اعتمادی کند. قرآن کریم، در برابر این جنگ روایی، یک چهارچوب روشن ارائه می‌دهد: حوادث تاریخ، تابع «سنت‌های قطعی الهی» هستند؛ نه تصادفی‌اند، نه بی‌حساب، و نه خارج از حکمت خداوند. بنابراین در نگاه سیستمی، نصرت یک «پاسخ قانون‌مند» به یک وضعیت مشخص است؛

ب) دشمن در جنگ روایی، بر نقاط عطف منفی (یک شکست، یک تنش) تمرکز می‌کند تا «روند کلی» را مخدوش کند. سنت نصرت الهی به ما می‌آموزد که وقایع را نه به صورت تک‌حادثه‌ای، بلکه در یک روند طولانی مدت، که مشمول سنت‌های الهی است، تحلیل کنیم. یک عقب‌نشینی تاکتیکی در یک روند صعودی نهایی، معنای کاملاً متفاوتی دارد. مؤمن با این نگاه، در لحظه‌های سخت، «کلّ نقشه» را می‌بیند و دچار یأس نمی‌شود.

## ۴-۲. مؤلفه‌های اساسی (با استناد قرآنی)

### ۴-۲-۱. سنت نصرت الهی (یاری حتمی جبهه حق)

#### الف) مفهوم‌شناسی سنت

دخالت هدفمند خداوند برای تغییر معادلات به نفع جبهه حق [و یک «جامعه» حق‌طلب]، در نقطه‌ای که ابزارهای مادی به‌تنهایی برای حفظ یا پیشبرد «مسیر جمعی» کافی نیست. به تعبیر دیگر، خداوند این‌گونه تقدیر کرده است که پیامبران الهی و مؤمنان را نصرت و یاری نماید و آنان را در نهایت به پیروزی برساند.

#### ب) کارکرد

ایجاد امید و اطمینان استراتژیک، خنثی‌سازی روایت‌های یأس‌آفرین دشمن، و

تبدیل «انتظار برای پیروزی» به یک «قطعیت برنامه‌ریزی‌شده» در فرآیند مبارزه.

### پ) تبیین محوری

دشمن با هدف منفعل‌سازی جامعه مؤمن، تلاش می‌کند هر شکست موقتی یا تأخیر در پیروزی را به‌عنوان «نقصان قدرت خدا»، «ناکارآمدی جبهه حق» یا «غلبه نهایی باطل» معرفی کند. قرآن کریم، در برابر این تحریف، سنت نصرت را به‌عنوان یک قانون تخلف‌ناپذیر تاریخی مطرح می‌سازد: یاری خدا به جبهه حق (رسل و مؤمنان)، وعده‌ای حتمی و مشروط است که در بستر زمان و متناسب با حکمت الهی محقق می‌شود. این سنت، تحلیل حوادث را از حالت «واکنش هیجانی به نقاط عطف» به «درک روندهای حاکم بر تاریخ» ارتقا می‌دهد.

### ت) آیات و شواهد قرآنی

«وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (حج: ۴۰)؛ و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (محمد: ۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌های‌تان را استوار می‌دارد.»

«إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالدِّينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَاد (غافر: ۵۱)؛ ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می‌خیزند یاری می‌دهیم.»

«كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (روم: ۴۷)؛ و یاری مؤمنان، همواره حقّی است برعهده ما.»

«إِن يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى

اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (آل عمران: ۱۶۰)؛ اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او، شما را یاری کند؟ و مؤمنان، تنها بر خداوند باید توکل کنند.»

### ث) پیام‌ها و نکات راهبردی

• نصرت الهی، وعده‌ای قطعی و تخلف‌ناپذیر اما مشروط است؛ یعنی تحقق آن در گرو ایجاد شرایط لازم در میان مؤمنان است؛

شرط اصلی تحقق سنت نصرت الهی، نصرت خداست؛ تعبیر به یاری کردن خدا به وضوح به معنی یاری کردن آیین اوست، یاری کردن پیامبر او و شریعت و تعلیمات اوست. براین اساس، آن‌ها که با صفوف فشرده و نیت خالص و عزم‌های راسخ و تهیه همه‌گونه وسایل لازم، به یاری دین خدا و به مبارزه با دشمنان آیین او برمی‌خیزند، دست حمایت پروردگار پشت سر آن‌ها خواهد بود. در مقابل، آن‌ها که فرمان خدا را زیر پا بگذارند و از فراهم‌ساختن نیروهای مادی و معنوی غفلت کنند، هرگز مشمول یاری او نخواهند بود.

افزون بر این عوامل، در منابع دینی به شرایط دیگر نصرت الهی نیز اشاره شده است که ایمان به خداوند متعال،<sup>۱</sup> باور داشتن نصرت الهی،<sup>۲</sup> جهاد با دشمنان،<sup>۳</sup> تقوا،<sup>۴</sup> ذکر و یاد خدای متعال،<sup>۵</sup> استقامت و ثبات قدم،<sup>۶</sup> تلاش و حضور در میدان و عرصه جهاد از جمله آن‌ها است. بی‌شک، در مسیر تحقق

۱. «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (غافر: ۵۱).

۲. ر.ک. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار با قاریان، ۱۳۸۵/۷/۴.

۳. ر.ک. حج (۲۲)، آیه ۴۰.

۴. ر.ک. توبه (۹)، آیه ۳۶.

۵. ر.ک. بقره (۲)، آیه ۱۵۲.

۶. ر.ک. انفال (۸)، آیه ۴۵.

همراهی و یاری خداوند موانعی وجود دارد که لازم است برای جریان سنت نصرت الهی، آن‌ها را از سر راه برداشت که از مصادیق برجسته آن می‌توان به سازش با اهل باطل برای کسب منافع مادی و دنیوی،<sup>۱</sup> نفاق (ترک ولایت مؤمنان و پذیرفتن ولایت کفار)،<sup>۲</sup> تکیه رکون بر ستمگران و ظالمان،<sup>۳</sup> دنیاطلبی و دلبستگی به مادیات<sup>۴</sup> اشاره کرد.

• نصرت الهی، به صورت یک فرآیند تدریجی و حکیمانه محقق می‌شود، نه یک رویداد دفعی و تصادفی؛

• نصرت الهی همیشه فوری و بدون فاصله زمانی ظاهر نمی‌شود؛

• تأخیر در نصرت الهی به معنای نقض وعده نیست؛

دوره‌های تأخیر و حتی آزمایش با شکست‌های مقطعی، بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند رسیدن به نصرت نهایی است. این دوره‌های زمینه‌ساز بلوغ، پالایش و همگرایی نیروهای حق است.

• نصرت همواره به معنای پیروزی نظامی فوری نیست؛

نصرت الهی گاهی به شکل «ثبات قدم»، «القای آرامش»، «گشایش فکری»، «افشای توطئه دشمن»، «جذب ظرفیت‌های جدید» یا «عبرت‌آموزی برای تکامل»، «ایجاد تفرقه و انحطاط در جبهه باطل» و .... ظاهر می‌شود.

• نصرت الهی معادله‌ای دوسویه و متوازن است؛ (اقدام اصیل انسانی و نصرت حتمی الهی)؛

۱. ر.ک. نساء(۴)، آیات ۵۱-۵۲.

۲. ر.ک. همان، آیات ۱۴۴-۱۴۵.

۳. ر.ک. هود(۱۱)، آیه ۱۱۳.

۴. ر.ک. توبه(۹)، آیات ۳۸-۳۹.

برداشت صحیح از این سنت، پرهیز از دو انحراف بزرگ را ضروری می‌سازد: نخست، انفعال و توکل کاذب که در آن، همه مسئولیت بر عهده خدا نهاده شده و از تلاش مجدانه، خردورزی و به‌کارگیری همه اسباب مادی و معنوی غفلت می‌شود. در مقابل، انحراف دوم، مادی‌نگری محض و نفی غیب است که شکست و پیروزی را صرفاً برآیند محاسبات مادی و علل ظاهری می‌داند و نقش حکمت الهی، سنت آزمایش و مشیت حکیمانه پروردگار در تعیین زمان، شکل و فرآیند نصرت را به کلی نادیده می‌گیرد. سنت نصرت، هر دو سویه را به‌صورت هم‌زمان تأیید می‌کند: «عمل را خالص کنید و آنگاه بر خدا توکل نمایید.»

- پیروزی، محصول ایمان فعال، مجاهدت مستمر و وفاداری به مسیر حق است؛
- شکست‌ها در چهارچوب امتحان، تربیت و آماده‌سازی برای نصرت بزرگ‌تر معنا پیدا می‌کنند؛
- گاهی ریشه و عامل شکست‌ها را باید در اسباب مادی و عواملی انسانی جست‌وجو کرد؛
- نصرت الهی، در بسیاری از موارد، یک فرآیند تدریجی است که حکمت‌های خاص خود را دنبال می‌کند.

درک نادرست از «تغییرناپذیری» این سنت، گاه باعث می‌شود که برخی، هر تأخیر یا وقفه‌ای در پیروزی‌های ظاهری را نشانه خلف وعده یا نقض سنت الهی بدانند؛ درحالی‌که این برداشتی سطحی و ناقص است. گاهی اوقات، به تعویق افتادن نصرت، خود بخشی از برنامه الهی برای آماده‌سازی زمینه‌های لازم، آزمودن عمق ایمان مؤمنان و یا تکمیل مهلت برای کافران است. اگر نصرت الهی همواره و بلافاصله پس از دعوت حق جاری می‌شد، جایگاهی برای «ابتلا» و «تمحیص» باقی نمی‌ماند و ایمان واقعی از ادعای صرف تفکیک نمی‌گشت. وظیفه راهبردی در دوره انتظار و فشار، «صبر فعال» است؛

یعنی حفظ انسجام، تداوم حرکت براساس اصول، و تقویت مستمر ظرفیت‌های درونی، درحالی‌که چشم به وعده الهی دوخته‌ایم. تحلیلگر و کشگر مؤمن باید حوادث را در چهارچوب این سنت ارزیابی کند و با تشخیص مرحله تاریخی (آزمون، تأخیر، گشایش، نصرت)، پاسخ و انتظار خود را تنظیم نماید.

### ج) کلام و اندیشه ولایت

– سنت یعنی قانون، قاعده؛ خدای متعال در عالم طبیعت، در عالم انسان قواعدی دارد، قوانینی دارد... یکی از این قوانین این است: *لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ*؛ هر کسی که خدا را نصرت کند، خدا او را نصرت می‌کند؛ *لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ* – با چند علامت تأکید – یا «*إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ*»؛ این سنت الهی است. اگر طریقی که شما دارید می‌روید، کاری که شما دارید می‌کنید، جهت‌گیری شما، نصرت خدا [باشد] – نصرت خدا یعنی نصرت دین خدا، یعنی نصرت ارزش‌های الهی؛ یعنی این – اگر در این جهت حرکت بکنید، پیروز خواهید شد، خدا شما را کمک خواهد کرد. البته به شرطی که حرکت کنید، عمل کنید، نه اینکه [فقط] بگویید؛ عمل کنید. این یک سنت الهی است.<sup>۱</sup>

– همه ما بدانیم که تا در راه خدا و برای خدا کار می‌کنیم، حرکت می‌کنیم، حرف می‌زنیم، خدا به ما کمک خواهد کرد؛ این وعده الهی است: «*إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ*؛ *وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ*». اگر تبت شما نصرت خدا است، بلاشک خدای متعال به شما کمک خواهد کرد؛ گاهی طریقه کمک را خودمان می‌فهمیم، تشخیص می‌دهیم، گاهی هم نمی‌فهمیم، می‌بینیم کمک شدیم، می‌بینیم کار راه افتاد، کار پیش رفت؛ این کمک الهی است.<sup>۲</sup>

۱. بیانات امام خامنه‌ای «رحمته علیه» در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۴۰۱/۴/۷.

۲. بیانات امام خامنه‌ای «رحمته علیه» در دیدار پیشکسوتان و فعالان دفاع مقدس و مقاومت،



- یک مسئله دیگر، اعتماد به وعده الهی است. خداوند متعال در چند جای قرآن به روشنی و با صراحت وعده داده است که اگر کسی در راه خدا و در راه دین تلاش کند، او را نصرت خواهد داد؛ این وعده الهی است. در یک جا می‌فرماید: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ». در این تعبیر «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ» چند علامت تأکید هست، که یعنی مؤکداً، مؤکداً خدای متعال نصرت می‌کند کسانی را که دین خدا را و او را نصرت کنند. خب این یک وعده است، وعده الهی است، به این وعده باید اعتماد کرد. ... اینها محاسبات مهمی است که انسان بداند خدای متعال به وعده خود وفا می‌کند.<sup>۱</sup>

## ۲-۴-۲. سنت معیت الهی (حضور خدا در میدان)

### الف) مفهوم‌شناسی سنت

سنت معیت الهی در زندگی فردی، عبارت است از حضور ادراکی و حمایتی خداوند در تمام ابعاد وجودی و حیات مؤمن، به گونه‌ای که فرد پیوسته حضور او را حس می‌کند (ادراک قلبی) و از برکات و توانمندی‌های ناشی از این همراهی در جهت حرکت به سوی کمال و غلبه بر موانع بهره‌مند می‌شود. به عبارت دیگر، معیت الهی یعنی: «خداوند با توست، نه فقط ناظر بر تو، بلکه یار و پشتیبان فعال تو در هر قدم از مسیر زندگی، با هدف توانمندسازی و ارتقای تو.»

### ب) کارکرد

تقویت روحیه و ایجاد تاب‌آوری روانی - عقیدتی در برابر فشارهای جنگ روانی دشمن، تبدیل احساس تنهایی و ضعف به احساس امنیت و قدرت ناشی از همراهی مطلق.

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۸/۱۱/۱۹.

### پ) تبیین محوری

دشمن در جنگ روایی، با القای حس «تنهایی»، «انزوای بین‌المللی» و «عدم تعادل قوا» سعی در تضعیف اراده و ایجاد ترس در جبهه مؤمنان دارد. قرآن کریم در برابر این حمله، سنت «معیت الهی» را مطرح می‌سازد؛ مفهومی که خدا را نه ناظری منفعل و دور، بلکه حاضری فعال، همراهی مباشر و پشتیبانی قادر در متن میدان نبرد و زندگی مؤمنان معرفی می‌کند. این معیت، یک حس پشتوانه بی‌نهایت را ایجاد می‌کند که مادی‌ترین محاسبات را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

### ت) آیات و شواهد قرآنی

«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ (نحل: ۱۲۸)؛ خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده‌اند، و کسانی که نیکوکارند.»

«لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا (توبه: ۴۰)؛ غم مخور، خدا با ماست!»

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت: ۶۹)؛ و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.»

«فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَمُ أَعْمَالَكُمْ (محمد: ۳۵)؛ پس هرگز سست نشوید و (دشمنان را) به صلح (ذلت‌بار) دعوت نکنید در حالی که شما برترید، و خداوند با شماست و چیزی از (ثواب) اعمالتان را کم نمی‌کند!»

«قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى (طه: ۴۶)؛ فرمود: «نترسید! من با شما هستم؛ (همه چیز را) می‌شنوم و می‌بینم!»

فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ (شعرا: ۶۱-۶۲)؛ هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم». (موسی) گفت: «چنین نیست! یقیناً پروردگارم با من است، به‌زودس مرا هدایت خواهد کرد!»

### ث) پیام‌ها و نکات راهبردی

- معیت الهی امری واقعی و تاثیرگذار است نه تشریفاتی و لفظی؛ این همراهی، در میدان عمل به شکل «هدایت»، «تأیید»، «تقویت قلب» و «مدد‌های غیبی» ظهور می‌کند. بنابراین معیت شامل معیت نصرت و معیت معونت و همه گونه‌های عنایاتی می‌شود که خدای سبحان نسبت به بندگان نیکوکارش به مرحله اجرا در می‌آورد.
- معیت الهی مشروط و دارای طرف مقابل است؛
- معیت الهی، حلقه اتصال اراده بشری به مشیت الهی در فرآیند سنت نصرت الهی و غلبه حق بر باطل است؛
- این سنت نشان می‌دهد که جبهه حق، تنها نیست و پشتوانه‌ای غیبی دارد که در لحظات سرنوشت‌ساز، توازن قوا را به نفع حق تغییر داده و پیروزی را از حالت امکان مادی به مرحله قطعیت می‌رساند. بنابراین، این سنت نه تنها منافاتی با قانون علیت ندارد، بلکه متعالی‌ترین نمود آن در سطحی فراتر از اسباب عادی است.
- در سخت‌ترین شرایط، «معیت الهی» منبع آرامش، ثبات و جسارت تصمیم است؛
- معیت الهی، جایزه و پاداش «ماندن در مسیر» است، نه «رسیدن فوری به مقصد»؛
- خداوند همراه کسانی است که در مسابقه استقامت، میدان را خالی نمی‌کنند: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا... (هود: ۱۱۲)؛ پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن و هر که با تو به سوی خدا آمده نیز [چنین کند] و طغیان نکنید.»
- معیت الهی بر یک «جمع متحد» نازل می‌شود؛

وحدت حول محور حق و اطاعت از فرماندهی، مجرای جاری شدن معیت خداست: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶)؛ و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و قدرت (و هیبت) شما از میان برود؛ و صبر پیشه کنید که خداوند با صابران است.»

• معیت فعال الهی، هم در بعد راهبردی (هدایت) و هم در بعد روانی (تثبیت قلب)، معادله میدان نبرد را به نفع جبهه حق تغییر می دهد:

- وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت: ۶۹)؛ و آنان که در راه ما (با خلوص) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود هدایت‌شان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.

- إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّثُوا الَّذِينَ آمَنُوا... (انفال: ۱۲)؛ آنگاه که پروردگارت به فرشتگان وحی می کرد: من با شما هستم، پس کسانی را که ایمان آورده‌اند، ثابت قدم بدارید.

• معیت الهی، منبع بی بدیل، ایجاد انگیزه، جسارت و امید است؛

وقتی کسی عمیقاً باور کند که «خدا با اوست» (معیت)، دیگر یک انسان معمولی نیست؛ او به یک «ابر انسان متصل» تبدیل می شود. این باور، آثارِ شگرفِ روانی، رفتاری و راهبردی دارد؛ از قبیل:

۱) تولید آرامش مطلق: اثر باور به معیت الهی در بُعد روانی؛ آرامش و حذف استرس است؛ (خدا هست، پس غمی نیست)؛ باور به معیت الهی؛ یعنی گرفتن دستِ قدرتِ مطلق. در این حالت، «ترس از آینده» (خوف) و «حسرت گذشته» (حزن) بی معنا می شود. شاهد قرآنی: «إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» (توبه: ۴۰).

۲) تغییرِ معادلاتِ محاسباتی: باور به معیت، ماشینِ حسابِ ذهنِ انسان را عوض می‌کند. در منطقِ مادی، «یک» از «صد» کمتر است؛ اما در منطقِ معیت، وقتی «یک» با بی‌نهایت همراه شود، از همهٔ دنیا برتر و بزرگ‌تر می‌شود. (خدا هست، پس کم نیستیم).

۲) ایجادِ امیدِ نامتناهی: کسی که خدا را «همراه» خود می‌بیند، هرگز کلمهٔ «نمی‌شود» و «نمی‌توانیم» را به کار نمی‌برد. (خدا هست، پس راهی هست).

۴) خودکنترلی و تقوایِ حیا: معیتِ قیومی خدا اگر باور شود، انسان حتی در خلوت هم گناه نمی‌کند، نه از ترسِ جهنم، بلکه از «شرمِ حضور»: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى؟ (علق: ۱۴)؛ آیا ندانست که خدا می‌بیند؟». باور به این حضور، ترمزِ دستیِ نفسِ اماره است.

### ج) کلام و اندیشهٔ ولایت

- وقتی حضرت موسی بنی اسرائیل را برداشت و شبانه به طرف دریا حرکت کردند که از آنجا بگریزند و بروند - حالا فردایش بود، پس فردایش بود، درست در تاریخ مشخص نیست - فرعون‌ها فهمیدند، اینها را دنبال کردند؛ منتها آنها پیاده و با زحمت، اینها با اسب و سواره؛ وقتی که نزدیک شدند و دیده می‌شدند، فَلَئِمَّا تَرَاءَ الْجَمْعَانِ. اصحاب موسی رو کردند به موسی گفتند: إِنَّا لَمُدْرِكُونَ؛ اصحاب موسی بنی اسرائیل - ترسو و کم‌یقین به موسی گفتند: إِنَّا لَمُدْرِكُونَ؛ الان می‌آیند ما را می‌گیرند؛ پدرمان در آمد! حضرت موسی فرمود: کَلَّا، هرگز! إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ؛ خدا با من است. این سنت الهی است.<sup>۱</sup>

- بنده عرض می‌کنم امروز هم آن پرچمی که در منطقهٔ آسیا، در مناطق اروپا و آمریکا، در هر نقطهٔ از عالم در مقابل انقلاب ایستاده، همان پرچم است؛

۱. بیایات امام خامنه‌ای (علیه السلام) در دیدار رئیس و مسئولان قوهٔ قضائیه، ۱۴۰۴/۴/۷.

همان پرچمی است که در مقابل ابراهیم و موسی و عیسی برافراشته شده بود. آنها نابود شدند و موسی و عیسی و ابراهیم زنده‌اند. علت زنده بودن آنها هم این است که خدای متعال به حضرت موسی فرمود: **إِنِّی مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَآرِی**؛ نترسید، نترسید، واهمه نکنید، دچار اشتباه در محاسبه نشوید، خدا با شما است. فرمود: **إِنِّی مَعَكُمْ**. دو نفر انسان غیر مسلح در مقابل جمعیت عظیم نیروی فرعونى، على الظاهر هیچ چیزی نیستند اما در باطن همه قدرت متعلق به اینها است، چون قدرت متعلق به خدا است و خدا می‌گوید من با شما هستم: **إِنِّی مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَآرِی**؛ می‌شنوم، می‌دانم چه اتفاقی دارد می‌افتد. مسئله ما این است. آن کسی که باور ندارد، نگاه کند به این چهل سال. در این چهل سال، دشمنان ما که مرکز قدرت مادی دنیا بودند، با همه وجود آمدند در مقابل این انقلاب و این حرکت ایستادند و ضربه زدند و همه تلاش‌شان را به کار گرفتند. واقعاً همه تلاش‌شان را و هر کاری می‌توانستند کردند. [حالا] بعد از چهل سال، آنها ضعیف‌تر از روز اولند، ما قوی‌تر از روز اولیم. این نشان‌دهنده این است که **«إِنِّی مَعَكُمْ»**، خدای متعال با ما است، **«أَسْمَعُ وَآرِی»**؛ اما یک شرط دارد: شما با خدا باشید: **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ**. این درس را امام بزرگوار به ما داد.<sup>۱</sup>

ما می‌خواهیم این معیت [الهی] را برای خودمان تأمین کنیم؛ راهش چیست؟ مهم این است. این معیت وجود دارد، اما شرط دارد؛ برای همه نیست. در قرآن چند شرط گذاشته است برای این معیت. در آخر سوره نحل [می‌فرماید]: **إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ**؛ تقوا. **«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»** و **«وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»** و **«أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»** و **«أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ»** و **«وَإِنَّ اللَّهَ**

۱. بیانات امام خامنه‌ای علیه‌السلام در دیدار مداحان اهل بیت، ۱۳۹۷/۱۲/۷.

لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» در چند جای قرآن تکرار شده. ما وظیفه‌مان را از اینجا بفهمیم.<sup>۱</sup>

ما مورد ظلم هستیم، مظلومیم، اما ضعیف نیستیم؛ ما مقتدریم. بخش اصلی و مهم قوت ملت ایران به خاطر اعتقاد به حمایت الهی است؛ قَالَ لَا تَخَافَا «إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَآرِي؛ خدای متعال با ما است، دارد کمک می‌کند؛ نشانه‌اش هم همین چهل سالی است که این همه علیه ما توطئه کرده‌اند، این همه فشار آورده‌اند، جنگ راه انداخته‌اند، فتنه راه انداخته‌اند، نفوذ درست کرده‌اند، عوامل تروریستی را به جان مردم انداخته‌اند، هزار کار زشت و خیانت‌آمیز با این ملت انجام داده‌اند، این ملت مثل کوه ایستاد و روزبه‌روز هم استوارتر شد؛ امروز هم از ده سال پیش، بیست سال پیش قوی‌تر، قدرتمندتر و استوارتر است.<sup>۲</sup>

## ۲-۴-۳. سنت امتحان و غربال مؤمنان

### الف) مفهوم‌شناسی سنت

صحنه دنیا با همه مظاهر آن، وسیله امتحان امت‌ها و بندگان خداست تا ظرفیت‌های نهفته بروز کرده و صاحبان صدق و کذب و ایمان و نفاق از هم متمایز و حجت پروردگار بر همگان تمام شود.

### ب) کارکرد

شکست‌های مقطعی و فشارهای شدید، ابزار الهی برای تفکیک ایمان‌های واقعی از ایمان‌های سطحی است.

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۹۸/۴/۵.

### پ) تبیین محوری

دشمن (اعم از شیطان داخلی یا خارجی) تلاش می‌کند هر سختی و بلایی را نشانه «خشم خدا» یا «عقب‌ماندگی جبهه حق» جلوه دهد تا موجی از یأس، سرزنش و انفعال ایجاد کند. قرآن کریم در برابر این تحریف، سنت ابتلا را به‌عنوان یک قانون تخلف‌ناپذیر و تربیتی مطرح می‌سازد: آزمایش، مقدمه و لازمه جدایی صدق از کذب، تقویت ایمان و آماده‌سازی برای مسئولیت‌های بزرگ‌تر است. این سنت، تحلیل حوادث را از حالت «قیاس صرفاً مادی و کوتاه‌مدت» به «درک فرآیندهای تربیتی و بلندمدت الهی» ارتقا می‌دهد.

### ت) آیات و شواهد قرآنی

«وَلَوْلَا أَنَّهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (اعراف: ۱۶۸)؛ و آنها را با نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم، شاید بازگردند.»

«أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (عنکبوت: ۲-۳)؛ آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم» به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟! ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و این‌ها را نیز امتحان می‌کنیم)؛ باید علم خدا درباره کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد.»

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ» (بقره: ۱۵۵)؛ به‌یقین، شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش دارایی‌ها و جان‌ها و میوه‌ها می‌آزماییم.»

«وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاؤُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الظَّالِمِينَ وَلِيُمَيِّضَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيُمَحِّقَ الْكَافِرِينَ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّائِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۰-۱۴۲)؛ و ما این روزهای پیروزی و شکست را در میان مردم می‌گردانیم؛ تا خدا افرادی را که ایمان آورده‌اند، بداند (و شناخته شوند)؛ و خداوند



از میان شما شاهدانی بگیرد و خدا ظالمان را دوست نمی‌دارد و تا خداوند افراد باایمان را خالص گرداند (و ورزیده شوند)؛ و کافران را به تدریج نابود سازد. آیا چنین پنداشتید که (تنها با ادّعی ایمان) وارد بهشت خواهید شد، در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته است؟!»

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (توبه: ۱۶)؛ آیا گمان کردید که (به حال خود) رها می‌شوید در حالی که هنوز کسانی که از شما جهاد کردند و غیر از خدا و رسولش و مؤمنان را محرم اسرار خویش انتخاب ننمودند، (از دیگران) مشخص نشده‌اند؟! (باید آزمون شوید و صفوف از هم جدا گردد)؛ و خداوند به آنچه عمل می‌کنید، آگاه است.»

«أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذْكُرُونَ (توبه: ۱۲۶)؛ آیا آن‌ها نمی‌بینند که در هر سال، یک یا دو بار آزمایش می‌شوند؟! باز توبه نمی‌کنند و متذکر هم نمی‌گردند.»

### ث) پیام‌ها و نکات راهبردی

- زندگی بشر، مسیری طولانی و پر از فرازونشیب (رنج، بلا، سختی، گشایش) است؛
- سنت ابتلا و امتحان الهی از سنت‌هایی است که برای همه افراد و جوامع محتوم است؛
- سنت امتحان در همه شرایط (سخت، آسان، متوسط) و در همه فصول زندگی جاری است؛
- امتحان، نشانه رهاشدگی نیست؛ نشانه جدی گرفتن جبهه حق توسط خداوند است؛
- خروج از یک آزمایش، ورود به آزمایشی دیگر است؛

- امتحان هم در امور و شئون فردی جریان دارد و هم در امور و شئون اجتماعی؛ بدین معنا که خداوند گاهی شخصی را می‌آزماید تا قدرت روحی، ظرفیت، سپاسگزاری یا ناسپاسی او روشن شود و گاهی امتحان الهی در سطح گسترده و برای یک قوم، گروه و ملتی مطرح می‌شود.
- امتحان الهی هدفمند است و هرگز برای کشف مجهول و ارتقای درک و معرفت نیست؛
- همه حقایق عالم از کوچک و بزرگ، پیدا و ناپیدا در نزد خداوند حاضر است و چیزی بر او مخفی نیست که بخواهد به وسیله امتحان از آن آگاه گردد.<sup>۱</sup> خداوند متعال برای شکوفا کردن استعدادهای نهفته (و از قوه به فعل رساندن آنها) و در نتیجه پرورش دادن بندگان،<sup>۲</sup> خالص سازی و پیرایش مؤمنان از نقاط ضعف،<sup>۳</sup> ظاهر سازی معیار کيفر و پاداش،<sup>۴</sup> تنبیه بخشی و غفلت زدایی (توبه و بازگشت به حق)،<sup>۵</sup> قرب الهی و جلوگیری از غرور و طغیان،<sup>۶</sup> تفکیک و جداسازی صفوف،<sup>۷</sup> توانمندسازی افراد و ظهور نیکوترین عمل و شناخته شدن نیکوکاران،<sup>۸</sup> تحقق تقوای قلبی در مؤمنان (دستیابی به

---

۱. «وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا...» (انعام: ۵۹)؛ «وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ» (نحل: ۱۹).

۲. ر.ک. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۹۵.

۳. ر.ک. آل عمران (۳)، آیه ۱۴۱.

۴. ر.ک. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۴ و حکمت ۹۳.

۵. ر.ک. اعراف (۷)، آیه ۱۶۸.

۶. ر.ک. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۷. ر.ک. آل عمران (۳)، آیات ۱۴۰، ۱۴۲ و ۱۷۹؛ محمد (۴۷)، آیه ۳۱؛ نمل (۲۷)، آیه ۴۰؛ عنکبوت (۲۹)، آیه ۳.

۸. ر.ک. کهف (۱۸)، آیه ۷؛ هود (۱۱)، آیه ۷.

تقوا)،<sup>۱</sup> تعالی معنوی و کمالات روحی،<sup>۲</sup> اتمام حجت پروردگار،<sup>۳</sup> تقویت ایمان<sup>۴</sup> و ... آنان را می‌آزماید؛

- واکنش به امتحان، باید «کنشگری فعال» باشد، نه انفعال؛
- نصرت و پیروزی بزرگ، نیازمند جامعه‌ای با ظرفیت و توانایی است. سنت امتحان، با ایجاد گردنه‌های سخت، ظرفیت صبر، تاب‌آوری و مقاومت را در افراد و جامعه افزایش می‌دهد؛
- انسان با عبرت و بهره‌گیری از عوامل و راهکارهایی می‌تواند در امتحان الهی موفق شود و از آثار و برکات آن بهره‌مند گردد.

### ج) کلام و اندیشه ولایت

- تا وقتی که پروردگار عالم، مردم را نیازماید و در کوره امتحان نریزد و پاک‌بازان در راه دین و مؤمنان راستین به خدا و راه انبیا را از دیگر مدعیان پوچ‌گو جدا نکند، کوره امتحان همچنان مشتعل و غربال امتحان در گردش است و همچنان آزمون‌های الهی پیش می‌آید. این مفاد مشترک تمام آیاتی است که درباره امتحان و آزمایش آمده است.<sup>۵</sup>

- تمام طول عمر انسان، قدم به قدم امتحان‌هاست.<sup>۶</sup> امتحان الهی، تنها راه عبور به سمت کمال است؛<sup>۷</sup> خدای متعال هر امتحانی که می‌کند، یک نمره

۱. ر.ک. حجرات (۴۹)، آیه ۳؛ مائده (۵)، آیه ۹۴.

۲. ر.ک. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۹۴.

۳. ر.ک. نساء (۴)، آیه ۱۶۵.

۴. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۶.

۵. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیان قرآن (تفسیر سوره براءت)، ص ۱۴۵.

۶. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار با مردم اصفهان، ۱۳۸۹/۸/۲۶.

۷. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار صدها تن از دانش‌پژوهان و فرهیختگان جانباز، ۱۳۸۷/۸/۲۶.

می‌دهد. وقتی در یک امتحانی، یک کسی، یک جمعیتی، یک ملتی قبول شدند، خدای متعال به اینها نمره می‌دهد؛ نمره این است که اینها را بالا می‌آورد. امتحان‌های الهی اینجوری است. همین‌طور که اگر در امتحان بد عمل کنیم و امتحان را ببازیم، خدای متعال نمرهٔ مردودی می‌دهد و آن مردودی عبارت است از تنزل و انحطاط - انسان از آنی که بود، بدتر می‌شود - در قبولی هم همین‌جور است؛ ملت‌ها را بالا می‌برد.<sup>۱</sup>

- امتحان، بدین معنا نیست که یک آزمایش است تا خدا ما را بشناسد؛ یا یک آزمایش است که ما خودمان، خودمان را بشناسیم - هیچ‌کدام از اینها نیست - بلکه امتحان، عبور از یک مرحله و مواجه شدن با یک بار سنگین است. امتحان، یک گردنه در یک مسیر است. یا شما از این گردنه عبور خواهید کرد، یا پشت گردنه خواهید ماند؛ از این دو حال، خارج نیست... خدای متعال، امتحان‌ها را بر سر راه افراد و ملت‌ها قرار می‌دهد، تا این ملت‌ها این بارها را بردارند، از این گردنه‌ها عبور کنند و به این وسیله، به مقامات عالی برسند و در جایگاه شایسته و مناسب خود قرار بگیرند.<sup>۲</sup>

## ۲-۴-۴. سنت غلبهٔ نهایی حق بر باطل

### الف) مفهوم‌شناسی سنت

سنت حتمی الهی که بر اساس آن، جوامع مبتنی بر «حق» - به دلیل اصالت، حیات‌بخشی و قابلیت ذاتی رشد و پایداری - سرانجام بر جوامع مبتنی بر «باطل» - که به‌رغم ظواهر فریبنده، درون‌پوچ و ذاتاً محکوم به زوالند - غالب خواهند شد. این غلبه، فرآیندی تدریجی و مبتنی بر تحقق شروط الهی

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار مردم قم، ۱۳۸۹/۱۰/۱۹.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار با خانواده‌های شهدای هفتم تیر و مکه مکرمه، ۱۳۶۹/۴/۶.

(نصرت) است که از طریق اثبات برتری کیفی حق در همه عرصه‌ها و نهایتاً اصلاح یا حذف باطل محقق می‌شود.

### ب) کارکرد

ایجاد اطمینان و ثبات قدم استراتژیک در جبهه حق، خنثی‌سازی پروپاگاندا و هیاهوی تبلیغاتی ظاهری جبهه باطل، و تبدیل «اعتقاد به پیروزی نهایی» به یک «اصل راهبردی تحلیل و اقدام» در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی.

### پ) تبیین محوری

نظام باطل همواره این روایت را ترویج می‌کند که کارآمدی و بقا تنها از آنِ قدرتمندانِ صاحبِ امکانات مادی است و حقِ فقیر و محکوم به شکست و حذف است. قرآن به صراحت اعلام می‌کند که اگرچه باطل ممکن است در مقاطعی جلوه‌گر شود، اما فرجام تاریخ به نفع حق است.

### ت) آیات و شواهد قرآنی

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء: ۸۱)؛ و بگو حق آمد و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل نابودشدنی است.»  
 «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ» (انبیاء: ۱۸)؛ بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاک سازد؛ و این‌گونه، باطل محو و نابود می‌شود.»

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (صف: ۹)؛ او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.»  
 «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده: ۵۶)؛ و هرکس که ولایت خدا و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرد، (پیروز است؛ زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروزند.»  
 «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ

الْقَائِمُونَ (صافات: ۱۷۱-۱۷۳)؛ وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده که آنان یاری شدگانش و لشکر ما پیروزند! - و باطل نابود شده و نابودشدنی است.»

«كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (مجادله: ۲۱)؛ خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می شویم؛ چرا که خداوند قوی و شکست ناپذیر است.»

### ث) پیام‌ها و نکات راهبردی

- خدا فعالانه در حال نابودی ساختار باطل است؛
- «غلبه حق بر باطل» یک آرزوی شیرین نیست، بلکه یک «قانون» است؛ مانند قوانین فیزیک که بر جهان مادی حاکم است؛
- در نزاع حق و باطل، پیروزی همواره برای جبهه اهل حق خواهد بود، مگر آنکه اهل حق در میدان نیایند و وظیفه خود را انجام ندهند؛
- غلبه حق، فرآیندی تدریجی و مبتنی بر «دمیدن حق بر باطل» است؛ این غلبه، ناگهانی و معجزه‌وار نیست، بلکه با تلاش مجدانه جبهه حق برای اقامه و تبلیغ حق در همه میدان‌ها (فکر، فرهنگ، اقتصاد، سیاست) محقق می‌شود. هر اقدام حق‌محورانه، همچون سنگ‌ریزی بر پایه‌های باطل است.
- مؤمن، اهل صبر تاریخی است؛ نه اسیر هیجان مقطعی؛
- جبهه حق در نبرد با جبهه باطل متحمل هزینه خواهد بود اما ناکامی نخواهد داشت؛

البته باید توجه داشت این وعده قرآنی که اهل حق پیروز نهایی‌اند بدین معنا نیست که جبهه حق در این مصاف هزینه پرداخت نمی‌کند، بلکه اتفاقاً چه بسا طرفداران حق در مواجهه با جبهه باطل هزینه سنگینی هم متحمل شوند و حتی

ممکن است قربانی هم بدهند اما ناکامی نخواهند داشت و درنهایت پیروزی با آن‌ها خواهد بود.

- باطل «جولان» (نمایش) دارد؛ اما حق «بقا» (ماندگاری) دارد؛
- باطل مانند «کف روی آب» پرحجم اما توخالی، و حق مانند «آب» ماندگار و حیات‌بخش است. «... فَأَمَّا الرَّبْدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ...» (رعد: ۱۷)؛ اما کف‌ها به کناری می‌روند و نیست می‌شوند، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند [آب] در زمین باقی می‌ماند...
- در منطق سنت الهی، حق‌مندی و نه کثرت عددی، معیار پیروزی استی. این باور، زمینه پیروزی گروه‌های کوچک اما بر حق را فراهم می‌کند؛
- مقاومت و پایمردی جبهه حق، شتاب‌دهنده فرآیند غلبه است؛
- هرچه استقامت و هوشیاری جبهه حق بیشتر باشد، فرسودگی و شکاف‌های درونی جبهه باطل سریع‌تر آشکار می‌شود. پیروزی نهایی، محصول «صبر فعال» و «کار مداوم» است؛
- شکست‌های مقطعی نقض سنت غلبه حق بر باطل نیست بلکه بخشی از نقشه راه است؛
- گاهی عقب‌نشینی‌های تاکتیکی یا شکست‌های ظاهری، برای آزمون، پالایش و ایجاد زمینه‌های قوی‌تر پیروزی ناگزیر است. اینها، بلکه مرحله‌ای از آن است؛
- غلبه حق لزوماً به معنای نابودی فیزیکی طرف مقابل نیست؛
- ممکن است غلبه حق از طریق «هدایت و جذب» افراد جبهه باطل یا «ساقط کردن نظام فکری و مشروعیت» آنان محقق شود.
- اعتماد به وعده الهی، عامل شکست‌ناپذیری روانی است؛

باور به این سنت، اضطراب ناشی از تبلیغات پرهیاهوی دشمن را از بین می‌برد و روحیهٔ ایثار و استقامت را تقویت می‌کند، زیرا پایان کار را روشن می‌بیند.

باور به فرآیند قطعی نابودی باطل، «صبر راهبردی» می‌آورد و عجله و یأس را از بین می‌برد.

### ج) کلام و اندیشهٔ ولایت

- در مبارزه حق و باطل، پیروزی قطعاً با جبهه حق است. نه امروز، بلکه دیروز، امروز و فردا، هر جا چنین مبارزه‌ای به وجود بیاید، پیروزی با جبهه حق است، مشروط به چند شرط؛ اگر اهل حق و کسانی که طرفدار حقند، نیت کنند، همت کنند، صبر کنند، ایستادگی کنند، مبارزه کنند، بلاشک پیروز خواهند شد؛ هر جایی که این اتفاق افتاده است -از دوران دور تاریخ- این جور است. .... آنجایی که طرفداران حق سستی به خرج دادند، اهمال به خرج دادند، آن جوری شده؛ آنجایی که ثبات و ایستادگی و استقامت و مبارزه و بصیرت و مانند این‌ها به خرج دادند، پیروز شدند. یعنی در طول تاریخ این جور است... امروز هم همین جور است؛ امروز هم اگر ما به شرایط، درست عمل بکنیم، پیروزی قطعی است.<sup>۱</sup>

- شکی نداریم که پیروزی از آن اسلام است؛ این جبههٔ کفر با همه وسعت، با همهٔ زرق و برق، با همهٔ توپ و تشری که می‌زنند، بالاخره در مقابل امت اسلامی و جبههٔ اسلامی مبارز و مجاهد وادار به عقب‌نشینی خواهد شد. «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارُ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا»؛ این سنت الهی است و تردیدی در این وجود ندارد. شرطش فقط این است که ما تلاش کنیم، ما

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴.



حرکت کنیم، ما راه بیفتیم، ما کار کنیم؛ اگر ما کار کردیم، این سنت الهی است که دشمن باید عقب‌نشینی کند و عقب‌نشینی هم می‌کند.<sup>۱</sup>

## ۲-۴-۵. روایت الهی شکست و پیروزی (در برابر روایت دشمن)

### الف) کارکرد

قرآن، شکست را پایان راه نمی‌داند و پیروزی را نیز معیار حقانیت نمی‌شمارد؛ بلکه هر دورا در چهارچوب هدایت، ابتلاء و آینده‌سازی معنا می‌کند.

### ب) تبیین محوری

نظام باطل همواره این روایت را ترویج می‌کند که «شکست، نشانهٔ بطلان یک راه است و پیروزی، سند قطعی حقانیت». «قرآن کریم با ارائهٔ «روایت الهی تاریخ»، این ادعا را درهم می‌شکند و اعلام می‌دارد که شکست و پیروزی، هر دو ابزارهایی در خدمت فرآیند هدایت، تربیت و تحقق وعدهٔ نهایی غلبهٔ حق هستند. بنابراین مؤمن، رویدادها را نه با عینک خبرگزاری دشمن، بلکه با نقشه راه الهی می‌سنجد.

### پ) آیات و شواهد قرآنی

«قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ يَأْيِدِنَا فَتَرْبَحُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ (توبه: ۵۲)؛ بگو: آیا دربارهٔ ما، جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید؟! (یا پیروزی یا شهادت) ولی ما انتظار داریم که خداوند، عذابی از سوی خودش (در آن جهان) به شما برساند، یا (در این جهان) به دست ما (مجازات شوید) اکنون که چنین است، شما انتظار بکشید، ما هم با شما انتظار می‌کشیم.»

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار قاریان و حافظان برتر شرکت‌کننده در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۵/۲/۲۹.

«إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران: ۱۶۰)؛ اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد! و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او، شما را یاری کند؟! و مؤمنان، تنها بر خداوند باید توکل کنند.»

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹)؛ و سست نشوید و غمگین نباشید که شما برترید اگر ایمان داشته باشید.»

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)؛ در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.»

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» (نور: ۵۵)؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید.»

### ت) پیام‌ها و نکات راهبردی

- روایت دشمن، کوتاه‌مدت و مایوس‌کننده است؛ روایت قرآن، بلندمدت، امیدآفرین و آینده‌ساز است؛
- تحلیل حوادث باید براساس چهارچوب بلندمدت و آینده‌ساز قرآن باشد؛
- در اوج پیروزی‌ها، باید مراقب غرور و انحراف بود؛
- شکست‌های موقتی، به عنوان فرصتی برای پالایش، درس‌آموزی و تجدید راهبری باید در نظر گرفته شوند؛
- اقدام عملی و فراهم آوردن مقدمات، شرط بهره‌مندی از سنت الهی است؛
- برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها را نه براساس فشارهای کوتاه‌مدت و تبلیغات دشمن، بلکه با نگاه به وعده قطعی الهی باید تنظیم نمود.

### ث) کلام و اندیشه ولایت

وقتی شما [با نگاه توحیدی] می‌دانید وجود شما، پیدایش شما، حیات شما، تنفس شما با یک هدفی تحقق پیدا کرده است، دنبال آن هدف می‌گردید و برای رسیدن به آن هدف، تکاپو و تلاش می‌کنید. از نظر خدای متعال که آفریننده هستی است، خود این تکاپو هم اجر و پاداش دارد. به هر نقطه‌ای که رسیدید، درواقع به هدف رسیدید. این است که در دیدگاه توحیدی، خسارت و ضرر برای مؤمن اصلاً متصور نیست. فرمود: «ما لنا الا احدى الحسنيين» یکی از دو بهترین در انتظار ماست؛ یا در این راه کشته می‌شویم، که این بهترین است؛ یا دشمن را از سر راه برمی‌داریم و به مقصود می‌رسیم، که این هم بهترین است. پس در اینجا ضرری وجود ندارد.<sup>۱</sup>

### ۲-۵. جمع‌بندی محور / منطق راهبردی

در این محور، قرآن به ما می‌آموزد که:

- هیچ پیروزی یا شکستی تصادفی نیست؛
- همه حوادث، ذیل سنت‌های ثابت الهی رخ می‌دهند؛
- مؤمن آگاه، اسیر موج خبر و تحلیل لحظه‌ای نمی‌شود؛
- پیروزی‌های حق، نتیجه مستقیم انطباق با سنت «نصرت» و «معیت» الهی است؛
- شکست‌های مقطعی، در چهارچوب سنت «امتحان» برای پالایش و آماده‌سازی تحقق می‌یابد؛
- غلبه نهایی حق، سنتی تخلف‌ناپذیر است که شکست‌های ظاهری را در خود هضم و پیروزی را به یک «قطعیت استراتژیک» تبدیل می‌کند؛

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴.

- وظیفه اصلی مؤمن، فعال‌سازی و به‌کارگیری این سنت‌ها از طریق انجام شروطشان است، نه نظاره‌گری منفعل؛
- جبهه حق با اتکا به این چهارچوب، ریشه در عمق تاریخ دارد و هر شکست ظاهری را به نقطه پرش برای پیروزی بزرگ‌تر تبدیل می‌کند.

## ۲-۶. گزاره راهبردی نهایی

هیچ حادثه‌ای بی‌منطق نیست؛ شکست و پیروزی، هر دو در چهارچوب سنت‌های الهی، معنا، پیام و کارکرد دارند. این محور، ستون تنظیم تحلیل، روایت‌سازی صحیح و آرامش راهبردی در کل مدل است و نقش اساسی در مقابله با جنگ روانی، جنگ رسانه‌ای، تحریف واقعیت‌ها ایفا می‌کند.

عملیاتی شدن این محور، سیستم ایمنی فکری و روانی برای جامعه مؤمن ایجاد می‌کند. این سیستم، اجازه نمی‌دهد حملات روانی و تحریف‌های رسانه‌ای دشمن، هسته مرکزی ادراک و اراده جمعی را آلوده یا مختل کند. به بیان دیگر، این محور نرم‌افزار اصلی مدیریت بحران و تفسیر جهان در جبهه حق است که تحلیل‌ها را از حالت انفعالی و دفعی، به حالت فعال، عمیق و مبتنی بر الگوهای تاریخی الهی ارتقا می‌دهد.

## ۲-۷. چگونگی تحقق سنت‌های الهی در میدان عمل

شناخت سنت‌های الهی، صرفاً یک دانستن ذهنی یا بحث اعتقادی نیست؛ بلکه یک مهارت راهبردی در تحلیل حوادث و مدیریت میدان‌های پیچیده است. برای آنکه این محور از سطح «باور نظری» به «کارکرد عملی» برسد، تحقق آن نیازمند چند گام اساسی است:

## ۷-۱. عبور از تحلیل‌های مقطعی به تحلیل سنت‌محور

در جنگ ویرانگر روایت‌ها، خطر اصلی نه در وقوع حوادث، که در شیوه تحلیل کوتاه‌بینانه و مقطعی آن‌ها نهفته است؛ تحلیل‌گری که هر حادثه را جدا و منفک می‌نگرد، اجازه می‌دهد احساسات لحظه‌ای جای منطق ثابت الهی را بگیرد، و درنهایت، جامعه را در نوسانی مخرب میان امید و یأس گرفتار می‌سازد. در برابر این آسیب، نگاه سنت‌محور قرآنی چونان نقشه‌ای راهگشا عمل می‌کند؛ نگاهی که حوادث را نه به صورت پراکنده، که به شکل زنجیره‌ای به هم پیوسته از مشیت الهی می‌بیند، فراز و فرودهای راه را طبیعی و لازمه رشد می‌داند، و نتیجه نهایی را در افق بلندمدت و وعده‌دار الهی تحلیل و دنبال می‌کند. نتیجه راهبردی این نگاه، انتقال جامعه از تحلیل هیجانی و واکنشی به تحلیل حکیمانه، پایدار و جهت‌دهنده است؛ تحلیلی که در طوفان‌های جنگ ترکیبی، همچون لنگرگاهی امن، ثبات و بصیرت می‌بخشد.

## ۷-۲. بازتعریف مفهوم شکست و پیروزی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این محور، ایجاد یک چرخش بنیادین در نگاه جامعه به مفاهیم شکست و پیروزی است. این نگاه مانع می‌شود که شکست، پایان راه و پیروزی، نشانه‌ای قطعی و مطلق از حقانیت فرض گردد. براساس منطق حکیمانه قرآن، هر شکست می‌تواند در باطن خود، ابزاری برای امتحان، پالایش و ارتقای کیفیت نیروهای مؤمن باشد و هر پیروزی نیز می‌تواند بار مسئولیت‌آور و سرشار از خطر غرور و غفلت گردد. نتیجه راهبردی این بازتعریف، شکل‌گیری جامعه‌ای تاب‌آور و غیرقابل شکست است؛ جامعه‌ای که به جای فروپیزی در برابر شوک‌های مقطعی، آن‌ها را در چهارچوب سنت الهی تفسیر کرده، از هر عقب‌گردی نیرو می‌گیرد و در هر پیشروی، هوشیاری خود را حفظ می‌کند.

### ۲-۷-۳. تبدیل سنت‌های الهی به معیار تحلیل اخبار و حوادث

در میدان جنگ رسانه‌ای، خبر به ابزاری برای القای معنا و جهت‌دهی به افکار عمومی تبدیل شده است، تا جایی که تحلیل و روایت غلط از یک حادثه، می‌تواند خطرناک‌تر و مخرب‌تر از خود آن حادثه باشد. محور «سنت‌شناسی الهی» پادزهر این تهدید است. هنگامی که این محور فعال شود، هر خبر و رویداد در ترازوی سنت‌های ثابت الهی مانند امتحان، نصرت مشروط و غلبه نهایی حق، سنجیده می‌شود. در این حالت، روایت هدفمند دشمن از وقایع، قدرت اثرگذاری و اغواگری خود را از دست می‌دهد، زیرا جامعه معیاری مستحکم و الهی برای سنجش در اختیار دارد. نتیجه نهایی، خروج جامعه از وضعیت انفعال در پذیرش معنا و ورود به جایگاه فعال در تولید معنای مبتنی بر ایمان است. این جامعه دیگر مصرف‌کننده روایت‌های بیگانه نیست، بلکه خود، روایتگر حوادث در چهارچوب حکمت الهی است.

### ۲-۷-۴. طراحی اقدام متناسب

شناسایی سنت حاکم بر هر واقعه، اگر به یک دستورالعمل عملی و رفتاری ترجمه نشود، ناتمام است. هریک از سنت‌های پنج‌گانه الهی، الگوی رفتاری ویژه خود را در مراحل مختلف مبارزه طلب می‌کند. در مرحله امتحان و فشار، اقدام کلیدی صبر فعال، حفظ انسجام و تقویت بنیه درونی است؛ زیرا شتاب برای پیروزی زود هنگام، خود شکست محسوب می‌شود. با فرارسیدن مرحله نصرت و گشایش، اقدام کلیدی به شکرگزاری، استفاده حداکثری از فرصت و گسترش دایره حق تبدیل می‌شود؛ چراکه غفلت و غرور می‌تواند نعمت را به بلایی جدید بدل کند. در مرحله معیت و حضور الهی، اقدام کلیدی توکل عملی، جسارت در تصمیم‌گیری‌های به ظاهر نامتعادل و اقدام براساس حساب

غیبی است. و سرانجام، در مواجهه با شکست ظاهری، اقدام کلیدی، بازخوانی بی‌طرفانه، درس‌آموزی و تبدیل هوشمندانه روایت شکست به روایت ایستادگی و زمینه‌سازی برای انتقام است. این تطبیق عملی، سنت‌شناسی را از یک دانش نظری به یک نقشه راه میدانی تبدیل می‌کند.

## ۸-۲. نتیجه راهبردی نهایی

این محور، تنها یک «عینک برای دیدن» نیست، بلکه یک نقشه عملیاتی برای حرکت ارائه می‌دهد. جامعه‌ای که بتواند وقایع را در چهارچوب سنت‌ها تشخیص دهد و اقدام متناسب با هر مرحله را طراحی کند، از یک مردم منفعل به یک جبهه هوشمند و پیش‌ران تبدیل می‌شود که نه تنها در برابر جنگ روانی دشمن مصون می‌ماند، بلکه فعالانه و ابتکاری، فرآیند تاریخ را بر اساس قوانین الهی آن، به پیش می‌برد.

## ۹-۲. نقش آفرینان کلیدی در تحقق سنت‌های الهی

تحقق این محور، نیازمند کنش‌گران آگاه و فعال در میدان عمل است. در این منظومه، نقش چهار گروه کلیدی برجسته است:

### ۹-۲-۱. نقش پاسداران

#### الف) نقش راهبردی

پاسداران مدیران میدان نبرد و راویان معنای جهاد هستند که پیکار ظاهری را با منطق غیبی پیوند می‌زنند.

#### ب) وظایف عملیاتی

- تحلیل عملیاتی مبتنی بر سنت‌ها: گنجاندن مفاهیمی مانند «سنت نصرت»، «معیت الهی» و «امتحان» در ارزیابی‌های میدانی، تاکتیک‌ها و

برنامه‌ریزی‌های رزمی، به‌گونه‌ای که هر اقدام نظامی در چهارچوب کلی فرآیند الهی تاریخ فهمیده شود؛

- تبیین صحیح شکست‌های مقطعی: توضیح عقب‌نشینی‌های تاکتیکی یا ناکامی‌های موقت به نیروها نه به‌عنوان ضعف یا پایان کار، بلکه به‌عنوان بخشی از «مرحلهٔ آزمون و هزینه‌سازی» برای پیروزی بزرگ‌تر و نهایی، با استناد به نمونه‌های تاریخی مانند جنگ احد؛

- ایجاد مصونیت روانی در بدنهٔ رزمی: طراحی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی مستمر برای تقویت روحیه، ایمان و بصیرت نیروها، به‌گونه‌ای که در برابر تبلیغات یأس‌آلود، شایعات و روایت‌های تحریف‌شده دشمن مقاوم و نفوذناپذیر بمانند؛

- روایت‌سازی از صحنهٔ نبرد: مستندسازی و انتقال معنای حقیقی رشادت‌ها، شهادت‌ها و ایثارهای میدان به جامعه و تاریخ، به‌عنوان جلوه‌های عینی تحقق سنت‌های نصرت و معیت الهی؛

- حفظ آمادگی و انضباط در همهٔ مراحل: تداوم تمرین، تقویت بنیه و حفظ وحدت فرماندهی و عمل، چه در دوره‌های آرامش و چه در اوج فشارها، به‌عنوان شرط عملی بهره‌مندی از سنت الهی نصرت.

## ۲-۹-۲. نقش بسیجیان

بسیج، پیونددهندهٔ سنت‌های الهی با بدنهٔ مردمی است:

الف) نقش راهبردی

بسیجی «حافظ روحیهٔ عمومی و توزیع‌کنندهٔ روایت الهی در متن جامعه است.



### ب) وظایف عملیاتی

- تبلیغ چهره‌به‌چهره و امیدآفرینی: انتقال مستقیم و ملموس منطق سنت‌های الهی و روایت رسمی به آحاد مردم در محلات، مساجد و محیط‌های کاری، با زبان صمیمی و قابل درک؛
- ایجاد شبکه‌های مقاومت روانی: تشکیل گروه‌های مردمی و فضای مجازی برای پشتیبانی عاطفی، تبادل تجربیات مثبت و خنثی‌سازی شایعات و حملات روانی دشمن در سطح خرد؛
- تبیین زنده و عینی فشارها: توضیح دادن به مردم که مشکلات و سختی‌های کنونی، نه نشانهٔ رهاشدگی، که بخشی از «مرحلهٔ امتحان و پالایش» در مسیر حتمی پیروزی است، با استناد به نمونه‌های تاریخی و زندگی‌نامه‌های شهیدان؛
- الگوسازی عملی از صبر و استقامت: نشان دادن مقاومت و نشاط در انجام مأموریت‌های محوله (فرهنگی، امدادی، سازندگی) به‌عنوان نماد زنده «صبر فعال» در مرحلهٔ کنونی تاریخ؛
- بازخوردگیری و انعکاس دقیق فضای عمومی: انتقال صحیح و بی‌واسطه احساسات، دغدغه‌ها و پرسش‌های مردم به سطوح تصمیم‌گیری، برای اصلاح و بهبود روایت‌سازی و برنامه‌ریزی‌های کلان.

### ۲-۹-۳. نقش فرماندهان و مدیران

فرماندهان و مدیران، نقطهٔ اتصال سنت‌های الهی با تصمیم‌سازی هستند.

### الف) نقش راهبردی

فرمانده سنت‌شناس، مدیر صبور میدان‌های سخت و تنظیم‌گر توازن میان اقدام فوری و افق نهایی است.

### ب) وظایف عملیاتی

- تصمیم‌سازی مبتنی بر چهارچوب سنت‌های الهی: اتخاذ تصمیمات کلان نه براساس هیجان یا فشار مقطعی، بلکه با تشخیص مرحله تاریخی (امتحان، انتظار، گشایش، نصرت) و الزامات آن؛
- تدوین و ابلاغ روایت راهبردی واحد: تبدیل تحلیل سنت‌محور به گفتمان رسمی حاکم بر تمام دستگاه‌های اجرایی و رسانه‌ای برای ایجاد وحدت رویه در مواجهه با حوادث؛
- ثبات‌بخشی و مدیریت انتظارات در بحران: حفظ آرامش و انسجام درونی با یادآوری چهارچوب بلندمدت الهی و جلوگیری از تصمیمات شتابزده یا واکنش‌های کوتاه‌نگر؛
- تخصیص هوشمندانه منابع ملی: جهت‌دهی ظرفیت‌ها به اولویت‌های حیاتی هر مرحله (مانند تقویت تاب‌آوری در دوره امتحان یا تسریع توسعه در دوره گشایش و ...)
- نظارت و اصلاح فرآیند روایت‌سازی: رصد تأثیر روایت رسمی بر جامعه و اصلاح روش‌های اجرایی آن با حفظ اصول ثابت سنت‌های الهی.

## ۲-۹-۴. نقش روحانیون و مرییان

### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی: مهندسی معنای الهی حوادث و واکنش‌سازی ذهن جامعه در برابر جنگ روانی دشمن.

### ب) وظایف عملیاتی

- تبیین عمیق و کاربردی: ارائه تفسیرهای روشن، به‌روز و راهبردی از سنت‌های الهی در مواجهه با مسائل روز و حوادث جاری؛

- شکستن سکوت روایی: حضور فعال در فضای رسانه و پاسخگویی به موقع به شبهات و روایت‌سازی‌های دشمن با زبان قرآن؛
- آموزش و تربیت نسل روایتگر: آموزش و تربیت فراگیران به عنوان «افسران روایت‌ساز» برای جامعه؛
- رابطه‌سازی عینی: پرکردن فاصله مردم با منطق قرآن از طریق مثال‌های ملموس، داستان‌های تاریخی و تمثیل‌های روزآمد از زندگی معاصر؛
- پاسخ به شبهات بنیادین: ارائه پاسخ‌های مستدل و آرامش‌بخش به پرسش‌های رایج درباره معنای شکست، فلسفه تأخیر در نصرت و حکمت هزینه‌های سنگین در مسیر حق.

## ۲-۹-۵. نقش آحاد مردم

### الف) نقش راهبردی

آحاد مردم، مؤمنان پیشران تاریخ و اجرای زنده سنت‌های الهی در متن زندگی روزمره هستند.

### ب) وظایف عملیاتی

- فیلتر کردن اخبار با عینک سنت‌های الهی: تحلیل هر خبر و رویداد نه براساس هیجان یا روایت دشمن، بلکه براساس چهارچوب سنت‌های پنج‌گانه (نصرت، معیت، امتحان، غلبه حق، روایت الهی) و پرسیدن این سؤال که «این حادثه در کدام مرحله از نقشه الهی تاریخ قرار دارد؟»؛
- انتقال روایت صحیح در شبکه‌های اجتماعی و روزمره: تبدیل شدن به «رسانه‌های خرد» برای نشر و تقویت روایت رسمی مبتنی بر سنت‌ها در گفتگوهای خانوادگی، محل کار و فضای مجازی و مقابله فعال با شایعات؛

- تجسم عملی صبر و استقامت: نمایش مقاومت و امید در زندگی شخصی و شغلی، حتی در شرایط سخت اقتصادی یا اجتماعی، به عنوان نمونه عینی «صبر فعال» در مرحله امتحان؛
- پشتیبانی عاطفی و عملی از جبهه حق: حمایت کلامی و معنوی از فرماندهان، نظامیان و فعالان جبهه حق و مشارکت در اقدامات جمعی مانند حضور در راهپیمایی‌ها، کمک‌های مردمی، به عنوان تجلی «معیت» با مجاهدان؛
- تقویت بنیه درونی خانواده و محله: سرمایه‌گذاری بر تربیت نسل آینده براساس این منطق، تحکیم روابط اجتماعی و کمک‌های متقابل محلی، به عنوان «ساختن سنگ‌های اجتماعی» در جنگ تمدنی.

## ۲-۱۰. جمع‌بندی ارتقایی / تثبیت نگاه راهبردی

این محور، با نهادینه‌سازی بینش سنت‌محور، به یک سامانه مدیریت شناختی و روانی تبدیل می‌شود که چهار کارکرد کلیدی دارد: نخست، به عنوان تنظیم‌کننده تحلیل کلان حوادث عمل می‌کند و از افتادن در دام تفسیرهای جزئی‌نگر جلوگیری می‌نماید؛ دوم، خنثی‌کننده قدرتمند جنگ روایت‌سازی دشمن است، زیرا معیاری ثابت برای سنجش هر خبر و تحلیل ارائه می‌دهد؛ سوم، تولیدکننده آرامش، صبر استراتژیک و امید فعال در دل جامعه است؛ و چهارم، مانعی مستحکم در برابر فروپاشی روانی در اوج بحران‌ها به‌شمار می‌رود.

گزاره راهبردی تکمیلی:

جامعه‌ای که سنت‌های الهی را نه به صورت نظری، که به عنوان قاعده حاکم بر تاریخ بشناسد و بر آن تکیه کند، به سه توانایی تعیین‌کننده دست می‌یابد: این جامعه از شکست‌ها نه فقط عبور می‌کند، بلکه درس‌هایی برای آینده استخراج

می‌نماید. از پیروزی‌ها نه فقط برای در امان ماندن از غرور، بلکه پایه‌ای برای مسئولیت‌پذیری بزرگ‌تر می‌سازد. و درنهایت، در مسیر حق، نه تنها به مداومت مجهز می‌شود، که توانایی «پیش‌بینی روندها» و «طراحی آینده» را بر مبنای قوانین تغییرناپذیر الهی حاکم بر تاریخ پیدا می‌کند.

## ۱۱-۲. شبهات و سؤالات مطرح

### ۱۱-۲-۱. شبهه اول

**شبهه:** «اگر سنت‌های الهی قطعی است، پس چرا مؤمنان شکست می‌خورند؟ این به نظر می‌رسد وعده‌های الهی ناکارآمد باشد؟»

**پاسخ:** این شبهه از برداشت نادرست از مفاهیم شکست، پیروزی و زمان‌بندی نصرت ناشی می‌شود. پاسخ در چند محور ارائه می‌شود:

(الف) اصلاح تعریف پیروزی و شکست: پیروزی تنها تسلط ظاهری و فوری نیست. پیروزی در هدف، حفظ اصول در سخت‌ترین شرایط، و تأثیرگذاری تاریخی نیز پیروزی است. شهادت امام حسین علیه السلام در نگاه سطحی شکست بود، اما در مقیاس تاریخ، بزرگ‌ترین پیروزی و عامل حیات اسلام شد. نصرت الهی گاه در بقای مکتب و الگوسازی تجلی می‌یابد؛

(ب) تفکیک نبرد از جنگ کلان: سنت نصرت، وعده پیروزی در جبهه کلان تاریخ است، نه پیروزی در هر نبرد موقت. شکست در اُحد، مقدمه‌ای برای

پیروزی‌های بزرگ‌تر بود. نصرت الهی ممکن است در فرآیندی طولانی و با مشارکت نسل‌های متوالی محقق شود؛

(پ) تعامل سنت نصرت با سنت امتحان: شکست‌های مقطعی، اغلب تجلی سنت امتحان و پالایش هستند. خداوند مؤمنان را می‌آزماید تا ایمان

راستین آشکار، ضعف‌ها شناسایی و جامعه برای پیروزی نهایی آماده و خالص شود. تأخیر در نصرت، نقض وعده نیست، بلکه بخشی از برنامه تربیتی الهی است؛

ت) نقش اسباب مادی و شرطیت نصرت: نصرت الهی مشروط است و از مجرای اسباب طبیعی محقق می‌شود. اگر مؤمنان در میدان حاضر نشوند، یا شرایط لازم (وحدت، تقوا، جهاد) را فراهم نکنند، نباید انتظار معجزه داشته باشند. شکست‌ها گاه پیامد کم‌کاری‌ها یا انحرافات درونی خود مؤمنان است؛

ث) حکمت الهی و مصلحت‌های پنهان: گاهی مصلحت الهی بر تعویق نصرت ظاهری یا حتی شکست موقت قرار می‌گیرد تا اهداف بزرگ‌تری مانند بیداری جهانیان یا افشای دشمن محقق شود. آنچه ما شکست می‌بینیم، ممکن است خیری بزرگ در پی داشته باشد که از دید ما پنهان است؛

ج) نبود فوریت در تحقق سنت: سنت نصرت، قطعی اما نه لزوماً فوری است. تحقق آن تدریجی و تابع حکمت و زمان‌بندی الهی است. انتظار معجزه‌ای پی در پی، نوعی غفلت از مسئولیت انسان و نظام اسباب است. صبر و استقامت در دوره انتظار، خود شرط دریافت نصرت است.

بنابراین، شکست‌های ظاهری مؤمنان، نه نقض سنت نصرت، که بخشی از فرآیند حکیمانه تحقق همان سنت است. این شکست‌ها می‌تواند نقش آزمون، پالایش، درس‌آموزی و زمینه‌سازی برای نصرت نهایی و بزرگ‌تر را ایفا کند. مؤمن با این نگاه، در مواجهه با شکست، به جای یأس، به بازخوانی خود، اصلاح درون و تقویت پایه‌ها می‌پردازد و با اطمینان به وعده قطعی الهی، مسیر را ادامه می‌دهد.

## ۲-۱۱-۲. شبهه دوم

**شبهه:** «چرا خدا شکست و پیروزی را به سنت‌های الهی گره زده است؟ مگر نباید همه چیز مستقیم به لطف الهی باشد؟»

**پاسخ:** این گره زدن، نه از سر محدودیت الهی، بلکه از سر حکمت ربانی است. اگر نصرت و پیروزی همیشه به صورت مستقیم، فوری و بدون شرط (مانند یک معجزه دائم) نازل می‌شد، چند هدف عمیق الهی محقق نمی‌شد:

**الف) امکان «جهاد» و «ابتلا» از بین می‌رفت:** سنت‌ها، فضایی می‌سازند که در آن اراده، انتخاب و مسئولیت انسان معنا پیدا کند. اگر نتیجه از پیش و بدون شرط معلوم بود، عرصه‌ای برای آزمون صدق، صبر، خلوص و مجاهدت باقی نمی‌ماند. انسان به جای «عامل فعال و مسئول»، به «تماشاگری منفعل» تبدیل می‌شد؛

**ب) تمایز بین «مؤمن راستین» و «منافق فرصت طلب» ناممکن می‌گشت:** سنت‌های مشروط مانند نصرت در گرو نصرت دین، همچون یک کوره آتش عمل می‌کنند تا سره از ناسره جدا شود. کسی که تنها در روزهای آسان و پیروزی‌های قطعی حاضر است، از کسی که در روزهای سخت و ناامیدی نیز بر عهد خود می‌ایستد، متمایز می‌شود؛

**پ) نظام «علّیت و اسباب» مخدوش می‌شد:** خداوند جهان را بر پایه اسباب و مسببات آفریده است. سنت‌های الهی در حقیقت، قانونمندی رابطه بین عمل انسان (سبب) و پاسخ الهی (مسبب) را در مقیاس تاریخ نشان می‌دهند. این نه نفی لطف مستقیم الهی، بلکه نشان‌دهنده نظم، حکمت و تعالی خداوند در اداره جهان است. لطف الهی در خود تنظیم این قوانین حکیمانه و امکان بهره‌مندی از آنها تجلی می‌یابد؛

ت) عقلانیت و برنامه‌ریزی بشری تحقیر می‌شد: اگر همه چیز صرفاً با مداخله غیبی غیرقابل پیش‌بینی حل می‌شد، تلاش، خردورزی و به‌کارگیری اسباب بی‌معنا می‌شد. سنت‌ها به انسان می‌آموزند که برای جلب نصرت الهی، باید اسباب آن (وحدت، تقوا، جهاد) را فراهم کند. این، ارتقادهنده عقل و اراده انسان است.

بنابراین، سنت‌های الهی، نفس لطف الهی هستند؛ زیرا جهان و تاریخ را از حالت «اتفاقی و پوچ» خارج کرده و به عرصه‌ای معنادار، قابل درک و قابل برنامه‌ریزی برای بنده‌ای تبدیل می‌کنند که می‌خواهد با اختیار و آگاهی، خود را به مقام خلافت الهی برساند. آنها پلی هستند بین عالم امر (اراده مستقیم خدا) و عالم خلق (قوانین علّی و معلولی) که به انسان شرافت مشارکت در تحقق اراده الهی را می‌بخشند.

## ۲-۱۱-۳. شبهه سوم

**شبهه:** «اگر همه چیز بر اساس سنت‌های الهی است، پس تحلیل و تصمیم‌گیری انسانی چه جایگاهی دارد؟»

**پاسخ:** سنن الهی اگرچه ممکن است دایره اختیار انسان را محدود کنند، اما هرگز مانعی بر مسیر تحقق اراده و اختیار انسان نیستند. به عبارت دیگر، میدان اختیار انسان در چهارچوب قواعد کلی و سنن الهی است که البته بخشی از این سنن، مطلق است و فارغ از اراده و اختیار انسان در نظام تکوین جریان دارند و بخشی از آنها مشروط است که جریان این سنن، وابسته به اراده و اختیار انسان است.<sup>۱</sup> در هر حال، سنت‌ها متأثر از رفتار و اراده انسانی است و این ادعا که قانون‌مند بودن و الهی بودن سنت‌ها، با اختیار انسان قابل جمع نیست، ادعایی

۱. ر.ک. روم (۳۰)، آیه ۴۱؛ رعد (۱۳)، آیه ۱۱ و....



ناصواب است؛ چراکه انسان براساس قدرت انتخاب و آزادی خود هر راهی را که در این دنیا انتخاب کند، مشمول همان سنت‌های حاکم در آن مسیر خواهد شد و اینکه برخی سنت‌ها در تحقق مشروط به اراده و انتخاب انسان شده‌اند، به‌خوبی بیانگر این واقعیت است که سنت‌ها نافی اراده و اختیار انسان نمی‌باشند. همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملّتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند.»

بنابراین سنت‌های الهی نه تنها جای‌گزین عقل، تدبیر و اقدام انسان نیستند، بلکه مسئولیت و نقش فعال انسان را پررنگ‌تر می‌سازند؛ درواقع، سنت‌ها به ما می‌گویند که پیروزی تصادفی و خودجوش نیست، اما برای رسیدن به آن، تحلیل هوشمند، برنامه‌ریزی دقیق، مقاومت آگاهانه و اقدام به‌موقع انسانی شرط لازم است. پس سنت‌های الهی تحلیل و تصمیم‌گیری لحظه‌ای را از ما نمی‌گیرد، بلکه با ارائه یک چشم‌انداز راهبردی بلندمدت، به تصمیم‌های کنونی ما عمق، جهت و اطمینان می‌بخشد. به بیان دیگر، شناخت سنت‌ها نه به معنای حذف اراده انسان، بلکه به معنای هدایت آن اراده در مسیری پیروزمند و مطمئن است.

#### ۲-۱۱-۴. شبهه چهارم

**شبهه:** «سنت غلبه حق بر باطل ممکن است دیر تحقق یابد؛ آیا این به معنای تأخیر بی‌پایان است؟»

**پاسخ:** تأخیر در تحقق سنت غلبه حق بر باطل، نه نشانه نقض وعده الهی، که بازتابی از مشروط بودن این سنت است. خداوند در آیاتی مانند «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده: ۵۶) و «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا... لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور:

55))، وعده پیروزی نهایی را قطعی می‌کند، اما زمان و کیفیت این تحقق را به آمادگی و عملکرد جامعه مؤمن گره می‌زند. بنابراین، تأخیر نه «بی‌پایان»، بلکه «تنظیم‌شده براساس ظرفیت‌سازی و تکامل جبهه حق» است. این فرصت تاریخی سه وظیفه راهبردی را بر دوش مؤمنان می‌گذارد: اول، صبر و مقاومت فعال که ثبات قدم را در مسیر بلندمدت تضمین می‌کند؛ دوم، آمادگی انسانی و سازمانی که توان عملیاتی و مدیریتی لازم برای بهره‌برداری از وعده استخلاف را فراهم می‌سازد؛ و سوم، عمل به وظایف شرعی و اجتماعی که شرط اصلی جاری شدن سنت الهی است. در این نگاه، تأخیر نه تهدید، که فرصتی برای تکمیل زیرساخت‌های پیروزی است.

#### ۲-۱۱-۵. شبهه پنجم

**شبهه:** «در طول تاریخ جمعی از پیامبران و مؤمنان شکست خوردند و گروهی نیز به شهادت رسیدند. بنابراین وعده نصرت الهی درباره آنان چه شده است؟»

**پاسخ:** پرسش از سرنوشت پیامبران و مؤمنانی که ظاهراً شکست خوردند یا شهید شدند، ناشی از یک برداشت محدود و مادی از مفاهیم «پیروزی» و «نصرت» است. پاسخ این شبهه در دو سطح ارائه می‌شود:

الف) گسترش مقیاس ارزیابی: نباید پیروزی را تنها در حوزه مکانی و زمانی محدود یک نبرد یا عمر یک فرد جست‌وجو کرد. این مقیاس، مقیاس کوتاه‌بین بشری است، درحالی‌که ارزیابی الهی براساس تأثیرگذاری در جریان تاریخ و فرجام کار است. شهادت یا شکست ظاهری یک پیامبر یا جامعه مؤمن، ممکن است جرعه‌ای باشد که آتشی بزرگ‌تر و ماندگارتر را در تاریخ روشن کند؛ همان‌گونه که شهادت امام حسین علیه السلام نه پایان که آغاز حیات جاویدان تشیع بود؛

ب) تنوع مصادیق نصرت الهی: نصرت الهی تنها به معنای پیروزی نظامی فوری نیست، بلکه صورت‌های متعالی‌تری دارد که در نگاه سطحی قابل تشخیص نیست. ثبات قدم در برابر شدیدترین فشارها، زنده نگه داشتن مکتب تا آخرین نفس، تبدیل شدن به الگوی جاویدان مقاومت، و تأثیرگذاری عمیق بر سرنوشت امت‌های بعدی، همگی جلوه‌هایی از نصرت الهی هستند. آنچه ما «شکست» می‌نامیم، ممکن است عظیم‌ترین نصرت الهی باشد که در قالبی غیرمنتظره تحقق یافته است. بنابراین، وعده نصرت الهی درباره آنان نه تنها محقق شده، که در شکلی متعالی‌تر و تاریخ‌سازتر متجلی گشته است.

## ۱۲-۲. نتیجه نهایی

سنت‌های قطعی الهی حاکم بر شکست و پیروزی، به‌عنوان ستونی محکم و تنظیم‌گر عمل می‌کنند که سه کارکرد حیاتی را در میدان جنگ ترکیبی ارائه می‌دهند: تنظیم روایت صحیح از وقایع، تسهیل تحلیل راهبردی در پیچیدگی‌ها، و ایجاد آرامش روانی در قلب طوفان بحران‌ها.

این نقش بی‌بدیل، سنت‌شناسی الهی را مستقیماً در تقابل با چهار ابزار اصلی دشمن در جنگ نوین قرار می‌دهد: جنگ روانی برای تخریب روحیه، جنگ رسانه‌ای برای تحریف حقایق، عملیات تحریف واقعیت‌ها برای ایجاد تردید، و تهدیدات فرسایشی بلندمدت همچون تحریم‌ها. در مواجهه با هریک از این تهدیدات، درک سنت‌هایی چون امتحان، نصرت مشروط و غلبه نهایی حق، به جامعه امکان می‌دهد تا ذهن و دل خود را از آسیب‌پذیری محافظت کرده و درعین حال، پاسخی فعال و مبتنی بر بینش الهی طراحی کند.



محور سوم:

## مقاومت سازمان یافته و الگوی «رَبِّيُون»

وَكَايُنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونٌ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (آل عمران: ۱۴۶).

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند)؛ و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد.

### ۱-۳. هدف کلان

ایجاد و استقرار مدل سازمانی «رَبِّيُون» در تمام سطوح جبهه حق، به گونه ای که در مواجهه با فشارها، شکست های مقطعی و جنگ فرسایشی دشمن، واکنش جمعی نه به «سستی (وَهْن)»، نه به «ضعف عملیاتی» و نه به «تسلیم (اسْتِگَانَه)» بینجامد؛ بلکه منجر به حفظ کامل انسجام، تقویت تاب آوری و افزایش ظرفیت عملیاتی برای تداوم مأموریت تا حصول پیروزی نهایی گردد.

### ۲-۳. کارکرد کلان

تثبیت ایستادگی بلندمدت، جلوگیری از فرسایش نیروی انسانی و تبدیل مقاومت به یک ساختار ماندگار.

### ۳-۳. تبیین محوری

در جنگ شناختی که دشمن با هدف فرسایش درونی و شکستن اراده ملی، به دنبال ایجاد سستی، ناتوانی و ذلت در پیکره جامعه است، راهبرد مهندسی قرآن برای خنثی‌سازی این حربه، ارائه الگوی «مقاومت سازمان‌یافته و الگوی ربّیون» است. این محور، پاسخ قرآنی به یک نیاز راهبردی است: تبدیل مقاومت از یک واکنش هیجانی و تک‌نسلی، به یک ساختار نهادی، تاب‌آور و تربیت‌محور.

در منطق قرآن، مقاومتِ پیروزمند، صرفاً یک عکس‌العمل دفاعی یا یک دوره هیجان جمعی گذرا نیست. مقاومت واقعی، یک پدیده سازمان‌یافته، عمیقاً تربیتی و مبتنی بر ساختارهای ریشه‌دار است. آیه ۱۴۶ آل‌عمران با اشاره به «ربّیون» (مردان الهی) که در کنار پیامبران می‌جنگیدند، بر این نکته تأکید دارد که نیروی انسانی هماهنگ، تربیت‌شده و پایدار، کلید عبور از بحران‌های طولانی است. این آیه سه آسیب‌پذیری اصلی سازمان‌ها در بحران را رد می‌کند: «وَهُنَّ» (سستی اراده و روحیه)، «ضَعْفٌ» (ناتوانی عملیاتی و کاهش توان) و «اِسْتِغَاثَةٌ» (تن دادن به شرایط ذلیل‌کننده). پیروزی نهایی، محصول حذف این سه نقطه ضعف از بافت سازمانی جبهه حق است.

الگوی «ربّیون» فراتر از یک گروه همراه، یک مدل کامل «سازمان مقاومت» را ترسیم می‌کند. این مدل بر سه پایه استوار است: اول، رهبری معنوی و الهی (قتل مَعَهُ نَبِیٍّ) که جهت و معنای جهاد را تعیین می‌کند؛ دوم، نیروی انسانی فراوان، ولی باکیفیت و همسان (ربّیونَ کَثِیر) که نشان از جذب، تربیت و سازماندهی گسترده بر مبنای یک اندیشه واحد دارد. سوم، برنامه‌ریزی برای تاب‌آوری درازمدت، به گونه‌ای که سازمان نه تنها در برخورد اول، که در مواجهه با توالی مصائب (لَمَّا أَصَابَهُمْ) نیز ظرفیت خود را حفظ کند. این مدل،

مقاومت را از یک حادثه به یک فرآیند و از یک هیجان به یک مهندسی تبدیل می‌کند.

این الگوی انسانی، با الگوی نهادی قرآن، یعنی «شجره طیبه؛ درخت پاکیزه»، (ابراهیم: ۲۴) کامل می‌شود. «رَبَّیُّون» به‌عنوان تنه و شاخه‌های قدرتمند این درخت، و ایمان و ولایت به‌عنوان ریشه‌های ثابت آن هستند. مقاومت زمانی تهدیدناپذیر می‌شود که همچون این درخت، ریشه در اعماق اعتقاد، تنه در ساحت سازمان و شاخه‌ها در میدان عمل داشته باشد. بنابراین، تبیین محوری این است که پیروزی در نبرد سرنوشت، نیازمند انتقال از مقاومت‌های تک‌نسلی، احساسی و ساختارناپذیر به سمت «مقاومت نهادی‌شده» و «سازمان تاب‌آور» است. سازمانی که شکست مقطعی، توان عملیاتی آن را کم نکند (مَا ضَعُفُوا)، روحیه آن را نشکند (مَا وَهِنُوا) و هرگز آن را به پذیرش شرایط ذلت‌بار سوق ندهد (وَمَا اسْتَكَاثُوا). این همان سازمانی است که محبوب خداوند متعال است («وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»).

### ۳-۴. مؤلفه‌های اساسی (با استناد قرآنی)

#### ۳-۴-۱. صبر فعال و ثبات قدم نه صبر منفعل

صبر در قرآن، به‌معنای ایستادن هوشمندانه، ادامه مسیر و حفظ موضع است، نه تحمل منفعلانه فشار.

صبر در منطق قرآنی، هرگز به معنای تحمل منفعلانه، سکون و پذیرش شکست نیست. صبر، یک استراتژی هوشمندانه، پویا و مهاجم در دل شرایط ایستا است. این صبرِ فعال به معنای ایستادن استوار بر مواضع حق، ادامه دادن مسیر با تدبیر و حفظ انسجام درونی در اوج فشارهاست. صبر قرآنی، نیرویی است که زمان را به نفع جبهه حق مدیریت می‌کند، تاب‌آوری را افزایش می‌دهد

و دشمن را در دور باطل تکرار حمله خسته می‌سازد. این همان صبری است که در آیات بسیاری بر آن تأکید شده است.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها)، استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (انفال: ۴۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی روبه‌رو می‌شوید، ثابت قدم باشید! و خدا را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰)؛ به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- صبرِ قرآنی، هم «درون‌زا» است (کنترل درونی)، هم «برون‌زا» (ایستادگی در میدان)؛
- صبر و استقامت هم در حوزه‌ها و باورها است و هم در حوزه‌های رفتاری چون نظامی و ...: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات: ۱۵)؛ مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده‌اند؛ آنها راستگویانند؛
- استقامت و ثبات قدم ریشه در ایمان، معرفت و بصیرت دارد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ»

حَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ. (انفال: ۶۵)؛ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چراکه آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند؛

- برنامه عملیاتی مؤمنان، ترکیبی است از صبر درونی، مقاومت بیرونی، آمادگی سازمانی و پشتوانه تقوایی که در کنار هم ضامن فلاح هستند؛
- هنگام مواجهه مستقیم با دشمن، دو تکلیف حیاتی وجود دارد: ثبات قدم میدانی (نه عقب‌نشینی روانی یا فیزیکی) و اتصال معنوی مداوم (با ذکر فراوان خدا)؛

- استقامت بر ایمان، سه پشتیبانی غیبی به همراه دارد: رفع ترس و اندوه، نزول آرامش فرشتگان و تضمین پیروزی و پاداش نهایی.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

صبر یعنی چه؟ صبر یعنی در میدان باقی ماندن، از میدان بیرون نرفتن. بعضی از میدان می‌گیرند؛ بعضی نمی‌گیرند اما به تدریج از میدان کناره می‌گیرند؛ این خلاف صبر است. صبر یعنی پایداری کردن، در میدان ماندن، استقامت کردن. صبر یعنی چشم به هدف‌های دور و به افق‌های دور دوختن؛ چشم دوختن به هدف‌های دور... حرکت انقلاب اسلامی یک چنین صبری را لازم دارد. شما نگاه کنید؛ در دوران صدر اسلام، در آن دهه‌های اول که سختی زیاد بود - به خصوص در دوران پیامبر اعظم - صبر کردند، ایستادگی کردند، مقاومت کردند؛ نتیجه این شد که با وجود نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌هایی که برخلاف دستور حقیقی اسلام انجام گرفته بود، اما اوج تمدن بشر در قرن سوم و چهارم هجری متعلق به ملت مسلمان و



کشورهای اسلامی است. قضیه این جوری است؛ اگر صبر کردیم، افق‌های دور مال ما است؛ اگر شما امروز ایستادید، نسل‌های آینده به آن قلّه دست خواهند یافت. آنها به قلّه می‌رسند اما این هنر شما است، این کار شما است.<sup>۱</sup>

### ۳-۴-۲. تاب‌آوری ایمانی (تحمل فشار بدون فروپاشی)

تاب‌آوری در منطق قرآنی، صرفاً یک مقاومت روان‌شناختی نیست، بلکه یک قدرت وجودی ریشه‌دار در ایمان است. این تاب‌آوری، محصول دورکن اساسی است: ارتباط زنده و دائم با خدا (از طریق دعا، توکل و ذکر) و معنادار دیدن رنج‌ها و فشارها در چهارچوب سنت‌های الهی مانند امتحان، پالایش و رشد. این نگاه باعث می‌شود فرد و جامعه، فشار را نه به‌عنوان یک اتفاق پوچ و تحمیلی، بلکه به‌عنوان جزئی ضروری از مسیر تکامل و تقرب بپذیرد. قرآن این تاب‌آوری را در آیاتی متعددی ترسیم می‌کند.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳)؛ ای افرادی که ایمان آورده‌اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است.»  
 «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶)؛ آنها که هر گاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: «ما از آن خدائیم؛ و به سوی او بازمی‌گردیم.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- انسان بی‌معنا می‌شکند؛ انسان مؤمن، فشار را به سرمایه‌ی رشد تبدیل می‌کند؛
- در مواجهه با هر فشار و مشکلی، بلافاصله از دو ابزار عملی از پیش تعیین شده

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع)،

کمک بگیرید: ۱. «صبر» به معنای مدیریت هیجان و حفظ استقامت فعال؛  
۲. «نماز» به معنای برقراری ارتباط منظم و آرامش بخش با خدا. این ترکیب، مانع از تصمیم گیری های شتابزده و انفعال می شود؛  
• ذکر «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» یک برنامه ریزی شناختی است که در لحظه وقوع مصیبت (شکست، فقدان، آسیب) فعال می شود تا با یادآوری مالکیت مطلق خداوند و بازگشت نهایی به سوی او، از فروپاشی روانی جلوگیری کرده، آسیب پذیری روحی را کاهش دهد و زمینه پذیرش واقعیت و تداوم حرکت را فراهم کند.

#### پ) کلام و اندیشه ولایت

- ما در میدان های جهاد در راه خدا در صورتی می توانیم مقاومت کنیم که دلمان لبالب باشد از ایمان به خدا و سرشار از توکل به خدای متعال؛ بدون معنویت نمی شود حرکت کرد، بدون ایمان قوی نمی شود گردنه های دشوار را پیمود، بدون توکل به خدای متعال نمی شود چشم بر هیمنه ظاهری قدرت ها بست و قدرت حقیقی را دید؛ توکل لازم است، ایمان لازم است، حُسن ظنّ به وعده الهی لازم است.<sup>۱</sup>

- همیشه خطر توطئه دشمن علیه ما وجود داشته است. آنچه مانع از توطئه، جنگ و غلبه دشمن می شود، ایستادگی و بیداری و حاضر بودن در میدان مقاومت است ... این مقاومت به برکت ایمان است؛ ایمان تان را هرچه می توانید تقویت کنید. به برکت بصیرت است؛ بصیرت و خودآگاهی را هرچه می توانید بیشتر کنید. به برکت وحدت و همبستگی است؛ این عامل بزرگ را هرچه می توانید بیشتر دنبال کنید. پرچم اسلام در ایران به اهتزاز

---

۱. بیانات امام خامنه ای رحمته الله علیه در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۲/۶/۲۰.

درآمده و دنیای اسلام و دل صدها میلیون انسان را به خود جذب کرده است. این پرچم را از دست ندهید؛ مستحکم نگهدارید.<sup>۱</sup>

- معنای ایستادگی، در همه جا یکی است؛ یعنی همان قوت انسانی و استقامت و پافشاری؛ منتها هرجایی يك طور خودش را نشان می‌دهد.<sup>۲</sup>

- خدای متعال وعده قطعی کرده است که: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا»؛ استقامت در راه درست نتیجه‌اش این است که خدای متعال اندوه و ترس را از یک انسان و یک جامعه سلب می‌کند و موفقیت را نصیب آن‌ها می‌کند.<sup>۳</sup>

- ملت‌هایی که برای هدف‌های خودی ایستادگی می‌کنند، موفق‌اند. ممکن است این موفقیت در کوتاه‌مدت به چشم آدم‌های کوتاه‌بین نیاید، اما بدون تردید این موفقیت تثبیت شده است و برو برگرد ندارد.<sup>۴</sup>

- معتقدیم که آن وقتی که حق با باطل درگیر و روبه‌رو شود، اگر اصحاب حق راست بگویند پای حق بایستند، قطعاً باطل شکست خواهد خورد. تجربه هم کرده‌ایم، همین جور است. ما در طول این سی سال تجربه کرده‌ایم، ایستادیم، پیش رفتیم. هر جا که می‌بینید يك عقب‌نشینی‌ای انجام گرفته است، يك ناکامی‌ای پیش آمده است، به خاطر این است که در استقامت ما سستی پیدا شده بود. هر جا استقامت کردیم، پیش رفتیم. بعد از این هم همین جور خواهد بود.<sup>۵</sup>

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در جمع بسیجیان و سپاهیان لشکر ۲۵ کربلا، ۱۳۸۹/۶/۲۹.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۸/۲.

۳. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار مردم گرمسار، ۱۳۸۵/۸/۲۱.

۴. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار جمعی از پرستاران، ۱۳۸۰/۵/۳.

۵. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار مردم آمل، ۱۳۸۸/۱۱/۶.

### ۳-۴-۳. سکینه در بحران (آرامش الهی در دل طوفان)

قرآن از نوعی آرامش ویژه و فرابشری سخن می‌گوید که محصول مقاومت در راه خداست و تنها در متن سخت‌ترین بحران‌ها و نبردها نازل می‌گردد: «سَكِينَةً». این آرامش الهی، نه فقدان ترس، بلکه ایستادگی همراه با طمأنینه قلبی در برابر تهدید است. سکینه، آرامشی است که اضطراب را مهار می‌کند، تصمیم‌گیری را در اوج فشار ممکن می‌سازد و ترس را به محاسبه تبدیل می‌نماید. قرآن در آیات متعدد، از نزول این سکینه بر پیامبر ﷺ و مؤمنان در بحرانی‌ترین لحظات سخن می‌گوید.

#### الف) آیات و شواهد قرآنی

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (فتح: ۴)؛ او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمان‌شان بیفزایند؛ لشکریان آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و خداوند دانا و حکیم است.»

«فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (فتح: ۲۶)؛ خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود.»

#### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- سکینه، ابزار تصمیم‌سازی درست در شرایط پرتنش است و جامعه‌ای که سکینه دارد، دچار آشوب درونی نمی‌شود؛
- نزول هم‌زمان سکینه بر پیامبر و مؤمنان، نشان‌دهنده پیوند روحی رهبر و امت و ضرورت ایجاد آرامش روانی جمعی است؛ به‌طوری‌که رهبر، کانون آرامش‌بخشی به کل مجموعه باشد؛
- سکینه، یک آرامش ویژه و مستقیماً الهی است که خداوند آن را در عمق جان

مؤمنان (قلوب) قرار می‌دهد تا منبع اضطراب و ترس را از درون خشک کند.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

- سکینه یعنی آرامش در مقابل تلاطم‌های گوناگون روحی و اجتماعی... امروز جامعه انقلابی ما، مردم مؤمن ما، نیاز به این دارند که آرامش، سکینه، طمأنینه و وقار را در خودشان هرچه بیشتر به وجود بیاورند.<sup>۱</sup>

- امسال - سالی که در اواخرش هستیم - حوادثی داشتیم که در آن سکینه مسئولان کارساز بود. کمی درآمدهای اقتصادی را داشتیم؛ مشکلات اقتصادی را داشتیم؛ مشکلات امنیتی را داشتیم. دیدید که دشمنان در تابستان امسال در همین تهران حوادثی به وجود آوردند. انسان‌ها اگر از سکینه و آرامش و توکل و اعتماد به خدا و اعتماد به آینده و اعتماد به آنچه که از مبانی حق در اختیار آنهاست، برخوردار نباشند، در مقابل این‌طور حوادث دست و پای‌شان را گم می‌کنند؛ به خصوص اگر انسان بداند که این حوادث را دشمن برنامه‌ریزی کرده است.<sup>۲</sup>

- دین صحیح، حالت سکینه و اطمینان و آرامش و اعتماد به خود و اعتماد به خدا و اعتماد به آینده را به انسان می‌بخشد.<sup>۳</sup>

### ۳-۴-۴. الگوی «ربّیون»؛ مقاومت نخبگانی پیوسته

قرآن کریم، کلید پیروزی پیامبران و تداوم حرکت‌های الهی را در وجود گروهی ویژه و نخبه می‌داند: «ربّیون». اینان مؤمنانی هستند که در مکتب انبیا تربیت یافته‌اند، از بصیرت عمیق نسبت به دین و دشمن برخوردارند، دارای ثبات قدم و

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۸/۳/۲۹.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۸/۱۰/۴.

۳. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۷/۹/۲۳.

استواری کم‌نظیری هستند و مهم‌تر از همه، به‌صورت جمعی، سازمان‌یافته و شبکه‌ای عمل می‌کنند. آنان تنها افراد متعهد پراکنده نیستند، بلکه یک پیکره زنده و هوشمند را تشکیل می‌دهند که می‌تواند در نبود رهبر ظاهری نیز به رسالت خود ادامه دهد.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«وَكَايْنِ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (آل عمران: ۱۴۶)؛ چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند)؛ و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد».

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- جبهه حق بدون «هسته‌های ربّی»، فرسوده می‌شود؛
- پیروزی، محصول انسان‌های معمولی تربیت‌نشده نیست؛
- پیامدهای سخت و حتی شکست‌های مقطعی در راه خدا، نباید منجر به سستی اراده (وهن)، کاهش توان عملیاتی (ضعف) یا تن دادن به ذلت و تسلیم (استکان) شود؛
- رزمندگان حق باید بدانند که تجربه پایداری در اوج سختی، سابقه تاریخی دارد و پیروان پیامبران پیشین نیز همین مسیر را طی کرده‌اند. این دانسته، به مقاومت آنان عمق و اعتبار می‌بخشد؛
- پایداری بر این مسیر (با سه ویژگی عدم سستی، ضعف و تسلیم)، محبوبیت در نزد خدا را به دنبال دارد. این محبت، خود بزرگ‌ترین پشتوانه معنوی است.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

یکی از معارف، ایستادگی و تسلیم نشدن در مقابل زورگو است... انگیزه شدید و قوی‌ای وجود دارد برای اینکه ملت ایران را قانع کنند که آقا باید کوتاه بیایید. رادیوهای دنیا، وسایل ارتباط جمعی در دنیا، رسانه‌های دشمن، مجموعه‌ای از اندیشکده‌ها و جمعیت‌های فکری نشسته‌اند طراحی می‌کنند برای اینکه ملت ایران را قانع کنند که باید در مقابل آمریکا کوتاه بیایید و چاره‌ای هم نیست. ملت ما بحمدالله ایستاده، اما بایستی نیروی معنوی را پی در پی تزریق کرد، نیروی معنوی را پی در پی باید زنده کرد؛ این یکی از معارف است. در همین دعای صحیفه سجّادیه [آمده: «وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ... يَدَا»؛ یعنی من را مدیون کافر و فاسق نکن، من را محتاج آنها نکن، چشم من به دست آنها نباشد، من در مقابل آنها احساس ضعف نکنم؛ این یکی از معارف است. اینکه از خدا می‌خواهد او را در مقابل دشمن به این وضع دچار نکند، معنایش این است که در مقابل دشمن نباید به این وضع دچار شد.<sup>۱</sup>

### ۳-۴-۵. نهادسازی طیب؛ الگوی «شجره طيبة»

مقاومت پایدار و سترگ، صرفاً با وجود افراد پراکنده یا حرکت‌های مقطعی ممکن نیست؛ بلکه نیازمند ساختارها، نهادها و سازمان‌هایی است که ریشه در ایمان داشته، از سلامت باطنی برخوردار باشند و بتوانند به صورت مستمر، نیرو و ثمر تولید کنند. قرآن این الگو را در قالب شجره طيبة ترسیم می‌کند.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (ابراهیم: ۲۴)؛ «کلمه طيبة» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟!»

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۹۸/۱۱/۲۶.

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- نهادهای انقلابی، زمانی ماندگارند که «طیب» باشند، نه صرفاً پر قدرت؛
- هر حرکت، نهاد یا گفتمان موفق، نیازمند پایه‌های نظری و اعتقادی محکم، شفاف و غیرقابل تردید است. این ریشه‌ها، همان اصول ثابت و تغییرناپذیر مانند توحید، ولایت، عدالت، هستند که سازمان را در طوفان‌های فتنه و جنگ روانی، پایدار نگه می‌دارند؛
- الگوی مطلوب، تلفیق هوشمندانه پایبندی به اصول (ریشه ثابت) با رسیدن به آرمان‌ها و افق‌های بلند (شاخه در آسمان) است. سازمان نباید در سنت‌گرایی محض متوقف شود، و نه برای نوگرایی، اصل خود را فراموش کند؛
- سلامت درونی، پاکی منابع، صداقت در عمل و سلامت اخلاقی اعضا و ساختار، شرط ضروری ماندگاری و اثرگذاری یک نهاد است. نهاد «ناخالص» (غیرطیب) حتی اگر قدرتمند باشد، در درازمدت دچار فساد درونی و سقوط می‌شود؛
- درخت پاکیزه، به‌طور طبیعی و دائمی میوه می‌دهد. نهاد تراز قرآن نیز باید به‌گونه‌ای طراحی شود که به‌طور مستمر تولیدکننده مفهوم، راهکار، نیروی انسانی تربیت‌شده و خدمات باشد، نه اینکه فعالیتش مقطعی و نمایشی باشد؛
- چنین درختی، سایه‌گستر و پناه‌بخش است. نهاد مبتنی بر این الگو، باید برای جامعه ایمنی روانی، جهت‌گیری فکری و پناه ایدئولوژیک در برابر بمباران تبلیغاتی دشمن ایجاد کند.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

- یک روز جمهوری اسلامی یک نهال باریکی بود، امروز یک شجره طَیِّبه



تومند و تناوری است که هیچ طوفانی هم نمی‌تواند او را از جا دریاورد. حوادث سهمگینی [پیش آمد]؛ این ملت توانست خودش را در این حوادث سهمگین نگه دارد، پیش برد؛ مثل جنگ هشت‌ساله. هشت سال همه قدرت‌های بزرگ دنیا پشت یک دولتی ایستادند که به ما حمله کند؛ به او تجهیزات دادند، اطلاعات دادند، به او تاکتیک یاد دادند، کمک مالی کردند - همه و همه - که بتوانند جمهوری اسلامی را نابود کنند؛ ملت ایران با قدرت ایستاد و آنها را به زانو درآورد و به کوری چشم آنها خودش تسلیم نشد و به زانو درنیامد و حوزه اقتدار و عزت خودش را توسعه داد.<sup>۱</sup>

- انقلاب اسلامی ایران همانند شجره طیبیه‌ای است که میوه‌های ایستادگی ۳۲ ساله آن به صورت عزت ملت، سربلندی سیاسی نظام اسلامی، پیشرفت‌ها و نوآوری‌ها در عرصه‌های مختلف علمی و اقتصادی، و کوتاه نیامدن در مقابل قدرت‌های زورگو، تداوم پیدا کرده و اکنون به الگویی برای ملت‌های منطقه تبدیل شده است.<sup>۲</sup>

- آن روزی که انقلاب اسلامی در ایران پدید آمد، هیچ‌کس در این دنیای بزرگ گمان نمی‌کرد که پرچم اسلام بتواند این جور، آن هم در یک چنین منطقه‌ای، در یک چنین کشوری که به‌طور در بست در اختیار سلطه‌گران بود، به اهتزاز در بیاید و این حرکت اسلامی بماند، رشد پیدا کند، در مقابل دشمنی‌ها بتواند مقاومت کند؛ هیچ‌کس در اطراف دنیا فکر نمی‌کرد.

دشمنان نظام جمهوری اسلامی به خودشان وعده می‌دادند که در ظرف یک

۱. سخنرانی تلویزیونی امام خامنه‌ای رحمته‌الله علیه به مناسبت سی‌ودومین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۴۰۰/۳/۱۴.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله علیه در دیدار فرماندهان ارشد نظامی جمهوری اسلامی ایران با فرمانده کل قوا، ۱۳۹۰/۱/۱۴.

ماه، دو ماه، یک سال حداکثر، نظام جمهوری اسلامی را از پا خواهند انداخت و همه تلاش را برای یک چنین مقصودی به کار بردند... ملت ایران وفاداری نشان دادند، صدق نشان دادند، در صحنه ماندند، فشارها را تحمل کردند، عزم و اراده خودشان را فائق کردند بر توطئه دشمن. لذا این شجره طیبه ماند، ریشه دواند، رشد کرد و ان شاء الله روز به روز بر رشد و بر استحکام و قوت و قدرت این بنای مستحکم افزوده خواهد شد.<sup>۱</sup>

### ۵-۳. جمع بندی محور / منطق راهبردی

این محور، انتقال از مقاومت فردی و هیجانی به مقاومت نهادی و پایدار را هدف می گیرد. هسته آن، استقرار الگوی تاریخی «رَبَّیُّون» – انسان های تربیت یافته الهی که در کنار پیامبران، با وجود مصائب، هرگز سست نشدند، ضعیف نگردیدند و تسلیم نگشتند – به عنوان مدل سازمانی جبهه حق است.

- این مدل با چهار مؤلفه تقویت می شود:
- صبر فعال و استقامت به جای انفعال؛
- تاب آوری ایمانی با اتکا به صبر و نماز؛
- سکینه (آرامش الهی) به عنوان پشتوانه تصمیم گیری در بحران؛
- نهادسازی طیب براساس الگوی «شجره طیبه» با ریشه ای ثابت و شاخه ای در آسمان.

**نتیجه نهایی:** ساختن سازمانی تاب آور و شکست ناپذیر است که در جنگ فرسایشی، نه می شکند، نه می لرزد و نه تسلیم می شود، و زمینه ساز پیروزی نهایی می گردد. این محور، ستون اجرایی تحقق وعده های الهی است.

---

۱. بیانات امام خامنه ای علیه السلام در دیدار مسئولان نظام و میهمانان خارجی شرکت کننده در بیست و پنجمین کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۰/۱۱/۲۱.

### ۳-۶. گزاره راهبردی نهایی

پیروزی پایدار و شکست‌ناپذیر، از درون انسان‌های ریشه‌دار در ایمان، آرام‌یافته با سکنه الهی، تربیت‌شده در مکتب ولایت و سازمان‌یافته در قالب ساختارهای طیب و الهی می‌جوشد، نه از هیجان‌های زودگذر یا احساسات مقطعی. این محور (مقاومت سازمان‌یافته)، ستون اصلی تاب‌آوری بلندمدت نظام اسلامی در برابر جنگ فرسایشی دشمن، تحریم‌های طولانی مدت، فشارهای روانی مستمر و فتنه‌های پی‌درپی است. به بیان دیگر، این محور پیوندی مستقیم و حیاتی با مدیریت استراتژیک سرمایه انسانی مقاومت برقرار می‌سازد؛ مدیریتی که نه بر جذب افراد صرف، بلکه بر پرورش، آرامش‌بخشی، سازمان‌دهی و نهادسازی برای نیروهای مؤمن متمرکز است تا در هر شرایطی، پیکره نظام زنده، پویا و آماده دفاع از حریم حق باقی بماند.

### ۳-۷. چگونگی رسیدن به «مقاومت سازمان‌یافته و الگوی ربّیون»

رسیدن به این محور، خودبه‌خود و صرفاً با شعار مقاومت رخ نمی‌دهد؛ بلکه نیازمند یک مسیر مهندسی شده است:

#### ۳-۷-۱. عبور از ایمان فردی به ایمان شبکه‌ای

رسیدن به مقاومت سازمان‌یافته، یک فرآیند خودجوش و تصادفی نیست، بلکه مستلزم یک مهندسی اجتماعی و تربیتی هدفمند است. محور کلیدی این مسیر، عبور از ایمان فردی و پراکنده به ایمان شبکه‌ای و سازمان‌یافته است. ایمان یقینی تنها زمانی می‌تواند به مقاومتی پایدار تبدیل شود که از حیطه احساس و اعتقاد شخصی فراتر رفته و در قالب یک «باور مشترک عمیق»، «عهد جمعی نانوشته» و «هویت تشکیلاتی واحد» تجسد یابد. این تبدیل، سوخت روانی حرکت را به یک موتور هماهنگ و برنامه‌ریزی‌شده برای عمل جمعی بدل می‌سازد.

اگر این عبور حیاتی اتفاق نیفتد، حتی با وجود تعداد زیادی از افراد باایمان، جبهه حق با یک معضل راهبردی مواجه خواهد شد: نیروها مؤمن اما پراکنده، و متعهد اما فرسوده. در این حالت، هر فرد به تنهایی بار هزینه‌ها (مادی، روانی، اجتماعی) را بر دوش می‌کشد، اما به دلیل نبود هماهنگی، تقسیم کار و پشتیبانی سازمانیافته، این هزینه‌ها به نتیجه مطلوب و تجمیع شده منجر نمی‌شود. انرژی به جای آنکه در مسیری متمرکز و تقویت کننده صرف شود، در سطح وسیعی پخش شده و به تدریج تحلیل می‌رود. این همان نقطه آسیب‌پذیری است که دشمن در جنگ فرسایشی به دنبال ایجاد آن است.

در مقابل، الگوی «رَبِّیُّون» تصویر یک شبکه انسانی به هم پیوسته، هم‌هدف و هم‌روح را ترسیم می‌کند که در آن، ایمان فردی نه تنها حفظ، بلکه تقویت و جهت‌دار می‌شود. در این ساختار، هزینه‌های هر عضو، به سرمایه جمعی تبدیل می‌شود، شکست‌های مقطعی به درس‌های مشترک بدل می‌گردد و پیروزی‌ها نه متعلق به یک نفر، که دستاورد کل مجموعه قلمداد می‌شود. رسیدن به این الگو، نیازمند طراحی سازوکارهای ارتباطی، تربیتی و مدیریتی است که بتواند آن «عهد جمعی» را روزه‌به‌روز مستحکم‌تر کرده و «هویت تشکیلاتی» را به اصلی‌ترین شناسه هر عضو تبدیل کند.

### ۳-۷-۲. تربیت تدریجی، نه بسیج هیجانی

رسیدن به الگوی «رَبِّیُّون» و مقاومت سازمان‌یافته، هرگز محصول بسیج‌های کوتاه‌مدت و هیجان‌های زودگذر نیست. این الگو برخلاف حرکت‌های احساسی که با یک بحران شعله می‌گیرند و با فروکش کردن آن خاموش می‌شوند، ریشه در فرآیندی آرام، عمیق و تدریجی تربیت دارد. تربیت، جریانی است که فرد و گروه را لایه‌لایه و مرحله‌به‌مرحله می‌سازد و ظرفیت‌های درونی آنان را از «توان ممکن» به

«توان پایدار» تبدیل می‌کند. در حالی که هیجان، مانند آتشی است که به سرعت می‌سوزد و خاموش می‌شود، تربیت مانند ساخت یک بنای مستحکم است که هر آجر آن را با دقت و در طول زمان می‌چینند.

این تربیت تدریجی در گرو تمرین عملی مستمر است. فرد و سازمان باید به طور دائم در میدان‌های مختلف - فرهنگی، اجتماعی، امنیتی - حضور یابند تا صبر، ثبات قدم و مهارت کار جمعی را نه در تئوری، که در آزمایشگاه واقعیت بیاموزند و درونی کنند. این حضور طولانی‌مدت، نیروها را با پیچیدگی‌های کار، فرازونشیب‌های مسیر و استمرار فشار آشنا می‌سازد و از آنان افرادی می‌سازد که نه با یک شعار، که با یک منش و عادت سازمانیافته به میدان می‌آیند. همان‌گونه که یک ورزشکار قهرمان با تمرینات روزانه و منظم ساخته می‌شود، «رَبَّیُّن» نیز با تمرین مداوم ایستادگی در طول زمان شکل می‌گیرند.

حذف این فرآیند تربیتی، مقاومت را به سرنوشت محتومی دچار می‌سازد: فرسایش. گروهی که بر هیجان متکی است، با اولین شکست یا طولانی‌شدن مسیر، انگیزه خود را از دست می‌دهد و انرژی‌اش به سرعت تحلیل می‌رود. در مقابل، گروهی که بر تربیت استوار است، مانند درختی با ریشه‌های عمیق، در طوفان‌ها نیز پابرجا می‌ماند و حتی برگ‌های ریخته‌اش (شکست‌های مقطعی) به تقویت خاک (تجربه جمعی) منجر می‌شود. بنابراین، سرمایه‌گذاری بر تربیت تدریجی، تنها راه تبدیل مقاومت از یک «حادثه» به یک «ساختار ماندگار» و ضامن تداوم حرکت جبهه حق در مسیر طولانی و پرچالش پیروزی است.

### ۳-۷-۳. اتصال انسان‌سازی به نهادسازی

الگوی قرآنی «شجره طیبه» با ظرفیتی راهبردی هشدار می‌دهد که انسان صالح و ساختار مناسب، دوروی یک سکه و مکمل یکدیگرند. نیروی انسانی

تربیت شده بدون قرارگیری در یک چهارچوب سازمانی هوشمند و سالم، مانند دانه‌های پراکنده‌ای است که هرگز به ثمر نخواهد رسید و انرژی‌اش در انزوا و بی‌هدفی تحلیل می‌رود. در نقطه مقابل، نهادی قدرتمند و پیشرفته که توسط انسان‌های فاقد صلاحیت اخلاقی و اعتقادی مدیریت شود، حتی با بهترین طرح‌ها، در بلندمدت از درون منحرف شده و از مسیر اصلی خود منحرف می‌گردد. بنابراین، رسیدن به مقاومت سازمان‌یافته، مستلزم پیوندی ناگسستنی میان این دو است: تزریق روح «رَبِّیُّون» به کالبد «نهادهای طیب».

هدف نهایی این اتصال، فراتر از استفاده صرف از نیروها در ساختارهاست. هدف، تبدیل نیروهای مقاوم به «ستون‌های ماندگار» و «معماران زنده» همان ساختارها است. هر فرد تربیت‌یافته در الگوی «رَبِّیُّون» نباید تنها یک اجراکننده دستور باشد، بلکه باید به عاملی تبدیل شود که ارزش‌ها، ثبات و روح مقاومت را در بافت سازمان تنفس می‌دهد و آن را در برابر فساد و انحراف مصون می‌دارد. این نیروها هستند که ساختار را از حالت خشک و بوروکراتیک خارج کرده و به آن انعطاف، خلاقیت و تاب‌آوری در برابر بحران می‌بخشند.

بنابراین، محور مقاومت سازمان‌یافته نه با تمرکز یک‌جانبه بر «تربیت فردی» محقق می‌شود و نه با اتکای صرف به «طراحی تشکیلاتی». این محور، نیازمند مهندسی هم‌زمان و تعاملی این دو حوزه است؛ به گونه‌ای که فرآیند انسان‌سازی، نیازهای نهادهای در حال توسعه را مد نظر قرار دهد و نهادسازی، به‌گونه‌ای طراحی شود که فضای رشد، ظهور و اثرگذاری انسان‌های صالح را فراهم کرده و آنان را در خود جذب و حفظ کند. این چرخه پیوسته، همان اکوسیستم مقاومت را ایجاد می‌کند که هم پایدار است و هم زیای.

### ۳-۸. نتیجه راهبردی نهایی

این محور، با استقرار الگوی «رَبَّیُّون» و «شجرة طیبه»، مقاومت را از یک واکنش هیجانی و فردی به یک ساختار سازمان‌یافته، تاب‌آور و خودتجدیدشونده تبدیل می‌کند. نتیجه نهایی، ایجاد سیستمی است که در جنگ فرسایشی، با حفظ کامل انسجام و توان عملیاتی، هرگز دچار سستی اراده، ضعف اجرایی یا تمایل به تسلیم نمی‌شود و به‌عنوان ستون محکم نظام، پایداری و تداوم حرکت جبهه حق را تا حصول پیروزی نهایی تضمین می‌نماید.

### ۳-۹. نقش آفرینان کلیدی مقاومت سازمان یافته و الگوی ربیون

این محور، بدون نقش آفرینی فعال پاسداران، بسیجیان، فرماندهان، روحانیون و آحاد مردم محقق نمی‌شود:

#### ۳-۹-۱. نقش پاسداران انقلاب اسلامی

##### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی پاسدار، معمار الگوی «رَبَّیُّون» و سازمان‌دهنده ایمان به قدرت هماهنگ است. آنان با طراحی نقشه مقاومت، ایمان پراکنده را به یک نیروی سازمان‌یافته تبدیل کرده و خود نگهبانان اصلی این الگو در عصر حاضر هستند.

##### ب) وظایف عملیاتی

در سطح عملیاتی، پاسداران مجریان هوشمند و مربیان میدانی این الگو هستند. این نقش در چند اقدام کلیدی متبلور می‌شود:

- تربیت نیروی «رَبَّیُّ»: ایجاد و اداره دوره‌های تربیتی تدریجی و مستمر برای درونی‌سازی «صبر»، «ثبات» و «تاب‌آوری» در نیروهای جوان، به جای تکیه بر بسیج‌های هیجانی مقطعی؛

- الگوسازی عملیاتی: نمایش عینی ایستادگی در میدان‌های مختلف (از رزم تا سازندگی) به گونه‌ای که هر مأموریت، خود یک درس عملی از مقاومت سازمان‌یافته باشد؛
- تزریق «سکینه» به بدنه سازمان: با مدیریت اخبار، تحلیل حوادث بر اساس سنت‌های الهی و حفظ آرامش و انسجام درونی در اوج فشارها، به عنوان منبع ایجاد آرامش جمعی عمل می‌کنند؛
- پایش و ایمن‌سازی ساختار: شناسایی و رفع نقاط ضعف (وُهْن)، آسیب‌پذیری (صَعْف) و عوامل انفعال (استکان) در درون سازمان‌های زیرمجموعه و مرتبط.

### ۳-۹-۲. نقش بسیجیان

#### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی بسیج، پرورش نیروهای کارآمد و ریشه‌دار کردن فرهنگ مقاومت در متن جامعه است. این نهاد تضمین می‌کند که درخت پایداری، از خاک مردم رشد کند و به پدیده‌ای زنده و فراگیر تبدیل شود.

#### ب) وظایف عملیاتی

- تولید نیروی مقاوم (نه صرفاً پرشمار): اجرای برنامه‌های تربیتی تدریجی و مهارت‌محور (نه صرفاً تجمعات هیجانی) برای پرورش افرادی با قابلیت «صبر فعال» و «تاب‌آوری»؛
- حفظ روحیهٔ ایثار در شرایط فشار: سازماندهی اقدامات جهادی مستمر، امدادرسانی در بحران‌ها و حفظ پیوند عاطفی با خانواده‌های شهدا و ایثارگران به منظور زنده نگه داشتن فرهنگ ایثار و جلوگیری از فرسایش روحیهٔ فداکاری؛



- تبدیل مفاهیم به گفت‌وگو: ترجمه و نشر ساده، خلاق و جذاب مفاهیم پیچیده مقاومت (مانند صبر، سکینه، استقامت) در قالب سرود، مسابقه، یادواره، فعالیت‌های محلی و فضای مجازی برای درونی‌سازی آن در متن جامعه؛
- پایش اجتماعی و انتقال هوشمند پیام: عمل کردن به‌عنوان دیده‌بانان بیدار و شبکه‌های ارتباطی زنده در محل‌ها، برای درک صحیح از روحیه مردم، انتقال به‌موقع دغدغه‌ها به سطوح مدیریتی و انتشار پیام‌های امیدبخش و آرامش‌بخش در مقابل شایعات.

### ۳-۹-۳. نقش فرماندهان و مدیران

#### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی فرمانده، تعیین قواعد بقا و رشد سازمان در شرایط دشوار است. او معمار تاب‌آوری سازمانی است که سیستمی می‌سازد تا سازمان نه تنها ظرفیت عملیاتی خود را در فشار حفظ کند، که نیروهایش را در کوره سختی‌ها پرورش داده و به جای مصرف، به «رَبِّیون» تبدیل نماید.

#### ب) وظایف عملیاتی

- مدیریت فعال «صبر»: تبدیل مفهوم صبر از یک ویژگی اخلاقی توصیه‌شده به یک متغیر مدیریتی و عملیاتی. این کار از طریق برنامه‌ریزی واقع‌بینانه، توزیع منطقی فشارها، تعریف مراحل استراحت و تجدید قوا محقق می‌شود؛
- تصمیم‌گیری مبتنی بر «سکینه»: اتخاذ و ابلاغ تصمیمات در بحران‌ها با حفظ خونسردی، آرامش و قاطعیت، به‌گونه‌ای که این رفتار، خود بزرگ‌ترین منبع اطمینان و آرامش برای نیروها باشد و چرخه اضطراب را قطع کند؛
- حفظ و رشد نیروی انسانی: نظارت مستقیم بر آستانه تحمل، روحیه و

سلامت روانی نیروها، دور کردن آنان از خطوط شکست بی حاصل، تقدیر از مجاهدت و طراحی مأموریت‌هایی که ضمن چالش، به رشد مهارت و اعتمادبه‌نفس آنان بینجامد؛

- پیشگیری از ریزش: شناسایی به موقع علائم خستگی مفراط، یأس یا اختلاف در نیروها و اقدام عملی (چرخش مأموریت، گفت‌وگوی فردی، حل مشکل) برای جلوگیری از ترک سازمان توسط عناصر ارزشمند؛
- الگوسازی عملی فرمانده ربّانی: حضور مؤثر در خطوط اصلی، شجاعت در پذیرش مسئولیت تصمیمات و نشان دادن توکل و اتکا در عمل. فرمانده باید خود، نمونه عینی یک «رَبّی» باشد که نیروها با مشاهده او، معنای استقامت را بیاموزند.

### ۳-۴. نقش روحانیون و مربیان

#### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی روحانی، مهندسی معنای مقاومت و تضمین پایداری کیفی آن است. او با خلق گفتمان امید و افق الهی، چهارچوبی معنابخش می‌سازد که در آن، رنج به درس و صبر به سرمایه‌ای تمدنی تبدیل می‌شود، و از مقاومت در برابر وسوسه کارآمدی بی‌روح محافظت می‌کند.

#### ب) وظایف عملیاتی

- معنادهی به رنج و فشار: تبیین حوادث سخت (شکست، شهادت، تحریم) در چهارچوب مفاهیمی چون «امتحان»، «تمحیص» و «قربانی شدن برای هدفی بزرگ‌تر»، به جای تحلیل‌های مادی‌محور یأس‌آور. این کار، تاب‌آوری روانی نیروها را افزایش می‌دهد؛
- تبیین فلسفه «صبر» و «تأخیر نصرت»: توضیح مستدل و قرآنی اینکه چرا

پیروزی ممکن است به تأخیر افتد، چرا صبر یک فضیلت فعال است و چگونه سنت‌های الهی در تاریخ جاری است. این کار از سردرگمی و تردید نیروها جلوگیری می‌کند؛

- ایمن‌سازی فکری در برابر شبهات: پاسخ‌گویی به موقع، قانع‌کننده و مبتنی بر معارف دینی به پرسش‌ها و شبهاتی که در میدان عمل برای نیروها پیش می‌آید مانند: «اگر حقیق، چرا شکست می‌خوریم؟»؛
- احیای مناسک معنویت رزمی: طراحی و اجرای آیین‌ها، مراسم و دعا‌های جمعی (مثل مراسم تشییع، یادواره‌ها، دعای عهد) به گونه‌ای که این مناسک، تقویت‌کننده روحیه جمعی، احساس تعلق و پیوند با آرمان باشند؛
- تربیت چهره‌به‌چهره نیروها: گفت‌وگوی مستقیم، مشاوره و راهنمایی فردی با فرماندهان، پاسداران و بسیجیان برای رفع دغدغه‌های درونی، تقویت ایمان عملی و تبدیل مفاهیم به باورهای شخصی.

### ۳-۵. نقش آحاد مردم

#### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی مردم، تأمین مشروعیت و حیات برای پیکره مقاومت است. آنان بستر و ذخیره بی‌پایان نیرویی هستند که به ساختار زندگی می‌بخشند و با ریشه دواندن در خاک جامعه، از انزوای مقاومت جلوگیری می‌کنند.

#### ب) وظایف عملیاتی

- حفظ روحیه و «سکینه» در محیط‌های خرد: ایجاد و نگهداری فضای امید، آرامش و اطمینان در کانون خانواده، محل کار و محله، به‌عنوان اولین سلول‌های جامعه که در مجموع، «سکینه جمعی» را می‌سازند؛

- مشارکت فعال در مناسک و برنامه‌های جمعی: حضور آگاهانه و وسیع در راهپیمایی‌ها، مراسم دعا، یادواره‌ها و برنامه‌های آموزشی عمومی (مانند پدافند غیرعامل) به‌عنوان نمایش عینی انسجام و آمادگی ملی؛
- پشتیبانی ملموس و عینی: مشارکت در کمک‌های مردمی، تقدیر عملی از رزمندگان، حمایت از خانواده‌های شهدا و ایثارگران و ایجاد شبکه‌های خودجوش حمایتی به‌عنوان تجلی عملی «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛
- نشر گفتمان مقاومت در گفتار روزمره: استفاده از زبان امید، اعتماد به نفس ملی و تکرار روایت‌های پیروزی در مکالمات عادی، و پرهیز جدی از تکرار گفتمان یأس، شکست و خودکم‌بینی که از سوی دشمن ترویج می‌شود؛
- مقاومت در برابر شایعه و جنگ روانی: مسئولیت‌پذیری در قبال دریافت و انتشار اخبار، پرهیز از بازنشر شایعات و رجوع به منابع معتبر به‌عنوان اولین خط دفاعی در میدان جنگ شناختی.

### ۳-۱۰. جمع‌بندی تکمیلی محور

این محور به ما می‌آموزد که مقاومت فاقد سازمان و ساختار، هرچند پرشور، ناپایدار و در برابر اولین فشارهای جدی می‌شکند. در مقابل، ساختار و نهادی که بر پایه تربیت الهی و انسان‌های ربّانی استوار نباشد، اگر هم مقاومتی کند، خطرناک و مستعد انحراف و تبدیل به ابزار قدرت‌طلبی می‌گردد. بنابراین، پیروزی پایدار و شکست‌ناپذیر، تنها از درون ترکیب حیاتی «انسان ربّانی» (تربیت‌یافته، بصیر و متوکل) و «نهاد طیب» (سالم، ریشه‌دار و مولد) بیرون می‌آید.

**گزاره راهبردی تکمیلی:** مدیریت جنگ‌های طولانی، ترکیبی و پیچیده امروز، نه با تکیه بر هیجان‌های مقطعی، که تنها از طریق برنامه‌ریزی استراتژیک برای پرورش مستمر انسان‌های ربّانی و ساخت نهادهای طیب در

تمام سطوح جامعه ممکن است. این سرمایه‌گذاری بنیادین است که عمق استراتژیک نظام را در برابر هرگونه فرسایش تشکیل می‌دهد.

### ۳-۱۱. شبهات و سؤالات مطرح

#### ۳-۱۱-۱. شبهه اول

**شبهه:** «مقاومت طولانی مدت موجب فرسایش، خستگی اجتماعی و عقب ماندگی می‌شود؛ عقلانیت اقتضا می‌کند هزینه‌ها کاهش یابد.»

**پاسخ:** پاسخ قرآنی - راهبردی در گام اول، پیش فرض غلط هم‌ذات‌پنداری فرسایش و مقاومت را به چالش می‌کشد. قرآن به وضوح میان «مقاومت هیجانی، بی‌ساختار و بی‌معنا» و «مقاومت سازمان‌یافته، آگاهانه و معنادار» تفاوت قائل می‌شود. آنچه موجب فرسایش می‌شود، گونه اول است؛ مقاومتی که صرفاً بر واکنش احساسی متکی است، روایت روشنی از آینده ندارد و از ساختاری برای مدیریت فشار و تجدید قوا برخوردار نیست. در مقابل، مقاومت قرآنی از نوع دوم است. آیه کلیدی «فَمَا وَهَنُوا... وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا» (آل عمران: ۱۴۶) به صراحت سه عارضه اصلی فرسایش را در الگوی «رَبِّیُّون» نفی می‌کند: «وهن» (سستی و فرسایش روحی)، «ضعف» (فروپاشی توان عملیاتی) و «استِکانه» (تن دادن تدریجی به ذلت). قرآن وجود فشار را انکار نمی‌کند، اما تأکید دارد که مقاومت ربانی، مجهز به مکانیزم‌هایی است که فشار را به فرسایش تبدیل نمی‌کند.

الگوی «رَبِّیُّون» که قرآن ارائه می‌دهد، دقیقاً پاسخی عملیاتی به همین نگرانی است. این الگو نشان می‌دهد که مقاومت بلندمدت نه تنها محکوم به فرسایش نیست، بلکه می‌تواند به موتور رشد و تعالی تبدیل شود، اگر بر چهار پایه استوار باشد:

- رهبری معنوی که جهت و معنا را در اوج فشارها زنده نگه می‌دارد؛
  - تربیت تدریجی و شبکه‌ای که نیروی انسانی را مصرف نمی‌کند، بلکه آن را حفظ و رشد می‌دهد؛
  - ساختارهای «طیب» و ریشه‌دار (شجره طیبه) که ثبات و پشتیبانی ایجاد می‌کنند؛
  - تبیین حکیمانه رنج‌ها که توسط روحانیون انجام می‌شود و مانع از تهی شدن مقاومت از محتوا می‌گردد.
- در این مدل، بحران‌ها به «کارگاه تربیت» و فشارها به «ورزش‌گاه تقویت اراده» تبدیل می‌شوند.
- بنابراین، ادعای شبهه مبنی بر غیرعقلانی بودن مقاومت طولانی‌مدت، ناشی از در نظر نگرفتن عقلانیت برتر و همه‌جانبه‌نگر الگوی قرآنی است. عقلانیت مادی محور صرف، تنها هزینه‌های ملموس کوتاه‌مدت را می‌بیند، اما هزینه‌های استراتژیک، هویتی و تمدنی تسلیم و عقب‌نشینی (که بسیار سنگین‌تر و جبران‌ناپذیرترند) را در محاسبه خود نمی‌آورد. مقاومت سازمان‌یافته به سبک «رَبَّیُّون»، با سرمایه‌گذاری بر سرمایه انسانی تربیت‌شده، وحدت ملی و استقلال فکری، در حالی هزینه‌های مقطعی را مدیریت می‌کند که سرمایه اجتماعی و تمدنی آینده را می‌سازد. تجربه دفاع مقدس و عبور از تحریم‌های طاقت‌فرسا، نمونه عینی این است که یک ملت با تکیه بر این الگو می‌تواند بدون فرسوده شدن، در سخت‌ترین شرایط نه تنها پایدار بماند، که از درون قوی‌تر و خلاق‌تر بیرون آید. عقلانیت واقعی، تشخیص این است که فرسایش، محصول نقص در طراحی و اجرای مقاومت است، نه ذاتی خود اصل مقاومت.

### ۳-۱۱-۲. شبهه دوم

**شبهه:** «الگوی ربّیون، آرمانی و غیرواقعی است؛ انسان امروز تاب چنین ایستادگی‌ای را ندارد.»

**پاسخ:** شبهه مذکور بر یک انسان‌شناسی ناقص و تقلیل‌گرا استوار است که انسان را صرفاً به بعد مادی، روان‌شناختی و غریزی او محدود می‌کند. در این نگاه، انسان موجودی است که محرک‌هایش منحصر به لذت، راحتی و فرار از درد است و ظرفیت او برای تحمل رنج و پایداری، محدود و کمی است. اما قرآن، انسان را موجودی معناجو، هدف‌دار و اتصال‌پذیر به منبعی بی‌پایان معرفی می‌کند. آیه «الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت: ۳۰) به روشنی نشان می‌دهد که منشأ استقامت، نه در قدرت جسمانی یا ظرفیت روانی ذاتی، که در یک تصمیم وجودی و یک ارتباط معنوی ریشه دارد. استقامت، محصول «اتصال» (رَبُّنَا اللَّهُ) است، نه صرفاً تحمل.

قرآن میان «تحمل کورکورانه رنج» و «تفسیر آگاهانه رنج» تفاوت قائل می‌شود. آنچه موجب شکست و فرسایش می‌شود، اولی است. اما انسان مؤمن، از ابزار «معنا» برخوردار است. ایمان به او می‌آموزد که رنج و فشار، اتفاقی تصادفی و بی‌هدف نیست، بلکه می‌تواند ابزار «تَمَحِّص» (پالایش)، «ابتلاء» (آزمایش) و «تقرب» باشد. وقتی رنج، معنا پیدا کند، از یک عامل تخریب‌گر به یک ماده اولیه برای ساخت روحیه‌ای قوی‌تر تبدیل می‌شود. آیاتی مانند «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) دقیقاً یک الگوی شناختی برای تفسیر مصیبت ارائه می‌دهند که از فروپاشی روانی جلوگیری می‌کند. بنابراین، انسان مؤمن نه تحت فشار خرد می‌شود، بلکه فشار را در چهارچوب یک روایت بزرگتر تفسیر و هضم می‌کند.

اشتباه بزرگ شبهه، درک «رَبِّیُّون» به عنوان افرادی با استعدادی خارق العاده و نادر است. در حالی که قرآن آنان را محصول یک فرآیند تربیتی الهی و نظام مند معرفی می کند. این فرآیند مبتنی بر: ایمان یقینی (که خود حاصل شناخت و انتخاب است)، تمرین تدریجی صبر و مقاومت در میدان های کوچک و بزرگ، و عضویت در یک جمع باورمند و هدفمند (قاتل مَعَهُ نَبِیٌّ) است. انسان امروز نیز، اگر در چنین اکوسیستم تربیتی هدفمندی قرار گیرد، دقیقاً همان قابلیت ها را بروز خواهد داد. تجربه ملموس دفاع مقدس و حضور جوانان در عرصه های جهادی مختلف، بهترین ردّ عملی این شبهه است. آنان نشان دادند که وقتی «معنا» و «تعلق» به درستی ساخته شود، انسان امروز نه تنها تاب ایستادگی دارد، که می تواند صحنه هایی از فداکاری را خلق کند که درک آن برای نگاه مادی محور محال است. الگوی «رَبِّیُّون» غیر واقعی نیست؛ بلکه نقطه اوج واقعی انسان تربیت شده در مکتب وحی است.

### ۳-۱۱-۳. شبهه سوم:

**شبهه:** «مقاومت سازمان یافته، آزادی فردی را محدود و جامعه را امنیتی می کند.»

**پاسخ:** برخلاف این تصور، قرآن کریم سازمان یافتگی اصیل و سالم را نه تنها عامل محدودیت، بلکه بستر رشد فردی و اجتماعی می داند. تمثیل قرآن از کَلِمَةً طَيِّبَةً (سخن پاک) به عنوان شَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ (درخت پاکیزه) تصویری گویا ارائه می دهد: درختی که ریشه اش در زمین ثابت و شاخه اش در آسمان است. این ساختار، نماد ثبات و استواری از یک سو (أَصْلُهَا ثَابِتٌ) و رشد، تعالی و دسترسی به افق های برتر از سوی دیگر (فَوُعْهَا فِي السَّمَاءِ) است. چنین سازمانی نه راکد و نه خفقان آور، بلکه پویا و هر زمان به اذن پروردگارش میوه می دهد.



مصاداق این کلمه طیبه را توحید، ایمان و رهبران آسمانی و یاران آنان دانسته‌اند. بنابراین، سازمان‌یافتگی برخاسته از ایمان و حق، دارای ساختاری زنده، بالنده و ثمربخش است که امنیت حقیقی را از طریق استحکام درونی و نه سرکوب بیرونی، ایجاد می‌کند.

نکته کلیدی آن است که مشورت، قلب تپنده این سازمان‌یافتگی الهی است. بر خلاف ساختارهای تحکمی که رأی و نظر را تحمیل می‌کنند، الگوی قرآنی بر سخنوری دعوت‌کننده و کنش ارتباطی استوار است که هدفش کشف حقیقت و خیر جمعی از طریق گفتگوی صادقانه است. در این الگو، اعضا نه با انگیزه منفعت شخصی، بلکه با خلوص نیت و برای فهم واقعیت گرد هم می‌آیند و فضایی سرشار از ادب، ملایمت و محبت حاکم است تا همه صداها شنیده شود. این فرآیند، که لازمه‌اش عدالت سازمانی (ادراک افراد از انصاف در برخورد مقامات سازمان است)، خود بزرگ‌ترین ضامن حفظ آزادی مسئولانه و کرامت افراد در درون ساختار منسجم است. چنین سازمانی، جامعه را به سمت عدالت اجتماعی سوق می‌دهد، آنجا که قانون و ساختار عادلانه، در فرآیند اجتماعی شدن افراد، به شکل‌گیری رفتاری عادلانه در آنها کمک می‌کند. نمونه عینی این سازمان‌یافتگی متعادل و رشدآفرین را می‌توان در بیاناتی مشاهده کرد که از یک نهاد سازمان‌یافته با الهام از آیه شجره طیبه یاد می‌کنند و تأکید دارند که این نهاد از یک نهال باریک تبدیل شده است به یک درخت تناور که «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» و در هر دوره، ثمرات شیرین خود را ارائه می‌دهد. این نشان می‌دهد که سازمان‌یافتگی بر مبنای اصول قرآنی، ضمن ایجاد انسجام و قدرت جمعی که جامعه را از پراکندگی و طعمه شدن مصون می‌دارد، مانع رشد و پویایی تک‌تک اعضا نمی‌شود، بلکه بستری امن برای

شکوفایی آنها در مسیر حق فراهم می‌آورد. در نتیجه، امنیت ایجاد شده از این نوع، نه از جنس محدودیت و خفقان، بلکه امنیتی پایدار، درون‌زا و همراه با آزادی و عزت است.

### ۳-۱۱-۴. شبهه چهارم

**شبهه:** «چرا باید همچنان مقاومت کرد؟ مگر شیوه‌ها، ادبیات و تاکتیک‌های ظاهری دشمن تغییر نکرده است؟»

**پاسخ:** پاسخ قرآن به این پرسش، ریشه‌ای و مبتنی بر شناختی نافذ از قوانین تغییرناپذیر تاریخ است. قرآن کریم تغییر تاکتیک‌های دشمن را معیار قرار نمی‌دهد، بلکه بر سنت‌های الهی حاکم بر تقابل حق و باطل تأکید می‌ورزد: «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (فاطر: ۴۳) (و هرگز برای سنت خدا تغییر و تبدیلی نخواهی یافت). از سنت‌های الهی، دشمنی مستکبران با مؤمنان است؛ این دشمنی ممکن است در هر دوره‌ای لباس و ابزار متفاوتی بپوشد، اما ماهیت آن یکسان است. امروز نیز ماهیت تهاجم تغییر نکرده، بلکه فقط ابزار آن پیچیده و چندبعدی شده است: جنگ سخت به جنگ ترکیبی (نرم، سایبری، اقتصادی، روانی) و شمشیر به سلاح شناخت، رسانه و بازار تبدیل شده است.

در چنین شرایطی، منطق قرآن نه تنها تداوم مقاومت، بلکه هوشمندسازی و ارتقای آن را می‌طلبد. اگر دشمن ترکیبی عمل می‌کند، مقاومت نیز باید ترکیبی، سازمان‌یافته و همه‌جانبه باشد. مقاومت هوشمند یعنی درک عمیق از حوزه‌های جدید نبرد و عرضه پاسخ مناسب در هر عرصه: مقاومت فرهنگی در برابر جنگ شناختی، مقاومت اقتصادی در برابر محاصره و تحریم، و مقاومت رسانه‌ای در برابر جنگ روانی. قرآن برای این نبرد فرسایشی نوین، الگوهایی ارائه می‌دهد که از جمله برجسته‌ترین آنها، الگوی ربّیون است. این گروه که در سوره آل

عمران (آیه ۷۹) از آنان یاد شده، دانشمندان و مربّیان الهی بودند که در عمق جامعه حضور داشتند، خود را از زیاده‌خواهی دنیوی کنار کشیده و مردم را با صبر و استواری تربیت و تثبیت می‌کردند. این الگو نشان می‌دهد مقاومت کارآمد در عصر جدید، تنها با قدرت نظامی محقق نمی‌شود، بلکه متکی بر جبهه عمیق فکری، تربیتی و مردمی است که بتواند در بلندمدت جامعه را در برابر یأس، تحریف و جنگ روانی دشمن مصونیت بخشد. بنابراین، تغییر تاکتیک دشمن، نه دلیل بر پایان مقاومت، بلکه فراخوانی برای تکامل و تقویت آن در همه میدان‌های نوین است.

### ۳-۱۱-۵. شبهه پنجم

**شبهه:** «نقش نهادهایی مانند سپاه، بسیج و روحانیت در این محور چیست؟ آیا این نگاه، نظامی‌سازی دین نیست؟»

**پاسخ:** پاسخ قرآنی به این شبهه، مبتنی بر تمایز قائل شدن بین «نظامی‌سازی دین» و «تنوع نقش‌های اجتماعی در منظومه دینی» است. قرآن کریم جامعه مؤمنان را به عنوان یک پیکره واحد اما با اعضای متفاوت معرفی می‌کند که هر بخش، وظیفه‌ای تخصصی در مسیر تحقق اهداف الهی دارد. این تقسیم کار و تشکلهای تخصصی، نه تنها نفی شده نیست، بلکه امری ضروری و عقلانی برای اداره جامعه در تمام عرصه‌ها (از تربیت و فرهنگ تا دفاع) است. آنچه قرآن رد می‌کند، تقلیل تمام دین به یک بعد (از جمله بعد نظامی) و نادیده گرفتن ابعاد دیگر آن است.

الگوی قرآنی «رَبِّیُّون» که پیش‌تر نیز بدان اشاره شد، به خوبی پاسخگوی این شبهه است. این الگو صرفاً یک الگوی نظامی نیست، بلکه یک الگوی نخبگانی، تربیتی و شبکه‌ای است. ربیون، عالمان و مربّیان بودند که در عمق

جامعه حضور داشتند و وظیفه تثبیت قلوب مردم، تربیت نسل و روشنگری فکری را بر عهده داشتند. نقش نهادهایی مانند روحانیت اصیل در این الگو، بازسازی و تداوم همین رسالت علمی، تربیتی و هدایتی است. در کنار این بخش، جامعه ایمانی برای حفظ کیان خود در برابر تجاوز دشمن، نیازمند تشکیلاتی متخصص در امر دفاع، امنیت و مقاومت است. نهادهایی مانند سپاه و بسیج در منظومه مقاومت، پاسخ به همین نیاز ضروری و عقلایی هستند. ترکیب هماهنگ این دو جبهه (تربیت و دفاع) است که یک مدیریت جامع و همه‌جانبه بر مبنای دین را محقق می‌سازد.

بنابراین، نظامی‌سازی دین زمانی رخ می‌دهد که عرصه‌های فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی دین، فدای یک بعد صرفاً نظامی شود. اما نقش‌آفرینی تخصصی نهاد دفاعی در کنار نهاد تربیتی، دقیقاً جلوگیری از چنین انحرافی است. این امر مصداق عینی «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: 60)؛ و هر چه در توان دارید از نیرو برای مقابله با آنان آماده سازید) در کنار «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل: ۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن»، است. وقتی این نهادها هر یک در جایگاه خود و در تعامل با یکدیگر بر اساس معیارهای دینی عمل کنند، نه تنها دین نظامی نمی‌شود، بلکه دین، همه عرصه‌های زندگی از جمله مدیریت تهدیدها و دفاع از کرامت جامعه را به نحو عقلانی و اخلاقی سامان می‌بخشد.

### ۱۲-۳. نتیجه نهایی

مقاومت واقعی و پیروزمند، نیازمند تبدیل شدن از یک حرکت هیجانی و فردی به یک ساختار سازمان‌یافته، تاب‌آور و نهادینه شده است. این ساختار که الگوی قرآنی «رَبِّيُّون» و «شجره طیبه» نماد آن است، با تلفیق تربیت نیروی انسانی

اصیل و ساختارهای سالم، مانع از فرسایش، سستی و تسلیم در برابر فشارهای بلندمدت می‌شود. در نتیجه، پیروزی نه از شعارهای زودگذر، بلکه از انسجام هوشمندانه، صبر فعال و مهندسی اجتماعی عمیق سربرمی‌آورد و جامعه را در جنگ‌های فرسایشی جدید، شکست‌ناپذیر می‌سازد.



## محور چهارم: جهاد همه جانبه در میدان های نوین

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ (حج: ۷۸)؛ و در راه خدا جهاد کنید، و حقّ جهادش را ادا نمایید!  
وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا (عنکبوت: ۶۹)؛ و آنها که در راه ما جهاد کنند، قطعاً به راه های خود، هدایتشان خواهیم کرد.

### ۱-۴. هدف کلان

ایجاد، حفظ و ارتقای توانمندی فعال و نظام مند جبهه حق در تمام عرصه های حیات فردی و اجتماعی، برای مقابله هوشمندانه با جنگ ترکیبی و چندلایه دشمن و تبدیل دفاع انفعالی به هجوم متوازن و آینده ساز در همه میدان ها.

### ۲-۴. کارکرد کلان

فعال سازی، هماهنگی و جهت دهی همه ظرفیت های فردی، اجتماعی و نهادی برای مقابله مؤثر و پیش دستانه با تهدیدهای چندبعدی؛ و تبدیل جهاد از یک واکنش مقطعی و دفاعی به یک وضعیت دائمی، مسئولیت پذیر، سازمان یافته و مولد در کلیت نظام اسلامی.

### ۳-۴. تبیین محوری

جهاد در منطق قرآن، وضعیتی دائمی و مسئولیت پذیر در تمام عرصه های

زندگی است. دشمن امروز در یک جنگ ترکیبی، هم‌زمان به میدان‌های ذهن، اقتصاد، علم، امنیت و فرهنگ حمله می‌برد تا اراده ملی را فلج کند. در برابر این تهاجم چندوجهی، جبهه حق باید جهادی هماهنگ و چندمیدانی را سازمان دهد، چرا که پیروزی در نبرد تمدنی کنون، تنها با دفاع متوازن و هوشمندانه در همه جبهه‌ها ممکن است. غفلت در هر میدان، پیکره کلی مقاومت را تضعیف می‌کند.

#### ۴-۴. مؤلفه‌های اساسی (با استناد قرآنی)

##### ۴-۱-۱. جهاد نفس؛ زیربنای همه جهادها

قرآن کریم، آغاز و مبنای هرگونه مجاهدت و مبارزه بیرونی را در دگرگونی و ریاضت درونی انسان می‌داند. جهاد بدون پالایش درونی و غلبه بر هوای نفس، اگر هم به پیروزی ظاهری منجر شود، مستعد انحراف، فساد، قدرت‌طلبی و خروج از مسیر حق است.

##### الف) آیات و شواهد قرآنی

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (شمس: ۹)؛ هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شد.»

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (اعلی: ۱۴-۱۵)؛ به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد)، رستگار شد و (آن که) نام پروردگارش را یاد کرد سپس نماز خواند!»

«وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي (یوسف: ۵۳)؛ من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم چرا که مسلماً نفس پیوسته به بدی‌ها امر می‌کند مگر آن که پروردگارم رحم کند.»

«فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَاجِدْهُمْ يَوْمَ جَهَادٍ كَبِيرٍ (فرقان: ۵۲)؛ بنابراین از کافران اطاعت مکن، و بوسیله آن [قرآن] با آنان جهاد بزرگی بنما!»

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا (عنکبوت: ۶۹)؛ و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایت‌شان خواهیم کرد.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- جهاد نفس، موتور پایدارسازی، جهت‌دهی و مشروعیت‌بخش به همه میدان‌های جهاد بیرونی است. بدون این جهاد، حرکت‌ها در معرض انحراف به سمت اغراض دنیوی، خودنمایی یا خستگی زود هنگام قرار می‌گیرند؛
- بدون جهاد با نفس، پیروزی‌ها و منابع (نظامی، سیاسی، اقتصادی) به آفتی برای جبهه حق تبدیل می‌شوند و زمینه‌ساز فساد قدرت، غرور و فعال‌شدن سنت‌های الهی مانند استدراج یا تبدیل نعمت به نعمت می‌گردند؛
- تقوا، مدیریت نفس و تزکیه، سلاح اصلی و تعیین‌کننده در جهاد اکبر است. این سلاح، خط مقدم مقابله با جنگ روانی و نرم دشمن است که با ترویج مصرف‌گرایی و لذت‌طلبی سعی در تضعیف این رکن حیاتی دارد؛
- جهاد نفس، معیار سنجش واقعی پیشرفت جبهه حق است. هر پیشرفت بیرونی که با پسرفت درونی (ضعف تزکیه و اخلاص) همراه باشد، شکننده و بالقوه خطرناک است؛
- جهاد نفس، خط تولید رهبران و عناصر مطمئن و مقاوم در برابر فتنه‌هاست. تنها با تسلط بر هوای نفس، ترس و طمع می‌توان کادریایی پایدار و وفادار پرورش داد؛
- تأخیر یا شکست در میدان‌های بیرونی، غالباً ریشه در غفلت یا ضعف در این میدان درونی دارد. پیروزی نهایی، از مسیر پیروزی بر خود می‌گذرد؛
- جهاد نفس، تضمین‌کننده تداوم و تعمیق جهاد در دیگر عرصه‌هاست و مانع از تبدیل مجاهدت به یک حرکت مقطعی و سطحی می‌شود.



### پ) کلام و اندیشه ولایت

- در اسلام، نقطه اصلی و محوری برای اصلاح عالم، اصلاح نفس انسانی است.<sup>۱</sup>
- هوای نفس را باید خیلی ملاحظه کرد. به خودمان در فریب خوردن از هوای نفس سوءظن داشته باشیم.<sup>۲</sup>
- مهم‌ترین دستاورد مجاهدت و تلاش هر انسانی در مصاف با نفس و هواهای نفسانی خود، تقواست.<sup>۳</sup>
- دشمنی که در درون هر یک از افراد مسلمان و مؤمن وجود داشت، خطرناک‌تر از همه دشمن‌ها است. این دشمن در درون ما هم وجود دارد: تمایلات نفسانی، خودخواهی‌ها، میل به انحراف، میل به گمراهی و لغزش‌هایی که زمینه آن را خود انسان فراهم می‌کند. پیغمبر با این دشمن هم سخت مبارزه کرد؛ منتها مبارزه با این دشمن، به وسیله شمشیر نیست؛ به وسیله تربیت و تزکیه و تعلیم و هشدار دادن است. لذا وقتی که مردم با آن همه زحمت از جنگ برگشتند، پیغمبر فرمود شما از جهاد کوچک‌تر برگشتید، حالا مشغول جهاد بزرگ‌تر شوید. عجب! یا رسول‌الله! جهاد بزرگ‌تر چیست؟ ما این جهاد با این عظمت و با این زحمت را انجام دادیم؛ مگر بزرگ‌تر از این هم جهادی وجود دارد؟ فرمود بله، جهاد با نفس خودتان.<sup>۴</sup>

### ۴-۲. جهاد تبیین؛ قلب نبرد شناختی

در عصر جنگ روایت‌ها و جنگ شناختی، که میدان اصلی تسخیر اذهان و

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، ۱۳۶۹/۵/۲۴.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار جمعی از قاریان، ۱۳۸۸/۵/۳.

۳. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۷/۱۰/۱۸.

۴. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸.

قلب‌هاست، تبیین به مهم‌ترین سلاح و پاسداری از حق تبدیل می‌شود. جهاد تبیین، نه یک فعالیت جنبی، بلکه پیش‌شرط مطلق برای حفظ حقیقت، خنثی‌سازی تحریف‌های هدفمند و شکستن انحصار روایی دشمن است.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«وَلَا تَلْسَبُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره: ۴۲)؛ و حق را با باطل نیامیزید! و حقیقت را با اینکه می‌دانید کتمان نکنید!»  
«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (نحل: ۴۴)؛ و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی؛ و شاید اندیشه کنند!»  
«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ (ابراهیم: ۴)؛ ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قومش، نفرستادیم؛ تا (حقایق را) برای آنها آشکار سازد.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- جهاد تبیین، یک وظیفه همگانی و فرافردی است. این جهاد منحصر به نهادهای رسمی نیست؛ هر فرد مؤمن با توجه به ظرفیت، تخصص و موقعیت خود، مسئول روشنگری و دفاع از حق در حوزه نفوذ خویش است؛
- جهاد تبیین، پیش‌نیاز و لازمه جهاد در سایر عرصه‌ها (سیاسی، نظامی، اقتصادی) است. بدون اقناع افکار عمومی و حفظ روحیه معنوی جامعه، هیچ حرکت جمعی پایداری شکل نمی‌گیرد. هر اقدام عملی نیاز به تهیه و توجیه زمینه شناختی خود دارد؛
- جهاد تبیین، خنثی‌کننده اصلی توطئه دشمن در جنگ شناختی است. دشمن با تحریف حقایق، بزرگ‌نمایی شکست‌ها، پنهان‌سازی پیروزی‌ها و تزریق یأس، به جنگ روایی می‌آید. پاسخ مؤثر، تبیین به موقع، دقیق و هوشمندانه با زبان و ابزارهای مؤثر است؛

- سکوت در برابر تحریف یا حملات تبلیغاتی دشمن، نوعی همکاری غیرمستقیم با جبهه باطل و تقویت آن محسوب می‌شود. در فضای رسانه‌ای اشباع‌شده امروز، سکوت به معنای پذیرش روایت دشمن است؛
- کارآمدی جهاد تبیین، در گرو اخلاص، دقت، صراحت و بهره‌گیری از «حکمت» و «موعظه حسنه» است. این جهاد نباید به فرصتی برای خودنمایی، انتشار شایعه یا تحریک هیجانات کور تبدیل شود. تبیین باید حقیقت‌محور، امیدبخش و راهگشا باشد؛
- جهاد تبیین نیازمند شناخت عمیق از مخاطب، زمانه و ابزارهای نوین ارتباطی است. باید حقایق جاودان را با زبان روز و در قالب‌های جذاب و اثرگذار ارائه کرد تا در فضای رقابتی رسانه‌ای امروز شنیده شود؛
- جهاد تبیین، پاسخی ضروری به «شیوه آمیختن حق و باطل» توسط دشمن است. دشمن با شبهه‌سازی و متشابه‌سازی، جامعه را دچار سردرگمی می‌کند تا یا انتخابی نداشته باشد، یا انتخابش همراهی با باطل باشد. جهاد تبیین با جداسازی سره از ناسره، امکان داگری صحیح و انتخاب آگاهانه را فراهم می‌آورد؛
- هدف نهایی جهاد تبیین، «بصیرت‌افزایی» است. تبیین باید چنان روشن و قانع‌کننده باشد که برای مخاطب «بصیرت» و یقین قلبی ایجاد کند و بهانه‌ای برای انکار عامدانه باقی نگذارد.
- جمع‌بندی: جهاد تبیین، تنها انتقال اطلاعات نیست؛ یک نبرد سرنوشت‌ساز برای تصرف قلب‌ها و اذهان، حفظ خلوص جبهه حق از نفوذ، و ایجاد مصنوعیت در جامعه در برابر شبهات است. این جهاد، سنگ بنای هر حرکت اصلاحی و دفاعی در عصر حاضر است.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

- جهاد تبیین را جدی بگیرید، شبهه‌زدایی از ذهن مخاطبین را جدی بگیرید. شبهه از جمله چیزهایی است که عرض کردیم مثل موریانه است؛ دشمن به این موریانه‌ها دل بسته. شبهه ویروس است، مثل همین ویروس کرونا؛ وقتی که وارد شد، خارج شدنش مشکل است، جزو بیماری‌های مسری هم هست، سرایت هم می‌کند. ... باید مرکزی باشد برای تبیین محتوای قوی و منطق محکم و غنی برای مسائل مهم انقلاب، ... به مردم بصیرت بدهید.<sup>۱</sup>

- وظیفه خواص این است: در مواقع لازم، باید تردیدافکنی و شک‌آفرینی دشمن را خنثی کنند و [مسائل را] تبیین کنند؛ «جهاد تبیین» که بنده عرض کرده‌ام، ناظر به این است. ... خواص باید صریح باشند، باید باصراحت حرف بزنند، باید شبهه‌ها را از ذهن‌ها زایل کنند، دوپهلو و دوگونه و تردیدآمیز حرف نزنند. ... این نمونه کاری است که خواص می‌توانند انجام بدهند.<sup>۲</sup>

### ۴-۳. جهاد اقتصادی؛ میدان فرسایشی دشمن

تحریم، فشار معیشتی و جنگ مالی، ابزار اصلی دشمن برای ایجاد نارضایتی، شکستن اراده ملی و در نهایت تسلیم سیاسی ملت‌هاست. قرآن کریم، ایستادگی و فداکاری در این عرصه را نه تنها یک تکلیف فردی، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از جهاد اکبر و اصغر و مصداق بارز «جهاد فی سبیل الله» می‌داند.

### الف) آیات شواهد قرآنی

«تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَُمْ خَيْرٌ

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه در دیدار ائمه جمعه، ۱۴۰۴/۵/۵.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه در دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش،

۱۴۰۲/۱۱/۱۶.

لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (صف: ۱۱)؛ به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جان‌های‌تان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما (از هر چیز) بهتر است اگر بدانید!

«لَنْ تَسَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (آل عمران: ۹۲)؛ هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید؛ و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است.»

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره: ۲۶۲)؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده‌اند، منت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان (محفوظ) است؛ و نه ترسی دارند، و نه غمگین می‌شوند.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- اقتصاد مقاوم بدون فرهنگ جهاد مالی، ایثار و انفاق شکل نمی‌گیرد. مقاومت اقتصادی تنها با شعار و دستور تحقق نمی‌یابد؛ نیازمند تغییر نگرش عمومی از مصرف‌گرایی و رفاه فردی به سمت قناعت، تولید داخلی، خرید کالای ملی و انفاق در راه استقلال جامعه است؛
- تخصیص هوشمندانه منابع و بسیج همت جمعی برای کاهش آسیب‌پذیری، یک ضرورت راهبردی است. این امر مستلزم اولویت‌بندی پروژه‌های زیرساختی، حمایت از تولید دانش‌بنیان، کاهش وابستگی به نفت و تقویت بخش خصوصی متعهد است تا حلقه‌های فشار دشمن را بی‌اثر کند؛
- جهاد اقتصادی، پشتوانه مادی جهاد در سایر عرصه‌هاست. بدون استقلال و ثبات اقتصادی، نه سیاست مستقل ممکن است، نه دفاع قدرتمند، و نه

فرهنگ بالنده. اقتصاد ضعیف، جامعه را در همه زمینه‌ها به دشمن وابسته و آسیب‌پذیر می‌سازد؛

- هدف دشمن از فشار اقتصادی، تنها گرسنگی دادن نیست؛ بلکه «تحقیر ملت»، «تضعیف اعتماد به نظام» و «ایجاد شکاف میان ملت و حاکمیت» است. بنابراین، مقابله با آن تنها با تأمین مایحتاج اولیه کافی نیست، بلکه نیازمند جهاد تبیین برای افشای اهداف دشمن و تقویت روحیه مقاومت و خودباوری ملی است؛

- جهاد اقتصادی نیازمند «مدیریت جهادی» و فراروی از بوروکراسی‌های کند و فسادزا است. این مدیریت، چابک، مبتکر، شفاف و پاسخ‌گو بوده و اولویت را به منافع ملی و سرعت عمل در شرایط بحران می‌دهد؛

- کاهش اسراف و مصرف زدگی، خود یک جهاد اقتصادی پیشگیرانه است. اسراف، نه تنها ناسپاسی نسبت به نعمت‌های الهی است، بلکه تقویت مستقیم جبهه دشمن از طریق تخلیه منابع ملی و افزایش وابستگی است. قناعت و مدیریت مصرف، سلاحی مؤثر در این نبرد نامتقارن است؛

- جهاد اقتصادی، عرصه‌ای برای «تمحیص» و جداسازی مؤمنان راستین از منافقان و سست‌ایمانان است. فشار اقتصادی، وفاداری، صبر و ایثار افراد را آشکار می‌سازد و خطوط حقیقی جبهه حق و باطل را مشخص‌تر می‌کند.

**جمع‌بندی:** جهاد اقتصادی، نبردی تمام‌عیار در خط مقدم مقابله با استکبار جهانی است. پیروزی در این میدان، مستلزم عبور از «اقتصاد مصرفی - ربوی» به «اقتصاد تولیدی - مردمی»، و تبدیل تهدید تحریم به فرصتی برای خوداتکایی و شکوفایی داخلی است. این نبرد، همت والای آحاد ملت و کار جهادی مدیران را توأمان می‌طلبد.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

- جهاد اقتصادی یعنی حرکت مستمر همه‌جانبه هدفدار ملت ایران با نیت خنثی کردن و عقیم کردن تلاش خصم آلود و غرض آلود دشمن.<sup>۱</sup>

- ما جهاد اقتصادی را يك ضرورت برای کشور می‌دانیم، نه صرفاً يك اولویت؛ يك نیاز قطعی است.<sup>۲</sup>

- امروز عرصه اقتصاد... یک عرصه کارزار است، یک عرصه جنگ است،

جنگی از نوع خاص. در این عرصه کارزار، هر کسی بتواند به نفع کشور

تلاش کند، جهاد کرده است. امروز هر کسی بتواند به اقتصاد کشور کمک

بکند، یک حرکت جهادی انجام داده است. این جهاد است؛ البته جهادی

است که ابزار خودش را دارد، شیوه‌های مخصوص خود را دارد، باید این

جهاد را همه با تدبیر مخصوص خود و سلاح مخصوص خود انجام بدهند.<sup>۳</sup>

- تولید یک جهاد است: أَشْهَدُ أَنْكَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ؛ ... چرا؟ برای خاطر

اینکه در معنای جهاد مکرر گفته‌ایم که جهاد عبارت است از آن تلاشی که

ناظر به حمله دشمن و تحرک دشمن باشد؛ در مقابل دشمن باشد. هر تلاشی

جهاد نیست؛ تلاشی که متوجه به حمله دشمن است، این جهاد است.

خب، امروز دشمنی دشمنان در مورد اقتصاد کشور از این واضح‌تر؟

... خب در مقابل این هدف، در مقابل این دشمنی صریح، هر کسی که اقدام

بکند، جهاد کرده؛ است.<sup>۴</sup>

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور، ۱۳۹۰/۵/۲۶.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۰/۶/۶.

۳. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۱/۱.

۴. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی، ۱۴۰۰/۱۱/۱۰.

#### ۴-۴-۴. جهاد علمی و فناورانه؛ اقتدار آینده‌ساز

در جهان امروز، علم و فناوری تنها ابزار پیشرفت نیست؛ بلکه ابزار اصلی اعمال قدرت، بازدارندگی و تعیین سرنوشت تمدن‌ها است. قرآن کریم، علم را مایه برتری و کرامت انسان دانسته و تلاش در این عرصه را نه یک انتخاب، بلکه ذیل عنوان مجاهدت در راه خدا و بخشی از مسئولیت انسان در برابر هستی قرار می‌دهد. عقب‌ماندگی در این میدان، به معنای پذیرش سلطه و وابستگی در تمامی عرصه‌های دیگر است.

#### الف) آیات و شواهد قرآنی

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر: ۹)؛ بگو: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند.»

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ (بقره: ۲۴۷)؛ خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است.»

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ (مجادله: ۱۱)؛ خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد.»

#### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- عقب‌ماندگی علمی و فناورانه، مصداق بارز «ترک جهاد» و پذیرش ذلت است. جوامعی که در تولید علم و فناوری منفعل باشند، محکوم به مصرف‌کنندگی، وابستگی و در نهایت، تبعیت سیاسی-فرهنگی از قدرت‌های علمی مسلط هستند؛
- پیشرفت علمی و فناورانه، قدرتمندترین ابزار «بازدارندگی نرم و پایدار» است.



این پیشرفت، نه تنها امنیت ملی را تضمین می‌کند، بلکه اقتدار فرهنگی، قدرت چانه‌زنی بین‌المللی و توانایی الهام‌بخشی تمدنی را برای جبهه حق به ارمغان می‌آورد؛

- جهاد علمی، نیازمند یک تحول فرهنگی از «مصرف علم» به «تولید علم» است. این تحول، اولویت دادن به پژوهش، خلاقیت، نوآوری و ریسک‌پذیری در مسیر کشف مجهولات را می‌طلبد. باید «پرسشگری» و «جرئت علمی» به یک ارزش ملی تبدیل شود؛

- این جهاد، فرافردی و نیازمند «نظام عقلانی و حمایتی» است. سرمایه‌گذاری بلندمدت، ایجاد شبکه‌های پژوهشی قوی، ارتباط موثر دانشگاه با صنعت و جامعه، و جلوگیری از فرار مغزها با ایجاد محیطی پویا و پرامید، از ارکان این نظام است؛

- هدف جهاد علمی، توسعه «علم نافع» و «فناوری متعهد» است. علم برای علم کافی نیست؛ علم باید در خدمت حل مشکلات جامعه، تقویت استقلال، عدالت و اخلاق باشد و از تبدیل شدن به ابزار سلطه و تخریب (همانند سلاح‌های کشتار جمعی) جلوگیری کند؛

- دشمن اصلی در این میدان، «یأس علمی»، «خودکم‌بینی» و «تقلید کورکورانه» است. باید باور کنیم که می‌توانیم در مرزهای دانش حاضر شویم. این باور، از شناخت صحیح ظرفیت‌های داخلی و همچنین الهام از تاریخ درخشان تمدن اسلامی در اوج تولید علم به دست می‌آید؛

- جهاد علمی، مکمل و پیش‌ران سایر عرصه‌های جهاد است. قدرت دفاعی، اقتصادی و حتی فرهنگی عمیق، امروز ریشه در قدرت علمی دارد. بدون جهش علمی، پیشرفت در سایر زمینه‌ها ناپایدار و وابسته خواهد بود.

**جمع‌بندی:** جهاد علمی، سرمایه‌گذاری بر آینده غیرقابل تسخیر است. این نبرد، نه در میدان‌های آشکار، که در آزمایشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و ذهن‌های جستجوگر رقم می‌خورد. پیروزی در این میدان، ضامن بقا، عزت و توانایی جبهه حق برای ارائه یک الگوی پیشرفت متعالی به جهان است.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

- جهاد فقط در میدان جنگ نیست، در میدان علم هم مثل بقیه میادین زندگی، جهاد لازم است. جهاد یعنی تلاش بی‌وقفه، همراه با خطرپذیری و پیشرفت و امید به آینده.<sup>۱</sup> کوشش در میدان علم، اخلاق، همکاری‌های سیاسی و تحقیق نیز برای مردم جهاد محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> جهاد علمی یکی از بزرگ‌ترین فرائض ما است.<sup>۳</sup>

- امروز یکی از نیازهای اساسی و درجه یک کشور، نیاز علمی است. اگر چنانچه ما توانستیم در عرصه علمی، پیشرفت‌هایی را که تا امروز بحمدالله به‌دست آمده است، با همین سرعت دنبال کنیم، هم در زمینه مشکلات اقتصادی، هم در زمینه مشکلات سیاسی، هم در زمینه مشکلات اجتماعی، هم در زمینه مسائل بین‌المللی، مطمئناً گره‌گشایی‌های بزرگی خواهد شد. علم مسئله بسیار مهمی است. ... من عقیده‌ام این است که کار علمی در دانشگاه و در کشور باید جهادی باشد؛ کار علمی جهادی انجام بگیرد.<sup>۴</sup>

### ۴-۵. جهاد دفاعی و امنیتی؛ آمادگی همه‌جانبه

جامعه مؤمن برای حفظ موجودیت، استقلال و ارزش‌های خویش، همواره در

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار دانشجویان و نخبگان، ۱۳۷۸/۷/۳.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۶.

۳. پیام امام خامنه‌ای رحمته‌الله به مناسبت بازگشایی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۸/۷/۶.

۴. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۲/۵/۶.

معرض تهدید و تهاجم دشمنان است. قرآن کریم به صرافت، به جایگاه دفاع و آمادگی دائمی اشاره کرده و آن را نه یک انتخاب، بلکه یک تکلیف شرعی و عقلانی می‌داند. این آمادگی باید هم بازدارنده باشد تا مانع طمع دشمن شود، و هم کنشگر باشد تا در صورت تجاوز، توانایی تحمیل هزینه سنگین به متجاوز را داشته باشد.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ (انفال: ۶۰)؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا (نساء: ۷۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید و در دسته‌های متعدد، یا به صورت دسته واحد، (طبق شرایط هر زمان و هر مکان)، به سوی دشمن حرکت نمایید.»

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (بقره: ۱۹۰)؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.»

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ (صف: ۴)؛ خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند گویی بنایی آهنین‌اند.»

«الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ (نساء: ۷۶)؛ کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند؛ و آنها که کافرند، در راه طاغوت [بت و افراد طغیانگر]. پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید! (و از آنها نهراسید).»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- قدرت دفاعی و بازدارنده، شرط اول صلح عزتمندانه و مانع اصلی تجاوز دشمن است. تنها از موضع قدرت می‌توان از جنگ پیشگیری کرد. ضعف نظامی، مستقیم‌ترین دعوت به تجاوز و تحمیل خواست دشمن است؛ دفاع فعال و هوشمند، به معنای جلوگیری از فرسایش جامعه و تضعیف روحیه آن در درازمدت است. دفاع نباید منفعلانه و تنها در مواجهه با حملات باشد، بلکه باید با شناخت، خنثی‌سازی و پاسخ به موقع به توطئه‌های امنیتی دشمن، ابتکار عمل را در دست گرفت و هزینه ادامه خصومت را برای او افزایش داد؛
- آمادگی دفاعی، مفهومی فراتر از تجهیزات نظامی و شامل «آمادگی اجتماعی» است. این مفهوم، ایجاد روحیه مقاومت، تاب‌آوری، وحدت ملی و توانایی بسیج سریع منابع انسانی و مادی را در بر می‌گیرد. جامعه‌ای که از درون منسجم و آگاه باشد، شکست‌ناپذیر است؛
- جهاد دفاعی، محدود به مرزهای جغرافیایی نیست؛ دفاع از «مرزهای عقیدتی و فرهنگی» نیز بخشی از این جهاد است. امروز دشمن بیشتر از سلاح، با جنگ نرم و شبیخون فرهنگی به انحراف و تضعیف جامعه می‌پردازد. بنابراین، آمادگی امنیتی باید همه‌جانبه و شامل ابعاد سایبری، فرهنگی و رسانه‌ای نیز باشد؛
- این جهاد نیازمند مدیریت یکپارچه اطلاعاتی و حفاظت از اسرار است. دشمن پیوسته در حال جاسازی، نفوذ و کسب اطلاعات است. هوشیاری، سخت‌گیری در گزینش‌ها و مقابله با نفوذ، بخش حیاتی دفاع است؛
- جهاد دفاعی باید بر اساس عدالت و در چهارچوب شرع باشد. هدف، دفع

تجاوز و حفظ حق است، نه انتقام‌جویی یا توسعه‌طلبی. رعایت اخلاق جهادی حتی در سخت‌ترین شرایط (مانند رفتار با اسیران و غیرنظامیان)، وجه تمایز جبهه حق از باطل است؛

• قدرت دفاعی، ریشه در قدرت علمی، اقتصادی و فرهنگی دارد. یک صنعت دفاعی پویا و خودکفا، تنها بر بستر پیشرفت علمی و استقلال اقتصادی معنا پیدا می‌کند. این عرصه‌ها مکمل یکدیگرند.

**جمع‌بندی:** جهاد دفاعی، آماده‌بودن برای روز مبادا نیست؛ بلکه ساختِ روزی است که دشمن جرئت مبارزه نداشته باشد. این جهاد، ترکیبی از قدرت سخت (تجهیزات، سازمان رزم) و قدرت نرم (اراده، وحدت، بصیرت) است که در کنار هم، حصار امنی نفوذناپذیر پیرامون جامعه مؤمن ایجاد می‌کند.

### (پ) کلام و اندیشه ولایت

– وَاللّٰهُ اللّٰهُ فِی الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَالسَّنَتُکُمْ فِی سَبِيلِ اللّٰهِ. «یعنی اللّٰهُ اللّٰهُ در جهاد. مبدا جهاد در راه خدا را با مال و جان و زبان ترک کنید. این جهاد، همان جهادی است که امت اسلامی تا آن را داشت، ملت نمونه دنیا بود و وقتی آن را از دست داد، ذلیل شد.<sup>۱</sup>

– جهاد، عبارت از جهاد نظامی، جهاد سیاسی و جهاد فرهنگی است. این هر سه، جهاد است. هیچ‌کدام را شما مغفول عنه نگذارید.<sup>۲</sup>

– البته فضیلتِ جهاد مسلحانه با فضیلت‌های دیگر قابل مقایسه نیست. میدان این جهاد، میدان بازی است که خود این هم فرصت دیگری است. اینها نِعَم الهی هستند و شما باید از این فرصت‌ها استفاده کنید. این فرصت‌ها، از شما

۱. بیانات امام خامنه‌ای (علیه‌السلام) در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۹/۱۲/۱۳.

۲. بیانات امام خامنه‌ای (علیه‌السلام) در دیدار اعضای حزب وحدت اسلامی افغانستان، ۱۳۶۹/۱/۲۲.

مجموعه‌ای به وجود آورده است که افرادش می‌توانند به آن کمال بشری برسند.<sup>۱</sup>

#### ۴-۵. جمع‌بندی محور / منطق راهبردی

- جهاد امروز، چندمیدانی و پیوسته است. این محور به ما می‌آموزد که:
- هیچ عرصه‌ای از زندگی مؤمن (درون، بیان، اقتصاد، علم، دفاع) خنثی یا بی‌ارتباط با سرنوشت نبرد حق و باطل نیست؛
  - نبرد با استکبار، یک نبرد «تک‌ساحتی» و مقطعی نیست؛ بلکه یک نبرد تمدنی پیوسته و چندلایه است که هم‌زمان در همه میدان‌های حیات جریان دارد؛
  - هر فرد، نهاد و حوزه تخصصی، سهمی مشخص و مؤثر در این نبرد سرنوشت‌ساز دارد. نقش آفرینی منفعلانه یا انزوای طلبی در هر بخش، به معنای تقویت مستقیم یا غیرمستقیم جبهه دشمن است؛
  - بدون عینیت یافتن ایمان در قالب «جهاد همه‌جانبه»:
    - ایمان به کنش مؤثر و پایدار تبدیل نمی‌شود و در حد احساسی زودگذر باقی می‌ماند؛
    - مقاومت جامعه فرسوده و شکننده می‌گردد، زیرا فشار دشمن تنها بر یک یا دو جبهه متمرکز نمی‌شود، بلکه تمام ارکان زندگی را هدف می‌گیرد؛
    - وحدت و انسجام بی‌اثر می‌شود؛ چراکه وحدت بدون عمل مشترک در میدان‌های تعیین‌کننده، به شعاری توخالی تبدیل می‌گردد.

منطق راهبردی حاکم بر نبرد چندمیدانی:

- پیروزی در هر میدان، تقویت‌کننده و پشتیبان میدان‌های دیگر است. اقتدار

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار فرماندهان سپاه، ۱۳۷۳/۶/۲۹.

- علمی به اقتصاد مقاوم کمک می‌کند، اقتصاد قوی پشتوانهٔ دفاع ملی است، و دفاع قدرتمند فضای امن برای رشد فرهنگ و علم فراهم می‌آورد؛
- ضعف در یک میدان، به نقطهٔ آسیب‌پذیری و شکست در سایر میدان‌ها تبدیل می‌شود. وابستگی اقتصادی، استقلال سیاسی را نابود می‌کند؛ ضعف فرهنگی، نفوذ دشمن را تسهیل می‌کند؛ و عقب‌ماندگی علمی، بقیهٔ عرصه‌ها را در بلندمدت بی‌اثر می‌سازد؛
  - قلب این نبرد چندمیدانی، «جهاد نفس» و «جهاد تبیین» است. غلبه بر نفس، جهت‌دهنده و پالاینده حرکت در تمام میدان‌هاست، و جهاد تبیین، روح و معنای این مبارزه را حفظ کرده و آن را از انحراف و فرسایش نجات می‌دهد؛
  - وظیفهٔ اصلی نظام و جامعهٔ مؤمن، ایجاد «تعادل پویا» و «هماهنگی استراتژیک» میان این میدان‌هاست. باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی و عمل کرد که پیشرفت در یک حوزه، به قیمت نادیده گرفتن یا تخریب حوزه‌ای حیاتی دیگر تمام نشود؛
  - جبههٔ حق با درک این منطق یکپارچه، ریشه در عمق زندگی مردم دارد و هر تهاجم دشمن را به فرصتی برای خوداتکایی، بیداری و کشف ظرفیت‌های نهفته داخلی تبدیل می‌کند.
- جمع‌بندی:** استقامت و پیروزی در نبرد تمدنی کنونی، در گرو نگرش «جهادی همه‌جانبه»، «عمل منسجم» و «مدیریت هوشمندانه» بر منابع و انرژی‌های ملی است. این همان مسیری است که ایمان را به قدرت مادی و معنوی تبدیل کرده، تهدیدهای دشمن را به فرصت‌های تاریخی بدل می‌سازد و وعدهٔ الهی نصرت را محقق می‌سازد.

#### ۴-۶. گزاره راهبردی نهایی

جهاد همه‌جانبه، موتور محرک و روح حیات‌بخش کل مدل هشت‌محوره است؛ این جهاد، شرط بنیادین تحقق وعده «نصرت الهی»، شکل‌گیری «مقاومت پایدار» در برابر فشارها، و دستیابی به «اقتدار علمی»، «امنیت ملی شکست‌ناپذیر» و «هویت فرهنگی مستقل و بالنده» است. تحقق این آرمان، در گرو نقش محوری و هماهنگ پاسداران (ایمن‌کننده)، بسیجیان (مردمی‌کننده)، فرماندهان (مدیریت‌کننده) و روحانیون (معنابخش و جهت‌دهنده) در هدایت، تداوم و تعمیق این جهاد سراسری است.

#### ۴-۷. چگونگی تحقق جهاد همه‌جانبه در میدان‌های نوین

تحقق عینی و مؤثر جهاد در عصر حاضر، مستلزم حرکت هماهنگ، هوشمند و شبکه‌ای در پنج محور اساسی زیر است که هر یک، پاسخی به یک نیاز راهبردی و یک چالش نوین محسوب می‌شود:

##### ۴-۷-۱. تربیت فردی جهادی (بنیان مقاومت درونی):

تحقق جهاد همه‌جانبه در میدان نوین، بنیانی استوار می‌طلبد که همان تربیت فردی جهادی است. این تربیت، بر محور ترکیه نفس، تقوای عملی، تعمیق ایمان و پرورش روحیه ایثار، قناعت و استقامت استوار است. راه تحقق آن، نهادینه‌کردن برنامه‌های تربیتی عمیق و مستمر در نخستین کانون جامعه یعنی خانواده، و سپس در مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه است، به گونه‌ای که با ترویج سبک زندگی اسلامی-جهادی و ارائه الگوهای عینی از شخصیت‌های مجاهد همراه باشد.

##### ۴-۷-۲. توسعه فرهنگی و تبیینی (سلاح پیروزی در جنگ شناختی)

دومین رکن حیاتی، توسعه فرهنگی و جهاد تبیین است که سلاح اصلی در



جنگ شناختی و تسخیر اذهان به‌شمار می‌رود. محور اصلی این رکن، مقابله سازمان‌یافته و فعال با جنگ روانی، شبهه‌افکنی و تحریف هدفمند دشمن است. تحقق این هدف از طریق تولید انبوه، مستمر و حرفه‌ای محتوای جذاب، اقناع‌کننده و مبتنی بر معارف ناب در رسانه‌های نوین و سنتی میسر می‌گردد. این راهبرد نیازمند تربیت نسل جدیدی از نیروهای رسانه‌ای، گفتمان‌ساز، متعهد و خلاق است که قادر به طراحی و اجرای عملیات روانی متقابل باشند. پاسخ‌گویی سریع، هوشمند و اثرگذار به تبلیغات و ادعاهای دشمن نیز بخش جدایی‌ناپذیر این رکن است.

#### ۴-۷-۳. تقویت اقتصادی جهادی (میدان نبرد فرسایشی)

سومین رکن تعیین‌کننده، تقویت اقتصادی جهادی است که میدان اصلی نبرد فرسایشی و جنگ تمام‌عیار دشمن را تشکیل می‌دهد. محور این رکن، مدیریت هوشمند و عادلانه منابع ملی، ترویج فرهنگ ایشار و انفاق مالی، حمایت بی‌قید و شرط از تولید داخلی و استقرار کامل اقتصاد مقاومتی است. تحقق این آرمان از طریق حمایت همه‌جانبه و هدفمند از تولید دانش‌بنیان و کارآفرینی، مبارزه جدی و نظام‌مند با فساد و اسراف، ترویج فرهنگ عمیق مصرف‌کالای داخلی، توسعه بازارها و نهادهای مالی مبتنی بر اصول اسلامی، و شفاف‌سازی کامل فرآیندهای اقتصادی امکان‌پذیر می‌شود. هدف غایی این رکن، شکستن حلقه محاصره و تحریم‌های دشمن، تأمین امنیت پایدار معیشتی برای آحاد ملت، کاهش وابستگی به خارج و در نهایت، تبدیل تهدید اقتصادی به فرصتی تاریخی برای دستیابی به خوداتکایی، اقتدار و عدالت اقتصادی است.

#### ۴-۷-۴. رشد علمی و فناورانه جهادی: ساختن آینده غیرقابل تسخیر

چهارمین رکن پیش‌برنده، رشد علمی و فناورانه جهادی است که به معنای

ساخت آینده‌ای مستقل و غیرقابل نفوذ برای ملت است. محور این رکن، توانمندسازی نخبگان و استعدادهای ملی، ایجاد جهش‌های کیفی در علوم پایه و فناوری‌های راهبردی (هسته‌ای، زیستی، سایبری، هوافضا و...) و در نهایت، خلق بازدارندگی نوین و چندلایه است. تحقق این جهش از طریق سرمایه‌گذاری بلندمدت، کلان و حمایت ویژه از پژوهش‌های مرزی و خطرپذیر، ایجاد پیوند استراتژیک و عملیاتی بین دانشگاه، صنایع پیشرفته و بخش دفاعی، اجرای برنامه‌های مؤثر برای جلوگیری از فرار مغزها و جذب نخبگان ایرانی و جهانی متعهد امکان‌پذیر می‌شود.

#### ۴-۵. آمادگی دفاعی و امنیتی جهادی: حفظ حریم در همه عرصه‌ها

پنجمین و تکمیل‌کننده رکن، آمادگی دفاعی و امنیتی جهادی است که حریم تمامیت ارضی، حاکمیت و هویت ملی را در همه عرصه‌ها پاسداری می‌کند. محور این رکن، ایجاد بازدارندگی فعال و همه‌جانبه (در حوزه‌های نظامی، سایبری، امنیتی، زیستی و اجتماعی) و سازماندهی هوشمند و مردمی برای دفاع است. تحقق این امر از طریق توسعه پیوسته و هدفمند توان دفاعی متقارن و نامتقارن، تقویت و ارتقای نهاد بسیج به عنوان یک ساختار راهبردی، عمیق و مردمی، و ارتقای مستمر هوشیاری، بصیرت و ایمن‌سازی اجتماعی در برابر نفوذ، فتنه و جنگ ترکیبی میسر می‌شود.

#### ۴-۸. نتیجه راهبردی نهایی

عناصر و مولفه‌های جهاد همه‌جانبه، نه مجزا که اعضای یک پیکره زنده و به هم پیوسته هستند. موفقیت در هر محور، موفقیت سایر محورها را تسهیل می‌کند و ضعف در یکی، بقیه را تهدید می‌نماید. تحقق جهاد همه‌جانبه، نیازمند هماهنگی استراتژیک، مدیریت یکپارچه و تقسیم کار هوشمندانه میان

تمام نهادهای حاکمیتی و مردمی است. تنها با چنین نگرش شبکه‌ای و عمل منسجم است که می‌توان در میدان‌های نوین نبرد تمدنی پیروز شد.

#### ۴-۹. نقش آفرینان کلیدی در تحقق جهاد همه‌جانبه

تحقق این منظومه پیچیده و حیاتی، نیازمند کنشگران آگاه، متعهد و هماهنگ در میدان عمل است. در این چهارچوب، نقش چهار گروه کلیدی به شرح زیر برجسته می‌شود:

#### ۴-۹-۱. نقش پاسداران

##### الف) نقش راهبردی

پاسداران، مدیران امن و مجریان عملیاتی جهاد در تمامی میدان‌ها هستند که با ترکیب ولایت‌مداری، مهارت تخصصی و روحیه جهادی، خط مقدم تحقق امنیت، مقاومت و پیشرفت را تشکیل می‌دهند.

##### ب) وظایف عملیاتی

- ایمن‌سازی زیرساخت‌های حیاتی: حفاظت فیزیکی و سایبری از مراکز کلیدی اقتصادی، علمی، انرژی و ارتباطی در برابر خرابکاری و جنگ ترکیبی دشمن؛
- رهبری و اجرای جهاد اقتصادی مقاومتی: مدیریت و نظارت بر پروژه‌های استراتژیک اقتصادی و زیرساختی با رویکرد جهادی (سرعت، دقت، شفافیت، دوری از فساد)؛
- پشتیبانی عملیاتی از جهاد علمی: تأمین امنیت مراکز تحقیقاتی حساس، حمایت از توسعه فناوری‌های دفاعی و دوگانه، و مشارکت در پروژه‌های علمی - امنیتی ملی؛

- فرماندهی و سازماندهی جهاد دفاعی نامتقارن: طراحی و اجرای عملیات دفاعی چندبعدی (نظامی، سایبری، مردمی) برای ایجاد بازدارندگی فعال و بالا بردن هزینه تجاوز برای دشمن؛
- حفظ روحیه جهادی و مقابله با نفوذ: اجرای برنامه‌های فرهنگی و سیاسی برای صیانت از بدنه نیروها و جامعه در برابر جنگ روانی و شیبخون فرهنگی دشمن.

#### ۴-۹-۲. نقش بسیجیان

##### الف) نقش راهبردی

بسیج، مردمی‌کننده و شبکه‌ساز جهاد در متن جامعه است. بسیجی، حلقه اتصال اراده ملی با برنامه‌های کلان و مجری مردمی‌سازی پروژه‌های بزرگ است.

##### ب) وظایف عملیاتی

- تبلیغ و ترویج گفتمان جهادی: تبیین مفاهیم جهاد همه‌جانبه (اقتصادی، علمی، فرهنگی) در سطح محلات، مساجد و دانشگاه‌ها با زبان مردمی و قابل درک؛
- تشکیل شبکه‌های مردمی تخصصی: سازماندهی گروه‌های جهادی در حوزه‌های مختلف (جهاد علمی- دانشجویی، جهاد اقتصادی- تعاون، جهاد فرهنگی- رسانه‌ای) برای مشارکت حداکثری مردم؛
- اجرای پروژه‌های جهادی میدانی: هدایت و مشارکت در اقدامات عملیاتی مردمی مانند کاروان‌های سازندگی، پشتیبانی از مناطق محروم، کمک‌های امدادی و فعالیت‌های فرهنگی داوطلبانه؛

- بازوی اجرایی و نظارتی مردمی: کمک به اجرا و نظارت مردمی بر پروژه‌های ملی و گزارش‌دهی شفاف از مشکلات و پیشرفت‌ها به سطوح بالا؛
- آمادگی دفاعی غیرنظامی: سازماندهی و آموزش نیروهای مردمی برای دفاع شهری، پدافند غیرعامل و مقابله با تهدیدات نرم در بحران‌ها.

#### ۴-۹-۳. نقش فرماندهان و مدیران

##### الف) نقش راهبردی

فرماندهان و مدیران ارشد، هماهنگ‌کننده کلان و تخصیص‌دهنده هوشمند منابع ملی برای ایجاد هم‌افزایی بین تمامی میدان‌های جهاد هستند.

##### ب) وظایف عملیاتی

- تدوین نقشه راه یکپارچه جهادی: طراحی استراتژی کلان و برنامه عملیاتی هماهنگ برای پیشرفت موازی و هم‌افزا در میدان‌های پنج‌گانه جهاد؛
- تخصیص بهینه منابع و رفع موانع: اولویت‌بندی بودجه، امکانات و قوانین به نفع پروژه‌های جهادی پیشران و رفع دیوان‌سالاری و موانع بر سر راه نخبگان و فعالان میدان؛
- ایجاد پیوند استراتژیک بین نهادها: برقراری ارتباط عملیاتی و همکاری مستمر بین نهادهای علمی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی برای حل مسائل پیچیده ملی؛
- مدیریت بحران و انعطاف راهبردی: تصمیم‌گیری سریع و هوشمند در شرایط تحریم، تهدید یا فرصت‌های ناگهانی، با حفظ آرامش و دوراندیشی؛
- نظارت و ارزیابی عملکرد جهادی: تعریف شاخص‌های پیشرفت واقعی در هر میدان و نظارت مستمر بر عملکرد دستگاه‌ها براساس خروجی‌های ملموس و اثرگذار.

#### ۴-۹-۴. نقش روحانیون و مربیان

##### الف) نقش راهبردی

این قشر، معنابخش، جهت‌دهنده فکری و تربیت‌کننده نیروی انسانی متخصص و متعهد برای تمامی میدان‌های جهاد هستند.

##### ب) وظایف عملیاتی

- تبیین فلسفه و فقه جهاد همه‌جانبه: ارائه مبانی دینی، اخلاقی و فقهی عمیق برای ضرورت، مشروعیت و حدود و ثغور جهاد در عرصه‌های نوین (اقتصاد، علم، فرهنگ)؛
- تربیت نیروی انسانی «مجاهد- متخصص: پرورش نخبگان و مدیرانی که هم پای‌بند به ارزش‌های اسلامی باشند و هم در علوم روز (اقتصاد، مهندسی، رسانه و...) تخصص درجه یک داشته باشند؛
- نقد و روشنگری در برابر انحرافات: نقد علمی و دینی مدل‌های وارداتی غربی در حوزه اقتصاد، مدیریت و فرهنگ و ارائه الگوهای بومی و اسلامی جای‌گزین؛
- تقویت بنیان‌های فرهنگی جهاد: تولید ادبیات، هنر و اندیشه‌ای که روحیه ایثار، قناعت، علمی‌اندیشی و مقاومت را در جامعه ترویج و نهادینه کند؛
- ایفای نقش دیده‌بانی اخلاقی: نظارت و هشدار درباره کج‌روی‌های احتمالی در مسیر جهاد مانند فساد، بی‌عدالتی، تقلب علمی یا تخریب محیط‌زیست، و یادآوری مبانی اخلاقی حرکت.

##### جمع‌بندی: موفقیت در جهاد همه‌جانبه، در گرو همکاری این چهار رکن

است: پاسداران (امنیت و اجرا)، بسیج (مردمی‌سازی و شبکه‌سازی)، فرماندهان و مدیران (هماهنگی و تخصیص منابع)، و روحانیون و اساتید

(معنابخشی و تربیت نیرو). فقدان یا ضعف هریک، چرخه حیاتی این مدل را با اختلال مواجه می‌سازد.

#### ۴-۱۰. جمع‌بندی ارتقایی / تثبیت نگاه راهبردی

با تکمیل و عملیاتی‌سازی این محور، الگوی جهاد همه‌جانبه به‌صورت کامل چنین کارکردی پیدا می‌کند:

- تنظیم‌کننده جهت و اولویت‌های ملی: راهنمای عمل برای تخصیص منابع و انرژی جامعه در مسیر تقویت پایه‌های واقعی اقتدار؛
- خنثی‌کننده جنگ ترکیبی دشمن: ارائه پاسخی یکپارچه و سازمان‌یافته به تهاجم هم‌زمان دشمن در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، رسانه‌ای و امنیتی؛
- تولیدکننده قدرت ملموس و بازدارندگی: تبدیل ایمان و اراده جمعی به توانمندی‌های عینی در علم، اقتصاد، دفاع و فرهنگ که امنیت و نفوذناپذیری ایجاد می‌کند؛
- مانع انفعال، پراکندگی و فرسایش در نبرد طولانی: با ایجاد وحدت رویه، تقسیم نقش و امید به نتیجه، از تحلیل رفتن نیروهای جامعه در مواجهه با فشارهای ممتد جلوگیری می‌کند.

#### گزاره راهبردی تکمیلی:

- جامعه‌ای که جهاد همه‌جانبه را نه به‌عنوان یک شعار، که به‌عنوان سبک زندگی تمدنی درآورد و آن را محقق سازد:
- از تهدیدها نه فقط دفاع، که فرصتی برای جهش و خوداتکایی استخراج می‌کند؛
  - از قدرت نه برای مصرف و غرور، که به‌عنوان ابزاری برای مسئولیت‌پذیری بیشتر در برابر امت و بشریت استفاده می‌نماید؛

- و در مسیر پیشرفت، نه تنها به دنبال کسب فناوری، که توان «تولید علم و معنای جدید» و «طراحی الگوی پیشرفت متعالی و عادلانه» را برای جهان پیدا می‌کند.

#### ۴-۱۱. شبهات و سؤالات مطرح

##### ۴-۱۱-۱. شبهه اول

**شبهه:** «اصلی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عرصه جهاد کدام است؟»

**پاسخ:** در جهاد همه‌جانبه، اگرچه حضور در تمامی میدان‌ها ضروری است، اما جهاد تبیین به‌عنوان واکنش راهبردی به جنگ شناختی دشمن، عرصه اصلی و تعیین‌کننده محسوب می‌شود. این به معنای نادیده گرفتن دیگر میدان‌ها نیست، بلکه به معنای شناخت محوریت این عرصه در هدایت، پشتیبانی و معنابخشی به سایر جهادها است. دلایل محوریت جهاد تبیین:

(الف) جنگ شناختی، خط مقدم تهاجم دشمن: دشمن امروز با درک شکست در میداین سخت‌افزاری، تمرکز اصلی خود را بر جنگ نرم و شناختی گذاشته است. هدف این جنگ، دست‌برد زدن به باورها، هویت، اراده و روحیه ملت‌ها است. بنابراین، پیروزی یا شکست در این عرصه، سرنوشت تمامی میدان‌های دیگر را رقم می‌زند. جهاد تبیین، پاسخی مستقیم و حیاتی به این خطرترین جبهه دشمن است؛

(ب) جهاد تبیین، زیرساخت معناساز و جهت‌دهنده:

- مشروعیت‌سازی: هیچ اقدام نظامی، اقتصادی یا علمی پایدار و مؤثری بدون مقبولیت و مشروعیت مردمی ممکن نیست. این مشروعیت تنها از طریق تبیین صحیح، شفاف و مستمر حاصل می‌شود؛



- گفتمان‌سازی و جهت‌دهی: جهاد تبیین، گفتمان مقاومت و انقلابی را تولید و ترویج می‌کند. این گفتمان به تمام فعالیت‌های دیگر معنا، جهت و انگیزه می‌بخشد. بدون این چهارچوب معنایی، اقدامات در دیگر میدان‌ها ممکن است به انحراف یا بی‌ثمری بینجامد؛

- حفاظت از دستاوردها: پیروزی‌های میدانی اگر به‌درستی تبیین و تحلیل نشوند، ممکن است در میدان شناختی توسط دشمن مصادره، تحریف یا بی‌ارزش جلوه داده شوند. بنابراین، جهاد تبیین پشتوانه نرم برای تثبیت و صیانت از دستاوردهای همه میدان‌هاست.

پ) جهاد تبیین، عامل وحدت‌بخش و جلوگیری از پراکندگی: یکی از اهداف جنگ شناختی دشمن، تفرقه‌افکنی و ایجاد سردرگمی در صفوف جبهه خودی است. جهاد تبیین با شفاف‌سازی مواضع، تبیین خطوط قرمز و بیان روشن استراتژی، مانع از پراکندگی نیروها می‌شود و همه را حول یک منظومه فکری و آرمانی واحد هماهنگ می‌کند. درواقع، جهاد تبیین به دیگر میدان‌ها انسجام و وحدت عمل می‌بخشد.

ت) تجربه عینی جبهه مقاومت: موفقیت‌های درخشان جبهه مقاومت در منطقه، تنها مرهون عملیات‌های نظامی نبوده است. پیروزی بزرگ شناختی این جبهه در برابر روایت‌سازی‌های رسانه‌های سلطه جهانی، که از طریق جهاد تبیین خستگی‌ناپذیر محقق شد، بستر لازم برای تداوم، مقبولیت و رشد این مقاومت را فراهم کرد. شکست پروژه‌هایی مانند «داعش» پیش از هرچیز، یک شکست شناختی بود.

جمع‌بندی: جهاد تبیین اگرچه یکی از میدان‌های جهاد است، اما به‌دلیل ماهیت زیرساختی، هدایت‌گر و معنابخش خود، تعیین‌کننده‌ترین عرصه

محسوب می‌شود. این جهاد، چراغ و نقشه راه برای سایر میدان‌هاست. پراکندگی نیروها نه از تعدد میدان‌ها، بلکه از فقدان مرکزیت معنایی و گفتمانی واحد ناشی می‌شود. جهاد تبیین دقیقاً با ایفای این نقش کانونی، از پراکندگی جلوگیری کرده و به همه فعالیت‌ها انسجام، جهت و قدرت مضاعف می‌بخشد. بنابراین، در استراتژی جهاد همه‌جانبه، اولویت و تمرکز اصلی باید بر جهاد تبیین باشد؛ چراکه شکست در این میدان به معنای تضعیف جدی در همه میدان‌های دیگر است.

#### ۴-۱۱-۲. شبهه دوم

شبهه: «آیا جهاد امروز هم چنان معنای جنگ نظامی دارد یا باید صرفاً به فعالیت‌های صلح‌آمیز و فرهنگی محدود شود؟»

پاسخ: چنان‌که اشاره شد مفهوم جهاد در اسلام، مفهومی تک‌بعدی و محدود به جنگ نظامی نیست، بلکه یک استراتژی جامع و چندلایه برای حفظ، تحکیم و گسترش حق در برابر باطل در تمامی عرصه‌های حیات است. به‌ویژه امروزه که جهاد چندمیدانی است و همه ظرفیت‌های فردی، اجتماعی و نهادی را شامل می‌شود، نه صرفاً جنگ فیزیکی. بنابراین، در نبرد پیچیده و ترکیبی عصر حاضر، جبهه حق نمی‌تواند و نباید خود را به یک میدان (فقط نظامی یا فقط فرهنگی) محدود کند؛ بلکه باید متناسب با تهدیدات چندوجهی دشمن، هم‌زمان و به‌صورت هماهنگ در تمامی میدان‌های فرهنگی، اقتصادی، علمی، رسانه‌ای و در صورت لزوم دفاعی حاضر شود. در این نگاه، هر تلاش سازمان‌یافته، آگاهانه و مبتنی بر اخلاص برای تقویت جبهه حق و تضعیف باطل در هر عرصه‌ای، مصداق جهاد است. صلح واقعی و پایدار نیز تنها از موضع قدرت و مقاومت همه‌جانبه حاصل می‌شود، نه انفعال در برخی میدان‌ها.

#### ۴-۱۱-۳. شبهه سوم

**شبهه:** «آیا جهاد چندمیدانی باعث پراکندگی و فرسایش نیروها نمی‌شود؟»

**پاسخ:** جهاد چندمیدانی ذاتاً منجر به پراکندگی و فرسایش نمی‌شود، بلکه مدیریت نادرست و فقدان هماهنگی است که چنین پیامدی دارد. منطق حاکم بر جهاد همه‌جانبه، مبتنی بر وحدت در عین کثرت است؛ به این معنا که تنوع میدان‌ها نه تنها تضعیف‌کننده نیست، بلکه در صورت مدیریت هوشمند، هماهنگی استراتژیک، اولویت‌بندی و تقسیم کار منطقی و ... قدرت را در عمق و گستره افزایش می‌دهد. تجربه عملی جبهه مقاومت، به‌ویژه در مدل بسیج و سپاه، اثبات کرده که یک ساختار شبکه‌ای منسجم با رهبری واحد می‌تواند به‌طور هم‌زمان در میدان‌های گوناگون حاضر شود و با تخصیص منابع و نیروهای متناسب با تخصص هر میدان، نه تنها از فرسایش جلوگیری کند، بلکه اثری هم‌افزا و چندبرابری ایجاد نماید. درواقع، قدرت واقعی دشمن امروز در هماهنگی بین‌المللی و جنگ ترکیبی اوست؛ پاسخ مؤثر به آن نیز تنها با جهادی هماهنگ، چندبعدی و سازمان‌یافته ممکن است. بنابراین، پراکندگی هنگامی رخ می‌دهد که حرکت‌ها بدون نقشه راه، رهبری متمرکز و تقسیم کار روشن انجام گیرد، اما جهاد همه‌جانبه برنامه‌ریزی شده، خود بزرگ‌ترین عامل بازدارندگی، تاب‌آوری و افزایش قدرت چانه‌زنی جبهه حق خواهد بود.

#### ۴-۱۱-۴. شبهه چهارم

**شبهه:** «جهاد اقتصادی و علمی چگونه با جهاد نظامی ارتباط پیدا می‌کند؟ آیا این‌ها واقعی و ملموس‌اند؟»

**پاسخ:** جهاد اقتصادی و علمی، نه تنها ارتباطی انتزاعی، بلکه پیوندی حیاتی، عملی و تقویت‌کننده با جهاد دفاعی و نظامی دارند و هر دو عرصه‌ای

کاملاً ملموس و تعیین کننده در نبرد تمدنی امروز هستند. قرآن کریم به صراحت این پیوند را ترسیم کرده و اتفاق مالی در راه خدا (آل عمران: ۹۲) و برتری علمی (زمر: ۹) را در ذیل مجاهدت قرار می دهد. از منظر عملیاتی، جهاد اقتصادی مقاومتی با هدف کاهش وابستگی و تحریم پذیری، مستقیماً قدرت مانور و استقلال عمل جامعه را افزایش می دهد و امکان تخصیص منابع پایدار برای پشتیبانی از توان دفاعی را فراهم می سازد. اقتصاد وابسته و ضعیف، توان رزمی یک ملت را در درازمدت تحلیل می برد. به موازات آن، جهاد علمی و فناوریانه، شالوده بازدارندگی نوین و امنیت ملی غیرقابل نفوذ را می سازد. کشوری که در علوم و فناوری های راهبردی (از سایبر تا هسته ای) پیشتاز باشد، می تواند بدون درگیری نظامی مستقیم، هزینه تجاوز را برای دشمن به حدی غیرقابل تحمل برساند که او را از حمله منصرف کند. درواقع، قدرت نظامی پایدار و اثرگذار در عصر حاضر، ریشه در قدرت علمی و اقتصادی خودکفا دارد؛ این دو، پشتوانه ای هستند که نه تنها امکان تأمین تجهیزات پیشرفته را فراهم می کنند، بلکه امنیت زیرساخت های حیاتی، مصونیت در برابر جنگ اقتصادی و توانایی طراحی راهبردهای دفاعی نامتقارن را ممکن می سازند. بنابراین، جهاد اقتصادی و علمی بخشی جدایی ناپذیر از استراتژی دفاع همه جانبه بوده و به هیچ وجه جنبه ای نظری یا تزینی ندارد، بلکه خط مقدم ساختن اقتدار آینده و امنیتی پایدار است.

#### ۴-۱۱-۵. شبهه پنجم

**شبهه:** «آیا همه افراد و نهادها توان اجرای جهاد همه جانبه را دارند؟ آیا این فشار روی نیروها غیر واقعی نیست؟»

**پاسخ:** جهاد همه جانبه به معنای انتظار یکسان از همه افراد و نهادها

نیست، بلکه فلسفه آن مبتنی بر «تقسیم کار هوشمندانه» و «نقش‌آفرینی متناسب با ظرفیت» است. قرآن کریم در آیه معروف آمادگی دفاعی می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) که بر اصل «توان‌محوری» و مشارکت هر فرد و نهاد به اندازه وسع و تخصصش تصریح دارد. در این منظومه، نقش‌ها مشخص، مکمل و سلسله‌مراتبی تعریف می‌شوند: بسیجیان در سطح مردمی و ترویجی، پاسداران در عرصه‌های امنیتی و اجرایی، روحانیون در بُعد معنابخشی و تربیتی، و فرماندهان در سطح هماهنگی کلان عمل می‌کنند. این تقسیم مسئولیت دقیقاً برای جلوگیری از پراکندگی انرژی، کاهش فشار روانی و مدیریت بار عملیاتی طراحی شده است. درواقع، فشار هنگامی ایجاد می‌شود که نقش‌ها شفاف نباشد یا از نیرویی در خارج از حیطه توان و تخصصش توقع بی‌جا رود. اما در مدل جهاد سازمان‌یافته، هرکس در جایگاه خود یک «مجاهد تخصصی» می‌شود: دانشمند در آزمایشگاه، کشاورز در مزرعه، معلم در کلاس، و رزمنده در سنگر. بنابراین، جهاد همه‌جانبه نه تنها فشار غیرواقعی ایجاد نمی‌کند، بلکه با ساماندهی منطقی سرمایه‌های انسانی و نهادی، از اتلاف منابع جلوگیری کرده و تاب‌آوری کل سیستم را در برابر فشارهای دشمن به حداکثر می‌رساند.

#### ۴-۱۱-۶. شبهه ششم

**شبهه:** «آیا جهاد در حوزه‌های نوین مانند اقتصاد، علم، رسانه و فناوری، واقعاً تأثیرگذار است یا فقط نوعی شعار است؟»

**پاسخ:** جهاد در حوزه‌های نوین اقتصاد، علم، رسانه و فناوری، به هیچ وجه شعار نیست، بلکه یک ضرورت راهبردی حیاتی و عامل تعیین‌کننده در نبرد سرنوشت‌ساز کنونی است. قرآن کریم به روشنی مجاهدت با مال (صف: ۱۱)،

مجاهدت برای هدایت و کسب علم (عنکبوت: ۶۹، بقره: ۲۴۷) را در شمار اعمال مؤثر و نصرت آفرین برمی‌شمارد. این آیات نشان می‌دهد که نبرد با باطل تنها با شمشیر نیست، بلکه با «ثروت»، «دانش» و «بیان» نیز پیگیری می‌شود. اثربخشی ملموس این جهاد را می‌توان در تجربه عینی انقلاب اسلامی به وضوح مشاهده کرد:

- جهاد علمی و فناورانه نه یک ادعا، که واقعی است که بازدارندگی راهبردی هسته‌ای، اقتدار در حوزه موشکی و پهپادی، و امنیت سایبری را برای کشور به ارمغان آورده و هزینه هرگونه حمله را برای دشمن تا حد غیرممکن بالا برده است؛

- جهاد اقتصادی یک شعار نیست، بلکه تاب‌آوری بی‌سابقه در برابر سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ، رشد تولید داخلی در بسیاری از رشته‌ها و کاهش وابستگی را محقق ساخته است؛

- جهاد رسانه‌ای و تبیینی یک فعالیت جانبی نیست، بلکه سلاحی است که روایت مستقل انقلاب اسلامی را در جهانی که رسانه‌های سلطه‌گر بر آن چیره هستند، زنده نگه داشته و توطئه‌های بزرگ روانی چون فتنه‌های داخلی یا تحریف‌های بین‌المللی را خنثی کرده است.

نتیجه آنکه، دشمن امروز اصلی‌ترین حملات خود را در همین عرصه‌های نوین متمرکز کرده است. پاسخ به آن نیز نمی‌تواند صرفاً شعاری باشد. اثربخشی این جهاد در حفظ استقلال، امنیت و عزت ملی به اندازه‌ای ملموس است که غفلت از آن را به معنای بازکردن راه نفوذ و شکست در جنگ ترکیبی دشمن می‌سازد. بنابراین، جهاد در این میدان‌ها، واقعی‌ترین و ضروری‌ترین شکل دفاع از هویت و منافع امت اسلامی در عصر حاضر است.

#### ۴-۱۱-۷. شبهه هفتم

**شبهه:** «آیا تمرکز بر جهاد همه‌جانبه باعث غفلت از بعد معنوی و اخلاقی نمی‌شود؟»

**پاسخ:** تمرکز بر جهاد همه‌جانبه نه تنها به معنای غفلت از بعد معنوی و اخلاقی نیست، بلکه این نگرش، اساساً مبتنی بر یک «بینش توحیدی یکپارچه‌نگر» است که اصل و ریشه همه مجاهدت‌های بیرونی را در «جهاد درونی» می‌داند. چنان‌که اشاره شد در جهاد تبیین، جهاد نفس، تزکیه و تقوا سنگ بنای اولیه و موتور پایدارکننده همه میدان‌ها است. این بدان معناست که جهاد اقتصادی، علمی یا دفاعی فاقد روحیه اخلاص، تقوا و ایثار، به سرعت در معرض انحراف به سمت مادی‌گرایی، فساد، خودبرتربینی یا خشونت کور قرار می‌گیرد.

قرآن کریم با صراحت این پیوند ناگسستگی را بیان می‌کند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس: ۹) و «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» (اعلی: ۱۴). این آیات نشان می‌دهند که فلاح و رستگاری نهایی، که غایت همه مجاهدات است، تنها از مسیر تزکیه نفس می‌گذرد. بدون این پایه، تلاش‌های بیرونی ممکن است به پیروزی‌های مقطعی و ظاهری بینجامد، اما هرگز به «نصرت الهی» پایدار و متعالی تبدیل نخواهد شد. بنابراین، جهاد همه‌جانبه یک نظام سلسله‌مراتبی و هماهنگ است که در آن، جهاد اکبر (مبارزه با نفس) جهت‌دهنده، پالاینده و معنابخش به جهاد اصغر (مبارزه در میدان‌های اجتماعی) است.

بنابراین، مدل جهاد همه‌جانبه نه تنها به بعد اخلاقی بی‌تفاوت نیست، بلکه آن را در جایگاه «معیار سنجش صحت» همه حرکات دیگر قرار می‌دهد. پیشرفت علمی‌ای که با تکبر و غفلت از خدا همراه باشد، یا قدرت اقتصادی‌ای که به ظلم و بی‌عدالتی بینجامد، در این چهارچوب مصداق جهاد نخواهد بود. این نگاه،

تضمین می‌کند که همه توانمندی‌های مادی و اجتماعی در مسیر الهی و برای تحقق ارزش‌های انسانی - اسلامی به کار گرفته شود، نه در جهت تخریب آنها.

#### ۴-۱۱-۸. شبهه هشتم

**شبهه:** «قرآن برای مقابله با جنگ ترکیبی و جنگ شناختی دشمنان چه راهبرد و دیدگاهی را به مؤمنان ارائه می‌کند؟»

**پاسخ:** قرآن، جنگ ترکیبی و جنگ شناختی امروز را ادامه همان نبرد دائمی حق و باطل بر سر «عقل، قلب و اراده انسان» می‌داند و برای مؤمنان چند راهبرد کلیدی ترسیم می‌کند:

**الف) شناخت ماهیت جنگ شناختی:** قرآن ریشه این جنگ را در دشمنی ابلیس با انسان و تلاش او برای تسلط بر «شاکله» و شخصیت انسان می‌داند؛ یعنی تغییر بینش، هویت و سبک زندگی، نه فقط چند رفتار ظاهری. این نبرد از داستان حضرت آدم علیه السلام و وسوسه شیطان آغاز می‌شود و تا آخرالزمان ادامه دارد؛ دشمن می‌خواهد ذهن و قلب را بگیرد تا عمل را مدیریت کند؛

**ب) جهاد تبیین؛** راهبرد تهاجمی: قرآن مأموریت پیامبر را «جهاد کبیر» با قرآن معرفی می‌کند: «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان، ۵۲)؛ یعنی مقابله بزرگ با باطل در عرصه فکر و روایت، با منطق قرآن. در آیه «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل: ۴۴)، تبیین روشن و عقل‌پسند حقیقت، وظیفه دائمی رسول و به تبع او امت است؛ جهاد تبیین ستون اصلی مقابله با تحریف و عملیات روانی است؛

**پ) بصیرت و زمان‌شناسی:** آیات بسیاری مؤمنان را به «بصیرت» و تعمق در آیات آفاق و انفس دعوت می‌کند؛ بدون فهم زمانه، انسان طعمه جنگ شناختی



می‌شود، همان‌گونه که در روایات آمده: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ زَمَانَهُ حَرِبَ».<sup>۱</sup> قرآن با طرح دائمی موضوع «ولایت الله» و «ولایت طاغوت» (بقره: ۲۵۷) به مؤمن می‌آموزد که پشت هر موج رسانه‌ای، یک جبهه ولایی وجود دارد و باید جبهه‌ها را تشخیص داد.

ت) استدلال، گفت‌وگوی عقلانی و دعوت به برهان: قرآن اهل باطل را به آوردن برهان دعوت می‌کند: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۱۱۱)؛ این یعنی راهبرد اصلی، مناظره مستدل و شفاف است، نه هیجان و فحاشی. در جنگ شناختی، مؤمن باید بتواند باور خود را عقلانی، اخلاقی و مستند بیان کند؛ «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل: ۱۲۵) چهارچوب این دعوت نرم اما عمیق است؛

ث) تقویت ایمان، تقوا و ثبات قدم: قرآن ایمان، عمل صالح، توصیه به حق و صبر را تنها راه خروج از «خسران عمومی» می‌داند (سوره عصر)؛ در جنگ شناختی، این چهار عنصر، ستون مقاومت فردی و جمعی هستند. ایمان و تقوا، مهم‌ترین سپر در برابر جنگ نرم‌اند؛ زیرا دل متقی زود اسیر جذابیت‌های جعلی، شایعات و فریب رسانه‌ای نمی‌شود؛

ج) موضع‌گیری شفاف و برائت از باطل: قرآن مؤمن را به موضع‌گیری صریح در برابر باطل فرا می‌خواند: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء، ۸۱)؛ حق باید شفاف و بی‌ابهام گفته شود تا باطل بر زمین بماند. در جنگ ترکیبی، سکوت نخبگان و اهل حق، فضا را برای روایت دشمن خالی می‌کند؛ از همین رو در آیات متعدد، نهی از کتمان حق و تحریف آن شده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» (بقره: ۱۵۹)؛

۱. محمدبن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۷.

ج) رصد دشمن و شناخت تاکتیک‌ها: قرآن بارها از «کید الشیطان» و «مکر الکافرین» سخن می‌گوید و به مؤمنان می‌آموزد که طرح و نقشه دشمن را رصد کنند، نه اینکه ساده‌لوحانه او را نادیده بگیرند. رصد دائمی برنامه‌های دشمن، تشکیل قرارگاه‌های فکری و استفاده از نخبگان علمی و رسانه‌ای جزو لوازم عمل به این آموزه‌ها در عصر جنگ نرم است؛

ح) امید، صبر و روایت پیروزی حق: قرآن، فضای جنگ شناختی را میدان یأس‌پرانی دشمن معرفی می‌کند و در مقابل، دائماً از سنت پیروزی نهایی حق و شکست باطل سخن می‌گوید: «قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ (سبأ: ۴۹) و «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (صف: ۸)». صبر فعال، همراه با حرکت و تبیین، راهبرد کلیدی برای عبور از موج‌های سنگین عملیات روانی است؛ سوره‌های مکی پر از تأکید بر صبر، استقامت و امید در دل محاصره تبلیغاتی‌اند.

#### ۴-۱۲. نتیجه نهایی

جهاد همه‌جانبه، موتور محرکه و استراتژی کلان نظام برای پاسخ به جنگ ترکیبی دشمن است. این محور مستقیماً با پنج چالش حیاتی عصر حاضر پیوند خورده و پاسخ آن‌ها را سازمان می‌دهد: جنگ اقتصادی و تحریم‌های همه‌جانبه، جنگ علمی- فناوری و انحصار دانش، جنگ روانی- رسانه‌ای و هجوم شناختی، تهدیدات امنیتی نامتقارن و جنگ نرم، و چالش بی‌هویتی فرهنگی و نفوذ سبک زندگی. این نگاه یکپارچه نشان می‌دهد که بقا، عزت و پیشرفت در شرایط کنونی، تنها در گرو حرکتی هماهنگ، هوشمند و جهادی در تمامی این میدان‌ها به‌صورت هم‌زمان ممکن است. غفلت یا ضعف در هریک از این عرصه‌ها، حلقه‌ای سست در زنجیره دفاع ملی

ایجاد می‌کند که دشمن بلافاصله بر آن متمرکز شده و از آن به‌عنوان نقطه نفوذ و شکست بهره خواهد برد.



محور پنجم:

## بصیرت و ایمنی سازی شناختی

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي (يوسف: ۱۰۸)؛  
بگو: «این راه من است من و پیروانم، و با بصیرت کامل، همه مردم را  
به سوی خدا دعوت می کنیم.»

### ۱-۵. هدف کلان

ایجاد مصونیت و تاب آوری فکری - عقیدتی در سطح جامعه و نخبگان در برابر  
جنگ شناختی، شبهه افکنی و پروپاگاندا دشمن، و تقویت توانایی تشخیص  
حق از باطل برای حفظ انسجام و جهت گیری صحیح جمعی در شرایط پیچیده  
و فتنه انگیز.

### ۲-۵. کارکرد کلان

حفاظت فعال از ذهن جامعه در برابر نفوذ، تحریف، شایعه و مهندسی ادراک؛  
ایجاد «سیستم ایمنی فکری» که مقاومت روانی و شناختی جامعه را تضمین کند.

### ۳-۵. تبیین محوری

در منطق قرآنی، ریشه بسیاری از شکست ها نه در کمبود قدرت مادی، که در  
خطای ادراک، فریب شناختی و نفوذ ذهنی نهفته است. دشمن هوشمند، پیش  
از حمله به سرزمین، به تصرف ذهن ها می اندیشد. از این رو، در جنگ نوینی

که میدان آن «ادراک و باور» است، سلاح اصلی و نخستین سنگر دفاعی، بصیرت است.

بصیرت در این میدان، صرفاً به معنای «دانستن» اطلاعات نیست؛ بلکه به معنای توان تشخیص واقعیت از تحریف، تحلیل صحنه در شرایط عمداً مبهم، و ظرفیت مقابله و مقاومت فعال در برابر عملیات روانی دشمن است. این بصیرت، همان سپر ایمنی بخش شناختی است که جامعه را در برابر شبهه، شایعه و جنگ روایت‌ها واکسینه می‌کند. هدف این محور، تبدیل جامعه از مردم منفعل هدف به افراد هوشیار و کنشگر است که می‌توانند پیش از آنکه ذهنشان تسخیر شود، نقشه دشمن را کشف و خنثی نمایند.

#### ۴-۵. مؤلفه‌های اساسی (با استناد قرآنی)

##### ۴-۵-۱. بصیرت دینی - سیاسی (پیوند ایمان و تحلیل)

قرآن کریم ایمانی را که فاقد بینش عمیق و قدرت تحلیل باشد، آسیب‌پذیر و در معرض فریب می‌داند؛ ایمانی که دشمن به راحتی می‌تواند آن را از طریق شبهه، تحریف یا دروغ منحرف سازد. از این رو، بصیرت نه یک فضیلت اخلاقی جانبی، بلکه یک سلاح استراتژیک در جنگ شناختی است. بصیرت حاصل پیوند حیاتی میان دو جریان معرفتی است: از یک سو معرفت ناب و عمیق دینی که ریشه در قرآن، سنت و معارف اهل بیت علیهم‌السلام دارد، و از سوی دیگر تحلیل واقع‌بینانه، هوشمند و روزآمد از میدان عملیاتی و تحولات راهبردی منطقه‌ای و جهانی. جامعه‌ای که از این بصیرت برخوردار باشد، قادر است پشت پرده حوادث را ببیند، توطئه‌های دشمن را پیش از رسیدن به مرحله عمل شناسایی کند، و در عین پایبندی به اصول، منعطف و چابک در میدان عمل باشد. این بصیرت، اساس پدافند غیرعامل شناختی است.

## الف) آیات و شواهد قرآنی

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي (يوسف: ۱۰۸)؛  
بگو: «این راه من است من و پیروانم، و با بصیرت کامل، همه مردم را به  
سوی خدا دعوت می‌کنیم!»  
«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (محمد: ۲۴)؛ آیا آنها در قرآن  
تدبّر نمی‌کنند، یا بر دل‌های‌شان قفل نهاده شده است؟»  
«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ  
الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (انفال: ۲۱-۲۲)؛ و همانند کسانی نباشید که  
می‌گفتند: «شنیدیم!» ولی در حقیقت نمی‌شنیدند! بدترین  
جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند.»  
«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا  
يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ  
الْغَافِلُونَ (اعراف: ۱۷۹)؛ و محققاً بسیاری از جن و انس را برای جهنم  
آفریدیم، چه آنکه آنها را دل‌هایی است بی‌ادراک و معرفت، و دیده‌هایی  
بی‌نور و بصیرت، و گوش‌هایی ناشنوا، حقیقت، آنها مانند چهارپایانند  
بلکه بسی گمراه‌ترند، آنها همان مردمی هستند که غافل‌اند.»

## ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- بصیرت مهم‌ترین ابزار درک حقایق اشیاء و امور است؛
- بصیرت، پیش‌نیاز کنش صحیح انقلابی و اجتماعی است و مانع  
تصمیم‌گیری‌های هیجانی، سطحی یا تقلیدی می‌شود؛
  - بصیرت، جامعه را از «تأثیرپذیری کورکورانه از جریان‌های فکری» (اعم از  
داخلی و خارجی) و «واکنش نشان دادن به حوادث براساس ظواهر فریبنده»  
بازمی‌دارد؛
  - شرط لازم برای هدایت و راهبری دیگران بصیرت است و بدون آن امکان  
راهبری و پیشبرد اهداف میسر و ممکن نیست؛

- بصیرت کلید پیروزی در جنگ اراده هاست؛ چراکه هوشیار بودن در برابر نقشه‌های دشمن، نیاز به بصیرت و معرفت عمیق دارد؛
- به‌واسطهٔ بصیرت است که انسان قدرت تشخیص و تمیز حق از باطل، حلال از حرام، طیب از خبیث، سره از ناسره، راست از دروغ را پیدا می‌کند؛
- بصیرت و بینایی، باور یقینی، اطمینان و آرامش قلبی به همراه دارد؛
- بصیرت بزرگ‌ترین سرمایه و کاربردی‌ترین ابزاری است که انسان را از افتادن در ورطهٔ فتنه و فریب و شبهه‌ها مصون می‌سازد.

#### پ) کلام و اندیشهٔ ولایت

آنچه من می‌خواهم به شما جوان‌های عزیز عرض کنم، این است: اولاً معرفت خودتان، آشنایی خودتان، اطلاع خودتان را از مسائل اساسی سیاسی امروز و دیروز و فردای کشور افزایش بدهید؛ همین حلقه‌های معرفتی که عرض کردم، راجع به گذشتهٔ کشور و حوادثی که اتفاق افتاده، آنجایی که ضرر کردیم، آنجایی که سود بردیم، آنجایی که ضعف نشان دادیم، آنجایی که قوت نشان دادیم و نتایج هرکدام از اینها را به معنای واقعی کلمه بررسی کند.<sup>۱</sup>

#### ۵-۴-۲. شناخت جنگ شناختی و رسانه‌ای (مهارت تشخیص تحریف)

در میدان نبرد نوین، دشمن دیگر با بمب و موشک به تنهایی نمی‌آید، بلکه اصلی‌ترین سلاحش، ساخت واقعیت و تولید ادراک در اذهان عمومی است. در این جنگ که از آن به «جنگ روایت‌ها» یاد می‌شود، دشمن با تسلط بر رسانه‌ها و فضای مجازی، مفاهیم را معکوس، وقایع را تحریف و در فضای عمومی چهارچوب‌های ذهنی جدیدی می‌سازد تا مردم نه براساس واقعیت

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۴۰۴/۸/۱۲.

عینی، بلکه براساس واقعیتی که او می‌سازد، فکر و عمل کنند. قرآن کریم با درک این پیچیدگی، مؤمنان را به هوشیاری و شناخت عمیق از تاکتیک‌های دشمن فرامی‌خواند. براساس آموزه‌های قرآنی، شناسایی دقیق و مستمر ابزارها، تاکتیک‌ها و اهداف جنگ رسانه‌ای و شناختی دشمن، نه یک انتخاب، بلکه یک تکلیف شرعی و راهبردی است. این شناخت، اساس مقاومت شناختی و ایمن‌سازی فکری جامعه در برابر حمله‌های نوین دشمن به‌شمار می‌آید.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره: ۴۲)؛ و حق را با باطل نیامیزید! و حقیقت را با اینکه می‌دانید کتمان نکنید.»  
«يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يُخَادِعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (بقره: ۹)؛ می‌خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند؛ در حالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند؛ (اما) نمی‌فهمند.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- شناخت سازوکار رسانه‌ای دشمن، پیش‌نیاز خنثی‌سازی اثر و پاسخ‌گویی مؤثر به آن است. عدم آگاهی، به معنای پذیرش غیرمستقیم روایت دشمن است؛
- این شناخت، شامل درک الگوریتم‌های فضای مجازی، فنون فیلم‌سازی و عکاسی جهت‌دار، گزینش و سانسور خبری، و ساخت هیجان‌کاذب برای مدیریت افکار عمومی می‌شود؛
- هدف نهایی، تبدیل مخاطب منفعل به تماشاگر فعال و نقاد پیام است که به جای پذیرش کورکورانه، آن را تحلیل و تجزیه می‌کند.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

– امروز ما فراتر از درگیری‌های نظامی که وجود داشت دیدید و همین‌طور هی



مرتّب احتمالش هم می‌دهند، بعضی هم عمداً در این کانون می‌دمند برای اینکه مردم را دل به شک نگه دارند، دلهره ایجاد کنند که موفق هم نمی‌شوند ان‌شاءالله. ما فراتر از درگیری‌های نظامی در کانون یک درگیری تبلیغاتی و رسانه‌ای هستیم با کی؟ با یک جبهه وسیع، با یک جبهه وسیع. ما در جنگ تبلیغاتی قرار داریم، در جنگ معنوی قرار داریم. دشمن فهمید که تصرف این مَلک و این خاک و این سرزمین الهی و معنوی با ابزار فشار و ابزار نظامی امکان ندارد. فهمید که اگر بخواهد تصرفی بکند، دخالتی بکند، موفقیتی پیدا کند باید دلها را تغییر بدهد، باید مغزها و فکرها را عوض کند. رفتند توی این خط. ما البته ایستادیم در مقابل‌شان، محکم، اما خطر این است، خط این است، دشمن هدفش این است امروز.<sup>۱</sup>

- مراقب جنگ نرم باید بود، مراقب شبهه‌سازی دشمن باید بود، مراقب شایعه‌سازی دشمن باید بود. این پول‌هایی که خرج می‌شود - میلیاردها خرج می‌شود - برای فلان تلویزیون، فلان رادیو، فلان مرکز اطلاع‌رسانی و مانند اینها، و علیه ایران دائماً حرف‌های دروغ و خلاف منتشر می‌کنند، این بی‌جهت نیست، این با یک استدلال بسیار مهمی است؛ می‌خواهند داخل کشور را ضعیف کنند. دیدند که در جنگ دوازده‌روزه اتحاد ملّت، معجزه‌آفرین بود، می‌خواهند این اتحاد را به هم بزنند. مردم ایران مراقب باشند. مهم‌ترین مسئله، توجّه به دشمنی دشمن و توجّه به اتفاق و اتحاد داخلی و درونی است.<sup>۲</sup>

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در مراسم جشن میلاد حضرت زهرا (س)، ۱۴۰۴/۹/۲۰.

۲. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار روز میلاد امیرالمؤمنین (ع) و در سالگرد شهید سلیمانی،

### ت) چگونگی تحقق

- آموزش همگانی سواد رسانه‌ای و تحلیل خبر به زبان ساده برای همه اقشار سنی و تحصیلی؛
- راه‌اندازی و تقویت مراکز پایش تخصصی رسانه‌های دشمن در سطوح ملی، استانی و نهادی برای رصد، استخراج الگوهای تبلیغاتی و پیش‌بینی اقدامات آتی آنان؛
- برگزاری دوره‌های شبیه‌سازی جنگ روانی برای مدیران و فعالان رسانه‌ای، تا در محیطی کنترل‌شده با سناریوهای واقعی دشمن مواجه و راه‌های مقابله را تمرین کنند؛
- شفاف‌سازی و افشاگری مستمر درباره توطئه‌ها، دروغ‌ها و استانداردهای دوگانه رسانه‌های سلطه، به گونه‌ای که اعتماد عمومی به آن‌ها به حداقل برسد.

### ۴-۳. مواجهه با شایعه‌سازی و خبرسازی هدفمند

در عصر جنگ شناختی، شایعه و خبرسازی دروغین به سلاحی کم‌هزینه، پرسرعت و ویرانگر در دست دشمن تبدیل شده است. هدف از این تاکتیک، تخریب سرمایه (اعتماد عمومی) ایجاد رعب و ناامنی روانی و دامن زدن به تفرقه و سوءتفاهم در میان آحاد ملت است. قرآن کریم با شناخت عمیق از این خطر، مؤمنان را به برخوردی خردمندانه و قاطع فرامی‌خواند.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (حجرات: ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید.»  
«وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ (قصص: ۲۶)»

۵۵؛ و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی می‌گردانند و می‌گویند: «اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خودتان.»  
 «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (اسراء: ۳۶)؛ از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسئولند.»  
 «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ (حجرات: ۱۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.»  
 «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (آل عمران: ۱۷۳)؛ همان کسانی که مردم [منافق و عوامل نفوذی دشمن] به آنان گفتند: لشکری انبوه از مردم [مکه] برای جنگ با شما گرد آمده اند، از آنان بترسید. ولی [این تهدید] بر ایمان‌شان افزود، و گفتند: خدا ما را بس است، و او نیکو وکیل و [نیکو کارگزاری] است.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- «تبیین» و تحقیق پیش از باور و انتشار، یک تکلیف شرعی و عقلانی است. عکس‌العمل سریع و بدون تأمل نسبت به اخبار، بازی در زمین دشمن است؛
- توقف در برابر خبر، بررسی منبع و تحلیل هدف، بخشی از جهاد شناختی است؛
- شایعات غالباً روی حساس‌ترین نقاط جامعه (معیشت، امنیت، اختلافات قومی یا مذهبی) متمرکز می‌شوند تا حداکثر آسیب را وارد کنند. شناخت این نقاط حساس، به پیش‌بینی و خنثی‌سازی کمک می‌کند؛
- هدف نهایی دشمن از شایعه، تنها انتشار یک دروغ نیست، بلکه مشکوک کردن همه منابع اطلاعاتی و فلج کردن قدرت تصمیم‌گیری فردی و جمعی است. مقابله مؤثر باید این هدف را نیز خنثی کند.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

- جنگ نرم؛ یعنی جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی، به وسیله نفوذ، به وسیله دروغ، به وسیله شایعه پراکنی.<sup>۱</sup>
- اولین هدف دشمنان این است که ملت را نسبت به نظام اسلامی دلسرد و ناامید کنند؛ بیشتر تبلیغات و شایعه پراکنی آنها متوجه به این هدف است.<sup>۲</sup>
- از راه‌های بی اعتماد کردن مردم، همین شایعه پراکنی‌ها و حرف‌هایی است که از روی بی مسئولیتی زده می‌شود.<sup>۳</sup>

- وظیفه شما چیه؟ وظیفه ما چیه؟ وظیفه شما دو چیز است؛ اول، قبل از تحقیق قضاوت نکردن و منتظر روشن شدن بودن. این یک. وقتی که درباره فلان مسئله راجع به امور سیاست اطلاع ندارید، کسی را هم پیدا نکردید دم دست‌تان که بیايد بایستد اینجا و جواب بدهد، یا نامه نوشتید و جواب نگرفتید، از روی حدس و گمان قضاوت نکنید. این یک. و سؤال کنید تا روشن بشود؛ دوم، وظیفه این است که اگر راجع به اشخاص، افراد یا مسائلی که ارتباط به اشخاص و افراد پیدا می‌کند، چیزی شنیدید که باز هم برای شما محقق و ثابت نیست، این را دهن به دهن نگردانید. چون می‌شود شایعه و از قول پیغمبر اکرم علیه السلام نقل شده است که فرموده‌اند: «كَفَى الْمَرْءَ كُذْبًا أَنْ يَحْدِثَ بِكُلِّ مَا يَسْمَعُ» برای دروغ‌گو بودن یک آدم همین کافی است که هرچه می‌شنود، نقل کند.<sup>۴</sup>

### ت) چگونگی تحقق

- سامانه‌های تأیید خبر و پژوهش سریع در سطح بسیج و سپاه؛

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در جمع بسیجیان، ۱۳۸۸/۹/۴.  
۲. بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه، ۱۳۸۱/۵/۵.  
۳. بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۷۷/۴/۷.  
۴. بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در جلسه پرسش و پاسخ در مسجد ابوذر تهران، ۱۳۶۰/۴/۶.

- آموزش عمومی برای تبیین اهمیت صحت خبر به جامعه؛
- راه‌اندازی «شبکه‌های راستی‌آزمایی مردمی» با استفاده از ظرفیت بسیج، مساجد و گروه‌های مجازی وفادار، برای بررسی و انتشار سریع پاسخ مستدل به شایعات رایج؛
- ایجاد «سامانه‌های هشدار و اعلام سریع» در نهادهای امنیتی- رسانه‌ای برای شناسایی موج‌های شایعه در لحظه آغاز و انتشار پاسخ رسمی پیش از شیوع؛
- آموزش عمومی مهارت «ردیابی منبع خبر» و پرسش‌های کلیدی: «این خبر نخستین بار کجا منتشر شد؟»، «منافع انتشار آن برای چه کسی است؟»، «آیا منبع معتبر دیگری آن را تأیید کرده است؟»؛
- تقویت «اعتمادسازی رسمی و شفافیت» توسط نهادهای حاکمیتی. بهترین پادزهر شایعه، انتشار به‌موقع، دقیق و شفاف اطلاعات صحیح از مجاری رسمی مورد اعتماد است؛
- تربیت «طلاب و مبلغان بصیر» به‌عنوان مراجع اعتماد محلی برای پاسخ‌گویی به شبهات و شایعات.

#### ۴-۴-۵. شناسایی شبهه‌سازی و القای تردید

در میدان نبرد فکری، دشمن از سلاح ظریف‌تر و خطرناک‌تری نسبت به شایعه استفاده می‌کند: شبهه‌سازی و القای تردید علمی. در این تاکتیک، با پوششی به ظاهر خردمندانه، منتقدانه یا علمی، تلاش می‌شود تا در باورهای اساسی، اصول اعتقادی و آرمان‌های انقلابی جامعه ابهام و دودلی ایجاد شود. هدف نهایی این عملیات، سست کردن اعتماد به نفس فکری ملت، تخریب پشتوانه نظری نظام و در نهایت فلج کردن اراده عمل و تصمیم‌گیری جمعی است. قرآن کریم به‌روشنی مؤمنان را از این خطر آگاه می‌سازد و آنان را به شناخت و

تشخیص این حربه فرامی خواند. این بصیرت، جامعه را در برابر تلاش برای بی‌رمزسازی و ایجاد تردید در هویت خویش، واکنش می‌کند.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (بقره: ۹)؛

می‌خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند؛ درحالی‌که جز خودشان را فریب نمی‌دهند؛ (اما) نمی‌فهمند.»

«يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (توبه: ۳۲)؛ آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هرچند کافران ناخشنود باشند!»

«وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ .... هُمْ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (منافقون: ۴)؛ هنگامی که آنها را می‌بینی، جسم و قیافه آنان تو را در شگفتی فرو می‌برد؛ و اگر سخن بگویند، به سخنان‌شان گوش فرا می‌دهی؛ ... آنها دشمنان واقعی تو هستند، پس از آنان بر حذر باش!»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- بسیاری از شبهات، عملیات روانی با پوشش پرسش هستند. هدف این شبهات نه کشف حقیقت، که تضعیف ایمان، ایجاد اختلاف و مشغول کردن نخبگان به مسائل حاشیه‌ای است؛
- شبهه‌ساز حرفه‌ای، معمولاً به دنبال پاسخ نیست، بلکه به دنبال تکثیر ابهام است. شناسایی این الگو، از اتلاف انرژی در مسیرهای بی‌پایان بحث جلوگیری می‌کند؛
- کلید مقابله، تفکیک دقیق پرسش مشروع و جوپای حقیقت از شبهه تخریبی و هدفمند است. رویکرد ما در برابر اولی، تبیین صبورانه و استدلالی و در برابر دومی، افشاگری و خنثی‌سازی سریع است.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

- انقلاب، زنده و پویاست. پاسدار انقلاب، پاسدار چنین موجود زنده و پویا و متحرک و پیشرونده‌ای است. اگر این نبود، تا کنون انقلاب اسلامی و نظام اسلامی باید ده کفن پوسانده باشد. اما موجود زنده را نمی‌شود دفن کرد و از تحرک باز داشت؛ زنده است و زنده خواهد ماند. ملت ما هم این مفاهیم را قبول دارد؛ زبندگان بی‌نظر و منصف هم این مفاهیم را قبول دارند. با این خصوصیات، این انقلاب و این نظام، قدرت ایستادگی دارد؛ این را دشمنان ما هم فهمیده‌اند. تنها امیدی که آنها دارند، این است که این مفاهیم و این مبانی در دل مردم و پیش از آنها در دل مسئولان دچار تردید و وسوسه شود. سعی می‌کنند در دل کسانی که دستی در گوشه‌ای از گوشه‌های این نظام دارند، این وسوسه‌ها و تردیدها را ایجاد کنند. تردید، صفت بسیار بد و عنصر خطرناکی است. این تردید را با استدلال القاء نمی‌کنند؛ استدلالی وجود ندارد. ... با تبلیغات، با خریدن اشخاص و با شیرین کردن دهن این و آن، سعی می‌کنند در درون کالبد نظام اسلامی اختلال ایجاد کنند. باید مراقب این بود. نه تنها شما، بلکه همه ما باید مراقب این خطر باشیم. هرکس در درجه اول باید مراقب دل خود و سپس مراقب دل مجموعه و مرتبطان به خود باشد. دل‌های سرشار از ایمان و معرفت و روشن‌بینی، هرگز مغلوب و مرعوب نمی‌شوند. برای مرعوب شدن، مغلوب شدن، تسلیم شدن و وادادگی، اول باید در دل‌ها تردید ایجاد کرد. این تردیدها همیشه از راه مغز وارد نمی‌شود؛ گاهی از راه جسم هم وارد می‌شود. خواسته‌ها و هوس‌های جسمانی، میل به پول - که در بخشی از دعای صحیفه سجاده‌ای؛ همان دعایی که در ایام جبهه، خیلی از جوانان ما آن را می‌خواندند: «و حصن ثغور

المسلمین»، آمده است که فکر مال فتون (مال فتنه انگیز) را از دل آنها ببر؛ مال فتنه انگیز، جاه طلبی، مقام طلبی، راحت طلبی، عیش طلبی و تجمل طلبی چیزهایی است که تردید را از طریق جسم و شهوات، وارد دل و مغز انسان می کند. مراقب اینها باشید... اینها مراقبت می خواهد. راحت طلبی، رفاه طلبی و عیش طلبی، چیزهایی است که به تدریج در انسان اثر بد می گذارد و خود انسان هم اول نمی فهمد. یک وقت می خواهد حرکت کند، می بیند نمی تواند؛ می خواهد پرواز کند، می بیند نمی تواند. مراقب باشید مجموعه را حفظ کنید؛ ذهن ها و دل ها و فکرها و ایمان ها را مورد پاسداری دقیق قرار دهید؛ این سفارش همیشگی من است. بدانید در این صورت، هیچ عامل و نیرویی زیر این آسمان وجود ندارد که بتواند بر شما غلبه کند. حرف هایی که می زنند، لشکرکشی ها و تهدیدهایی که می کنند، چیزهایی نیست که بتواند یک ملت مؤمن را - که در میان خود، چنین مجموعه هایی پولادین دارد - به عقب نشینی وادار کند و آن را شکست دهد. تأثیر سلاح مخرب، معلوم است؛ اما هیچ شکستی برای یک ملت از این طریق به وجود نمی آید. شکست ها اول در دل ها به وجود می آید و آن است که انسان ها را منهزم می کند.<sup>۱</sup>

- نقشه دشمن این است که جوانان ما را، مردم ما را در بخش های گوناگون دچار خلل در عزم و اراده کند؛ نقشه اساسی دشمن این است؛ تردیدافکنی در ایمان مردم و در عزم راسخ مردم؛ یعنی همان دو عنصری که عرض کردم؛ دو کلیدواژه ایمان، و غیرت دینی. تردیدافکنی در ایمان و غیرت دینی مردم آن چیزی است که دشمن دنبال آن است؛ میدانند که اگر چنانچه این اتفاق

۱. بیانات امام خامنه ای (عج) در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۱۳۸۱/۶/۲۴.



افتاد، قدرت تهاجمی و حتی قدرت دفاعی جمهوری اسلامی هم تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و از بین خواهد رفت؛ لذا دارند توطئه می‌کنند.<sup>۱</sup>

### پ) چگونگی تحقق

- آموزش تفکیک شبهه و پرسش مشروع؛
- طراحی شاخص‌های تشخیص شبهه مانند: اصرار بر فرضیات غلط، عدم پذیرش پاسخ‌های مستدل، تغییر مداوم موضوع بحث، استفاده از لحن تحقیرآمیز یا احساسی به جای علمی؛
- ایجاد بانک اطلاعاتی هوشمند شبهات و پاسخ‌ها با دسته‌بندی موضوعی و انتشار گسترده آن به زبان‌های مختلف در قالب‌های جذاب (کوتاه، ویدئویی، گرافیکی) برای دسترسی سریع عموم و پاسخ‌دهندگان؛
- تربیت تیم‌های تخصصی پاسخ‌گویی متشکل از روحانیون بصیر، اساتید دانشگاه و نخبگان هر حوزه که نه تنها به محتوای شبهه، بلکه به زمینه‌سازی اجتماعی و اهداف پشت پرده آن نیز مسلط باشند؛
- آموزش عمومی مهارت مقاومت در برابر القانات به‌ویژه برای نسل جوان، با تقویت هویت دینی - انقلابی، اعتماد به نفس فکری و قدرت «نه» گفتن به شبهات بدون احساس کم‌توانی علمی.

### ۵-۴-۵. دشمن‌شناسی چندلایه و پیچیده

در میدان نبرد ترکیبی امروز، دشمن دیگر موجودی تک‌بعدی با چهره‌ای آشکار و سلاحی واحد نیست. او به موجودی چندلایه، پویا و پنهان تبدیل شده است که در قالب‌های متنوع و اغلب فریبنده ظاهر می‌گردد: از دشمن آشکار نظامی

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸.

با صف‌آرایی مرزی گرفته تا دشمن پنهان اطلاعاتی با شبکه‌های جاسوسی، از دشمن نفوذی فرهنگی با روایت‌سازی‌های ویرانگر تا دشمن فریبکاری که در لباس دوست، مشاور، منتقد دلسوز یا حتی عنصر خودی ظاهر می‌شود تا از درون تأثیر بگذارد. قرآن کریم با ژرف‌نگری حیرت‌انگیزی، مؤمنان را به شناخت دقیق و همه‌جانبه از این چهره‌های پیچیده دشمن فرامی‌خواند.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» (آل عمران: ۱۱۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هر گونه شر و فساد دربارۀ شما، کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام)‌شان آشکار شده؛ و آنچه در دل‌های‌شان پنهان می‌دارند، از آن مهم‌تر است. ما آیات (و راه‌های) پیشگیری از شرّ آنها را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید!»

«وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا...» (انعام: ۱۱۲)؛ این‌چنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جنّ قرار دادیم؛ آنها به‌طور سری (و درگوشی) سخنان فریبنده و بی‌اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می‌گفتند.»

«وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا» (اسراء: ۴۱)؛ ما در این قرآن، انواع بیانات مؤثر را آوردیم تا متذکر شوند! ولی (گروهی از) کوردلان، جز بر نفرت‌شان نمی‌افزاید.»

«وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوًّا وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ» (بقره: ۳۶)؛ به آنها گفتیم: «همگی (به زمین) فرود آیید! درحالی‌که بعضی دشمن دیگری خواهید بود. و برای شما در زمین، تا مدت معینی قرارگاه و وسیله بهره‌برداری خواهد بود.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

• تحت هر شرایطی نباید از شناخت دشمن غفلت نمود و آن را نادیده گرفت؛

- حساسیت در برابر دشمن و کار دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از او؛
- شناخت دشمن، مقدمه برنامه‌ریزی و تولید اقتدار است. اگر سمت و سوی کار و اهداف دشمن را شناسیم، نه تنها نمی‌توانیم در مقابل او بایستیم، بلکه ممکن است ناخواسته با اقدامات خود به او کمک کرده و به دوستان و خودی‌ها ضربه بزنیم. بصیرت، پادزهر این خواب غفلت است؛
- نادیده گرفتن دشمن پنهان و نفوذی، هزینه‌ای به مراتب سنگین‌تر از مقابله رودررو با دشمن آشکار دارد؛ زیرا آسیب از درون و به بنیان‌های فکری و اخلاقی جامعه وارد می‌شود؛

- دشمن‌شناسی، به معنای توهم توطئه نیست، بلکه به معنای واقع‌بینی راهبردی و درک این است که جبهه باطل برای حفظ منافع خود، از هیچ اقدامی – از رسانه تا نفوذ اقتصادی و تربیت نخبگان وابسته – فروگذار نیست؛
- هدف استراتژیک دشمن، زوال «عوامل اقتدار ملی» است. دشمن به دنبال نابودی یا تضعیف ارکان عوامل معنوی، هویتی، پیشرفت، نهادهای مظهر اقتدار و ... است.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

– مواظب باشید بصیرت‌تان را از دست ندهید، دشمن را بشناسید و دشمنی‌ها و ترفندهای او را درست تشخیص بدهید. تبلیغاتی که دشمن می‌کند، حرفی که دشمن می‌زند و شایعه‌ای که دشمن می‌اندازد، به چشمتان بیاید. توجه کنید که دشمن با چه انگیزه‌ای این حرف را می‌زند، این شایعه را می‌پراکند،

این خبر دروغ را نقل می‌کند و این اظهار منافقانه را بر زبان جاری می‌نماید. به هر حال، دشمن، دشمن است.<sup>۱</sup>

— هم دشمن را باید شناخت، هم شیوه‌های دشمنی را. راه و رسم‌ها و سمت و سوهایی را که اینها برای دشمنی در نظر گرفته‌اند، [را همه] باید بدانند؛ مسئولین باید بدانند، مردم هم باید بدانند.<sup>۲</sup>

— جوانان عزیز! بسیجیان عزیز! هر جای کشور که هستید، این بصیرت را روز به روز زیاد کنید. نگذارید بعضی از نیازهای مادی و مسائل کوچک، جلو بصیرت‌ها را بگیرد. بصیرت‌تان را حفظ کنید و دشمن‌تان را بشناسید. دشمن ترفندهای گوناگون دارد؛ و آن ملتی موفق می‌شود که فریب نخورد. دشمن سعی می‌کند آرزوهای انقلابی را در نظر یک ملت مؤمن، کوچک کند. سعی می‌کند نیازهای مادی و کوچک را در نظر او بزرگ کند.<sup>۳</sup>

#### ۵-۴-۶. عدم اعتماد و تکیه به دشمن

در منطق قرآن، رابطه مؤمن با دشمن ظالم، فراتر از تقابل فیزیکی و محدود به میدان جنگ است. این رابطه، امری وجودی و هویتی است که در آن، مؤمن نه تنها نباید به دشمن اعتماد کند، بلکه موظف است هرگونه وابستگی وجودی، فکری و عملی را که حیات دینی و سرنوشت جمعی او را به اراده و منافع ظالمان گره می‌زند، به طور کامل قطع نماید. این اصل که یک خط قرمز الهی محسوب می‌شود، دارای ابعاد پنج‌گانه است: حفظ استقلال در مبنا و هدف (پیروی از اصول الهی به جای اهداف دنیوی دشمن)، حفظ استقلال در گفتار

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله، در سالگرد ارتحال امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۷۰/۳/۱۴.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله، در دیدار مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹.

۳. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله، در دیدار با فرماندهان بسیج سراسر کشور، ۱۳۸۱/۸/۲۷.

و کردار (اجتناب از هرگونه هم‌زبانی و هم‌عملی استراتژیک)، حفظ استقلال در اتحاد و هم‌پیمانی (عدم شراکت در ظلم و ستم)، حفظ استقلال در توانمندی و خودکفایی (تحقق امنیت ملی مبتنی بر قدرت درونی) و حفظ استقلال در رابطه و اطاعت (عدم پذیرش هرگونه ولایت و سرپرستی غیرالهی). قرآن با صراحت این مرزبندی را ترسیم می‌کند و بر رعایت آن تأکید می‌نماید.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَّرُونَ (هود: ۱۱۳)؛ و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد؛ و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت؛ و یاری نمی‌شوید.»

«لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ... (مجادله: ۲۲)؛ گروهی را که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، نمی‌یابی که با کسانی که با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت دارند، دوستی برقرار کنند.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (ممتحنه: ۱)؛ ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید، شما با آنان اظهار دوستی می‌کنید، درحالی‌که آنان به‌طور یقین به آنچه از حق برای شما آمده کافرنند، و پیامبر و شما را به خاطر ایمان‌تان به خدا که پروردگار شماست [از وطن] بیرون می‌کنند، [پس آنان را دوستان خود مگیرید] اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودیم بیرون آمده اید [چرا] مخفیانه به آنان پیام می‌دهید که دوست‌شان دارید؟ درحالی‌که من به آنچه پنهان می‌داشتید و آنچه آشکار کردید داناتر، و هرکس از شما با دشمنان من رابطه دوستی برقرار کند، مسلماً از راه راست منحرف شده است.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- اتکا و اعتماد به ظالم، مفهومی عام و کلی است که هر نوع میل و اتکا در امر دین و حیات دینی به ظالمان را شامل می‌شود؛<sup>۱</sup>
- این مفهوم شامل هر عمل و رویکردی است که به نوعی تقویت، تایید یا وابستگی به ظالم ایجاد کند، از جمله:
  - گرایش‌های قلبی: محبت، خوش‌بینی و طمع هدایت آنان؛
  - روابط و تعاملات: دوستی، همنشینی، مشورت، محرم‌اسرار دانستن، ستایش و تعظیم آنان؛
  - همکاری عملی: همسویی، همکاری، یاری‌رسانی و سکوت در برابر اعمال ضددینی آنان؛
  - واگذاری حاکمیت: پذیرش ولایت، اطاعت، اجازه مداخله در امور جامعه و تکیه بر آنان در مسائل حیاتی که موجب وابستگی و ضعف جامعه اسلامی می‌شود.
- مصداق «ظالم» منحصر به مشرکان عصر نزول نیست و شامل هر فرد یا گروه ستمگر در هر دوره‌ای می‌شود که بندگان خدا را به بردگی گرفته و از ایشان بهره‌کشی می‌کنند؛
- ارتباط و تعامل با غیرمسلمانان در چهارچوب منافع مشروع، با حفظ کامل استقلال و ثبات جامعه اسلامی، مصداق رکن محسوب نمی‌شود؛
- این نهی شدید الهی، ریشه در پیامدهای ویرانگر رکن دارد که آیه به‌روشنی آن را بیان می‌کند: گرفتار آتش شدن، محروم ماندن از یاری خدا و

---

۱. ر.ک. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن (ترجمه)، ج ۱۱، ص ۷۳؛ ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۶، ص ۲۸۵.

بی‌سرپرست ماندن. طبیعی است که اشکال گسترده‌تر همکاری، حرمتی شدیدتر دارد.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

— به دشمن اعتماد نکنید؛ این توصیه قطعی من است. «لَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا»؛ به کسی که ستمگر است، به ظالم اعتماد نکنید، گرایش پیدا نکنید — «ركون» یعنی میل پیدا کردن و گرایش پیدا کردن و اعتماد به او کردن — به آدم ظالم اعتماد نکنید. نتیجه اعتماد کردن به ظالم همین می‌شود که شما می‌بینید دولت‌های مسلمان، مجموعه‌های اسلامی به ظالم‌ترین و ستمگرترین عناصر عالم اعتماد می‌کنند و نتیجه‌اش را دارند مشاهده می‌کنند و می‌بینند.<sup>۱</sup>

چون بعضی‌ها مغالطه می‌کنند من [این را] بگویم. این حرف‌هایی که من می‌زنم به هیچ وجه به معنای قطع رابطه با کشورهای غربی نیست؛ ارتباط مانعی ندارد. بنده در دولت‌های مختلف، در طول این سال‌ها همیشه دولت‌ها را به ایجاد رابطه با کشورهای مختلف تشویق کرده‌ام؛ با همسایگان یک‌جور، با کشورهای اسلامی یک‌جور، با حرکت‌های مختلف یک‌جور، با کشورهای اروپایی هم همین‌جور؛ الان هم معتقدم. ارتباط اشکال ندارد، دنباله‌روی اشکال دارد، اعتماد اشکال دارد؛ من می‌گویم اعتماد نکنید.<sup>۲</sup>

### ۵-۵. جمع‌بندی محور / منطق راهبردی

این محور به ما می‌آموزد که:

- سقوط جوامع اغلب از ذهن آغاز می‌شود؛ قدرت مادی بدون بصیرت، نجات‌بخش نیست؛

۱. سخنرانی تلویزیونی امام خامنه‌ای (علیه‌السلام) در پایان محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۹/۲/۶.

۲. بیانات امام خامنه‌ای (علیه‌السلام) در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۸/۱/۱.

- فریب شناختی و عملیات روانی، مقدمه شکست میدانی و فروپاشی اجتماعی است؛
- جامعه فاقد بصیرت، حتی اگر از قدرت نظامی و اقتصادی برخوردار باشد، در برابر هجوم نرم و شبیخون فرهنگی عمیقاً آسیب پذیر است.
- بصیرت، سپر ایمنی ذهنی و موتور محرک تشخیص هوشمندانه در جامعه مؤمن است. محور بصیرت با فعال سازی این سپر، به شکل زیر عمل می کند:
- جهاد تبیین اثرگذار و هدفمند می شود؛ زیرا مخاطب توانایی دریافت و تشخیص روایت حق از باطل را پیدا می کند؛
- ایمان فردی و جمعی در برابر شبهات و شایعات مستحکم می ماند و تصمیم های راهبردی براساس واقعیت، نه القانات، گرفته می شود؛
- مقاومت بلندمدت و تاب آوری در برابر فشارهای مستمر روانی و جنگ شناختی دشمن تضمین می شود؛
- وحدت کلمه براساس فهم مشترک از تهدیدات شکل می گیرد و از اختلاف افکنی های ساختگی دشمن مصون می ماند؛
- نیروها و منابع جامعه در مسیر اصلی مبارزه متمرکز می شوند و در جنگ های فرعی و انحرافی که دشمن طراحی می کند، هدر نمی روند.

## ۵-۶. گزاره راهبردی نهایی

جنگ اصلی، جنگ روایت ها و ذهن هاست؛ و بصیرت، محور ایمنی فکری و شناختی جامعه در برابر نفوذ، تحریف و شبهه سازی است. جامعه ای که از درون در برابر فریب، تردید و نفوذ واکسینه شده باشد، پیروز میدان نبرد روایت هاست و می تواند با اتکا به این پشتوانه فکری مستحکم، در همه میدان های دیگر (علمی، اقتصادی، دفاعی) نیز به پیروزی های پایدار دست یابد.



## ۵-۷. چگونگی تحقق بصیرت و ایمنی‌سازی شناختی

این محور از طریق اجرای هماهنگ راهکارهای سه‌گانه ذیل در نهادهای پیشرو محقق می‌شود. هدف، تبدیل این نهادها به قلعه‌های بصیرت و پایگاه‌های تولید ایمنی شناختی برای کل جامعه است.

### ۵-۷-۱. راهکارهای علمی-فکری (تقویت بنیان‌های معرفتی و تشخیصی)

- هدف: ایجاد سیستم ایمنی ذهنی فردی و جمعی در برابر شبهات و تحریفات.
- رصد مستمر وضعیت اعتقادی و شناختی نیروها و خانواده‌های آنان و طراحی برنامه‌های تعمیق بخش متناسب با تهدیدات روز؛
  - رصد، پالایش و پاسخ‌گویی نظام‌مند به شبهات دینی و ایدئولوژیک پیش‌روی نیروها، با تأکید بر افشای الگوها و پیام‌های پنهان در هر شبهه؛
  - ترویج فرهنگ تمسک به قرآن و تدبر در آن به‌عنوان سلاح اصلی خنثی‌کننده سخنان آراسته و فریبنده دشمن؛
  - تبیین سیره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام با رویکرد الگودهی عملی برای تشخیص فتنه و مواجهه با جنگ روانی در شرایط پیچیده؛
  - تقویت قدرت تفکر انتقادی و تحلیل منطقی در نیروها، برای مصونیت در برابر القانات، کلیشه‌سازی‌ها و مهندسی ادراک رسانه‌های دشمن؛
  - آشناسازی عمیق نیروها با تاریخ عبرت‌آموز پیشینیان، به‌ویژه نقاط سقوط شناختی تمدن‌ها و جوامع.

### ۵-۷-۲. راهکارهای عملی-رفتاری (ایجاد محیط مصون و کنشگر)

هدف: نهادینه‌سازی رفتارها و ساختارهای مقاوم‌ساز در برابر نفوذ و جنگ نرم.

- تدوین و اجرای سیاست‌های هوشمندانه امنیت شناختی در سازمان (از گزینش تا آموزش مستمر) برای مقابله پیش‌دستانه با تهاجم دشمن؛
- بازنگری ساختارها و فرایندهای سازمانی با محوریت «بصیرت‌افزایی» و «کاهش آسیب‌پذیری شناختی»؛
- نهادینه کردن فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر به عنوان سامانه هشدار و اصلاح درونی در برابر انحرافات فکری و اخلاقی؛
- تأمین جدی دغدغه‌های معقول معیشتی نیروها برای ایجاد فراغت ذهنی لازم جهت تمرکز بر خودسازی، مطالعه و مقابله هوشمند با جنگ روانی؛
- بهره‌گیری نظام‌مند از ظرفیت حوزه‌های علمیه و روحانیون بصیر به عنوان متخصصان ایمنی بخش اعتقادی و پاسخ‌گویی به شبهات؛
- برگزاری دوره‌های باکیفیت و شبیه‌سازی شده بصیرت که نیروها را در شرایط کنترل شده روانی-تبلیغاتی قرار دهد تا پاسخ‌های ایمن را تمرین کنند؛
- صیانت و سالم‌سازی فعال محیط سازمان از هرگونه رسانه، محتوا یا گفتمان آلوده و مخرب شبکه‌های دشمن.

#### ۵-۷-۳. راهکارهای تعامل با جامعه و نبرد رسانه‌ای (جهاد تبیین بیرونی)

هدف: انتقال مصونیت و تاب‌آوری شناختی از سازمان به بدنه جامعه و مقابله فعال در میدان روایت.

- طراحی و رهبری کمپین‌های مردمی بصیرت‌افزا و افشاگرانه در قبال پروژه‌های جنگ روانی دشمن مانند ناامیدی، اختلاف‌افکنی، عادی‌سازی روابط با دشمن؛
- تربیت و سازماندهی نیروهای «مجاهد تبیین» مسلط به زبان روز، فنون

رسانه و شبکه‌های اجتماعی برای پاسخ‌دهی سریع، هوشمند و اثرگذار به تحریفات؛

- تولید حرفه‌ای و گسترده محتوای جذاب و روشنگر (کلیپ، موشن، اینفوگرافیک، بازی جدی) برای انتقال مفاهیم پیچیده بصیرتی و تکنیک‌های خودمراقبتی شناختی به نسل جوان؛
- ایجاد و تقویت سامانه‌های سریع «رصد، راستی‌آزمایی و پاسخ‌گویی» به شایعات و شبهات در سطح ملی، با محوریت این نهادها؛
- ایفای نقش دیده‌بان و هشداردهنده سریع به بدنه حاکمیت و جامعه در برابر حملات نوین شناختی و توطئه‌های رسانه‌ای دشمن.

#### ۸-۵. نتیجه راهبردی نهایی

بصیرت و ایمنی‌سازی شناختی، ستون محافظ سرمایه فکری، انسجام درونی و جهت‌گیری صحیح جمعی در نبردی ترکیبی است. این محور مستقیماً با پنج تهدید اصلی جنگ نوین مرتبط است و پاسخ آن‌ها را سازمان می‌دهد: جنگ روانی و بمباران تبلیغاتی، شبهه‌سازی و القای تردید هدفمند، شایعه‌پراکنی و اختلاف‌افکنی، مهندسی ادراک و تحریف واقعیت‌ها و نفوذ فرهنگی و تهاجم ارزشی.

عملکرد این محور تضمین می‌کند که جامعه و به‌ویژه نهادهای پیشرو، نه تنها در برابر این حملات حالت انفعالی و تدافعی صرف نداشته باشند، بلکه با بینش فعال، تشخیص به‌هنگام و پاسخ هوشمند، ابتکار عمل را در میدان نبرد روایت‌ها به‌دست گیرند و دشمن را در رسیدن به اهداف شناختی خود ناکام بگذارند. این پیروزی در میدان ذهن و دل، پیش‌نیاز هرگونه توفیق پایدار در دیگر عرصه‌های مقابله است.

## ۵-۹. نقش آفرینان کلیدی در ارتقای بصیرت و ایمنی سازی شناختی

تحقق این محور حیاتی نیازمند یک تقسیم کار هوشمند و هماهنگ میان نیروهای کلیدی است. هر گروه با توجه به ظرفیت، ساختار و مأموریت ذاتی خود، سهمی منحصربه‌فرد و مکمل در این نبرد دارد.

### ۵-۹-۱. نقش پاسداران

#### الف) نقش راهبردی

پاسداران، ستاد عملیات و پشتیبان فنی ایمنی سازی شناختی هستند. آنها با ترکیب توان اطلاعاتی، فناوریانه و میدانی خود، زیرساخت‌های دفاع و پاسخ سریع را فراهم می‌کنند.

#### ب) وظایف عملیاتی

- رصد، شنود و تحلیل سازمان‌یافته جنگ روانی دشمن: پایش شبانه‌روزی محتوای رسانه‌های بیگانه، شبکه‌های اجتماعی و پیام‌های رمزگذاری شده برای شناسایی الگوها و کمپین‌های نوین؛
- مدیریت بحران‌های شناختی و مهار آتش شایعه: طراحی و اجرای عملیات روانی متقابل برای خنثی سازی موج‌های ساختگی، با همکاری نهادهای فرهنگی؛
- پشتیبانی امنیتی و فنی از نهادهای تبیین‌گر: تأمین امنیت سایبری و زیرساختی برای پایگاه‌های داده، رسانه‌های انقلابی و فعالان جبههٔ تبیین؛
- آموزش تخصصی «رزم شناختی» به نیروهای خود: تربیت نیروهایی مسلط به فنون رسانه، تحلیل اطلاعات و روان‌شناسی اجتماعی برای کار در خط مقدم جنگ نرم.

## ۵-۹-۲. نقش بسیجیان

### الف) نقش راهبردی

بسیج، شبکه توزیع و نفوذ بصیرت در عمق جامعه است. بسیجی، چشم، گوش و زبان آگاه محله در تشخیص و مقابله با نفوذ است.

### ب) وظایف عملیاتی

- پایش و گزارش دهی میدانی: رصد روحیات، شایعات و گفتمان‌های رایج در محله، دانشگاه، محیط کار و انعکاس سریع آن به سطوح تحلیل؛
- آموزش چهره‌به‌چهره و غیررسمی: ترویج ساده‌شده مفاهیم بصیرتی و روش‌های تشخیص شایعه در گفت‌وگوهای روزمره، هیئت‌ها و گروه‌های مجازی محلی؛
- ایجاد «گردان‌های مجازی مقابله با شایعه»: سازماندهی داوطلبان در فضای مجازی برای انتشار سریع اخبار صحیح، نشانه‌گذاری شایعات و پاسخ‌دهی مدنی؛
- الگوسازی عملی از سبک زندگی بصیر: نمایش عینی ایستادگی فکری، ساده‌زیستی و عدم تأثیرپذیری از تبلیغات مصرف‌گرایی دشمن در زندگی شخصی و اجتماعی.

## ۵-۹-۳. نقش فرماندهان و مدیران

### الف) نقش راهبردی

فرماندهان، مهندسان هماهنگی و تنظیم‌گران اولویت‌های نبرد شناختی هستند. آنها مسئولند تا بین اقدامات پراکنده، وحدت رویه و جهت استراتژیک ایجاد کنند.

### ب) وظایف عملیاتی

- تدوین سند راهبرد ملی ایمنی سازی شناختی: تعریف اهداف کلان، نقشه دشمن، اولویت‌های میدانی و شاخص‌های موفقیت برای کل نظام؛
- ایجاد «اتاق عملیات روانی مشترک»: گردآوری نمایندگان پاسداران، بسیج، صداوسیما، وزارت ارشاد و نهادهای فرهنگی برای هماهنگی لحظه‌ای در بحران‌های روایی؛
- تخصیص منابع و رفع موانع: تضمین بودجه، تسهیل قوانین و حمایت سیاسی از پروژه‌های کلان فرهنگی و رسانه‌ای مبتنی بر بصیرت؛
- کنترل و هدایت گفتمان کلان: تعیین خطوط قرمز و خطوط اصلی گفتمانی برای تمام نهادهای رسمی در مواجهه با رویدادهای بزرگ، برای جلوگیری از اختلاف روایت در سطوح بالا.

## ۵-۹-۴. نقش روحانیون و مربیان

### الف) نقش راهبردی

این قشر، منبع اصیل تولید بینش و پالایشگاه فکری جامعه هستند. آنها مسئول تغذیه ذهن جامعه با معارف ناب و پاسخ به چالش‌های پیچیده عقیدتی‌اند.

### ب) وظایف عملیاتی

- تبیین عمیق و روزآمد معارف دینی: ارائه تفسیرها و بیاناتی که بتواند پرسش‌ها و شبهات نسل جدید را در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی پاسخ دهد؛
- تولید محتوای سنگین و مرجع: تألیف کتاب، مقاله علمی - تبلیغی و تولید مستندهای عمیق برای روشن نگه داشتن چراغ بصیرت در درازمدت؛

- تربیت نسل جدید مبلغان و معلمان بصیر: آموزش‌دهی به طلاب، معلمان و مبلغانی که بتوانند در مدارس، دانشگاه‌ها و فضای مجازی به‌عنوان افسران ایمنی‌بخش عمل کنند؛
- مرجعیت پاسخ به شبهات بنیادین: ایستادن در خط مقدم مناظرات و پاسخ‌گویی به شبهات پیچیده‌ای که پاسخ به آنها از عهده رسانه‌های عمومی خارج است؛
- نقد و پالایش گفتمان‌های انحرافی: شناسایی و نقد علمی-دینی جریان‌های فکری انحرافی (از روشنفکری دینی سکولار تا جریانات افراطی) که آب به آسیاب دشمن می‌ریزند.
- جمع‌بندی: با همکاری این چهار رکن است که می‌توان یک سپر شناختی نفوذناپذیر ساخت: پاسداران (ستاد عملیات و فناوری)، بسیج (شبکه توزیع و اجرای مردمی)، فرماندهان (هماهنگ‌کننده و راهبر کلان) و روحانیون (تولیدکننده محتوای اصیل و معنابخش). فقدان یا ضعف هر حلقه، کل زنجیره دفاعی را تضعیف می‌کند.

## ۵-۱۰. جمع‌بندی ارتقایی / تثبیت نگاه راهبردی

- با تکمیل و نهادینه‌سازی این محور، مدل بصیرت و ایمنی‌سازی شناختی به‌صورت کامل چنین کارکردی پیدا می‌کند:
- تنظیم‌کننده «فیلتر ذهنی» جامعه: تبدیل مردم از مصرف‌کنندگان منفعل پیام به نقادان فعال که هر خبر، شایعه و تحلیل را با معیارهای الهی و منافع ملی می‌سنجند؛
  - خنثی‌کننده سرمایه‌گذاری کلان دشمن در جنگ روانی: بی‌اثر ساختن پروژه‌های میلیون‌دلاری دشمن در شبهه‌سازی، ترندسازی مجازی و مهندسی

افکار عمومی با کم هزینه ترین روش ممکن: آگاهی بخشی و واکسیناسیون فکری؛

- تولیدکننده سرمایه اجتماعی هوشمند: ایجاد جامعه‌ای که در بحران‌ها دچار هرج و مرج شناختی نمی‌شود، بلکه براساس درک مشترک از تهدید، منسجم و عمل‌گرا باقی می‌ماند؛
- مانع اصلی نفوذ و براندازی نرم: مسدود کردن راه‌های نفوذ دشمن — که از سست کردن باورها و تخریب اعتماد عمومی آغاز می‌شود — قبل از آنکه به مرحله عمل برسد.

#### گزاره راهبردی تکمیلی:

- جامعه‌ای که به مرحله ایمنی شناختی جمعی دست یابد و بصیرت را به مهارت عمومی تبدیل کند:
- از تهدیدات روانی نه فقط آسیب نمی‌بیند، که آنها را به موضوعی برای آموزش همگانی و افزایش هوشیاری تبدیل می‌کند؛
  - از تفاوت‌های داخلی نه به عنوان نقطه ضعف، بلکه به عنوان منبع غنای فکری در چهارچوب اصول مشترک بهره می‌برد و دشمن را از اختلاف‌افکنی ناکام می‌گذارد؛
  - و در عرصه بین‌الملل، نه تنها روایت تحمیلی دشمن را نمی‌پذیرد، که توانایی تولید و صدور روایت مستقل و جذاب مبتنی بر حقانیت خویش را پیدا می‌کند.

### ۵-۱۱. شبهات و سؤالات مطرح

#### ۵-۱۱-۱. شبهه اول

شبهه: «منطق برخورداری از بصیرت به صورت مستمر و فراگیر از منظر قرآن چگونه است (با مستندات تاریخی)؟»



**پاسخ:** بصیرت در قرآن یک موهبت الهی و توانایی فطری است که با فراهم کردن زمینه‌های معرفتی و عملی، به بینایی باطنی، تشخیص صحیح و یقین عملی تبدیل می‌شود. قرآن بر تداوم و فراگیری بصیرت تأکید دارد و آن را مشروط به دو رکن آگاهی دینی و عمل صالح می‌داند. محورهای اصلی کسب بصیرت عبارت‌اند از:

#### الف) عوامل علمی - معرفتی:

- خودشناسی: شناخت روح الهی و هدفمندبودن آفرینش انسان: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (تین: ۴)». مصداق تاریخی: حضرت ابراهیم علیه السلام که با خودشناسی به مقام «خلیل الله» رسید؛
- ایمان و عمل صالح: ایمان راستین که به عمل بینجامد، منشأ هدایت است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ» (یونس: ۹). مصداق: اصحاب کهف که با ایمان، هدایت مضاعف یافتند؛
- یاد خدا و آخرت: ذکر خدا پرده‌های غفلت را می‌برد: «إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف: ۲۰۱). مصداق: حضرت مریم علیها السلام که با انابه، به مقامات عالی رسید؛
- تفکر در آیات تکوینی: تدبر در نظام آفرینش بصیرت‌آفرین است: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران: ۱۹۰). مصداق: حضرت سلیمان علیه السلام که با درک زبان طبیعت، بر حکومت خویش بینایی عمیق یافت.

#### ب) عوامل عملی - رفتاری:

- تقوا: تقوا معیار تشخیص حق از باطل می‌دهد: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَّكُمْ فُرْقَانًا» (انفال: ۲۹). مصداق: حضرت یوسف علیه السلام که با تقوا در برابر فتنه مقاومت کرد؛

- تبعیت از ولایت: پیروی از اولیای الهی، نور هدایت است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹). مصداق: سلمان فارسی که با ولایت مداری به «سلمان محمدی» ملقب شد؛

- عمل به دانسته‌ها: عمل صالح، موجب افزایش علم و بصیرت می‌شود: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت: ۶۹). مصداق: مالک اشتر که با عمل جهادی، الگوی مجاهدان شد؛

- اخلاص در عمل: خلوص نیت، بصیرت را نورانی‌تر می‌کند: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (بینه: ۵). مصداق: حضرت علی علیه السلام که در شب‌های تاریک به عبادت می‌پرداخت؛

- صبر در آزمایش‌ها: استقامت در سختی‌ها بینایی می‌آورد: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره: ۴۵). مصداق: حضرت ایوب علیه السلام که با صبر بر بلاها، به مقام رضا و بصیرت رسید.

جمع‌بندی: بصیرت یک فرآیند مستمر است که با ترکیب معرفت ناب دینی و عمل خالصانه در چهارچوب ولایت الهی تحقق می‌یابد. قرآن با ارائه الگوهای تاریخی، نشان می‌دهد که پابندی به این اصول، انسان را در تمام مراحل زندگی از لغزش مصون می‌دارد و توانایی تحلیل صحیح رویدادها را به او می‌بخشد. این مسیر با توبه مستمر، مجالست با صالحان و پرهیز از غفلت تداوم می‌یابد.

#### ۵-۱۱-۲. شبهه دوم

شبهه: «دشمنان از طریق تحریف، شایعه‌پراکنی و شبهه‌افکنی چگونه ایمان و امید را از بین می‌برند؟ راه کارهای مقابله با آن چیست؟»

پاسخ: دشمن با تحریف، شایعه و شبهه، «ادراک واقعیت» را عوض می‌کند

تا ایمان و امید از درون فروپاشد و جامعه، خودش دست از دفاع از حق و آرمان‌هایش بردارد.

### الف) سازوکار تحریف، شایعه و شبهه

- شایعه و تحریف، حقیقت را در «هاله‌ای از دود» می‌برد؛ نه لزوماً با دروغ صرف، بلکه با «پاره‌حقیقت‌گویی»، بزرگ‌نمایی ضعف‌ها و حذف نقاط قوت، تصویر کاملاً سیاه و مأیوس‌کننده می‌سازد؛
- در جنگ شناختی، این شایعات با بازی روی سه احساس ترس، خشم و نفرت منتشر می‌شوند و نتیجه‌اش بی‌اعتمادی به حاکمیت، نخبگان و حتی رسانه‌های داخلی و در نهایت روی آوردن مردم به منابع غیررسمی و گاه دشمن است؛
- از نگاه قرآن، این جریان بخشی از «جنگ روانی» است؛ منافقان و شایعه‌پراکنان، با خبرپراکنی‌های هدف‌دار (احزاب: ۶۰) امنیت روانی جامعه را می‌زنند تا اعتماد، انسجام اجتماعی و انگیزه دفاع از نظام ولایی تضعیف شود؛
- روان‌شناسی اجتماعی هم نشان می‌دهد که این فضا، اضطراب، استرس، بدبینی، کاهش سرمایه اجتماعی و احساس تنهایی و بی‌پناهی را بالا می‌برد؛ انسان مضطرب و بی‌اعتماد، هم ایمانش سست می‌شود، هم امیدش.

### ب) چه‌طور ایمان را هدف می‌گیرند؟

ایمان فقط «اعتقاد ذهنی» نیست؛ شبکه‌ای از باور، محبت و اعتماد به خدا و جبهه حق است؛ دشمن با تکرار مداوم شبهه‌ها درباره عدالت خدا، صداقت دینداران و کارآمدی نظام دینی، این اعتماد را فرسوده می‌کند. شایعات مداوم درباره فساد، ناکارآمدی مطلق، تحریف آرمان‌ها و... اگر بدون پاسخ و تبیین رها شود، به تدریج «یقین» را به «تردید دائمی» تبدیل می‌کند؛ فرد به نقطه

«نمی‌دانم، به هیچ‌کس نمی‌شود اعتماد کرد» می‌رسد. ر سطح جمعی، تکرار شایعات و شبهات، قداست ارزش‌ها و نمادهای دینی را می‌شکند و مرزهای حق و باطل در ذهن نسل جوان مبهم می‌شود؛ این همان چیزی است که متون دینی از آن به «فتنه» یاد می‌کنند.

#### پ) چگونه امید را می‌زنند؟

یکی از اهداف اصلی شایعه‌پراکنی، ایجاد یأس و احساس بن‌بست است؛ جریان شایعه با تمرکز بر خبرهای منفی، برجسته‌سازی ضعف‌ها و نادیده گرفتن پیشرفت‌ها، القا می‌کند «هیچ چیزی عوض نمی‌شود، تلاش فایده ندارد». این فضا، به‌ویژه روی جوانان اثر می‌گذارد: وقتی تصویر آینده فقط با فقر، تبعیض، فساد و ناکامی نقاشی شود، مهاجرت ذهنی یا عینی، انفعال سیاسی و اجتماعی و فرار از مسئولیت تقویت می‌شود. نشر اکاذیب و شایعات تهدیدآمیز، آفت جدی آرامش عمومی است؛ با هر موج شایعه، «ناامنی، ترس و اضطراب» بالا می‌رود و جامعه از کار و سازندگی می‌افتد.

#### ت) راهکارهای پیشگیرانه

اصلی‌ترین نسخه قرآنی، «تحقیق قبل از پذیرش و نشر» است: آیه ۶ حجرات، مؤمنان را از پذیرش خبر فاسق بدون تحقیق نهی می‌کند و دستور می‌دهد اول «تَبَيَّنْ» و بررسی منبع و محتوا انجام شود. پیشگیری را در چند محور می‌توان توضیح داد:

- ارتقای سواد رسانه‌ای و قدرت تحلیل؛
- آموزش خوش‌بینی و تفسیر مثبت (حمل بر صحت) در موارد مبهم؛
- تقویت اعتماد بین مردم و مسئولان با شفافیت و پاسخ‌گویی؛
- همچنین «تحریم اخلاقی و شرعی شایعه» مهم است؛ یعنی تبدیل نکردن هر

شنیده‌ای به خوراک گفت‌وگو، و تلقی شایعه‌پراکنی به عنوان گناه و خیانت به امنیت و آبروی جامعه.

ث) راهکارهای درمان و مقابله فعال:

#### در سطح حاکمیت و نخبگان

- اطلاع‌رسانی سریع، دقیق و شفاف، مهم‌ترین راه خنثی کردن شایعه است؛ هر قدر خلأ خبری بیشتر باشد، میدان برای روایت دشمن بازتر است؛
- تکذیب رسمی، ارائه مستندات، پاسخ مستدل به شبهات، و در مواردی برخورد حقوقی با شبکه‌های سازمان‌یافته شایعه‌پراکن، از دیگر راهکارهایی است که منابع قرآنی و فقهی پیشنهاد می‌کنند.

#### در سطح فرد و جامعه مؤمن

- تمرین «خویش‌داری زبانی و مجازی»؛ یعنی قبل از فوروراد و بازنشر، سنجش فایده و مفسده دینی و اجتماعی آن خبر؛
- تقویت ایمان و توکل، مطالعه متوازن (دیدن هم ضعف‌ها و هم پیشرفت‌ها)، حضور در فضاها و ایمانی و انقلابی و همنشینی با اهل بصیرت، سپردن سرنوشت انسان را مقابل طوفان شایعات محکم می‌کند.

#### ۵-۱۱-۳. شبهه سوم

**شبهه:** «برخی با استناد به قدرت مادی و نظامی موجود، این پرسش را مطرح می‌کنند: وقتی ما نیرو، سلاح و امکانات کافی داریم، دیگر نیازی به تحلیل و بصیرت نیست؛ در میدان عمل همه چیز مشخص می‌شود.»

**پاسخ:** در چند محور می‌توان به این شبهه پاسخ داد:

الف) قرآن به روشنی هشدار می‌دهد که قدرت بدون هدایت و شناخت،

ناکارآمد و حتی گمراه کننده است. آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ (انفال: ۶۰)»، در کنار تأکید بر آمادگی مادی، مستلزم شناخت دقیق دشمن و شرایط است تا قوه به صورت هدفمند به کار گرفته شود. آیه «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ» (بقره: ۴۲)، نیز نشان می دهد فقدان بصیرت می تواند موجب اشتباه گرفتن دوست و دشمن یا توجیه نادرست استفاده از قدرت شود.

ب) تاریخ معاصر و گذشته گواهی می دهد که شکست های بزرگ، اغلب ریشه در «سقوط شناختی» داشته اند نه «کمبود امکانات».

فروپاشی ابرقدرت ها و امپراتوری ها غالباً نه به دلیل ضعف نظامی، بلکه به دلیل غفلت از جنگ روانی، نفوذ فرهنگی و از دست دادن مشروعیت در اذهان عمومی بوده است؛

بسیاری از ارتش های مجهز، در برابر عملیات روانی، شایعه و فتنه انگیزی دشمن تاب نیاورده و پیش از درگیری فیزیکی، اراده و وحدت خود را از دست داده اند؛

پ) بصیرت، نقشه راه و «نرم افزار مدیریت قدرت» است. قدرت مادی بدون این نرم افزار، مانند سخت افزار پیشرفته ای بدون سیستم عامل است که نمی داند چه کاری انجام دهد، چگونه انجام دهد و برای چه کسی انجام دهد. بصیرت است که:

- دشمن واقعی را از دشمن ساختگی تشخیص می دهد؛
  - اولویت تهدیدات را مشخص می سازد؛
  - از هدررفت منابع در مسیرهای انحرافی جلوگیری می کند؛
  - اتحاد و همدلی داخلی را در استفاده از قدرت حفظ می نماید.
- ت) قدرت فاقد بصیرت، ممکن است به ابزار تحقق اهداف دشمن تبدیل

شود. جامعه‌ای که بینش راهبردی نداشته باشد، ممکن است در دام جنگ‌های نیابتی، سیاست‌های اقتصادی مخرب یا درگیری‌های فرسایشی داخلی بیفتد که دقیقاً مطابق نقشه دشمن برای تضعیف اوست.

**جمع‌بندی:** قدرت مادی و بصیرت دوروی یک سکه‌اند و هیچ‌یک بدون دیگری کافی نیست. بصیرت، قطب‌نما و ناخدای کشتی قدرت است. کشتی‌ای مجهز به بهترین ادوات که ناخدای آن کور باشد، محکوم به برخورد با صخره‌ها یا سرگردانی در دریای طوفانی توطئه‌های دشمن است. پیروزی نهایی از آن کسی است که «چشم بصیرت» را همراه «دست توانا» به میدان ببرد.

#### ۵-۱۱-۴. شبهه چهارم

**شبهه:** «برخی با این تصور که «اطلاع‌یابی» مساوی با «بصیرت» است، می‌گویند: «ما که قرآن می‌خوانیم و اخبار را دنبال می‌کنیم؛ پس بصیرت داریم و نیازی به آموزش و راهکارهای ارتقاء آن نیست.»

#### پاسخ:

الف) قرآن مفهوم «بصیرت» را فراتر از «آگاهی» و در گرو «فهم عمیق»، «تدبیر» و «عمل آگاهانه» قرار می‌دهد:

- آیه «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ» (یوسف: ۱۰۸) نشان می‌دهد بصیرت، مبنای عمل و دعوت هدفمند است، نه صرفاً یک دانش نظری؛
- آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْقَانَ» (محمد: ۲۴)، تصریح می‌کند که صرف تلاوت یا مرور خبر، بدون تأمل، تحلیل و استنباط راهبردی، به بصیرت منجر نمی‌شود. بصیرت حاصل دیدن با چشم دل و کشف رابطه بین اتفاقات است.

ب) بصیرت یک «مهارت شناختی» است، نه یک «معلومات عمومی»:

- همان‌گونه که یک ورزشکار برای قهرمانی به تمرین منظم تحت نظر مربی

- نیاز دارد، کسب بصیرت در میدان پیچیده جنگ شناختی نیز نیازمند آموزش نظام‌مند، شبیه‌سازی شرایط فتنه و تمرین تحلیل است؛
- مهارت‌هایی مانند تشخیص پروپاگاندا، ردگیری شایعه، تفکیک سؤال از شبهه، و کشف اهداف پنهان یک رویداد، ذاتی نیستند و باید آموخته و تمرین شوند.
  - پ (جنگ امروز دشمن، «حرفه‌ای» و «مستلزم مقابله حرفه‌ای» است:
  - دشمن با سرمایه‌گذاری کلان، از متخصصان روان‌شناسی، رسانه و علوم اجتماعی برای طراحی حمله شناختی استفاده می‌کند. مقابله با این مهندسی پیشرفته، با خواندن چند خبر یا یک خطبه ممکن نیست؛
  - نیروهای ویژه بصیرت مانند مبلغان آموزش‌دیده، تحلیلگران رسانه، مربیان سواد مجازی و ... باید همانند یگان‌های ویژه عملیاتی تربیت شوند تا بتوانند در خط مقدم این نبرد، نقش پدافند هوشمند را ایفا کنند.
  - ت) بدون آموزش، اطلاعات به «بار شناختی» تبدیل می‌شود، نه «سلاح بصیرت»:

انبوه اطلاعات بدون توان تحلیل، سبب سردرگمی، زوال اعتماد به نفس فکری و انفعال می‌گردد. آموزش است که این اطلاعات را به نقشه راه و معیار داوری تبدیل می‌کند.

**جمع‌بندی:** بصیرت، دانش کاربردی و مهارت انطباق با شرایط پیچیده است. همان‌گونه که یک پزشک با خواندن کتاب‌های علمی‌اش پزشک نمی‌شود و نیاز به آموزی بالینی دارد، جامعه نیز برای کسب بصیرت در عصر جنگ ترکیبی، به آموزی مستمر، نهادهای تربیتی تخصصی و تمرین عملی تشخیص فتنه نیازمند است. خواندن، شرط لازم است؛ اما آموزش و تمرین، شرط کافی برای بصیرت است.



### ۵-۱۱-۵. شبهه پنجم

**شبهه:** «برخی با پذیرش منفعلانه وضعیت موجود می‌گویند: شایعه و تحریف، همیشه وجود داشته و خواهد داشت؛ پس تلاش برای مقابله با آنها بی‌اثر و نوعی مبارزه با باد است.»

#### پاسخ:

الف) قرآن نه تنها مقابله با شایعه را ممکن می‌داند، بلکه آن را یک «تکلیف شرعی و عقلانی» قرار می‌دهد. آیه «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا (حجرات: ۶)» به صراحت فرمان می‌دهد: پیش از پذیرش و انتشار خبر، تحقیق و روشنگری کنید. این دستور، نشان‌دهنده آن است که:

• شایعه، قابل تشخیص و مهار است در غیر این صورت، دستور به «تبیین» بی‌معنا بود؛

• مقابله با آن، نه یک انتخاب، که یک مسئولیت جمعی است. سکوت در برابر شایعه، نوعی همکاری با فاسق در گمراه‌سازی جامعه محسوب می‌شود.

ب) تاریخ نشان می‌دهد که شایعه یک «سلاح راهبردی» است و مانند هر سلاح دیگری، می‌توان در برابر آن «پدافند» سازماندهی کرد.

• جوامعی که شایعه را امری غیرقابل کنترل پنداشته و در برابر آن سیاستی نداشته‌اند، به سرعت دچار فروپاشی اعتماد عمومی، تفرقه و فلج تصمیم‌گیری شده‌اند. فروپاشی بسیاری از حکومت‌ها پیش از هر حمله فیزیکی، با طوفان شایعات آغاز شده است؛

• در مقابل، جوامع هوشمند با ایجاد سامانه‌های راستی‌آزمایی، مراکز پاسخ‌گویی سریع و آموزش عمومی سواد رسانه‌ای، توانسته‌اند اثر این سلاح را به حداقل برسانند و تاب‌آوری شناختی خود را افزایش دهند.

- پ) مقابله مؤثر، سه لایه دارد و در هر سه لایه امکان پذیر است:
- لایه پیشگیری (آموزش): با آموزش مهارت نقد منبع، تشخیص اهداف پشت خیر و تفکر انتقادی به مردم، آنها را به پادزهر مجهز می کنیم؛
  - لایه مهار (پاسخ سریع): با ایجاد شبکه های مردمی و رسمی پایش شایعه، موج های کاذب را در نقطه شناسایی و با انتشار اطلاعات صحیح و شفاف خنثی می کنیم؛
  - لایه درمان (تبیین عمیق): پس از مهار فوری، با تبیین علل و اهداف آن شایعه خاص، جامعه را نسبت به الگوها و تاکتیک های دشمن آگاه تر می سازیم.

ت) این نبرد، یک نبرد «خواست و اراده» است. تسلیم در برابر شایعه به معنای پذیرش شکست در اولین خط دفاعی (خط فکر) است. اگر قرار باشد در برابر هر امر اجتناب ناپذیری تسلیم شویم، پدافند در برابر بیماری، فساد یا حملات نظامی نیز بی معنا خواهد بود. وظیفه ما کاهش آسیب و مدیریت تهدید است، نه انکار امکان مقابله با آن.

**جمع بندی:** شایعه مانند آتش سوزی در علفزار است. اگر بی تفاوت بایستیم، همه چیز را می سوزاند؛ اما اگر ایستگاه های آتش نشانی (نهادهای پایش)، آموزش عمومی و اقدام سریع داشته باشیم، می توانیم آن را مهار کنیم. شایعه اجتناب ناپذیر نیست، شکست در برابر شایعه اجتناب ناپذیر است اگر برای مقابله، برنامه و اراده ای نداشته باشیم. وظیفه نظام اسلامی، تبدیل جامعه به «اجتماعی آگاه، نقاد و مقاوم» در برابر این حریق روانی است.

#### ۵-۱۱-۶. شبهه ششم

**شبهه:** «برخی با این تصور که دشمن محدود به همان دولت ها و نهادهای

شناخته شده است، می‌گویند: ما دشمن را می‌شناسیم، پس نیازی به بصیرت و تحلیل دائمی نیست.»

### پاسخ:

الف) قرآن دشمن را یک موجود تک‌بعدی و ایستا معرفی نمی‌کند، بلکه او را در قالب‌های گوناگون، پویا و گاه نامرئی به تصویر می‌کشد:

• آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ (انعام: ۱۱۲)»، به روشنی نشان می‌دهد دشمن، هم در قالب انسان‌های مرئی و هم در قالب عناصر نامرئی و پشت‌پرده (جن) عمل می‌کند. این «جن» را می‌توان نماد ساختارهای پیچیده، شبکه‌های نفوذ و ایدئولوژی‌های پنهان دانست که به آسانی شناسایی نمی‌شوند؛

• شناختن نام و ظاهر یک دولت استکباری، به معنای شناخت همه ابزارها، تاکتیک‌های نوین، متحدان پنهان و عوامل نفوذی آن نیست. دشمن، یک شبکه به هم پیوسته است.

ب) دشمن هوشمند، دائماً در حال «تغییر شکل» و «ارتقای تاکتیک» است:

• اگر دشمن دیروز با حمله نظامی مستقیم می‌آمد، امروز با تحریم هوشمند، جنگ ترکیبی، عملیات روانی و نفوذ در نخبگان وارد می‌شود. بصیرت است که این تحول در شیوه‌های دشمنی را رصد کرده و هشدار می‌دهد؛

• بسیاری از شکست‌ها نه در برابر دشمن آشکار، که در برابر «دشمن در لباس دوست» یا «تهدید در پوشش فرصت» رخ داده است. بصیرت همان دوربین فروسرخي است که این استتار را می‌شکافد.

پ) غفلت از دشمن پنهان، هزینه‌اش به مراتب از مقابله با دشمن آشکار

بیشتر است:

مقابله با تهدید نظامی آشکار، بسیج عمومی می‌طلبد و شکست یا پیروزی آن آشکار است. اما تهدید پنهان مانند نفوذ فرهنگی، انحراف گفتمانی یا فساد اداری، به آرامی بنیان‌های جامعه را می‌پوساند و زمانی آشکار می‌شود که کار از کار گذشته باشد. بصیرت، سامانه هشدار زودهنگام در برابر این پوسیدگی خزنده است.

ت) شناخت دشمن، یک «فرآیند» است، نه یک «رویداد»:  
شناخت اولیه از دشمن، مانند خواندن اولیه کتابی قطور است. بصیرت، مطالعه مستمر، تفسیر پی‌درپی و درک صفحات جدیدی است که دشمن هر روز به کتاب توطئه‌های خود می‌افزاید. این مطالعه مستمر نیازمند نهادهای تحلیل‌گر، رصدخانه‌های راهبردی و آموزش مداوم است.

جمع‌بندی: گفتن «دشمن را می‌شناسیم» و بس، مانند این است که یک پزشک بگوید «بیماری را می‌شناسم» و پس از آن، نتایج آزمایشات جدید، علائم متغیر بیمار و شیوع ویروس‌های نوپدید را نادیده بگیرد. شناخت دشمن، یک مأموریت همیشگی و پویاست. بصیرت، درواقع همان «علم‌پویاشناسی دشمن» است که توطئه‌های نو، نقاط ضعف جدید و شیوه‌های نامرئی تهاجم او را شناسایی می‌کند. بدون این بصیرت پویا، جامعه در دام تصویری کهنه و تحریف‌شده از دشمن گیر می‌کند و غافلگیر می‌شود.

## ۵-۱۲. نتیجه نهایی

بصیرت و ایمنی‌سازی شناختی، سد دفاعی نفوذناپذیر در برابر جنگ روانی و سلاح بازدارنده در نبرد تمدنی است و مستقیماً با تهدیدات زیر مرتبط و پاسخ‌گوی آنهاست:

- جنگ روانی و بمباران تبلیغاتی؛

- شبهه‌سازی و القای تردید هدفمند؛
- شایعه‌پراکنی و اختلاف‌افکنی؛
- مهندسی ادراک و تحریف واقعیت‌ها؛
- نفوذ فرهنگی و تهاجم ارزشی؛
- استحاله فکری نخبگان و جوانان.

این محور تضمین می‌کند که سرمایه فکری و اراده جمعی جامعه، نه تنها در برابر این حملات منفعلانه مقاومت کند، بلکه با بینش فعال، تشخیص به‌هنگام و پاسخ هوشمند، ابتکار عمل را در میدان نبرد روایت‌ها به‌دست گرفته، هزینه هرگونه تهاجم شناختی را برای دشمن به حداکثر برساند و او را در رسیدن به اهداف خود ناکام بگذارد. جامعه‌ای که به این مرحله از ایمنی شناختی دست یابد، قادر خواهد بود حقیقت را در اوج تلاطم اطلاعاتی تشخیص دهد، وحدت خود را در طوفان‌های فتنه حفظ نماید، و سرنوشت خویش را براساس اراده آگاهانه و نه القانات دشمن رقم بزند.



محور ششم:

## انسجام اجتماعی و مقابله با آشوب و بغی

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل عمران: ۱۰۳).  
و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]،  
چنگ زنید، و پراکنده نشوید.

### ۱-۶. هدف کلان

ایجاد و تحکیم انسجام اجتماعی پایدار بر پایه وحدت دینی و انقلابی، به منظور  
مقابله فعال و هوشمندانه با آشوب، بغی، تفرقه افکنی و نفوذ دشمن، برای  
تضمین ثبات داخلی و بقای جامعه ایمانی در برابر همه شکل‌ها و انواع  
تهدیدات.

### ۲-۶. کارکرد کلان

حفاظت از ثبات داخلی و جلوگیری از فروپاشی جامعه در مواجهه با فتنه،  
آشوب و نفوذ دشمن.

### ۳-۶. تبیین محوری

در معماری دفاعی قرآن، انسجام داخلی، سپر بقا و نخستین خط دفاع غیرقابل  
نفوذ برای جامعه ایمانی است. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که دشمن  
خارجی، همواره از مسیر شکاف‌های داخلی، تفرقه و نزاع وارد شده و بدون

وجود این گسل‌ها، هیچ تهدید بیرونی قادر به ایجاد آسیب پایدار نخواهد بود. از این رو، قرآن تفرقه را نه یک اختلاف نظر ساده، که یک تهدید امنیتی و راهبردی علیه پیکره جامعه قلمداد می‌کند. محور ششم بر این اصل استوار است که امنیت ملی پیش از آنکه با دژ و سرباز تأمین شود، با وحدت کلمه و انسجام قلوب تحقق می‌یابد. هدف این محور، ایجاد مصونیت در برابر «بغی» (شورش و تجاوز از درون) و «فتنه» (آشوب‌سازی برنامه‌ریزی شده) است تا جامعه همچون «بنیان مرصوص» (ساختمان محکم) در برابر هرگونه تلاش برای تخریب از درون یا بیرون، ایستادگی نماید.

## ۴-۶. مؤلفه‌های اساسی (با استناد قرآنی)

### ۴-۶-۱. وحدت و پرهیز از نزاع

در میدان نبرد شناختی، دشمن اصلی‌ترین هدف خود را نه حمله مستقیم، بلکه تضعیف اراده جمعی و تخریب انسجام درونی جامعه قرار داده است. او می‌کوشد با دامن‌زدن به اختلافات، بزرگ‌نمایی شکاف‌ها و القای یأس و تفرقه، زمینه فروپاشی سرمایه اجتماعی را فراهم کند. در برابر این تهدید، قرآن کریم رویکردی قاطع و راهبردی ارائه می‌دهد و حفظ وحدت را نه یک انتخاب سیاسی، بلکه یک اصل حیاتی و تکلیفی الهی معرفی می‌کند. براساس آموزه‌های قرآنی، وفاق و انسجام، سپر نفوذناپذیر جامعه در برابر پروژه‌های جنگ ترکیبی دشمن به‌شمار می‌رود.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید.»

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶)؛ خدا و رسول را اصاعت کنید و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است.»

«وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا» (روم: ۳۱-۳۲)؛ از مشرکان نباشید از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند.»

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران: ۱۰۵)؛ و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آنها عذاب عظیمی دارند.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- تمسک جمعی و آگاهانه به قرآن، اسلام و هر عامل وحدت‌بخش (حبل الله) به‌عنوان تنها راه نجات و عزت؛
- پرهیز مطلق از تفرقه و پراکندگی، زیرا شکاف داخلی، زمینه‌ساز نفوذ و تسلط دشمن است؛
- دوری از هرگونه نزاع و کشمکش داخلی، چون باعث سستی (فشل)، از دست رفتن قدرت (ریح) و شکست می‌شود؛
- استقامت و صبر به‌عنوان شرط لازم برای حفظ وحدت در مواجهه با سختی‌ها، با اطمینان از همراهی خداوند؛
- پرهیز از پیروی از الگوی جوامع منحرف (مانند مشرکان) که با تفرقه و تشکیل گروه‌های پراکنده، دین و کیان خود را نابود کردند؛
- هشدار درباره عذاب الهی و شکست دنیوی برای کسانی که پس از دریافت نشانه‌های روشن، راه تفرقه و اختلاف را در پیش می‌گیرند؛



- وحدت، منشأ قدرت و هیبت (ریح) جامعه است و تفرقه، این سرمایه را نابود می‌کند؛
- وحدت یک فرمان استراتژیک و تکلیف دائمی است، نه یک انتخاب؛
- وحدت، محور مقابله با فتنه و آشوب داخلی است؛ هر شکاف، نقطه نفوذ دشمن است.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

- در برابر دشمن، همه با هم باشید. در بین اقشار مختلف یا جناح‌های سیاسی مختلف اختلافاتی وجود دارد، اختلافاتی هست، باشد؛ لکن در مقابل دشمن مثل دوران جنگ دوازده‌روزه همه در کنار هم قرار بگیریم؛ این یک عامل بسیار مهم برای اقتدار ملی کشور عزیزمان است.<sup>۱</sup>
- اتحاد ملی سد است؛ دیواره محکم سربه‌فلک کشیده است در مقابل دشمن. اتحاد ملی همان چیزی است که نقش بسیار عظیمی در پیروزی انقلاب، بعد هم در پیشرفت انقلاب داشته است.<sup>۲</sup>
- در جنگ دوازده‌روزه، اتحاد ملت ایران، یکپارچگی ملت ایران، دشمن را ناامید کرد؛ یعنی دشمن از همان روزهای اوایل و اواسط جنگ فهمید که به آن مقصود و غرضی که داشته، دست نخواهد یافت. غرض دشمن، زدن فرماندهان نبود؛ این یک وسیله بود. دشمن با خودش فکر کرده بود که فرماندهان نظامی را بزند، بعضی شخصیت‌های مؤثر نظام را بزند، در کشور اغتشاش به‌وجود بیاورد و بخصوص در تهران، عوامل آنها به آشوب و اغتشاش

---

۱. سخنرانی تلویزیونی امام خامنه‌ای رحمته‌الله، خطاب به ملت ایران، ۱۴۰۴/۹/۶.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در جمع فرماندهای نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش،

دست بزنند و مردم را — افرادی را که می توانند — به خیابان‌ها بکشانند و به وسیله مردم، علیه جمهوری اسلامی حادثه‌ای درست کنند. این هدف بود؛ بنابراین هدف، جمهوری اسلامی بود؛ هدف، مختل کردن نظام بود ... می خواستند فتنه درست کنند، فتنه‌های خیابانی درست کنند، دسته‌جاتی را راه بیندازند و ریشه اسلام را در کشور بکنند؛ این هدف دشمن بود. خب این هدف در همان قدم‌های اول شکست خورد.<sup>۱</sup>

— در این حادثه، در مبارزه با این فتنه آمریکایی و صهیونی، مسئولان انتظامی و امنیتی و سپاه و بسیج حقیقتاً جان‌فشانی کردند، واقعاً جان‌فشانی کردند؛ شب و روز نداشتند، تا توانستند فتنه را که با مقدمات فراوان، با خرج هزینه فراوان دشمن به وجود آمده بود، به کلی پاک کنند و از بین ببرند. مسئولین کشور هم همه همکاری کردند. ملت ایران هم حرف آخر را زد و به طور قاطع قضیه را تمام کرد، اما با وحدت. من توصیه همیشگی را می‌خواهم عرض بکنم: اولاً، وحدت بین مردم حفظ بشود؛ دعوای جناحی و سیاسی و خطی و غیره بین مردم رواج پیدا نکند. با هم یکی باشید؛ در دفاع از نظام اسلامی، در دفاع از کشور ایران، ایران عزیز، همه با هم باشند، در کنار هم باشند.<sup>۲</sup>

#### ۶-۴-۲. هویت دینی و انقلابی

در جنگ گسترده شناختی، دشمن با تمرکز بر هسته اعتقادی و آرمانی جامعه، می‌کوشد این هویت را هدف قرار داده و بنیان‌های معنوی آن را تخریب کند. او با تحریف مفاهیم اصیل دینی، تقلیل ارزش‌های انقلابی و ارائه روایت‌های

---

۱. بیانات تلویزیونی امام خامنه‌ای (مدظله) خطاب به ملت ایران، ۱۴۰۴/۷/۱.

۲. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اعظم (ص)،

جای‌گزین و معکوس، در پی ایجاد تردید، بی‌هویتی و نهایتاً استحاله فرهنگی است. در برابر این حمله به ریشه‌های وجودی جامعه، قرآن کریم رویکردی بنیادین و پویا ارائه می‌دهد و پاسداری از هویت دینی و انقلابی را نه یک وظیفه فرهنگی، بلکه یک جهاد وجودی و تکلیفی الهی معرفی می‌کند.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات: ۱۰)؛ مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید.»

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (آل عمران: ۱۰۵)؛ و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آنها عذاب عظیمی دارند.»

«فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (هود: ۱۱۲)؛ پس همان گونه که فرمان یافته ای ایستادگی کن؛ و نیز آنان که همراهت به سوی خدا روی آورده اند [ایستادگی کنند] و سرکشی مکنید که او به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (آل عمران: ۱۱۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هرگونه شرّ و فسادِ درباره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده؛ و آنچه در دل‌های شان پنهان می‌دارند، از آن مهم‌تر است. ما آیات (و راه‌های) پیشگیری از شرّ آنها را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید!»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- پایه وحدت، رابطه برادری ایمانی است و همه مؤمنان نسبت به یکدیگر این پیوند را دارند؛
- اصلاح‌گری و میانجی‌گری بین مؤمنان، یک تکلیف همگانی و فعال است؛
- تقوای الهی، مبنای اخلاقی حفظ این برادری و شرط دریافت رحمت است؛
- پرهیز از پیروی از الگوهای تاریخی جوامعی که پس از آگاهی‌یافتن، دچار تفرقه و اختلاف شدند؛
- فرقه‌اندازی پس از روشن شدن حق، عملی نابخشودنی و مستحق عذابی بزرگ است؛
- حفظ وحدت، نیازمند هوشیاری دائمی در برابر عوامل تفرقه‌آفرین است؛
- هویت دینی و انقلابی، مایه همبستگی و مقاومت در برابر آشوب‌های داخلی و فتنه‌های نرم است.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

- قدرت فقط به سلاح نیست؛ مهم‌ترین ابزار قدرت و مهم‌ترین عنصر قدرت‌ساز، علم و شخصیت ملی است. شخصیت افراد، ایستادگی، هویت، هویت انقلابی؛ این‌ها است که قدرت می‌سازد.<sup>۱</sup>
- حفظ هویت انقلابی و اسلامی برای نظام جمهوری اسلامی و برای ملت ایران؛ این آن چیزی است که دشمن از آن به شدت شاک می‌کند.<sup>۲</sup>
- وقتی احساس وظیفه اسلامی در یک ملتی به وجود آمد، احساس هویت اسلامی وقتی در یک ملتی به وجود آمد، به این آسانی‌ها نمی‌شود این را از

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳/۱۲/۱۳۹۵.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام، ۳/۳/۱۳۹۵.

بین برد. حالا گیرم یک دولتی سرکوب بشود یا برکنار بشود - یا با کودتا، یا با هر عارضه‌ای دیگری - لکن آن روحی که در مردم به وجود می‌آید، آن خودباوری و خودبازیابی هویت اسلامی، این به این آسانی‌ها از بین نخواهد رفت.<sup>۱</sup>

- جوان را با هویت بار بیاورید. اگر جامعه‌ای احساس هویت نکرد، صداها‌ی بلند تحکّم‌آمیز، راحت او را مغلوب خواهد کرد. آن که ایستادگی می‌کند، آن کسی است که احساس هویت می‌کند؛ حالا این هویت، گاهی هویت ملی است، گاهی هویت دینی است، گاهی هویت انسانی است، شرف است؛ هرچه؛ با هویت باید بار بیایند. خوشبختانه امروز جامعه اسلامی - ایرانی ما یک هویت ریشه‌دار و تاریخی و قوی و قابل استقامتی دارد که این را نشان هم داده؛ این را به جوان‌مان بایستی منتقل بکنیم.<sup>۲</sup>

#### ۴-۳. مقابله با آشوب و بغات

در میدان جنگ شناختی، دشمن با طراحی و تحریک آشوب‌های ساختگی و حمایت از گروه‌های باغی، در پی ایجاد ناامنی، تضعیف حاکمیت قانون و برهم زدن نظم عمومی است. این تهدید با هدف دامن زدن به یأس و بی‌اعتمادی مردم نسبت به توانایی نظام در برقراری امنیت و عدالت اجرا می‌شود. در برابر این توطئه، قرآن کریم رویکردی روشن و قاطع دارد و حفظ نظم عمومی و مقابله با فساد و آشوب را نه صرفاً یک وظیفه حکومتی، بلکه یک تکلیف شرعی و جمعی برای پاسداری از کیان جامعه مؤمنان معرفی می‌کند.

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها،

## الف) آیات و شواهد قرآنی

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (مائده: ۳۳)؛ کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می کنند، (و) با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می برند، (فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آنها، بهعکس یکدیگر، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آنها در دنیاست؛ و در آخرت، مجازات عظیمی دارند.»

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ (حجرات: ۹)؛ و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد.»

«وَيَتَّبِعُونَ فِي الْأَرْضِ بَغْيَ الْحَقِّ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (شوری: ۴۲)؛ و در زمین به ناحق ظلم روا می دارند؛ برای آنان عذاب دردناکی است.»

«وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ (توبه: ۱۲)؛ و اگر پیمانهای خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چرا که آنها پیمانی ندارند؛ شاید (با شدت عمل) دست بردارند.»

## ب) پیامها و نکات راهبردی

- اولویت دادن به اصلاح و آشتی در درگیریهای داخلی میان مؤمنان؛
- لزوم قاطعیت در برابر گروه متجاوز (باغی) پس از شکست تلاشهای اصلاحی؛

- هدف از مقابله نظامی با باغی، بازگرداندن آن به اطاعت از فرمان الهی است، نه نابودی کامل؛
- اطاعت از خدا و رسول، پادزهر اصلی نزاع و عامل جلوگیری از سستی است؛
- هرگونه تجاوز و ظلم در زمین بدون حق (بغی)، مستوجب عذاب دردناک الهی است؛
- مقابله قاطع با رهبران کفر و پیمان شکن که به دین طعن می زنند، زمانی که تمام راه های مسالمت آمیز بی نتیجه مانده باشد؛
- حفظ انسجام داخلی و پرهیز از نزاع، شرط ضروری برای حفظ قدرت و توانمندی جامعه است؛
- مقابله با بغات و آشوب، هم از بعد سیاسی-امنیتی و هم از بعد اجتماعی ضروری است.

#### پ) کلام و اندیشه ولایت

- ملت ایران به همه کسانی که در اغتشاشات [مردم را] تحریک کردند یا از اغتشاشات حمایت کردند، سیلی زد و به حول و قوه الهی در آینده هم ملت ایران به دشمنانش سیلی خواهد زد.<sup>۱</sup>
- در این قضایای [اغتشاشات ۱۴۰۱]، نقشه دشمن نقشه جامعی بود، [اما] محاسبه دشمن محاسبه غلطی بود؛ این مهم است. نقشه دشمن نقص نداشت، منتها محاسبه دشمن برای پیاده کردن این نقشه محاسبه غلطی بود. ... چهل سال است که دشمن، با انواع طرق، علیه نظام جمهوری اسلامی تلاش می کند و چون محاسباتش غلط بوده و غلط است، تا حالا شکست

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته الله علیه در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۴۰۲/۱/۱.

خورده، در این قضیه هم شکست خورد، در آینده هم هر وقت اقدام کند شکست خواهد خورد.<sup>۱</sup>

- [در اغتشاشات] یک بخش صحنه گردان‌ها هستند، یک بخش فریب‌خورده‌ها هستند، یک بخش پول‌گرفته‌ها هستند، بعضی‌ها جنایت کردند؛ همه اینها یک جور نیستند. آن کسی را که فقط فریب‌خورده است و جنایتی نکرده، باید متنبه کرد، باید موعظه کرد، باید هدایت کرد ... او را باید وادار کنید به فکر کردن. آن کسی که بی‌توجه به خواسته دشمن با او همراهی می‌کند، باید بیدارش کرد.... اما آن کسی که عامل جنایت است یا قتل یا تخریب یا تهدید - کاسب را تهدید کند که باید تعطیل کنی، وَاَلَا دکانت را آتش می‌زنیم؛ ماشین‌سوار را تهدید کند که بایستی یا بایستی یا باید بوق بزنی یا کارهایی مانند اینها کنی، وَاَلَا ماشینت را چنان می‌کنیم؛ عامل تهدید - اینها بایستی مجازات بشوند؛ به اندازه گناه خودشان باید مجازات بشوند. عامل قتل یک‌جور، عامل تخریب یک‌جور، آن کسی که اینها را با تبلیغات وادار به این کارها می‌کند یک‌جور؛ هرکدام به اندازه خودشان باید مجازات بشوند.<sup>۲</sup>

#### ۴-۴-۶. مبارزه با نفوذ و نفاق

در عمیق‌ترین لایه‌های جنگ شناختی، دشمن از حربه نفوذ در نهادها و ترویج نفاق در جامعه بهره می‌جوید. او با ورود عناصر خودساخته به ساختارهای تصمیم‌گیری، رسانه‌ها و مراکز فرهنگی و همچنین دامن زدن به دورویی و اختلاف‌افکنی، در پی تخریب اراده ملی از درون، انحراف در تصمیمات کلان و تضعیف اعتماد عمومی است. در برابر این تهدید خرنده و نامرئی، قرآن کریم

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۱/۱۰/۲۲.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار مردم اصفهان، ۱۴۰۱/۸/۲۸.



هشدارهایی جدی و راهبردی ارائه می‌دهد و مبارزه با نفوذ و نفاق را نه یک موضوع حاشیه‌ای امنیتی، بلکه جهادی حیاتی برای حفظ سلامت و خلوص نظام اجتماعی مؤمنان معرفی می‌کند. براساس آموزه‌های قرآنی، حفظ هوشیاری و بصیرت دائمی، شناسایی و خنثی‌سازی زمینه‌های نفوذ، و تقویت فرهنگ صداقت، صراحت و اعتماد در روابط اجتماعی و حکمرانی، تنها سپر کارآمد در برابر این خطر عمیق و مهلک به‌شمار می‌رود.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَتَّهُمْ خُشْبٌ مِّنْ سَنَدَةٍ يَّحْسِبُونَ كُلَّ صَاحِبَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتِلْهُمْ اللَّهُ أَتَى يُؤَفِّكُونَ (منافقون: ۴)؛ هنگامی که آنها را می‌بینی، جسم و قیافه آنان تو را در شگفتی فرو می‌برد؛ و اگر سخن بگویند، به سخنان‌شان گوش فرا می‌دهی؛ اما گویی چوب‌های خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده‌اند! هر فریادی از هر جا بلند شود بر ضد خود می‌پندارند؛ آنها دشمنان واقعی تو هستند، پس از آنان بر حذر باش! خداوند آنها را بکشد، چگونه از حق منحرف می‌شوند؟!»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (آل عمران: ۱۱۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هرگونه شرّ و فساد در باره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام)‌شان آشکار شده؛ و آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهم‌تر است. ما آیات (و راه‌های) پیشگیری از شرّ آنها را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید!»

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الذُّرِّكَ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَهُمْ صَيْرًا (نساء: ۱۴۵)؛ منافقان در پایین‌ترین درکات دوزخ قرار دارند؛ و هرگز یابری برای آنها نخواهی یافت! (بنابراین، از طرح دوستی با دشمنان خدا، که نشانه نفاق است، بپرهیزید.)»

«لَيْسَ لَمْ يَنْتَهِ الْمُتَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (احزاب: ۶۰)؛ اگر منافقان و کسانی که در دل‌های‌شان بیماری است و شایعه‌پراکنان در مدینه [از کار خود] دست برندارند، قطعاً تو را بر آنان مسلط می‌کنیم؛ آنگاه جز زمان کمی در همسایگی تو در آنجا نخواهند ماند.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- ظاهر فریبنده و سخنان زیبای منافقان را معیار قضاوت قرار ندهید؛ آنان در باطن پوچ و بی‌ثباتند؛
- منافقان دشمنان پنهان و واقعی جامعه ایمانی هستند و باید نسبت به آنان هوشیاری کامل داشت؛
- هرگز افراد بیگانه یا غیر متعهد را به‌عنوان محرم اسرار و مشاور نزدیک انتخاب نکنید، زیرا آنان برای ایجاد فساد و زیان کوتاهی نمی‌کنند؛
- دشمنی منافقان گاه در گفتارشان آشکار می‌شود، اما آنچه در نیت و درون خود پنهان می‌کنند، بسیار خطرناک‌تر است؛
- نفاق، گناهی بزرگ است که عذابی سخت و جایگاهی در پایین‌ترین درجات دوزخ در پی دارد؛
- جامعه ایمانی باید با تعقل و تدبیر در آیات الهی، نشانه‌های نفوذ و نفاق را به خوبی بشناسد و از آن دوری کند؛
- شناسایی و مقابله با نفوذ، همواره به‌صورت پیشگیرانه باید انجام شود؛ غفلت، هزینه‌ای جبران‌ناپذیر دارد.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

– امروز دشمنان به زوایای زندگی من و شما ملّت انقلابی، با دقّت دارند نگاه می‌کنند که شاید نقطه ضعفی پیدا کنند و از آنجا نفوذ کنند؛ این مناطق نفوذ

دشمن را شناسایی کنید، در مقابل آنها صف‌آرایی کنید؛ وقت را هدر ندهیم. امروز همه موظفیم، همه مسئولیم... معارف اسلامی را تبیین کنید.<sup>۱</sup>

- نفوذ دو جور است: یک نفوذ موردی است، نفوذ فردی است؛ ... نفوذ موردی خیلی نمونه دارد، معنایش این است که فرض کنید شما یک دموستگاهی دارید، یک مسئولی هستید؛ یک نفر را با چهره‌آرایش شده، بزک‌شده، با ماسک در مجموعه شما بفرستند؛ شما خیال کنید دوست است درحالی که او دوست نیست، تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد؛ گاهی جاسوسی است که این کمترینش است؛ یعنی کم‌اهمیت‌ترینش جاسوسی است، خبرکشی و خبردهی است؛ گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است، تصمیم شما را عوض می‌کند. شما یک مدیری هستید، یک مسئولی هستید، تصمیم‌گیر هستید، می‌توانید یک حرکت بزرگ یا مؤثری انجام بدهید، اگرچنانچه این حرکت را این جور انجام بدهید این به نفع دشمن است، او می‌آید کاری می‌کند که شما حرکت را این جور انجام بدهید؛ یعنی تصمیم‌سازی. در همه دستگاه‌ها سابقه هم دارد؛ فقط هم دستگاه‌های سیاسی نیست، دستگاه‌های روحانی و دینی و مانند اینها هم همیشه وجود داشته... در دستگاه‌های سیاسی هم الی‌ماشاءالله از این قبیل وجود داشته است؛ امروز هم ممکن است باشد؛ البته خطرناک است. منتها از این خطرناک‌تر، نفوذ جریانی است. نفوذ جریانی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت؛ ... عمده‌ترین وسیله دو چیز [است]؛ یکی پول، یکی هم جاذبه‌های جنسی. افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را، افرادی که می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشاند به آن سمت مورد نظر خودشان. آن سمت مورد نظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها،

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۷/۱۲/۷.

تغییر آرمان‌ها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می‌کند؛ یعنی کاری کنند که شما همان‌جوری نگاه کنی به مسئله که یک آمریکایی نگاه می‌کند... همان‌جوری تشخیص بدهی که آن مأمور عالی‌رتبه سیاست تشخیص می‌دهد؛ در نتیجه همان چیزی را بخواهی که او می‌خواهد. بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار می‌کنی؛ هدف این است، هدف نفوذ این است؛ نفوذ جریانی، نفوذ شبکه‌ای، نفوذ گسترده؛ نه موردی. اگر این نفوذ نسبت به اشخاصی انجام بگیرد که اینها در سرنوشت کشور، سیاست کشور، آینده کشور تأثیری دارند، شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد؟ آرمان‌ها تغییر پیدا خواهند کرد، ارزش‌ها تغییر پیدا خواهد کرد، خواست‌ها تغییر پیدا خواهد کرد، باورها تغییر پیدا خواهد کرد... شبکه‌سازی و جریان‌سازی موجب می‌شود که آن کسی که مثلاً در داخل ایران دارد زندگی می‌کند یا در داخل فلان کشور دیگر، این نگاهش بشود آن نگاه؛ معنای نفوذ این است؛ ببینید چقدر خطرناک است...

آماج نفوذ هم چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد؛ بنابراین نفوذ خطر است؛ نفوذ خطر بزرگی است... مکمل این نفوذ هم کارهای حاشیه‌ای است؛ یکی از چیزهایی که مکمل این نفوذ است، تخطئه کسانی است که بر اصالت‌ها، بر نگاه درست، بر ارزش‌ها پای می‌فشارند؛ این مکمل نفوذ است.<sup>۱</sup>

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج، ۱۳۹۴/۹/۴.

## ۵-۶. جمع‌بندی محور / منطق راهبردی

این محور بر پایه قرآن، استراتژی بقا و عزت جامعه ایمانی را ترسیم می‌کند. محور اصلی، ایجاد وحدت عملی و آگاهانه حول «جبل‌الله» (قرآن، ولایت و آرمان‌های مشترک) است که سنگ بنای انسجام به‌شمار می‌رود. این وحدت، با تقویت هویت دینی و انقلابی و رابطه برادری ایمانی استحکام می‌یابد. در مقابل، هرگونه تفرقه و نزاع داخلی، عاملی قطعی برای سستی، زوال قدرت و نفوذ دشمن ارزیابی می‌شود.

راهبرد قرآن در مواجهه با تهدیدات داخلی، اولویت دادن به اصلاح و آشتی است، اما در برابر گروه‌های متجاوز و باغی که نظم و حق جامعه را نقض می‌کنند، قاطعیت و مقابله فعال تا بازگشت به فرمان الهی را تجویز می‌کند. همچنین، هوشیاری و مبارزه پیشگیرانه با نفوذ و نفاق - که دشمنان پنهان با ظاهر فریبنده‌اند - به‌عنوان یک ضرورت حیاتی تأکید می‌شود. در مجموع، این محور نشان می‌دهد که انسجام داخلی، سپر نفوذناپذیری است که ثبات جامعه را در برابر همه اشکال تهدید، از آشوب داخلی تا جنگ روانی دشمن، تضمین می‌کند.

## ۶-۶. گزاره راهبردی نهایی

وحدت و انسجام داخلی، تنها سپر شکست‌ناپذیر جامعه اسلامی در برابر تمامی توطئه‌های دشمن است. تفرقه، شکاف و نزاع داخلی، جاده مستقیم شکست و عامل زوال قدرت و هیبت ملی است. راهبرد قرآنی در این میدان، اصلاح و همبستگی حداکثری در درون است، اما در برابر هرگونه تجاوز، بغی و نفوذ خزنه، عزم و قاطعیتی آهنین را می‌طلبد. بنابراین، حفظ وحدت یک تکلیف استراتژیک مطلق است و هر عاملی که این وحدت را تهدید کند، در حکم حمله مستقیم دشمن به موجودیت نظام اسلامی است.

## ۶-۷. چگونگی تحقق انسجام اجتماعی و مقابله با آشوب و بغی

این محور از طریق اجرای هماهنگ راهکارهای ذیل در نهادهای پیشرو محقق می‌شود.

### ۶-۷-۱. تمسک به محور مشترک الهی (حبل الله)

تحقق انسجام اجتماعی و خنثی‌سازی توطئه‌های آشوب‌افکن دشمن، در گرو ایجاد یک مرکز ثقل مشترک و غیرقابل تخریب در جامعه است. قرآن این نقطه ثقل را «حبل الله» معرفی می‌کند و فرمان می‌دهد: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳). تمسک جمعی به این ریسمان، سه اقدام راهبردی را می‌طلبد: نخست، تعریف نهادی و روشن از «حبل الله» در هر دوره، که از طریق شوراهای فرا جناحی برای شناسایی اصول و آرمان‌های تغییرناپذیر نظام صورت می‌گیرد. دوم، تبلیغ و تربیت همگانی حول این محور، با طراحی برنامه‌های آموزشی یکسان که هویت جمعی را تقویت می‌کند. و سوم، نهادینه کردن این اصل در تصمیم‌گیری‌ها، به‌طوری‌که تقدم منافع کلان نظام بر منافع جزئی، به یک فرهنگ حکمرانی و قضاوت تبدیل شود. تنها جامع‌های که به چنین محور واحدی «جمعاً» چنگ زده باشد، در برابر تلاش دشمن برای ایجاد تفرقه و آشوب، همچون «بنیان مرصوص» (صف: ۴)، غیرقابل نفوذ و شکست خواهد بود.

### ۶-۷-۲. تقویت پیوند برادری و اصلاح ذات‌البین

پایداری انسجام اجتماعی و خنثی‌سازی توطئه‌های تفرقه‌افکنانه دشمن، نیازمند تبدیل روابط اجتماعی از حالت صوری به پیوندی عمیق و برادرانه است. قرآن اساس این پیوند را با آیه‌ای سرنوشت‌ساز ترسیم می‌کند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات: ۱۰). تحقق این فرمان الهی در سطح جامعه،

سه راهبرد عملیاتی را می‌طلبند: نخست، توسعه و توانمندسازی نهادهای مردمی و محلی میانجی‌گری، مانند هیأت‌های حل اختلاف محله‌ای، برای رفع سریع و مسالمت‌آمیز تنش‌ها پیش از تبدیل شدن به بحران؛ دوم، ترویج فرهنگ فعال عیادت، تبریک و حمایت عملی در مواقع سختی و آسانی به‌عنوان جلوه‌های عینی و روزمره اخوت ایمانی؛ و سوم، طراحی و استقرار سامانه‌های ارتباطی شفاف و رسمی بین نهادها و اقشار مختلف، برای جلوگیری از ایجاد و گسترش سوءتفاهم‌ها و شایعاتی که بذر کدورت می‌کارند. جامع‌های که شبکه روابط آن با این سه محور «إِخْوَة» شود، هر گونه تلاش دشمن برای ایجاد شکاف و دشمنی داخلی را نه تنها خنثی، که به فرصتی برای نمایش همبستگی بیشتر تبدیل خواهد کرد.

### ۶-۷-۳. پرهیز از نزاع و حفظ آرامش جمعی

حفظ انسجام درونی و جلوگیری از فروپاشی روانی جامعه در برابر جنگ ترکیبی، مستلزم کنترل و مدیریت هوشمندانه اختلاف‌نظرها است تا به نزاع مخرب تبدیل نشوند. قرآن کریم با هشداری سرنوشت‌ساز، رابطه مستقیم بین نزاع و زوال قدرت جمعی را آشکار می‌سازد: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ (انفال: ۴۶)». برای مصون ماندن از این آسیب، سه راهبرد کلان ضروری است: نخست، وضع قوانین و آیین‌نامه‌های اخلاق‌محور برای مناظرات و انتقادات درون‌گروهی و حزبی، به‌گونه‌ای که تضارب آرا به جای تخریب، به غنای فکری بینجامد. دوم، مدیریت فعال و هوشمندانه فضای مجازی و رسانه‌های جمعی، با شناسایی و خنثی‌سازی محتوای تحریک‌آمیز، تا مانع تبدیل اختلاف سلیقه‌های مشروع به جنگ روانی داخلی شود. و سوم، شناسایی، تقویت و الگوسازی از نیروهای اجتماعی مؤمن، باثبات و اهل

مدارا، تا به عنوان سرمشق‌های عملی تحمل و وحدت، جامعه را در مسیر گفت‌وگوی سالم هدایت کنند. جامع‌های که این سه اصل را رعایت کند، «ریح» (شوکت و قدرت) خود را حفظ کرده و هرگونه تلاش دشمن برای ایجاد نزاع داخلی را با آرامش و انسجامی تحسین‌برانگیز پاسخ خواهد داد.

#### ۶-۷-۴. مقابله قاطع با تجاوز و بغی

حفظ انسجام، مستلزم برخورداری از یک مکانیسم دفاعی قاطع و عادلانه در برابر هرگونه حرکت داخلی است که با توسل به زور (بغی)، قانون و نظم عمومی را هدف قرار می‌دهد. قرآن کریم با ترسیم الگویی حکیمانه در آیه‌ای کلیدی می‌فرماید: «فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ» (حجرات: ۹). تحقق این فرمان در جامعه امروز، نیازمند پنج راهبرد هماهنگ است: نخست، تشکیل کمیته‌های بی‌طرف حقیقت‌یاب و داوری سریع، تا طرف متجاوز به طور عادلانه و پذیرفته شده شناسایی شود و اقدام بعدی، مشروعیت خود را از داوری، نه زور، بگیرد؛ دوم، افزایش اعتماد عمومی از طریق شفافیت مبنی بر اینکه هدف نهایی، بازدارندگی و بازگشت متجاوز به دامن قانون است، نه نابودی یا حذف فیزیکی؛ سوم، طراحی برنامه‌های مشخص برای پذیرش و بازادغام اجتماعی افراد یا گروه‌هایی که از مسیر تجاوز باز می‌گردند، تا انگیزه توبه و اصلاح تقویت شود؛ چهارم، ایجاد شبکه‌های مردمی مراقبت اجتماعی و پیشگیری از بحران در سطح محلات، برای شناسایی و رفع زمینه‌های نارضایتی پیش از تبدیل به آشوب؛ و پنجم، اجرای آموزش‌های همگانی حقوقی، امنیتی و دینی برای آشنایی مردم با مرزهای قانون، حقوق خود و تکلیف اجتماعی‌شان در برابر فتنه‌ها. جامعه‌های که این سامانه دفاعی هوشمند و عادلانه را داشته باشد، در برابر هرگونه بغی، نه تنها



متزلزل نمی‌شود، بلکه با «تقی‌الیه امر الله» (بازگشت به فرمان خدا)، اقتدار قانون و انسجام خویش را به نمایشی آموزنده برای همگان تبدیل می‌کند.

#### ۶-۷-۵. هوشیاری در برابر نفوذ و نفاق

پاسداری نهایی از انسجام جامعه، نیازمند هوشیاری دائمی در برابر خطر خزنده‌ای است که به جای حمله از بیرون، از درون حلقه‌های اعتماد آغاز می‌شود: نفوذ و نفاق. قرآن کریم با هشدار ژرف و راهبردی، مؤمنان را از این خطر برحذر می‌دارد: «لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا» (آل عمران: ۱۱۸). برای تبدیل این هشدار به یک سیستم دفاعی فعال، چهار راهبرد ضروری است: نخست، طراحی و اجرای نظام گزینش، ارزشیابی و اعتمادسنجی مبتنی بر سنج‌های تعهد عملی و بصیرت، به‌ویژه برای تصدی پست‌های حساس مدیریتی و راهبردی، تا «بطانة» (محرم اسرار) از میان افراد خودی و امتحان‌پس داده انتخاب شود؛ دوم، ارتقای عمومی سواد رسانه‌ای، سیاسی و شناختی، به‌گونه‌ای که مردم بتوانند نشانه‌های گفتار و رفتار نفوذی و تفرقه‌افکن را در رسانه‌ها و فضای عمومی تشخیص دهند؛ سوم، ایجاد اتاق‌های فکر و واحدهای پایش اندیشه در نهادهای فرهنگی و امنیتی، برای رصد مستمر فضای گفتمانی، شناسایی شبهات نوین و ارائه پاسخ‌های سریع و قانع‌کننده به تحریکات دشمن؛ و چهارم، تشکیل تیم‌های تخصصی اطلاعات و تحلیل اجتماعی، با مأموریت کشف شبکه‌ها و کانال‌های نفوذ در بدنه جامعه و نهادها. جامع‌های که به این چهار لایه از هوشیاری جمعی مجهز باشد، «خبال» (فساد و تباهی) برنامه‌ریزی شده دشمن را در نقطه خنثی کرده و سرمایه اجتماعی خود را در پناه امنیتی پایدار قرار می‌دهد.

## ۸-۶. نتیجه راهبردی نهایی

تحقق انسجام اجتماعی و ایمنی در برابر آشوب، مستلزم عمل کردن به یک منطق دفاعی فعال و چندلایه است. این منطق، وحدت حول محور الهی (حبل الله) را به عنوان سنگ بنای غیرقابل مذاکره قرار می دهد و هر عاملی که این وحدت را تهدید کند، در حکم حمله به خط قرمز بقای نظام می شناسد. راهبرد نهایی، حرکت هم زمان در دو جبهه است: در درون، با تقویت برادری، اصلاح گری و پرهیز از نزاع، دیوار انسجام را می سازد و در بیرون، با هوشیاری نسبت به نفوذ و قاطعیت در برابر تجاوز باغیان، حیاط خلوت دشمن را می بندد. موفقیت در این مسیر، جامعه ای یکپارچه، نفوذناپذیر و توانمند می سازد که شکست ناپذیرترین سپر در برابر هرگونه فتنه و تهدید داخلی و خارجی است.

## ۹-۶. نقش آفرینان کلیدی در انسجام اجتماعی و مقابله با آشوب و بغی

### ۹-۶-۱. نقش پاسداران

#### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی پاسداران، حراست از تمامیت حاکمیت نظام به عنوان تجسم «حبل الله» و ایجاد بازدارندگی کلان برای تضمین ثبات و انسجام ملی است. در نقش راهبردی، پاسداران به عنوان ستون حفظ حاکمیت و مرجعیت عمل می کنند و چهارچوب کلان امنیت و انسجام را تعریف و پاسداری می نمایند.

#### ب) وظایف عملیاتی

- مدیریت و فرماندهی عملیات مقابله با آشوب: هدایت میدانی، سازماندهی و اجرای عملیات برای مهار و سرکوب گروه های مسلح باغی و آشوبگر؛
- پایش و برخورد با شبکه های نفوذ و اغتشاش: رصد، شناسایی و خنثی سازی

- فعالیت‌های خرابکارانه، جاسوسی و جنگ روانی دشمن در داخل کشور؛
- حفاظت از مراکز حساس و حیاتی: تأمین امنیت نقاط کلیدی (حکومتی، اقتصادی، ارتباطی، انرژی) در برابر اختلال و حملات؛
- همکاری با نهادهای قضایی و اطلاعاتی: هماهنگی و پشتیبانی عملیاتی از دستگاه قضا و نهادهای امنیتی برای دستگیری و مقابله با عوامل اختلال‌گر؛
- آمادگی و حضور در مدیریت بحران‌های اجتماعی: سازماندهی و بسیج منابع برای کمک به کنترل بحران‌های بزرگ مانند بلایای طبیعی، که نظم عمومی را تهدید می‌کنند.

## ۶-۲. نقش بسیجیان

### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی بسیج، تأمین عمق استراتژیک، مشروعیت مردمی و پشتوانه نرم برای انسجام است. در حقیقت بسیج متولی، ایجاد یک شبکه مردمی ریشه‌دار است که با تقویت پیوند بین مردم و نظام، انتقال گفتمان انقلابی و تبدیل توده‌ها به ذخیره استراتژیک متعهد، عمق، مشروعیت، تاب‌آوری و انسجام حیاتی را برای کل پیکره جامعه تأمین می‌کند.

### ب) وظایف عملیاتی

- گشت‌ها و گروه‌های محله‌ای مراقبت اجتماعی: تشکیل هسته‌های محلی برای پایش اوضاع، شناسایی سریع تحرکات مشکوک و جلوگیری از گسترش درگیری‌های خرد قبل از تبدیل شدن به بحران؛
- اقدام سریع و امدادرسانی در نقاط بحران: حضور به‌موقع و سازمان‌یافته در

- مناطق آشوب‌زده یا آسیب‌دیده برای ارائه کمک‌های اولیه، اسکان و تغذیه به منظور جلوگیری از بی‌سامانی و حفظ اعتماد عمومی؛
- روایت‌سازی و کار فرهنگی پیشگیرانه در سطح پایه: برگزاری جلسات، یادواره‌ها، مسابقات و برنامه‌های محلی برای تقویت هویت مشترک، افشای توطئه‌های دشمن و خنثی‌سازی شایعات؛
  - همکاری و پشتیبانی اطلاعاتی از نهادهای امنیتی: انتقال هوشمندان و گزارش‌های میدانی از حال و هوای جامعه و مشاهده موارد مشکوک به نهادهای تخصصی، به‌عنوان چشم و گوش بیدار نظام در سطح خرد؛
  - ایجاد حلقه‌های وصل و میانجی‌گری محلی: استفاده از اعتبار و پذیرش مردمی برای اصلاح ذات‌البین، رفع کدورت‌های محلی و جلوگیری از تعمیق اختلافات درون‌محله‌ای یا بین‌اقتشار.

#### ۹-۳. نقش فرماندهان و مدیران

##### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی فرماندهان و مدیران، معمار ساختن انسجام عینی است؛ آنها با تبدیل حکمت قرآنی به دستورالعمل‌ها و فرهنگ عملیاتی مقاوم در برابر فتنه، نه تنها تاب‌آوری نهاد، سازمان و یگان خود را مهندسی می‌کنند، بلکه آن را به نمونه‌ای زنده و یکپارچه از «امت واحده» تبدیل می‌نمایند.

##### ب) وظایف عملیاتی

- فرماندهی مستقیم و کنترل عملیات میدانی: هدایت و نظارت بر اجرای دقیق مأموریت‌های مقابله با آشوب، با اولویت دادن به دقت، قانونمداری و جلوگیری از افراط و تفریط برای حفظ مشروعیت اقدامات؛

- نظارت و مدیریت مستمر روحیه و انسجام درونی یگان: رصد دائمی فضای روانی نیروها، پیشگیری از بروز اختلافات داخلی، حل سریع تنش‌ها و تزریق روحیه اعتماد و برادری در مجموعه؛
- هماهنگی عملیاتی بین‌نهادی: ایجاد هماهنگی مؤثر و بدون حاشیه بین یگان تحت امر با سایر نیروهای نظامی، انتظامی، نهادهای مدنی و مردمی در منطقه عملیاتی برای ایجاد وحدت عمل؛
- تصمیم‌سازی و واکنش سریع در شرایط مبهم و متغیر: اتخاذ تصمیمات به‌موقع، قاطع و منطبق بر چهارچوب‌های کلان در مواجهه با صحنه‌های پیچیده آشوب که نیازمند تشخیص دوست از دشمن و اقدام متناسب است؛
- آموزش، تمرین و آماده‌سازی نیروها برای سناریوهای اجتماعی: طراحی و اجرای مانورها و دوره‌های آموزشی ویژه برای آمادگی نیروها در مواجهه با فتنه‌های اجتماعی، آشوب‌های شهری و عملیات روانی دشمن.

#### ۶-۹-۴. نقش روحانیون و مربیان

##### الف) نقش راهبردی

روحانیون معماران معنایی و مشروعیت‌بخش انسجام اجتماعی هستند. بنابراین نقش راهبردی روحانیون، مهندسی معنایی انسجام است؛ آنان با تولید گفتمان دینی، تعیین مرزهای شرعی و پاسداری از هویت مشترک، وحدت را به یک «تکلیف» و مقابله با فتنه را به یک «جهاد» معنادار تبدیل کرده و پیوند معنوی امت با ولایت را به‌عنوان عالی‌ترین مظهر انسجام، تقویت می‌کنند.

##### ب) وظایف عملیاتی

- تبیین و تفسیر زنده مسائل در منابر و محافل: استفاده از خطابه، درس و

- گفت‌وگوی مستقیم برای توضیح مسائل روز، افشای توطئه‌های دشمن، ترویج روحیه برادری و پاسخ‌گویی به شبهات در سطح عمومی؛
- مدیریت مراکز دینی به‌عنوان پایگاه‌های آرامش و وحدت: تبدیل مساجد، حسینیه‌ها و مراکز مذهبی به کانون‌های رفع کدورت، گفت‌وگوی بین‌اقتدار، کمک‌های مردمی و ایجاد آرامش روانی در شرایط بحران؛
  - میانجی‌گری و اصلاح ذات‌البین مبتنی بر احکام اسلام: ورود مستقیم و استفاده از اعتبار دینی برای آشتی دادن اصناف، گروه‌ها یا افراد درگیر در سطح محلی یا ملی، بر اساس دستور «أصلحوا بین اخویکم»؛
  - آموزش و کادرسازی نیروهای مبلغ و مروج وحدت: شناسایی، جذب و تربیت مبلغان، روحانیون و فعالان جوان برای ترویج گفتمان انسجام در سطوح مختلف جامعه، به‌ویژه در میان نسل جوان؛
  - مشارکت در شوراهای راهبردی و مشاوره‌ای: ارائه نظر مشورتی دینی و اخلاقی در نهادهای سیاست‌گذار، فرهنگی و امنیتی در زمینه‌های مربوط به پیشگیری و مقابله با فتنه و تقویت انسجام.

#### ۶-۹-۵. نقش آحاد مردم

##### الف) نقش راهبردی

آحاد مردم، خاک حاصلخیز و هوای سالم باغ انسجام ملی هستند. نقش راهبردی آحاد مردم، تأمین بستر مشروعیت و تبدیل شدن به مخزن فعال نیروی انسانی است که با هوشیاری جمعی و نظارت اخلاقی، جامعه را در برابر گسل‌های تفرقه مصون می‌دارد.

## ب) وظایف عملیاتی

- هوشیاری و خودمراقبتی اطلاعاتی: پرهیز از انتشار و بازنشر شایعات، اخبار جعلی و تحلیل‌های تحریک‌آمیز، و مراجعه به منابع معتبر. این کار، اولین خط دفاع در جنگ روانی است؛
- حفظ آرامش و امنیت روانی در دایره نفوذ شخصی: ایجاد فضای اطمینان، امید و منطق در خانواده، محل کار، تحصیل و محله، و جلوگیری از انتقال اضطراب و تنش به اطرافیان؛
- مشارکت فعال و مسئولانه در نهادهای محلی: حضور در شوراهای محله، هیئت‌های مذهبی، پایگاه‌های بسیج و گروه‌های جهادی برای مشارکت در حل مشکلات محل، کمک به نیازمندان و تقویت همبستگی اجتماعی؛
- نقد و مطالبه‌گری سازنده و قانونمند: ابراز نظر و نقد در چهارچوب قانون، با ادب و با هدف اصلاح، به جای سکوت مخرب یا اعتراض تخریب‌گر. این کار، شیرازه انسجام را حفظ می‌کند؛
- همکاری با نهادهای قانونی در مواقع بحران: اجرای توصیه‌های امنیتی، گزارش فعالیت‌های مشکوک به مراجع ذیصلاح و عدم همراهی با آشوبگران، حتی در صورت وجود برخی نارضایتی‌ها؛
- ترویج عملی ارزش‌های وحدت‌بخش: نشان دادن احترام، گذشت و کمک به هم‌وطنان با هر قومیت، مذهب یا گرایش سیاسی در چهارچوب قانون اساسی، در تعاملات روزمره.

## ۶-۱۰. جمع‌بندی ارتقایی / تثبیت نگاه راهبردی

این محور نشان‌دهنده گذار از انسجام به عنوان یک شعار، به مهندسی یک

سیستم دفاعی اجتماعی فعال است. موفقیت در گرو تبدیل سه مؤلفه کلان به یک چرخه عملیاتی زنده است:

- ساخت معنای مشترک (تفسیر و تبیین روحانیون از «حبل الله» به عنوان قلب تپنده هویت جمعی)؛

- ساخت شبکه اعتماد (پیوند عمودی رهبری-ملت و پیوند افقی برادری ایمانی توسط بسیج و آحاد مردم)؛

- ساخت قدرت بازدارنده و قاطع (حفظ حاکمیت قانون و امنیت توسط پاسداران و فرماندهان در برابر هرگونه بغی و نفوذ).

نقش آفرینی هماهنگ این اجزا، یک اکوسیستم امنیتی- اجتماعی تاب آور ایجاد می کند که در آن، تهدیدات داخلی و خارجی نه تنها مهار می شوند، بلکه به عاملی برای تمرین و تقویت وحدت تبدیل می گردند. نتیجه نهایی، جامعه ای خودتصحیل گر، نفوذناپذیر و قدرتمند است که بزرگ ترین شکست برای هر استراتژی «تفرقه بینداز و حکومت کن» دشمن به شمار می آید. این محور، پایداری درونی را به قدرت متعالی راهبردی نظام تبدیل می کند.

## ۶-۱۱. شبهات و سؤالات مطرح

### ۶-۱۱-۱. شبهه اول

**شبهه:** «آیا تأکید بر وحدت و پرهیز از نزاع، آزادی بیان و نقد را محدود نمی کند؟ آیا می توان جامعه ای داشت که هم متحد و منسجم باشد و هم فضای نقد و آزادی بیان در آن زنده و شکوفا باشد؟

**پاسخ:** پاسخ قرآنی و عقلانی به این شبهه، مبتنی بر تمایز بنیادین بین دو مفهوم «اختلاف نظر» و «تفرقه» است. وحدتی که قرآن بر آن تأکید می ورزد، وحدت در اصل، جهت گیری کلان و خطوط قرمز هویتی است، نه وحدت در



جزئیات، روش‌ها و نظرات. آیاتی مانند «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات: ۱۰) به وضوح نشان می‌دهند که اصل و پایه، برادری و پیوند ایمانی است، اما این برادری، وجود اختلاف و درگیری را نفی نمی‌کند، بلکه ضرورت مدیریت و اصلاح آن را با حفظ آن اصل بنیادین گوشزد می‌نماید. بنابراین، قرآن نه تنها با نقد و اختلاف نظر مخالف نیست، بلکه با تشویق به «اصلاح» و «قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (احزاب: ۷۰)، چهارچوبی اخلاقی و سازنده برای آن تعیین می‌کند.

نکته کلیدی دیگر، تفاوت قائل شدن بین «نقد سازنده» و «تفرقه افکنی مخرب» است. نقد سازنده، مبتنی بر انصاف، دلسوزی، علم و با هدف اصلاح است و در چهارچوب ارزش‌های مشترک و قوانین پذیرفته شده بیان می‌شود. این نوع نقد، مانند سیستم ایمنی بدن، سلامت جامعه را تضمین می‌کند. در مقابل، تفرقه افکنی با انگیزه‌های شخصی، جناحی، خودبرتربینی یا در خدمت اهداف دشمن، از ابزارهایی مانند تهمت، شایعه، تحریف و تخریب شخصیت استفاده می‌کند تا پیوندهای اعتماد اجتماعی را از بین ببرد. قرآن به صراحت با دومی مقابله می‌کند: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا»، اما اولی را در قالب امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت برای خدا و رسول و اولی الامر، نه تنها مجاز که واجب می‌شمارد.

در نهایت، وحدت واقعی و پایدار، محصول دیالوگ و مشارکت آگاهانه است، نه سکوت و تحمیل. جامعه‌ای که در آن نقد عقلانی و مسئولانه جریان نداشته باشد، دچار رکود فکری، فساد پنهان و انجماد می‌گردد و در مواجهه با چالش‌های جدید ناتوان می‌ماند. انسجامی که بر پایه ترس از انتقاد بنا شده باشد، شکننده و ظاهری است. در مقابل، وحدتی که از دل گفت‌وگوی صادقانه،

تحمل آرای مخالف در چهارچوب اصول، و اصلاح‌گری دائم بیرون آمده باشد، انسجامی عمیق، زنده و مقاوم در برابر فتنه‌هاست. بنابراین، تأکید بر وحدت به معنای محدود کردن آزادی بیان نیست، بلکه به معنای ارتقای کیفی گفتمان عمومی و انتقال آن از سطح جدال بی‌ثمر و تخریب‌گر به سطح نقد دلسوزانه و اصلاح‌گرایانه است. این همان مسیری است که هم مصونیت داخلی را افزایش می‌دهد و هم پویایی و رشد جامعه را تضمین می‌کند.

#### ۶-۱۱-۲. شبهه دوم

**شبهه:** آیا مقابله با آشوب و بغی، خشونت را مشروع نمی‌کند؟ آیا دفاع از نظم، می‌تواند به ابزاری برای توجیه خشونت سیستماتیک علیه مخالفان تبدیل شود؟

**پاسخ:** پاسخ به این شبهه، نیازمند فهم دقیق مفهوم‌شناسی قرآنی «بغی» و تفکیک قاطع آن از مفاهیمی مانند نقد، اعتراض یا اختلاف نظر است. قرآن کریم در آیه ۹ سوره حجرات، «بغی» را نه یک اختلاف ساده، بلکه یک تجاوز مسلحانه و عملیاتی تعریف می‌کند که از چهارچوب گفت‌وگو و قانون خارج شده است. ویژگی «باغی» در قرآن، خروج از اطاعتِ مورد توافق (أمرالله) و اقدام به زورآزمایی و ایجاد فساد در زمین است. بنابراین، دایره مصداقی «باغی» بسیار محدود و مشخص است: گروهی که با اسلحه، قصد برهم زدن نظم عمومی، نقض حقوق مسلم دیگران و زیر پا گذاشتن حاکمیت قانون را دارد. این تعریف، هرگونه اعتراض مسالمت‌آمیز، انتقاد مدنی یا فعالیت سیاسی قانونی را به کلی خارج از این دایره قرار می‌دهد.

نکته راهبردی بعدی، تقدم مطلق اصلاح و گفت‌وگو بر مقابله قهری است. خود آیه مورد استناد، دستور را با «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا (حجرات: ۹)؛ پس میان آن دو

اصلاح کنید» آغاز می‌نماید. این نشان می‌دهد که منطق قرآنی، حتی در مواجهه با درگیری مسلحانه دو گروه مؤمن، اولین و اصلی‌ترین گزینه را میانجی‌گری و بازگرداندن طرفین به چهارچوب قانون و اطاعت می‌داند. مقابله قهری، آخرین حربه مشروط است و تنها زمانی مجاز شمرده می‌شود که همه راه‌های مسالمت‌آمیز به شکست انجامیده باشد و یک طرف، به‌طور عینی و فعال، در موضع تجاوز و سرکشی باقی بماند. این فرآیند، خود مانع بزرگ سوءاستفاده از عنوان «بغی» برای سرکوب منتقدان است.

درنهایت، هدف نهایی مقابله با بغی در قرآن، نه نابودی طرف مقابل، بلکه بازدارندگی و بازگشت به نظم عادلانه است. عبارت «حَتَّى تَفِيَّ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ؛ تا به فرمان خدا بازگردد» گواه این مدعاست. خشونت مشروع در این منظومه، ماهیتاً دفاعی، محدود، تناسب‌مند و غایت‌مند است. غایت آن، نه حذف فیزیکی مخالف، بلکه مهار تجاوز و استقرار دوباره قانونی است که حقوق همه را تضمین می‌کند. از این منظر، مقابله با بغی، ضامن اصلی آزادی‌های اجتماعی واقعی است؛ چراکه آزادی بیان و فعالیت زمانی معنادار است که فضایی امن و باثبات وجود داشته باشد و حقوق شهروندان در برابر زورگیران و آشوبگران مصون بماند. امنیت، بستر ضروری آزادی است. بنابراین، مقابله مشروط با کسانی که این بستر را با خشونت هدف می‌گیرند، نه تنها محدودکننده آزادی نیست، بلکه در حقیقت، پاسداری از امکان تحقق آزادی مسئولانه برای تمام جامعه است.

#### ۶-۱۱-۳. شبهه سوم

**شبهه:** «آیا شناسایی نفوذ و نفاق، به نوعی جاسوسی و سوءظن دائمی تبدیل نمی‌شود؟ آیا تمرکز بر شناسایی دشمنان پنهان، ناخودآگاه جامعه را به

مجموعه‌ای از جاسوسان بالقوه، مظنونان دائمی و گزارشگران پنهان تبدیل نمی‌کند؟ و آیا این فرآیند، به جای ایجاد امنیت، به فرسایش سرمایه اجتماعی، خودسانسوری و از بین رفتن فضای صمیمیت و همکاری منجر نمی‌شود؟

**پاسخ:** پاسخ به این نگرانی مشروع، در گرو فهم دقیق تمایزی است که قرآن بین هوشیاری حکیمانه و بدگمانی ویرانگر قائل می‌شود. قرآن کریم به صراحت از مؤمنان می‌خواهد که نسبت به منافقان هوشیار باشند («هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُوهُمْ»)، اما در همان حال، پایه روابط درونی جامعه ایمانی را بر اعتماد، برادری و گمان نیک قرار می‌دهد؛ «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا» (نور: ۱۲). این نشان می‌دهد که منطق قرآنی، یک هوشیاری جمعی آگاهانه و مبتنی بر شواهد عینی را توصیه می‌کند، نه یک بدبینی فعال و اتهام‌زنی کورکورانه در روابط روزمره مردم. وظیفه تشخیص و برخورد با نفوذ سازمان‌یافته، طبق این منطق، بیشتر بر عهده نهادهای تخصصی، مسئول و شفاف است که با معیارهای حقوقی و شرعی دقیق عمل می‌کنند، نه بر دوش تک‌تک افراد در عرصه عمومی.

نکته راهبردی دیگر، تأکید قرآن بر بینات و ادله روشن برای هرگونه اتهام و قضاوتی است. آیاتی مانند «إِنَّمَا الْمُتَافِقُونَ فِي الذِّكْرِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ» ضمن بیان عاقبت شدید منافقان، به‌طور ضمنی تأکید می‌کند که تشخیص مصداق‌های واقعی نفاق، آن‌قدر خطیر و پیچیده است که فقط به قضاوت الهی سپرده شده است. این امر، هشدار بزرگی به جامعه مؤمنان است که از قضاوت‌های شتاب‌زده، برچسب‌زنی براساس ظنون شخصی یا شایعات پرهیز کنند. هوشیاری قرآنی، یک فرآیند عقلانی، مبتنی بر مشاهده رفتارهای مستمر و آشکار «قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ» و تحلیل هدفمند است، نه یک حالت روانی ترس و شک همگانی.

درنهایت، هدف نهایی از افشای نفاق در قرآن، حفظ سلامت، پاکی و کارآمدی صفوف مؤمنان است، نه ایجاد رعب و تفرقه. اگر فرآیند مقابله با نفوذ، خود به عاملی برای تضعیف اعتماد درونی، ترس از بیان نظر و از بین رفتن همبستگی اجتماعی تبدیل شود، در حقیقت به هدف دشمن نفوذگر کمک کرده است. بنابراین، اجرای صحیح این راهبرد، نیازمند چهارچوب‌های شفاف قانونی، ضمانت‌های دادرسی عادلانه و تمایز قاطع بین انتقاد و اختلاف نظر مشروع و تخریب و نفوذ برنامه‌ریزی شده است. جامعه‌ای که بتواند این تعادل ظریف را برقرار کند - هم از ساده‌لوحی و غفلت بپرهیزد و هم از امنیتی‌زده شدن و بدبینی فلج‌کننده دوری کند - در حقیقت به انسجامی پایدار و مقاوم در برابر هرگونه نفوذی دست یافته است. این هوشیاری، یک فضیلت جمعی مدبرانه است، نه یک روان‌رنجوری جمعی.

#### ۶-۱۱-۴. شبهه چهارم

**شبهه:** «آیا تأکید بر هویت دینی و انقلابی، تنوع فکری و فرهنگی جامعه را محدود نمی‌کند؟»

**پاسخ:** پاسخ به این پرسش، مستلزم درکی دقیق از ساختار دو لایه‌ای جامعه آرمانی در نگاه قرآنی-انقلابی است. در این نگاه، هسته مرکزی و غیرقابل مذاکره جامعه، متشکل از اصول، ارزش‌های بنیادین و آرمان‌های کلان مانند توحید، عدالت، استکبارستیزی، ولایت، است که همان «هویت دینی و انقلابی» را شکل می‌دهد. این هسته، چهارچوب، جهت و روح حاکم بر کلیت جامعه است. اما در لایه دوم و حوزه پیرامونی، یعنی در روش‌ها، راهکارها، سلیقه‌ها، سنت‌های محلی، بیان‌های هنری و اجتهادهای فکری، قرآن نه تنها تنوع را نفی نکرده، بلکه آن را نشانه حکمت الهی می‌داند: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافَ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ» (روم: ۲۲). بنابراین، هویت مشترک به معنای یک‌دستی و یک‌رنگی در تمام شئون زندگی نیست، بلکه به معنای اتحاد در جهت و آرمان، همراه با تکثر در خلاقیت و تجلی است.

نکته تعیین‌کننده، تمایز قاطع بین اختلاف در اصول و تنوع در فروع و روش‌ها است. آنچه قرآن در آیاتی مانند آل عمران ۱۰۵: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا...» از آن‌هی می‌کند، اختلاف و تفرقه در همان اصول بنیادین و نشانه‌های روشن هدایت است. این نوع اختلاف، جامعه را از درون می‌پاشاند. اما اختلاف نظر و تنوع آرا در چگونگی تحقق آن اصول، در اداره جامعه، در علوم تجربی و انسانی، و در عرصه هنر و فرهنگ، نه تنها مذموم نیست، بلکه منبع قدرت، پویایی و غنای تمدنی است. یک جامعه انقلابی موفق، جامعه‌ای است که بتواند وحدت استوار در آرمان را با کثرت خلاق در عمل و اندیشه جمع کند.

درنهایت، هویت دینی و انقلابی قدرتمند، می‌تواند بستری امن و مطمئن برای شکوفایی تنوع واقعی فراهم آورد. برخلاف جوامعی که فاقد یک هسته ارزشی مشترک قوی هستند و تنوع در آنها گاه به هرج و مرج و ازهم‌گسیختگی می‌انجامد، وجود آن چهارچوب محکم، به تکثر درون‌سیستمی جهت، انسجام و معنا می‌بخشد. این هویت، مانند تنه درخت تناوری است که شاخه‌ها و برگ‌های گوناگون (تنوع فرهنگی و فکری) می‌توانند با اطمینان بر آن رشد کنند. تهدید واقعی برای تنوع، نه یک هویت مشترک شفاف، بلکه یک هویت ضعیف و متزلزل است که در برابر هجوم فرهنگ‌های مسلط جهانی نمی‌تواند از فضای تنوع داخلی حفاظت کند. بنابراین، تقویت آن هویت مشترک، در حقیقت ساخت سد دفاعی برای حفاظت از باغ رنگارنگ تنوع درونی جامعه در برابر سیل یکسان‌سازی جهانی است.

## ۶-۱۱-۵. شبهه پنجم

**شبهه:** «آیا تمرکز بر انسجام، مشارکت مردمی و خوداتکایی جامعه را کاهش نمی‌دهد؟» به تعبیر دیگر «آیا جامعه‌ای که به‌شدت «منسجم» و هماهنگ است، به‌تدریج خلاقیت، مسئولیت‌پذیری فردی و توانایی خودسازماندهی شهروندانش را از دست نمی‌دهد و آنها را به دریافت‌کنندگان منفعل دستورات تبدیل نمی‌کند؟»

**پاسخ:** پاسخ به این شبهه، در گرو درک مفهوم پویا و ارگانیک انسجام در منطق قرآنی و انقلابی است. انسجامی که قرآن ترسیم می‌کند، یک ساختار خشک و تحکمی نیست، بلکه بیشتر شبیه به هماهنگی اعضای یک بدن زنده است که در عین اتصال به یک مرکز فرماندهی (قلب و مغز)، هر عضو، حیات، حس و حرکت مستقل خود را دارد. آیه‌ای مانند «إِصْلَاحُ بَيْنِ أَخَوَيْكُمْ»، صلح و اصلاح را به‌عنوان یک تکلیف همگانی معرفی می‌کند، نه یک مأموریت محوله از نهادی خاص. این نشان می‌دهد که تحقق عینی انسجام، خود محصول کنشگری، احساس مسئولیت و ابتکار فردی و جمعی آحاد مردم است. بنابراین، انسجام قرآنی، مشارکت مردمی را مفروض می‌گیرد، نه آن را نفی می‌کند.

نکته کلیدی دیگر، تمایز بین «هماهنگی» و «یک‌نواختی» است. انسجام به معنای هم‌جهتی و هم‌صدایی در راستای اهداف کلان است، نه انجام یکسان و رونوشت‌وار همه کارها. یک جامعه منسجم می‌تواند و باید در درون خود، هزاران هسته خودجوش، طرح نوآورانه و روش آزمایش‌شده محلی داشته باشد. انسجام در اینجا به معنای ایجاد یک چهارچوب امن، بستر ارتباطی و قواعد بازی عادلانه است که این ابتکارات پراکنده بتوانند در آن ظهور کنند، با هم ارتباط برقرار کنند، منابع خود را بهینه کنند و درنهایت، انرژی‌شان در مسیر

کلان جامعه هدر نرود. به عبارت دیگر، انسجام، کاتالیزور و جهت‌دهنده خوداتکایی است، نه بلوکه‌کننده آن.

درنهایت، تجربه تاریخی انقلاب اسلامی بهترین گواه پاسخ به این شبهه است. دوران دفاع مقدس، اوجی از انسجام ملی بود، اما این انسجام هرگز به معنای تعطیلی ابتکار مردمی نبود؛ بلکه بسیج عظیم و خودجوش افشار مختلف، تشکیل گروه‌های جهادی، نوآوری‌های صنعتی در پشت جبهه و شبکه‌های خودسازمان‌یافته پشتیبانی، دقیقاً در دل همین انسجام شکل گرفت و تقویت شد. انسجام، به این حرکت‌های خودجوش اعتبار، مقیاس و تأثیرگذاری کلان بخشید. بنابراین، انسجام واقعی، ظرفیتی را ایجاد می‌کند که خوداتکایی و مشارکت مردمی بتواند در آن به حداکثر اثرگذاری برسد. جامعه‌ای فاقد انسجام، اگرچه ممکن است شاهد حرکت‌های خودجوش پراکنده باشد، اما این حرکات به دلیل نبود هماهنگی و پیوند، اغلب ناتمام می‌مانند یا اثرشان محدود است. انسجام، سکوی پرتابی است که انرژی‌های مردمی را متمرکز و قدرتمند می‌سازد.

#### ۶-۱۱-۶. شبهه ششم

**شبهه:** «تمرکز بر وحدت در جامعه ایرانی با ضرورت حفظ ارزش‌های دینی و اعتقادی چگونه قابل جمع است؟» به تعبیر دیگر «چگونه می‌توان بین ضرورت وحدت، که گاه مستلزم انعطاف در برخورد با اختلافات است، و ضرورت پابندی به احکام شرعی، که ممکن است برای برخی محدودیت ایجاد کند، جمع کرد؟»

**پاسخ:** جمع میان حفظ وحدت اجتماعی و پابندی به ارزش‌های دینی، از منظر دین اسلام نه تنها امری ممکن، بلکه ضروری و منطبق بر حکمت الهی است. این مسئله را می‌توان با توجه به چند محور کلیدی از آیات و روایات تبیین کرد:



وحدت در اسلام، وحدتی «معنادار» و مبتنی بر اصل توحید است. قرآن کریم مؤمنان را به وحدت حول محور «حبل الله» فرا می‌خواند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳).

وحدت مطلوب در اسلام، وحدتی صرفاً اجتماعی یا سیاسی نیست، بلکه وحدتی است که در ذیل اعتصام به «حبل الله» (قرآن و عترت) معنا می‌یابد. این وحدت، مانع از پذیرش هرگونه ارزش متضاد با توحید نمی‌شود، بلکه چهارچوبی مشترک مبتنی بر ایمان و عمل صالح ارائه می‌دهد.

تفکیک میان «تنوع مشروع» و «تساهل در ارزش‌های اساسی» وجود دارد. اسلام به رسمیت شناختن تنوع در علایق، سلیقه‌ها و حتی بخشی از عقاید شخصی را مجاز می‌داند، اما در برابر ارزش‌های کلانی که جامعه را از انحراف باز می‌دارد، قاطع است. آیاتی مانند: «وَلَا تَتَّبِعُوا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ» (نساء: ۳۲)؛ برتری‌هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید! تنوع در مواهب و جایگاه‌ها را طبیعی می‌داند، اما در عین حال، خط قرمزهایی مانند حجاب را به عنوان حریمی برای حفظ عفت عمومی و استحکام خانواده تعیین می‌کند. این خط قرمزها نه برای ایجاد تفرقه، بلکه برای ایجاد «هویت مشترک اخلاقی» است.

حجاب به عنوان یک قانون اجتماعی است، نه صرفاً یک عبادت فردی. در نگاه اسلامی، احکامی مانند حجاب تنها یک تکلیف شخصی نیستند، بلکه دارای آثار اجتماعی حفظ حریم‌ها، کاهش تهییج جنسی و تقویت نگاه ابزاری نشدن به زن هستند. از این رو، رعایت آن در جامعه اسلامی – حتی از سوی غیر معتقدان – در راستای حفظ «نظم اخلاقی عمومی» است؛ نظامی که خود بستر ساز وحدت سالم و جلوگیری از فروپاشی فرهنگی است.

پیامبر اکرم ﷺ در مدینه با وجود تنوع قومی و دینی (مسلمانان، یهودیان، مشرکان)، قوانین اسلامی را در حوزه عمومی جامعه حاکم کرد. این قوانین نه تنها باعث تفرقه نشد، بلکه با ایجاد نظم عادلانه و هویت مشترک، امنیت و انسجام بی سابقه‌ای پدید آورد. قرآن در توصیف این جامعه می‌فرماید: «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ (انفال: ۶۳)؛ این الفت، ناشی از پذیرش نظام ارزشی مشترک در عین احترام به تفاوت‌های مجاز بود.

قرآن ممنوعیت نسبت به اکراه در عقیده، اما لزوم رعایت قوانین عمومی تأکید دارد و به صراحت می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ (بقره: ۲۵۶). این آیه ناظر به عقیده قلبی است، اما در عرصه اجتماع، قوانین عمومی برای حفظ مصالح جامعه وضع می‌شوند. همان‌گونه که قوانین مدنی مانند مالیات یا قوانین راهنمایی و رانندگی، برای همه لازم‌الاجراست، حتی اگر برخی با فلسفه آن مخالف باشند، قوانین اسلامی دارای اثر اجتماعی نیز تابع همین منطق هستند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت: وحدت مطلوب در اسلام، «وحدت در عین کثرت مشروع» است، نه وحدتی که مبتنی بر نادیده گرفتن ارزش‌های بنیادین باشد. احکامی مانند حجاب به مثابه «قوانین عمومی مبتنی بر مصالح اجتماعی» تفسیر می‌شوند که هدف آن حفظ سلامت اخلاقی جامعه و تقویت نهاد خانواده است. اجرای این قوانین در چهارچوب حکومت دینی، نه تنها تهدیدی برای وحدت نیست، بلکه با ایجاد هویت مشترک و صیانت از حریم‌ها، وحدتی پایدار و عمیق را محقق می‌سازد. بنابراین، جمع بین وحدت و حفظ ارزش‌های دینی، براساس حکمت الهی و سیره معصومان علیهم‌السلام کاملاً ممکن و ضروری است.

## ۶-۱۱-۷. شبهه هفتم

**شبهه:** «آیا ارزش‌گرایی با وحدت‌گرایی در جامعه ایرانی قابل جمع است؟»

**پاسخ:** به صورت اصولی، ارزش‌گرایی دینی و وحدت‌گرایی ملی نه تنها قابل جمع‌اند، بلکه در تجربه ایران معاصر، شرط تقویت همدیگر بوده‌اند.

(الف) تبیین دو مفهوم در بستر ایران: ارزش‌گرایی در گفتمان جمهوری اسلامی یعنی محوریت توحید، عدالت، کرامت انسانی، عزت و استقلال، و نفی سلطه‌پذیری؛ این‌ها عناصر اصلی هویت فرهنگی ایرانیان هم معرفی شده‌اند. وحدت‌گرایی در جامعه ایرانی به معنای «وحدت در کثرت» است: حفظ تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی، در عین شکل‌گیری یک هویت مشترک ملی و دینی؛ ادبیات علوم اجتماعی ایران هم صریحاً این رویکرد سوم را در برابر دو افراط «ذوب خرده‌فرهنگ‌ها» و «گسست کامل» پیشنهاد می‌کند.

(ب) چرا ارزش‌گرایی و وحدت، متضاد تعریف می‌شوند؟

چالش معمول این است که بعضی می‌گویند: هرچه بر ارزش‌های دینی و انقلابی تأکید شود، اقشار یا گرایش‌های دیگر طرد می‌شوند و وحدت آسیب می‌بیند؛ در مقابل، برخی می‌پندارند وحدت یعنی کم‌رنگ کردن ارزش‌ها و رفتن به سمت نسبی‌گرایی. بررسی اندیشه امام خمینی رهبر انقلاب نشان می‌دهد که هر دو، وحدت ملی و اسلامی را دقیقاً بر بستر همان ارزش‌ها (ایمان، عدالت، آزادی، استقلال، مقابله با استکبار) تعریف کرده‌اند؛ یعنی ارزش‌محوری را شرط وحدت پایدار می‌دانند، نه مانع آن.

(پ) الگوی «وحدت در ارزش‌های مشترک»: در اسناد تربیتی و تحلیلی داخلی، بر این نکته تأکید شده که نظام رسمی باید هم‌زمان دو کار کند: از یک‌سو

ارزش مدار و عدالت محور باشد، از سوی دیگر، «ارزش مداری عقلانی» را جای‌گزین تحمیل و اجبار کور کند. این مدل می‌گوید: ارزش‌ها، ستون فقرات هویت ملی و مبنای همبستگی‌اند (مثلاً عدالت، معنویت، عزت، نوع‌دوستی). اما تحقق آن‌ها نیازمند عقلانیت، گفت‌وگو، تحمل تفاوت سلیقه‌ها و مشارکت اقوام و مذاهب مختلف در یک چهارچوب حقوقی عادلانه است.

ت) تجربه انقلاب اسلامی و وحدت: به گواه تاریخ تضعیف ارزش‌ها و باورهای دینی، مستقیماً وحدت ملی را تهدید کرده است؛ چون دین در ایران، یکی از عمیق‌ترین مشترکات هویت جمعی است. امام خمینی ره و پس از ایشان، رهبر انقلاب، به طور مکرر تأکید کرده‌اند که وحدت، «دستوری و صوری» نیست؛ ریشه در اعتقادات و ارزش‌های مشترک دارد و باید بر پایه عدالت، مقابله با تبعیض، احترام به حقوق اقوام و مذاهب و تمرکز بر دشمن مشترک (استکبار، صهیونیسم، تجزیه طلبی) ساخته شود.

ث) لوازم جمع کردن این دو در جامعه ایرانی: برای این که ارزش‌گرایی به وحدت ضربه نزند، حداقل سه شرط لازم است:

تبیین عقلانی ارزش‌ها، نه صرفاً خطابه عاطفی؛

تفکیک «اصول ارزشی ثابت» از «سلیقه‌ها و سیاست‌های قابل نقد»؛

رعایت عدالت حقوقی و رفع تبعیض تا اقوام و گروه‌ها احساس حاشیه‌نشینی نکنند.

در مقابل، برای این که وحدت‌گرایی به نسبی‌گرایی و بی‌هویتی نلغزد باید:

محورهای ثابت هویتی (ایمان به خدا، احترام به پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام)،

استقلال، تمامیت ارضی، قانون اساسی) به عنوان «خط قرمز مشترک» پذیرفته شوند؛

اختلافات سیاسی و مذهبی در چهارچوب همین اصول و با حفظ مرزبندی با دشمنان بیرونی مدیریت گردد.

## ۶-۱۲. نتیجه نهایی

این محور ثابت می‌کند که انسجام اجتماعی، یک سیستم دفاعی فعال و چندلایه است که بقای جامعهٔ ایمانی را تضمین می‌کند. هستهٔ آن، وحدت حول «حبل الله» (محورهای الهی و آرمانی مشترک) است که هر تهدیدی علیه آن، حمله به خط قرمز نظام تلقی می‌شود. موفقیت در گرو تبدیل سه مؤلفه به یک چرخهٔ عملیاتی زنده است: ساخت معنای مشترک (توسط روحانیون)، ساخت شبکهٔ اعتماد (توسط مردم و بسیج) و ساخت قدرت بازدارندهٔ قاطع (توسط پاسداران و فرماندهان).

نتیجهٔ نهایی، ایجاد جامعه‌ای خودکفا، نفوذناپذیر و تاب‌آور است که توطئه‌های تفرقه‌افکنانه دشمن را نه تنها خنثی می‌کند، بلکه آنها را به عاملی برای تقویت همبستگی درونی تبدیل می‌نماید. این انسجام، تبدیل پایداری درونی به بزرگ‌ترین قدرت راهبردی نظام است.



محور هفتم:

## ولایت‌مداری و حفظ فرماندهی واحد

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹).  
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید  
پیامبر خدا و اولو الامر [اوصیای پیامبر] را.

### ۷-۱. هدف کلان

تحکیم نظام فرماندهی واحد و انسجام درونی جامعه و نهادها بر پایه  
ولایت‌مداری آگاهانه، به‌منظور مصون‌سازی راهبردی در برابر تهدیدات نفوذ و  
بحران‌ها، و تضمین هماهنگی عملیاتی در تمام سطوح برای صیانت از امنیت و  
اقتدار کلان نظام.

### ۷-۲. کارکرد کلان

حفظ فرماندهی واحد، امنیت راهبردی جامعه و سازمان‌ها و ایجاد هماهنگی  
عملیاتی در همه سطوح.

### ۷-۳. تبیین محوری

ولایت، قطب‌نمای عبور از فتنه‌ها و مسیر امن مقابله با نفوذ دشمن است. جامعه یا  
سازمان بدون محور ولایت، در بحران‌ها و فتنه‌ها به سرعت دچار پراکندگی و غفلت  
می‌شود و تصمیمات غیرهماهنگ، زمینه شکست و نفوذ دشمن را فراهم می‌کند.

## ۴-۷. مؤلفه‌های اساسی (با استناد قرآنی)

### ۴-۷-۱. پذیرش اصل ولایت الهی

در میدان نبرد شناختی، دشمن اصلی‌ترین هدف خود را نه تنها تضعیف اراده جمعی، بلکه مستقیماً قطع پیوند مردم با مرجعیت الهی و ایجاد تردید در مشروعیت رهبری دینی قرار داده است. او می‌کوشد با تحریف مفاهیم، ارائه الگوهای جای‌گزین حکمرانی و ترویج فردگرایی افراطی، زمینه جدایی امت از محور ولایت را فراهم کند. در برابر این تهدید هستی‌سوز، قرآن کریم رویکردی بنیادین و غیرقابل مسامحه ارائه می‌دهد و پذیرش ولایت الهی را نه یک انتخاب سیاسی یا اجتماعی، بلکه اصل اساسی تکمیل‌کننده ایمان و شرط بقای هویت دینی جامعه معرفی می‌کند. براساس آموزه‌های قرآنی، این ولایت که تجلی حاکمیت مطلق خداوند و اطاعت از «اولی الامر» منصوب از سوی اوست، تنها محور وحدت‌بخش، جهت‌دهنده و تضمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی امت است و سپر نفوذناپذیر در برابر هرگونه انحراف و استحاله به‌شمار می‌رود.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده: ۶۷)؛ ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند.»

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳)؛ امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به‌عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.»

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ

زَاكِيْنَ (مانده: ۵۵)؛ سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همان ها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند.»

### ب) پیام ها و نکات راهبردی

- اهمیت محوری ابلاغ ولایت: این امر الهی آن قدر سرنوشت ساز است که خداوند انجام کامل رسالت پیامبر ﷺ را به آن مشروط می کند: «وَإِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»؛
- اطمینان بخشی الهی: پیامبر ﷺ برای ابلاغ این امر مهم، از حمایت و عصمت الهی برخوردار است: «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ.» این نشان می دهد که پذیرش ولایت، در مسیر حمایت خداوند است؛
- خط مرزی ایمان و کفر: عمل به این دستور (ابلاغ و پذیرش ولایت) معیاری برای تشخیص هدایت از ضلالت است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛
- ولایت، مکمل دین: نعمت اسلام و دستورات الهی بدون مسئله ولایت، ناقص می ماند. این آیه اعلام می کند که با نزول این دستور (ولایت)، «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»؛
- ولایت، بزرگ ترین نعمت: ولایت تنها یک حکم حکومتی نیست، بلکه «أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» است و بالاترین نعمت الهی بر جامعه مؤمنین به شمار می رود؛
- ولایت، مایه رضایت الهی پذیرش ولایت، شرط رضایت خداوند از دین پیروان است: «وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛
- انحصار ولایت: ولایت و سرپرستی حقیقی جامعه مؤمنان، منحصرأ در اختیار سه گانه الله، رسول و مؤمنان دارای وصف خاص است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا». کلمه «إِنَّمَا» بر این انحصار تأکید می کند.



## پ) کلام و اندیشه ولایت

اساسی‌ترین مسئله دین، مسئله ولایت است؛ چون ولایت، نشانه و سایه توحید است. ولایت، یعنی حکومت؛ چیزی است که در جامعه اسلامی متعلق به خداست، و از خدای متعال به پیامبر، و از او به ولی مؤمنین می‌رسد.<sup>۱</sup>

بزرگ‌تر از نعمت ولایت نعمتی نیست ... جامعه‌ای که دارای ولایت شد، مانند مرده‌ای است که دارای جان شده است ... جامعه‌ای که ولایت ندارد استعدادها در این جامعه هست، اما خنثی می‌شود، به هدر می‌رود، نابود می‌شود، هرزی می‌رود و یا بدتر به زبان انسان به کار می‌رود، مغز دارد و می‌اندیشد، اما می‌اندیشد برای فساد آفرینی، می‌اندیشد برای انسان‌کشی، می‌اندیشد برای عالم‌سوزی، می‌اندیشد در راه بدبخت کردن انسان‌ها، می‌اندیشد برای محکم کردن پایه‌های استثمار و استبداد و استکبار؛ چشم دارد، اما آنچه باید ببیند نمی‌بیند و آنچه باید نبیند می‌بیند؛ گوش دارد اما سخن حق را نمی‌شنود ... جامعه دارای ولایت، جامعه‌ای می‌شود که تمام استعدادهای انسانی را رشد می‌دهد، همه چیزهایی که برای کمال و تعالی انسان خدا به او داده اینها را بارور می‌کند، نهال انسانی را بالنده می‌سازد، انسان‌ها را به تکامل می‌رساند، انسانیت‌ها را تقویت می‌کند. در این جامعه، ولی، یعنی حاکم؛ همان کسی که همه رشته‌ها به او برمی‌گردد، جامعه را از لحاظ مشی عمومی در راه خدا می‌اندازد و دارای ذکر خدا می‌کند، از لحاظ ثروت، تقسیم عادلانه ثروت به وجود می‌آورد، سعی می‌کند نیکی‌ها را اشاعه بدهد، سعی می‌کند بدی‌ها را ریشه‌سوز و محو کند: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ...»<sup>۲</sup> به هر حال وقتی که

۱. بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌السلامه پس از اقامه نماز جماعت در روز ۲۹ رمضان ۱۴۱۱، ۱۳۷۰/۱/۱.

۲. حج (۲۲)، آیه ۴۱.

ولایت در جامعه‌ای بود، اینها انجام می‌گیرد: اقامه صلات، ایتای زکات، امر به معروف و نهی از منکر و خلاصه پیکر بی جان، جان و حیات می‌گیرد.<sup>۱</sup>

#### ۷-۴-۲. اطاعت آگاهانه از ولی الهی

در برابر تلاش دشمن برای تبدیل رهبری به موضوعی اختلاف برانگیز و تضعیف اقتدار مشروع نظام، قرآن کریم تنها راه نجات را در اطاعت آگاهانه و نظام‌مند از ولی الهی می‌داند. دشمن می‌کوشد با ترویج فرهنگ نافرمانی، تفسیرهای خودسرانه و تقدس‌زدایی از فرماندهی، جامعه را به سمت هرج و مرج و از دست دادن قطب نمای الهی سوق دهد. در رویارویی با این توطئه، قرآن رویکردی روشن و عمل‌گرا دارد و اطاعت از «اولی الامر» را نه یک وظیفه تحمیلی، بلکه تکمیل‌کننده منطقی ایمان و تنها مسیر حفظ انسجام، کارآمدی و هدایت جمعی معرفی می‌کند. این اطاعت که ریشه در معرفت و بصیرت نسبت به جایگاه ولایت دارد، سپر جامعه در برابر پراکندگی، سردرگمی و انحراف در پیچیدگی‌های جنگ ترکیبی است. براین اساس، وفاداری عملی به فرامین ولایی، تجلی عینی پذیرش حاکمیت الهی و ضامن ماندگاری نظام در مسیر حق است. آیات قرآن کریم در ادامه، با صراحت بر وجوب این اطاعت از خدا، پیامبر و اولی الامر، و پیامدهای سازنده آن تأکید می‌ورزند.

#### الف) آیات و شواهد قرآنی

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹)؛ ای کسانی که

ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو

الأمر [اوصیای پیامبر] را.»

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در مسجد امام حسن علیه السلام مشهد، ۱۳۵۳/۷/۲۱.

الصَّابِرِينَ (انفال: ۴۶)؛ خدا و رسول را اصاعت کنید و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است.»

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (نساء: ۶۵)؛ به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- وجوب و اولویت اطاعت: اطاعت از خدا، پیامبر ﷺ و اولی الامر، یک دستور الهی و نشانه ایمان است و اطاعت از پیامبر، در حقیقت اطاعت از خداست؛
- حفظ وحدت و قدرت: اطاعت و اجتناب از نزاع و کشمکش، عامل حفظ قدرت، شوکت جامعه اسلامی و مانع سستی و شکست است؛
- تسلیم کامل قلبی: ایمان واقعی مستلزم آن است که پس از رجوع به داوری خدا و رسول، هیچ ناراحتی و اعتراضی در دل نسبت به حکم آنان باقی نماند و تسلیم محض باشند؛
- مفهوم اطاعت آگاهانه: اطاعت مطلوب، صرفاً اجرای صوری دستور نیست. اطاعت باید همراه با فهم، بصیرت و درک منطق و فلسفه فرامین باشد. این سطح از اطاعت است که در بحران‌ها هماهنگی ایجاد کرده و از نفوذ دشمن جلوگیری می‌کند؛
- اولی الامر به عنوان مرجع نهایی: در صورت بروز هرگونه اختلاف و تنازع، بازگشت‌گاه نهایی فقط باید به خدا (قرآن) و رسول ﷺ باشد. این راهکار، بهترین سرانجام را به همراه دارد.

#### ۷-۴-۳. اجتناب از تفرقه و نزاع

در استراتژی جنگ ترکیبی، دشمن به خوبی می‌داند که یک جامعه متحد حول محور ولایت، شکست‌ناپذیر است؛ بنابراین تمام تلاش خود را بر ایجاد شکاف، دامن زدن به اختلافات جناحی و تحریک نزاع‌های داخلی متمرکز می‌کند تا این محور واحد را تضعیف و جامعه را از درون متلاشی سازد. در برابر این توطئه ویرانگر، قرآن کریم با قاطعیتی بی‌بدیل، ولایت‌مداری را مساوی با وحدت کلمه و حرام دانستن هرگونه تفرقه و نزاع معرفی می‌کند. آموزه‌های قرآنی به روشنی نشان می‌دهند که تفرقه، نه یک اختلاف سلیقه ساده، بلکه نوعی نافرمانی از فرمان الهی و خروج از دایره ولایت است که نتیجه آن سستی، شکست و از دست رفتن عزت جمعی است. بنابراین، اجتناب از نزاع و حفظ انسجام، تکلیفی شرعی و تنها سپر واقعی در برابر پروژه‌های تفرقه‌افکنانه دشمن به شمار می‌رود.

#### الف) آیات و شواهد قرآنی

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال: ۴۶)؛ و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع (و کشمکش) نکنید، که سست شوید و قدرت (و شوکت) شما از بین برود.»

#### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- تقدم اطاعت بر وحدت: دستور به اطاعت از خدا و رسولش، مقدم بر نهی از نزاع است. این نشان می‌دهد که مبنای واقعی وحدت، پیروی از یک محور مشترک (خدا و رسول) است؛
- نهی قاطع از نزاع: عبارت «وَلَا تَنَازَعُوا» یک فرمان قطعی است. نزاع و کشمکش (در امور کلان و اصولی) به هر شکل و با هر توجیهی، برای جامعه ایمانی ممنوع است؛

- نتیجه حتمی تفرقه: آیه با صراحت دو عاقبت سوء نزاع را بیان می‌کند:
- سستی و شکست روانی: «فَتَفْشَلُوا» تفرقه باعث از بین رفتن روحیه، اراده و استقامت جمعی می‌شود؛
- زوال قدرت و اقتدار عینی: «وَتَذْهَبَ رِیْحُکُمْ» ریح به معنای قدرت، شوکت، هیبت و توانایی پیروزی است. تفرقه، سرمایه اجتماعی و توان عملیاتی جامعه را نابود می‌کند؛
- ولایت، محور رفع تفرقه: این آیه در ادامه آیات ولایت، نشان می‌دهد که وجود ولیّ امر الهی که اطاعتش در راستای اطاعت از خداست، عینیت بخشیدن به همان محور مشترک برای جلوگیری از نزاع است؛
- امنیت‌ساز بودن وحدت: اجتناب از تفرقه، یک دستور اخلاقی صرف نیست؛ یک ضرورت راهبردی برای حفظ امنیت، قدرت و مانع‌زدایی از نفوذ دشمن است. جامعه متفرق، در برابر تهدیدات آسیب‌پذیر است؛
- هشدار به نخبگان و فرماندهان: این آیه خطاب به کل جامعه مؤمنان است، اما مسئولیت رهبران، فرماندهان و نخبگان در ایجاد همدلی و جلوگیری از شکاف‌ها به مراتب سنگین‌تر است، زیرا نزاع آنان عواقب گسترده‌تری دارد؛
- نظم تشکیلاتی، جلوه‌ای از اجتناب از نزاع: یکی از مصادیق عملی اجتناب از نزاع، تمکین به نظم تشکیلاتی و سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری تحت نظر ولیّ امر است تا تصمیمات هماهنگ و یکپارچه اتخاذ و اجرا شود.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

- مراقب باشید، نمی‌شود هر کسی را به مجرد یک خطا یا اشتباهی گفت منافق؛
- نمی‌شود هر کسی را به مجرد اینکه یک کلمه حرفی برخلاف آنچه که من و

شما فکر می‌کنیم زد، بگویم او ضد ولایت فقیه است. در تشخیص‌ها خیلی باید مراقبت کنید.<sup>۱</sup>

- من معتقدم که جوان مملکت بایستی در همه میدان‌ها حضور و آمادگی داشته باشد؛ منتها با انضباط.... حتی اگر یک حرفی که خون شما را به جوش می‌آورد به زبان آورند - مثلاً فرض کنید اهانت به رهبری کردند - باز هم باید صبر و سکوت کنید. اگر عکس مرا هم آتش زدند و یا پاره کردند، باید سکوت کنید. نیروی‌تان را برای آن روزی که کشور به آن نیازمند است، برای آن روزی که نیروی جوان و مؤمن و حزب‌اللهی باید در مقابله با دشمن بایستد، حفظ کنید.<sup>۲</sup>

#### ۷-۴-۴. تسلیم و رضایت قلبی

دشمن در نبرد شناختی، نه تنها به دنبال ایجاد نافرمانی عملی، که در پی تخریب آرامش درونی و ایجاد نارضایتی پنهان نسبت به فرامین ولایتی است. او می‌کوشد با القای شبهه، بزرگ‌نمایی دشواری‌ها و ترسیم آینده‌ای تاریک، رضایت قلبی مردم را از مسیر نظام به تلخی بکشاند. در برابر این حمله به عمیق‌ترین لایه‌های ایمان، قرآن کریم ولایت‌مداری کامل را فراتر از اطاعت ظاهری، در گرو «تسلیم قلبی» و «رضایت باطنی» می‌داند. این سطح از ایمان، جامعه را در طوفان‌های سهمگین بحران، مصون از لغزش‌های درونی و شک‌های مخرب نگه می‌دارد. چنین رضایتی، پادزهر کارآمدی در برابر سم‌پاشی‌های یأس‌آفرین دشمن و سرمایه‌بی‌بدیل برای پایداری بلندمدت است.

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور، ۱۳۸۸/۹/۴.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در پی حادثه کوی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸/۴/۲۱.

## الف) آیات و شواهد قرآنی

«فَلَا وَرَيْكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (نساء: ۶۵)؛ پس سوگند به پروردگارت که آنان [به راستی] ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه در اختلافات خویش تو [ای پیامبر] را داور قرار دهند، و سپس از حکمی که می‌دهی در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.

## ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- سوگند الهی بر صحت محتوا: شروع آیه با «فَلَا وَرَيْكَ» (سوگند به پروردگارت) نشان می‌دهد که محتوای این آیه از اهمیت بنیادین و قطعیت برخوردار است. این یک حکم عادی نیست، بلکه پایه‌ای از پایه‌های ایمان است که خداوند بر آن سوگند یاد می‌کند؛
- ولایت‌مداری قلبی، نه فرمالیته‌اداری: این آیه نشان می‌دهد ولایت‌مداری مورد انتظار، فراتر از اطاعت ظاهری و اداری است. قلب‌ها باید پیشاپیش، مطیع و مشتاق فرمان ولیّ باشد. این عمیق‌ترین سطح امنیت درونی نظام است؛
- پیشگیری از نفوذ از طریق وحدت قلوب: اگر دل‌ها با حکم ولیّ یکی باشد، هیجان‌های کاذب، شایعات و اختلاف‌افکنی‌های دشمن (نفوذ) اساساً جایی برای اثرگذاری نخواهند یافت. این تسلیم قلبی، قوی‌ترین سد در برابر جنگ روانی است؛
- معیار سنجش ایمان و وفاداری: این آیه یک معیار عملی و درونی برای سنجش ایمان افراد و گروه‌ها ارائه می‌دهد: رفتار آنان در برابر حکم ولیّ و واکنش باطنی‌شان نسبت به آن.
- تکمیل‌کننده حلقه اطاعت آگاهانه: این آیه حلقه اطاعت آگاهانه را کامل

می‌کند. اطاعت آگاهانه منجر به رضایت قلبی می‌شود و رضایت قلبی نیز موجب تسلیم عملی کامل خواهد شد.

#### ۷-۴-۵. دوستی و نصرت اولیای الهی

دشمن در جنگ ترکیبی، برای بی‌اثر کردن اقتدار رهبری، تنها به جلوگیری از اطاعت بسنده نمی‌کند، بلکه می‌کوشد پیوند عاطفی و روحی میان امت و ولایت را قطع کند و آن را به رابطه‌ای سرد، رسمی و صرفاً وظیفه‌محور تقلیل دهد. در برابر این تلاش برای بی‌روح‌سازی حکومت دینی، قرآن کریم ولایت‌مداری را فراتر از یک رابطه حقوقی، به «مودت» (دوستی قلبی) و «نصرت» (یاری فعال) تعریف می‌کند. این سطح از ارتباط، جامعه را به پیکره‌ای زنده و پرشور تبدیل می‌کند که در آن، دفاع از ولایت چون دفاع از عزیزترین کسان است. چنین پیوندی، سدی نفوذناپذیر در برابر پروپاگانداهای بیگانه‌ساز و منبع بی‌پایانی از انرژی و فداکاری برای پیشبرد آرمان‌های نظام است.

#### الف) آیات و شواهد قرآنی

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ (شوری: ۲۳)؛ بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم، مگر مودت و دوستی درباره خویشاوندانم [اهل بیتم].»

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (مائده: ۶۷)؛ ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از خطرات احتمالی (مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند.»



## ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- ولایت، عین رسالت: درخواست مودت به‌عنوان پاداش رسالت پیامبر ﷺ، نشان می‌دهد که دوستی با خویشاوندان و یثۃ آن حضرت (اهل بیت ﷺ)، جزء جدایی‌ناپذیر و هدف غایی دعوت ایشان است؛
- تکلیف عمومی و دائمی: این درخواست، خطاب به همهٔ مسلمانان در همهٔ اعصار است. بنابراین، مودت نسبت به اهل بیت ﷺ، یک وظیفهٔ همگانی و همیشگی است، نه یک رابطهٔ احساسی اختیاری؛
- مبنای عاطفی اطاعت: این آیه تأکید می‌کند که اطاعت از ولایت باید بر پایهٔ محبت و دل‌بستگی قلبی استوار باشد. مودت بستر روانی و عاطفی سالمی برای اطاعت فراهم می‌کند؛
- تعیین مصداق از سوی شریعت: کلمهٔ «الْقُرْبَى» به‌روشنی به افراد مشخصی اشاره دارد که مودت نسبت به آنان واجب است. این مصادیق را خداوند و رسولش ﷺ معرفی کرده‌اند (اهل بیت عصمت و طهارت)؛
- نصرت، شرط بقای دین: اهمیت امر ولایت (که در غدیر خم ابلاغ شد) آن‌قدر حیاتی است که عدم ابلاغ آن، مساوی با عدم انجام رسالت معرفی شده است. به تبع، نصرت و حمایت از این ولایت پس از ابلاغ، شرط حفظ و بقای دین است؛
- نصرت، تکلیفی فراتر از همراهی ساده: نصرت ولّی الهی تنها به معنای همراهی در جنگ نیست، بلکه شامل دفاع فکری و فرهنگی، بسیج اجتماعی، تأمین زمینه‌ها و مقاومت در برابر تمامی توطئه‌ها برای تحقق حکومت اوست؛
- مسئولیت همگانی در نصرت: از آنجا که این امر به‌طور عمومی ابلاغ شده،

مسئولیت نصرت، متوجه کل امت است. هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند خود را از این تکلیف مبرا بداند؛

- عصمت الهی پشتیبان نصرت: وعده خداوند مبنی بر «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» به پیامبر ﷺ در هنگام ابلاغ این امر خطیر، نشان می‌دهد که ناصران طریق ولایت، تحت حمایت و عنایت خاص الهی هستند؛
- مودت، موتور محرک نصرت: رابطه مودت و نصرت یک رابطه علی و دوطرفه است. مودت عمیق، خودبه‌خود به نصرت عملی می‌انجامد و نصرت در راه ولی، عمق و صفای مودت را افزایش می‌دهد؛
- نظام تربیتی ولایی: جامعه ولایی باید به‌گونه‌ای تربیت شود که محبت به اهل بیت ﷺ از یک احساس فردی فزاینده و به یک ارزش اجتماعی تبدیل‌کننده و مسئولیت‌آفرین مبدل گردد؛
- آزمون عملی ایمان: میزان و کیفیت نصرت عملی از ولایت، معیار واقعی سنجش عمق مودت و صدق ایمان افراد و جامعه است؛
- استمرار تاریخی تکلیف: همان‌گونه که پیامبر ﷺ مأمور به ابلاغ ولایت شد، امت نیز تا همیشه مأمور به حراست، تبیین، دفاع و نصرت این اصل و جانشینان بر حق آن (ائمه معصومین) هستند.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

یک روز امام فرمود: «امروز اسلام محتاج کمک شما جوان‌هاست.» بعد از ظهرش بنده به خیابان‌ها آمدم و کاری داشتم. دیدم مثل روزهای اول انقلاب شده و مردم به طرف پاوه در حرکتند. این ماجرا و این صحنه، بارها تا آخر جنگ تکرار شد. هر وقت که اسم اسلام و فرمان امام به گوش مردم می‌رسید - فرمان امام، فرمان اسلام بود و مردم برای امام به خاطر اسلام

اهمیت قائل بودند - ناگهان می‌دیدید این ملت، به جوش و خروش در می‌آید. جوانان شهر را، ده را، دانشگاه را، بازار را، کار و کسب را، میدان فوتبال را، همه را رها می‌کنند و می‌روند. برای چه؟ برای این که جان‌شان را در معرض خطر مرگ بگذارند! این شوخی نیست! دشمن که کور نبود. دشمن اینها را دید، دشمن اینها را تحلیل کرد و فهمید این ملت عقبه‌ای دارد. فهمید تا آن عقبه هست، این ملت را با محاصره اقتصادی و با محاصره نظامی و یا چه و چه، نمی‌شود به زانو درآورد. پس، آن عقبه را باید بمباران کرد؛ فرهنگ او را، اخلاق او را، ایمان او را، ایثار او را، اعتقاد به دین او را، اعتقاد به رهبری او را، اعتقاد به قرآن و جهاد و شهادت او را؛ اینها را باید از بین برد. و شروع کرد.<sup>۱</sup>

#### ۵-۷. جمع‌بندی محور / منطق راهبردی

برای ایجاد مصونیت استراتژیک، باید نظام فرماندهی واحدی مبتنی بر اطاعت آگاهانه از ولیّ الهی ایجاد کرد. این اطاعت که ریشه در پذیرش قلبی، محبت (مودت) و یاری (نصرت) دارد، جامعه را حول یک محور مشترک متحد نگه می‌دارد. این وحدت عملیاتی از پراکندگی و غفلت در بحران‌ها جلوگیری کرده، هماهنگی کامل را ممکن ساخته و هرگونه شکاف برای نفوذ دشمن را مسدود می‌کند. بنابراین، ولایت قطب‌نمای عبور از فتنه‌ها و سد محکم در برابر نفوذ است.

#### ۶-۷. گزاره راهبردی نهایی

ولایت، قطب‌نمای عبور از فتنه‌ها و سد نفوذ ناپذیر دشمن است. جامعه‌ای که بر پایه پذیرش قلبی، اطاعت آگاهانه، وحدت عملیاتی و پیوند عاطفی با ولایت الهی شکل گرفته باشد، پنج ویژگی حیاتی را به‌دست می‌آورد: این جامعه از

۱. بیانات امام خامنه‌ای (علیه‌السلام) در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی، ۱۳۷۱/۱/۲۵.

تفرقه و تشتت مصون می ماند، زیرا ولایت تنها محور وحدت بخش است؛ در برابر جنگ روانی و شبهه افکنی دشمن مقاومت می کند، زیرا بصیرت ولایی، معیار تشخیص حق از باطل است؛ قدرت ابتکار عمل و پاسخ گویی هماهنگ در میدان های مختلف را حفظ می کند، زیرا فرماندهی واحد دارد؛ در بحران ها آرامش و تاب آوری خود را از دست نمی دهد، زیرا به وعده های الهی متصل است؛ و نهایتاً امنیت، اقتدار و مسیر پیشرفت خود را در برابر هرگونه تهدید نرم و سخت تضمین می نماید. در یک کلام، ولایت، تنها معماری حکیمانه ای است که می تواند پراکندگی را به هم افزایی، تهدید را به فرصت، و چالش را به پیروزی تبدیل کند.

## ۷-۷. چگونگی تحقق ولایت مداری و جلوگیری از نفوذ

### ۷-۷-۱. راهکارهای علمی-تبلیغی (تحکیم مبانی معرفتی ولایت و اطاعت آگاهانه)

- هدف: تبدیل اصل ولایت فقیه از یک مفهوم نظری به یک باور قلبی و الزام عملی در جان و جامعه.
- طراحی و اجرای نظام مند برنامه های آموزشی مستمر و عمیق برای تبیین فلسفه، مبانی قرآنی-عقلی و ضرورت تاریخی ولایت فقیه به عنوان استمرار ولایت معصومان (ع)؛
  - تعمیق درک نیروها و آحاد مردم از منطق قرآنی اطاعت از «اولی الامر» (نساء: ۵۹) و تبیین جایگاه ولی فقیه به عنوان مرجع دینی و سیاسی جامع الشرایط؛
  - ترویج فرهنگ «ابلاغ» و «تبیین» به عنوان تکلیف الهی (مأذنه: ۶۷) در میان فرماندهان و روحانیون، به منظور انتقال سلسله وار معارف ولایی به نسل های جدید؛

- تبیین سیره عملی پیشوایان دین علیهم‌السلام در مواجهه با بحران‌ها و فتنه‌ها، به‌عنوان الگوی عینی تشخیص مصداق ولّی و نحوه تعامل با او در شرایط پیچیده؛
- پیوند عمیق و ناگسستگی بین آموزش مفاهیم ولایت (تعلیم کتاب و حکمت) و تربیت اخلاقی-عملی (تزکیه) براساس الگوی قرآنی (جمعه: ۲)، با تقسیم مسئولیت: روحانیون متکفل تزکیه معنوی و فرماندهان متکفل تربیت عملی و انضباط مبتنی بر ولایت؛
- پاسخ‌گویی نظام‌مند و هوشمند به شبهات فکری و تاریخی حول محور ولایت‌پذیری، با افشای اهداف پنهان طرح‌کنندگان شبهات و تقویت قدرت تحلیل و تفکر انتقادی در مخاطبان؛

#### ۷-۲. راهکارهای ساختاری-تشکیلاتی (نهادینه‌سازی فرماندهی واحد و عینی‌سازی ولایت عملی)

- هدف: ایجاد ساختار منسجم، چابک و عملیاتی برای تبدیل ولایت‌مداری نظری به فرمانبرداری سازمان‌یافته و جلوگیری از تشتت و نفوذ در شرایط بحران.
- طراحی و استقرار سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری روشن و الزام‌آور در کلیه نهادهای حافظ امنیت و انسجام، به‌عنوان تجلی عملی اصل قرآنی اطاعت از «اولی الامر» (نساء: ۵۹)؛
- تبیین و آموزش رابطه‌ی علیّ مستقیم بین «اطاعت از فرماندهی مشروع»، «اجتناب از نزاع داخلی» و حفظ «قدرت و شوکت جمعی» براساس آیه «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا...» (انفال: ۴۶) به نیروها؛
- تعریف و نهادینه‌سازی سازوکار «رد» اختلافات و تصمیمات به مرجع فرماندهی عالی (ولایت فقیه در عصر حاضر) مطابق آیه «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ...» (نساء: ۵۹) به‌منظور وحدت رویه و پیشگیری از تشتت آرا؛

- تربیت و تمرین نیروها (به‌ویژه بسیج و سپاه) برای تحقق عملی «تسلیم تسلیماً» (نساء: ۶۵) در میدان عمل؛ به معنای اجرای بی‌درنگ، دقیق و هماهنگ دستورات در چهارچوب ساختار فرماندهی، بدون تأمل خودسرانه؛
- ایجاد هماهنگی حداکثری و کاهش فرصت‌های نفوذ و شکست از طریق عمل یکپارچه بازوان اجرایی نظام (بسیج و سپاه) در ذیل یک فرماندهی واحد و مشخص؛
- تبدیل سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری به مجرایی برای تحقق ولایت عملی در تمام عرصه‌ها، به‌ویژه امنیت و دفاع، و تقویت آن به‌عنوان مهم‌ترین مانع سازمانی در برابر نفوذ و ایجاد تفرقه.

### ۷-۷-۳. راهکارهای نظارتی - امنیتی (نظارت مستمر و مقابله پیشگیرانه با نفوذ)

- هدف: ایجاد سیستم ایمنی عملیاتی و دفاعی برای حفاظت از دستاوردهای آموزش و نظام‌سازی در برابر تهدیدات خزنده و پیچیده دشمن، بر پایه فرامین قرآنی هوشیاری و شناخت دشمن؛
- استقرار نظام نظارتی مستمر و فعال به‌عنوان تکلیف الهی و پاسخ به فرامین قرآنی مانند «فَاَحْذَرُھُمْ» (منافقون: ۴) و «وَلْتَعْرِفُوْهُمْ» (محمد: ۳۰) برای شناسایی و حذر از دشمنان؛
  - تخصصی‌سازی فرآیند شناخت دشمن و جریان‌های نفوذ با تمرکز بر تحلیل نشانه‌های ظریف («لَحْنِ الْقَوْلِ») در گفتار و رفتار، مطابق با منطق قرآنی شناسایی؛
  - طراحی و اجرای مکانیزم‌های پیشگیرانه برای جلوگیری از نفوذ عناصر بیگانه

به «بِطَانَةٌ» (محرم اسرار و حلقه‌های اعتماد) نظام، مطابق با هشدار قرآن (آل عمران: ۱۱۸) درباره فسادآفرینی آنان؛

- تقسیم کار و مسئولیت تخصصی در مقابله با نفوذ: نظارت و مقابله فرماندهان با بُعد سخت (امنیتی-عملیاتی) و نظارت و مقابله روحانیون متخصص با بُعد نرم (فکری-شبهه‌افکنی) نفوذ؛
- تعریف نظارت و مقابله با نفوذ سازمان‌یافته به‌عنوان مصداق عالی و کلان «نهی از منکر» (آل عمران: ۱۱۰) که نیازمند تشکیلات، تخصص و برنامه‌ریزی است؛

- نهاده‌سازی نظارت مستمر به‌عنوان «سیستم ایمنی» بدنه نظام ولایی برای حفاظت از سرمایه‌های انسانی و تشکیلاتی در برابر عملیات حساب‌شده دشمن و تکمیل چرخه حیاتی تقویت، سازماندهی و حفاظت.

#### ۷-۴. راهکارهای عملیاتی - تمرینی (تمرین و مانور عملیاتی برای درونی‌سازی ولایت‌مداری و آمادگی نبرد)

هدف: تبدیل ساختار ایستای ولایت‌مداری به یک سامانه پویا، منسجم و آماده مقابله با تهدیدات از طریق شبیه‌سازی و تمرین مستمر، مبتنی بر اصول قرآنی «اعداد» و «تجربه».

- طراحی و اجرای منظم مانورهای عملیاتی مشترک و گسترده به‌عنوان مصداق نوین «إعداد القوة» و «رباط الخیل» (انفال: ۶۰) برای ایجاد هماهنگی، بازدارندگی («ارهاب») و نمایش توان عملیاتی.

• درونی‌سازی سلسله‌مراتب فرماندهی و نظم تشکیلاتی از طریق تمرین‌های گروهی مکرر، با هدف تبدیل نیروها به «بنیان مرصوص» (صف: ۴) و ساختمانی محکم و به هم پیوسته در شرایط واقعی؛

- استفاده از مانور به عنوان «آزمایشگاه عملی» و «آیه» عبرت آموز (آل عمران: ۱۳) برای سنجش کارایی آموزش‌ها، ساختارهای فرماندهی و شناسایی نقاط قوت و ضعف پیش از رویارویی با بحران واقعی؛
- تقویت «صبر» عملیاتی و ظرفیت تحمل فشار در نیروها (انفال: ۴۶) از طریق شبیه‌سازی شرایط دشوار و پیچیده بحران در مانورها، برای جلوگیری از «فشل» (سستی و هراس) در مواجهه با تهدیدات واقعی؛
- ترویج فرهنگ «اطاعت عملی» و واکنش سریع و خودکار در میدان، به عنوان نتیجه تمرین مستمر، تا فرمان‌پذیری از ساختار ولایی در مواقع حساس به یک عادت ریشه‌دار تبدیل شود؛
- تضمین تبدیل ولایت‌مداری از یک شعار به یک فرهنگ عملیاتی آزموده و کارآمد که توانایی ایستادگی و پیروزی در برابر هرگونه نفوذ و هجمه را دارا باشد.

## ۷-۸. نتیجه راهبردی نهایی

تحقق ولایت‌مداری به عنوان «قطب‌نمای عبور از فتنه‌ها و سد نفوذ دشمن»، مستلزم ایجاد یک سامانه یکپارچه عملیاتی است. این سامانه با آموزش و تبیین، مبانی قلبی و فکری را می‌سازد؛ با نظام‌مندسازی، آن را به ساختار فرماندهی واحد تبدیل می‌کند؛ با نظارت مستمر، از گزند نفوذ مصون می‌دارد و نهایتاً با تمرین و مانور، آن را به یک فرهنگ عملیاتی کارآمد، چابک و پیروزمند مبدل می‌سازد. محصول نهایی این فرآیند، جامعه‌ای است که با انسجام درونی و هماهنگی کامل، مصونیت استراتژیک خود را در برابر تمامی تهدیدات و بحران‌ها تضمین می‌کند.



## ۹-۷. نقش آفرینان کلیدی در ولایت‌مداری و جلوگیری از نفوذ

### ۹-۷-۱. نقش پاسداران

#### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی پاسداران انقلاب اسلامی، تجسم عینی بیعت سازمان‌یافته و تبدیل ولایت نظری به اقتدار عملی است. آنان با ایفای نقش ستون نظام ولایی، هم نهادینه‌کننده و هم نگهبان و مجری فرامین ولایت در پهنه حاکمیت و جامعه هستند.

#### ب) وظایف عملیاتی

- تجسم عینی اطاعت تشکیلاتی از ولایت: پاسداران به‌عنوان نماد زندهٔ نظم، سلسله‌مراتب و فرمانبرداری کامل از فرامین ولی فقیه عمل می‌کنند. این سازمان، الگویی برای کل نظام است که نشان می‌دهد اطاعت آگاهانه از ولایت، چگونه به هماهنگی عملیاتی و قدرت تبدیل می‌شود؛
- حفاظت فیزیکی و امنیتی از نظام ولایی: مسئولیت اصلی صیانت از کیان نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه و تضمین امنیت مراکز حساس مرتبط با رهبری را بر عهده دارند. این وظیفه، بستر امن لازم برای استمرار و اقتدار ولایت را فراهم می‌سازد؛
- تبیین و ترویج گفتمان ولایت در بدنه نیروها و جامعه: پاسداران با آموزش مستمر، تولید محتوا و الگوسازی، به تبیین مبانی، فلسفه و ضرورت ولایت فقیه در میان اعضای خود و آحاد جامعه می‌پردازند و در تبدیل این اصل به یک باور ریشه‌دار نقش ایفا می‌کنند؛
- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلان ولایی: با نظارت هوشمند و

گزارش‌دهی، بر اجرای دقیق و یکپارچه سیاست‌ها و دستورات صادرشده از سوی مقام ولایت در حوزه‌های تحت مسئولیت خود و نهادهای مرتبط نظارت دارند تا از هرگونه انحراف یا کمکاری جلوگیری شود؛

- پرورش کادرهای ولایی و مدیران متعهد: یکی از وظایف راهبردی پاسداران، جذب، آموزش و پرورش نیروهای کارآمد، متخصص و عمیقاً معتقد به ولایت فقیه است تا این نیروها بتوانند در پست‌های کلان حاکمیتی، مجری امین و توانمند منویات ولایت باشند.

#### ۷-۹-۱. نقش بسیجیان

##### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی بسیج، ترویج و نهادینه‌سازی گفتمان ولایتمداری به‌عنوان قلب تپنده نظام است. این نهاد مردمی، با تبدیل این مفهوم به رفتاری جهادی در متن جامعه، پل مستحکمی بین آرمان‌های انقلاب و عینیت زندگی مردم ایجاد می‌کند.

##### ب) وظایف عملیاتی

- دفاع همه‌جانبه، مردمی و بصیرت‌محور از نظام ولایی: بسیج بر پایه منطق «مقاوم‌سازی حداکثری» و با مسئولیت «پاسداری همه‌جانبه (فکری، فرهنگی، امنیتی و اجتماعی)» شکل گرفته است. بسیجیان با افزایش آگاهی دینی و سیاسی خود و جامعه (بصیرت‌افزایی) و خنثی‌سازی تبلیغات توطئه‌های دشمن، موظفند از هویت ملی، امنیت کشور و دستاوردهای انقلاب اسلامی دفاع کنند. این یک تعهد و تکلیف شرعی محسوب می‌شود؛
- اطاعت عملی و آگاهانه از ولایت فقیه: بسیجیان می‌بایست با الهام از آیه

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹)، در تمام عرصه‌ها تجسم‌دهنده اطاعت از فرامین ولی فقیه باشند. این اطاعت آگاهانه و سازمان‌یافته، خود اصلی‌ترین عامل وحدت و انسجام داخلی و پیشگیری از تفرقه‌سازی‌های دشمن است؛

- ترویج عمقی و روش‌مند معارف ولایی: یکی از مصادیق مهم دفاع فرهنگی، ترویج عمقی و روش‌مند مبانی، فلسفه و ضرورت ولایت فقیه در سطح جامعه، به ویژه در نسل جوان است. این امر از طریق آموزش، تولید محتوا و الگوسازی انجام می‌پذیرد و به تقویت گفتمان ولایی و ایمن‌سازی فکری جامعه می‌انجامد؛
- خدمت‌رسانی جهادی و ایثارگرانه: بسیج با روحیه جهادی و ایثار، موظف به خدمت‌رسانی به مردم در جهت تحقق عدالت، رفع محرومیت و پیشرفت همه‌جانبه کشور است. این خدمت، جلوه عینی پاسداری از آرمان‌های انقلاب و تقویت پیوند بین مردم و نظام است.

## ۷-۹-۱. نقش فرماندهان و مدیران

### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی فرماندهان، تبدیل منویات ولایت به طرح‌های عملیاتی و جهادی است. آنان به عنوان حلقه واسطه کلیدی، با هدایت و ساماندهی بدنه اجرایی، روحیه انقلابی را پاس داشته و حرکت مجموعه را در مسیر آرمان‌های نظام اسلامی تضمین می‌کنند.

### ب) وظایف عملیاتی

- تبیین، تفسیر و اجرای عملیاتی منویات ولایی: مهم‌ترین وظیفه فرماندهان،

درک عمیق و ترجمه دستورات و سیاست‌های کلان ولی فقیه به برنامه‌های اجرایی و مأموریت‌های مشخص برای نیروهای تحت امر است. آنها باید فلسفه، اهداف و ضرورت تصمیمات ولایی را شفاف سازند تا اطاعت، «آگاهانه» باشد و سپس با اجرای بی‌چون و چرا و دقیق این دستورات در چهارچوب سلسله‌مراتب، عینیت بخشند؛

- الگوسازی عینی در ولایتمداری و حفظ وحدت فرماندهی: فرماندهان به‌عنوان نماد عینی نظم تشکیلاتی، باید پیشگام اطاعت آگاهانه و بی‌قید و شرط از فرامین ولایی باشند تا سرمشق عملی برای نیروها شوند. این نقش، مستلزم ایجاد و حفظ وحدت فرماندهی، جلوگیری از هرگونه انشعاب، سلیقه‌گرایی و تضمین یکپارچگی اقدامات حول محور ولایت است؛
- تربیت، توانمندسازی و هدایت نیروهای ولایی: فرماندهان مسئول پرورش نسل بعدی مدیران و نیروهای متعهد هستند. این امر از طریق توانمندسازی فکری و عملی (طراحی برنامه‌های آموزشی برای تعمیق معرفت ولایی و افزایش مهارت‌های اجرایی) و تربیت و هدایت مبتنی بر انتقال تجربه، تقویت روحیه جهادی و تزریق بصیرت انقلابی محقق می‌شود؛
- نظارت، ارزیابی و پاسخ‌گویی مبتنی بر ولایت: فرماندهان موظف به نظارت و ارزیابی مستمر بر شاخص‌های ولایتمداری و تبعیت سازمانی از خطوط کلان نظام هستند. این فرآیند با پاسخ‌گویی و گزارش‌دهی شفاف به مراجع بالادستی تکمیل می‌شود تا خطوط ارتباطی سالم با نهاد ولایت حفظ شده و امکان اصلاح و هدایت مستمر فراهم آید؛
- مدیریت جهادی و چابک‌سازی سازمان: به‌کارگیری روش‌های مدیریت جهادی برای رفع موانع، تسریع در پیشرفت‌ها، حفظ چابکی مجموعه و

تضمین پاسخ‌گویی به موقع و مؤثر به تکالیف شرعی و انقلابی، از وظایف مدیریتی کلیدی فرماندهان است.

## ۷-۹-۱. نقش روحانیون و مربیان

### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی روحانیون، استحکام بخشی پایه‌های معرفتی ولایتمداری است. آنان با نظریه‌پردازی و تبیین استوار مبانی دینی، گفتمانی پایه‌ای در جامعه ایجاد کرده و پل مستحکمی میان نصّ دین و الزامات عملی نظام اسلامی برقرار می‌کنند.

### ب) وظایف عملیاتی

- تبیین عمیق و مستدل مبانی ولایت فقیه: روحانیون موظفند با استناد به آیات قرآن، روایات معصومان (علیهم‌السلام)، استدلال‌های عقلی و فقهی، اصل ضرورت ولایت فقیه را به عنوان امتداد ولایت معصوم و نظام حکومت دینی برای عموم مردم و نخبگان تبیین کنند. این کار، پایه‌سازی دینی و مشروعیت بخشی به نظام را انجام می‌دهد؛

- پاسخ‌گویی علمی و بصیرت‌آفرینی در برابر شبهات: یکی از حساس‌ترین وظایف روحانیون، شناسایی، نقد و ردّ علمی شبهات فکری و عقیدتی است که توسط جریان‌های معاند برای تضعیف ایمان مردم و ایجاد تردید در رهبری القا می‌شود. این امر نیازمند تسلط عمیق بر علوم دینی و آگاهی از تحولات روز برای روشنگری و ایمن‌سازی فکری جامعه است؛

- تربیت و نهادینه‌سازی گفتمان ولایتمداری: روحانیون به عنوان مربیان معنوی، مسئولیت پرورش انسان‌های ولایی، متعهد و دارای بینش سیاسی عمیق را بر

عهده دارند. این تربیت باید در حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، مساجد و محلات و با تأکید بر اخلاق، تعهد و تکلیف‌مداری صورت پذیرد و از طریق برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی، گفتمان ولایتمداری را در درون نهادهای فرهنگی - دینی نهادینه کند؛

- هدایت گفتمان و وحدت‌بخشی در فضای فرهنگی - اجتماعی: روحانیون با حضور فعال در رسانه‌ها، فضای مجازی و مجالس مذهبی، موظفند گفتمان اصیل دینی و انقلابی را مدیریت و تقویت کنند. این نقش، شامل وحدت‌بخشی و میانجی‌گری آگاهانه در جامعه حول محور ولایت و جلوگیری از تبدیل اختلاف سلیقه‌ها به شکاف و تضاد با نظام است؛
- نظارت دلسوزانه و هشدار براساس ارزش‌ها: روحانیون به‌عنوان ناظران امین، وظیفه دارند با تذکر علمی و اخلاقی، بر عملکرد مدیران و نهادها از منظر التزام به ارزش‌های اسلامی و انقلابی نظارت کنند. این نظارت، شامل هشدار به موقع نسبت به انحرافات احتمالی از مسیر اصیل ولایت و پیگیری اصلاح آن به شکلی سازنده است؛
- تحکیم پیوند عاطفی و اعتقادی مردم با ولایت: روحانیون با بیان فضایل، زحمات و دغدغه‌های رهبری و تبیین مصادیق نعمت وجود ولایت در زندگی مردم، باید در تقویت پیوند دلبستگی، محبت و اعتماد بین آحاد ملت و نظام ولایی بکوشند و الگوی عملی تقدیم امر ولایت بر منافع شخصی و گروهی باشند.

## ۷-۹-۱. نقش آحاد مردم

### الف) نقش راهبردی

نقش راهبردی آحاد مردم، تأمین مشروعیت و قدرت اجرایی برای نظام ولایی

است. آنان با انتخاب و حمایت آگاهانه، نه تنها تداوم انقلاب را تضمین می‌کنند، بلکه با حضور گسترده و مسئولانه در صحنه، به سپر اجتماعی غیرقابل نفوذی تبدیل می‌شوند که نفوذ دشمن را بی‌اثر و عزم ملی را به نمایش می‌گذارند.

### (ب) وظایف عملیاتی

- تبیین مستدل و نظام‌مند مبانی نظری ولایت فقیه: روحانیون موظفند با استناد به آیات قرآن، روایات معتبر، اصول فقهی و استدلال‌های عقلی، نظام فکری و نظریه ولایت فقیه را به‌عنوان تنها نظام مشروع حکومتی در عصر غیبت برای اقشار مختلف (حوزه، دانشگاه، عموم مردم) تبیین کنند. این تبیین باید به‌گونه‌ای باشد که ضرورت، مشروعیت و انطباق آن با مقتضیات زمان به‌وضوح روشن شود؛
- پاسخ‌گویی علمی و اجتهادی به شبهات و جریان‌های انحرافی: روحانیون باید با تسلط بر منابع دینی و آگاهی از آخرین شبهات فکری-سیاسی، به نقد و رد نظام‌مند اندیشه‌ها و جریان‌هایی بپردازند که اصل ولایت، گستره اختیارات ولی فقیه یا شخصیت او را مورد هدف قرار می‌دهند. این پاسخ‌گویی باید قانع‌کننده، به‌روز و در قالب‌های گوناگون آموزشی و رسانه‌ای ارائه شود؛
- تربیت و پرورش نسل ولایی و مدیران متعهد: روحانیون به‌عنوان مربیان و اساتید، مسئولیت تربیت نیروهای عمیقاً معتقد، بصیر و کارآمد در حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و مراکز تربیتی را بر عهده دارند. این تربیت باید مبتنی بر اخلاق، تعهد، تکلیف‌مداری و بینش سیاسی عمیق باشد تا این نیروها بتوانند در پست‌های حساس فکری، فرهنگی و مدیریتی، مجریان امین منویات ولایت باشند؛

- الگوسازی عملی در تقدم‌گذاری امر ولایت: روحانیون باید در مواضع، رفتار، فتوا و سبک زندگی شخصی و اجتماعی خود، تجسم عینی ولایتمداری باشند. این یعنی اولویت قائل شدن برای مصالح نظام و فرامین ولایی بر هرگونه منافع شخصی، حزبی یا صنفی. این الگوسازی عملی، قدرتمندترین ابزار اقناع و تاثیرگذاری بر جامعه است؛
- نظارت و هشدار دلسوزانه براساس موازین شرعی: روحانیون به‌عنوان ناظران امین و دلسوز، وظیفه دارند با رعایت ضوابط شرعی و اخلاقی، بر عملکرد مدیران و نهادها از منظر التزام به ارزش‌های اسلامی و انقلابی نظارت کنند. در صورت مشاهده انحراف از خط ولایت و اصول نظام، باید به شیوه‌ای حکیمانه و سازنده تذکر و هشدار دهند و برای اصلاح آن بکوشند؛
- وحدت‌بخشی و مدیریت گفتمان در فضای عمومی: روحانیون با حضور فعال و هوشمند در رسانه‌ها، فضای مجازی، منابر و محافل عمومی، موظف به هدایت گفتمان به سمت تقویت مبانی ولایت و ایجاد و تحکیم وحدت حول این محور هستند. این نقش شامل میانجی‌گری آگاهانه برای تبدیل نکردن اختلاف سلیقه‌های مشروع به شکاف و تخاصم با نظام است؛
- تحکیم پیوند عاطفی و اعتقادی مردم با ولایت: روحانیون با تبیین فضایل، زحمات و دغدغه‌های رهبری و نیز نشان دادن تجلی نعمت ولایت در استقلال، امنیت و پیشرفت کشور، باید در تقویت پیوند عمیق عاطفی و اعتماد بین مردم و مقام ولایت بکوشند. این کار، پشتوانه اجتماعی غیرقابل نفوذی برای نظام ایجاد می‌کند.

#### ۷-۱۰. جمع‌بندی ارتقایی / تثبیت نگاه راهبردی

با ارتقای نگاه از سطح یک «محور» به یک «الگوی جامع زیست راهبردی»،



محور هفتم به ما می‌آموزد که ولایت‌مداری، صرفاً یک رابطهٔ سیاسی نیست، بلکه چهارچوب کلان مهندسی اجتماعی و مدیریت بحران در تمدن اسلامی است. این نگاه ارتقایی مبتنی بر چند تبدیل کلیدی است:

- تبدیل از اطاعت منفعلانه به «مهندسی فعال انسجام»: نظام ولایی، با تبدیل «ولایت» از یک مفهوم انتزاعی به «محور عینی تصمیم‌گیری»، یک الگوریتم واحد برای مدیریت همهٔ بحران‌ها ارائه می‌دهد. این امر، «هماهنگی» را از یک آرمان به یک خروجی قطعی و قابل پیش‌بینی از سیستم تبدیل می‌کند و بزرگ‌ترین مزیت رقابتی در مقابله با دشمن پراکنده می‌شود؛
- تبدیل از دیوار دفاعی به «سامانه پویای مصون‌سازی»: جلوگیری از نفوذ، تنها در مرزهای فیزیکی یا سخت‌افزاری تعریف نمی‌شود. این محور با تأکید بر مؤلفه‌هایی مانند «تسلیم قلبی» و «مودت»، عمق استراتژیک فرهنگی و روانی ایجاد می‌کند. نتیجه، شکل‌گیری جامعه‌ای است که نفوذ در آن، نه با کشف یک جاسوس، که با تضاد ذاتی با بافت فکری و عاطفی جامعه روبه‌رو می‌شود و خود را افشا می‌کند؛
- تبدیل از تقسیم کار ساده به «اکوسیستم هم‌افزای نقش‌آفرینی»: نقش‌های پنجگانه پاسدار، بسیجی، فرمانده، روحانی و مردم، یک زنجیرهٔ خطی نیستند، بلکه یک شبکهٔ به هم تنیده و تقویت‌کننده هستند. قدرت این مدل در تغذیه متقابل آن است: بصیرت روحانی، عمل نظامی را جهت می‌دهد؛ پشتیبانی مردمی، مأموریت بسیج را توان می‌بخشد؛ و فرماندهی واحد، همه را در یک راستا هماهنگ می‌کند. ضعف در هر حلقه، کارایی کل شبکه را کاهش می‌دهد؛
- تبدیل از شعار به «چرخهٔ کامل عمل راهبردی»: چهار مرحله «آموزش،

نظام‌مهندسازی، نظارت و تمرین»، یک چرخه حیاتی یادگیری و بهبود مستمر را ترسیم می‌کند. این چرخه تضمین می‌کند که ولایت‌مداری در گام آخر (تمرین و مانور) از حالت نظری خارج شده و به یک دانش عملیاتی نهادینه شده و یک گزینه جمعی برای روزهای بحران تبدیل شود؛

براین اساس، «ولایت‌مداری و جلوگیری از نفوذ»، یک استراتژی دفاعی انفعالی نیست؛ بلکه الگوی پیشرفت و تاب‌آوری فعال جامعه اسلامی است. این محور، زیرساخت نرم‌افزاری لازم برای هرگونه حرکت تمدنی را فراهم می‌سازد؛ زیرساختی که در آن، وحدت، محصول طراحی است نه اتفاق، امنیت، ناشی از عمق درونی است نه تنها حصار بیرونی، و قدرت، برآمده از انسجام ارگانیک تمام اجزا است نه جمع جبری آنها. تثبیت این نگاه، کلید تبدیل تهدیدات پیچیده به فرصتی برای نمایش کارآمدی الگوی نظام ولایی است.

## ۷-۱۱. شبهات و سؤالات مطرح

### ۷-۱۱-۱. شبهه اول

**شبهه:** «آیا اطاعت از ولی امر به معنای حذف عقل فردی و اختیارات شخصی نیست؟» به بیان دیگر، «آیا این دستور، «استقلال فکری» و «مسئولیت فردی» انسان را نادیده نمی‌گیرد؟»

**پاسخ:** نگرانی مذکور ناشی از یک برداشت سطحی و مکانیکی از مفهوم «اطاعت» در گفتمان ولایی است. در منظومه فکری اسلام، اطاعت از ولی امر نه تنها نافی عقلانیت فردی نیست، بلکه عالی‌ترین تجلی تعقل جمعی و عین مصلحت‌اندیشی شخصی است. دلایل این ادعا عبارت‌اند از: اولاً، مبنای این اطاعت، «آگاهی» است نه «اجبار کورکورانه». همان‌گونه

که در مباحث پیشین تأکید شد، قرآن کریم در آیه ۵۹ سوره نساء، اطاعت از اولی الامر را در ادامه اطاعت از خدا و رسول قرار داده است. این ترتیب نشان‌دهنده آن است که فرمان ولی، در امتداد وحی و شریعت است. بنابراین، عقل فردی موظف است حکمت و منطق الهی پشت این فرامین را درک کند. به عبارت دیگر، اطاعت مطلوب، «تسلیم آگاهانه‌ای» است که از بصیرت به دست می‌آید. وظیفه اصلی نهادهای تبیین‌گر مانند روحانیت و فرماندهان، نیز توضیح همین مبانی است تا اطاعت، انتخابی آگاهانه باشد.

ثانیاً، هدف این اطاعت، «ایجاد هماهنگی حداکثری» در مقیاس جامعه است، نه «سرکوب ظرفیت‌ها». عقل فردی در جایگاه خود محترم است، اما وقتی پای مصلحت کلان نظام اسلامی و امنیت جمعی در میان باشد، تدبیر عقلاً این است که همه نیروها حول یک «فرماندهی واحد» هماهنگ شوند. تاریخ نشان داده جامعه‌ای که در آن هرکس براساس تشخیص شخصی خود عمل کند، در مواجهه با بحران‌ها و فتنه‌های پیچیده (که دشمن برای ایجاد تفرقه طراحی می‌کند) به سرعت دچار پراکندگی، غفلت و سپس شکست می‌شود. اطاعت از ولایت، دقیقاً همان «عقلانیت جمعی» است که از پراکندگی جلوگیری می‌کند و امکان بهره‌گیری حداکثری از همه استعدادهای فردی را در یک مسیر واحد فراهم می‌سازد.

ثالثاً، این مدل، اختیار فرد را سلب نمی‌کند، بلکه جهت می‌دهد. اسلام انسان را موجودی مختار و مسئول می‌داند. پذیرش ولایت و اطاعت از ولی، خود یک انتخاب بزرگ عقلی و اختیاری است. فرد با اختیار خویش، تشخیص می‌دهد که در سایه این اطاعت، هم مصالح شخصی او بهتر تأمین می‌شود و هم جامعه به عزت و امنیت می‌رسد. پس از این انتخاب، طبیعی است که در

عرصه‌های کلان و در تقابل با دشمن، اراده فردی در مسیر اراده جمعی هدایت شود. این جهت‌دهی، در حقیقت آزادی از اغتشاش فکری و عملی است و فضایی امن برای شکوفایی استعدادها در چهارچوب ارزش‌ها ایجاد می‌کند. در نتیجه، اطاعت ولایی نه تنها خرد فردی را تعطیل نمی‌کند، بلکه آن را از تمرکز بر منافع محدود شخصی به سمت درک مصالح گسترده‌تر جامعه اسلامی ارتقا می‌دهد. این اطاعت، عقلانیتی برتر است که فرد را از خطر «تفرقه‌آفرینی ناخواسته» نجات می‌دهد و او را به عضوی هماهنگ و اثرگذار در یک «پیکره واحد قدرتمند» تبدیل می‌کند. تجربه عملی ثابت کرده که همین انسجام و فرماندهی واحد، قوی‌ترین سد در برابر نفوذ دشمن و کارآمدترین الگو برای عبور از بحران‌هاست.

#### ۷-۱۱-۲. شبهه دوم

**شبهه:** «آیا ولایت‌مداری با تأکید بر ولایت مطلقه فقیه با حقوق شهروندی، آزادی‌های مدنی و دموکراسی سازگاری دارد؟»

**پاسخ:** در چهارچوب نظریه رسمی جمهوری اسلامی، ولایت‌مداری با ولایت مطلقه فقیه، با حقوق شهروندی، آزادی‌های مدنی و نوعی «مردم‌سالاری دینی» قابل جمع دانسته می‌شود، هرچند منتقدان، این جمع را ناممکن یا پر مسئله می‌دانند.

**الف) معنای «مطلقه» در ولایت فقیه:** «مطلقه» بودن به معنای بی‌قید و حد بودن قدرت فقیه نیست، بلکه یعنی ولایت او فقط به «احکام اولیه» محدود نیست و در چهارچوب مصالح عالیه اسلام و با رعایت قانون اساسی، می‌تواند در قلمروهای مختلف حکومتی اعمال شود. امام خمینی<sup>ع</sup> در بحث ولایت مطلقه، تأکید می‌کند که این ولایت، مقید به

احکام شرع، مصالح امت، قانون اساسی و نظارت نهادهای برآمده از رأی مردم است؛ به تعبیر موافقان، «مطلقه» در مقابل «مقیده به باب خاص» است نه در مقابل «قانون‌مند و پاسخ‌گو».

ب) نسبت با مردم‌سالاری: «جمهوری» در عنوان نظام، شکل حکومت و اتکا به رأی مردم را تضمین می‌کند و «اسلامی» محتوا را؛ یعنی مردم‌سالاری در چهارچوب ارزش‌ها و احکام اسلامی، نه لیبرال. از این منظر مردم، حاکم را (رهبر، رئیس‌جمهور، نمایندگان) برمی‌گزینند و حق نقد و نظارت دارند، ولی چهارچوب ارزشی و برخی خطوط اصلی (مثل اصل اسلامیت و ولایت فقیه) قابل رأی‌گیری برای نفی کامل نیستند؛ به همین دلیل، از تعبیر «مردم‌سالاری دینی» به جای «دمکراسی سکولار» استفاده می‌شود.

پ) نسبت با حقوق شهروندی و آزادی‌های مدنی: در خوانش رسمی مبتنی بر نظریات و دیدگاه‌های امام خمینی<sup>ع</sup> و رهبر معظم انقلاب، حقوق شهروندی (انتخاب، اعتراض، مشارکت، امنیت، کرامت و...) نه فقط پذیرفته، بلکه «تکلیف شرعی» مردم برای نظارت و مطالبه‌گری دانسته می‌شود.<sup>۱</sup> شوراها، مجلس، انتخابات متعدد و اصل آزادی بیان در قانون اساسی، نشانه تعهد نظری ولایت فقیه به حق پرسش‌گری، نقد و انتخاب هستند؛ البته در چهارچوبی که «مانع اباحه‌گری و تخریب مبانی دین و امنیت» می‌شود. پس می‌توان در پاسخ به سؤال فوق گفت: «بله، ولایت مطلقه فقیه با حقوق شهروندی و آزادی‌های مدنی سازگار است، چون:

- مشروعیت الهی با مقبولیت مردمی جمع شده؛

۱. ر.ک. سیدمحمد موسوی بجنوردی و محمد مهریزی ثانی، حقوق شهروندی از نگاه امام

- اختیارات ولی فقیه در چهارچوب شرع، قانون اساسی و مصالح امت تعریف شده؛
- و حقوق شهروندی از طریق نهادهای انتخابی و سازوکارهای قانونی تضمین می‌شود».

### ۷-۱۱-۳. شبهه سوم

**شبهه:** «آیا ولایت‌مداری باعث تمرکز قدرت و جلوگیری از نقد نمی‌شود؟» و «آیا این ساختار، تضاد ذاتی با اصل «حکومت قانون» و «پاسخ‌گویی» ندارد؟

**پاسخ:** این شبهه، مبانی اسلامی ولایت فقیه را با الگوهای تمرکز قدرت سکولار یکسان می‌انگارد. درحالی‌که ولایت در اندیشه شیعی، بر پایه‌ای کاملاً متفاوت و مبتنی بر محدودیت‌ها و ضمانت‌های درونی بنا شده است که پاسخ‌گوی همین نگرانی‌هاست.

اولاً، مبنا و مشروعیت ولایت، خود بزرگ‌ترین مانع در برابر فساد است. ولی فقیه براساس شرایط سنگین و دقیق مانند اجتهاد مطلق، عدالت، تقوای سیاسی و اجتماعی، کاردانی و بینش صحیح، برگزیده می‌شود. این شرایط، «عدالت» را به‌عنوان ستون اصلی قرار می‌دهد. فردی که خود ملتزم به عدالت و تقوای عمیق است، اساساً به‌دنبال سوءاستفاده شخصی از قدرت نیست. قدرت برای او «تکلیف» است، نه «امتیاز». بنابراین، تمرکز در اینجا به معنای واگذاری اختیار به یک فرد عادی نیست، بلکه سپردن مدیریت به «نماینده قانون الهی» است که التزامش به عدالت، پیش‌شرط اساسی مشروعیت اوست؛ ثانیاً، ساختار نظارتی درون‌دینی و برون‌دینی، امکان خودکامگی را مسدود می‌کند. در درون نظام، نهادهای مهمی مانند مجلس خبرگان — که مسئول

گزینش، نظارت مستمر و حتی عزل ولی فقیه در صورت فقدان شرایط است. —  
 قوه قضائیه مستقل و نظارت استصوابی وجود دارند. این نهادها، قدرت ولی  
 فقیه را مطلق نمی‌گذارند، بلکه آن را در چهارچوب قانون اساسی و شرع مهار  
 می‌کنند. از سوی دیگر، فریضه امر به معروف و نهی از منکر، یک مکانیزم نقد  
 همگانی و دینی دائمی ایجاد می‌کند که بر همگان، از جمله والی، حاکم است.  
 ثالثاً، نقد سازنده نه تنها ممنوع نیست، که ضروری است. آنچه نظام ولایی با  
 آن مخالف است، «نقد مخرب»، «هتک حرمت» و «شبهه افکنی با هدف نفوذ  
 و تضعیف اساس نظام» است. اما نقد منطقی، محترمانه و دلسوزانه در  
 چهارچوب ارزش‌ها، همواره مورد تأکید رهبران نظام بوده است. تاریخ  
 جمهوری اسلامی مملو از مواردی است که مسئولان بلندپایه، سیاست‌ها و  
 حتی تصمیمات مورد حمایت رهبری، در رسانه‌ها و مجلس به نقد کشیده  
 شده‌اند. تمرکز قدرت برای تصمیم‌گیری نهایی در بحران‌ها، به معنای تعطیلی  
 نقد پیشینی و کارشناسی در فرآیند تصمیم‌سازی نیست.

در نتیجه، ولایت‌مداری شیعی، یک مدل تمرکز مسئولیت‌پذیر تحت  
 نظارت است. این مدل، قدرت را متمرکز می‌کند تا از تفرقه و ناکارآمدی در  
 شرایط سخت جلوگیری کند، اما هم‌زمان آن را در محاصره شبکه‌ای از  
 نظارت‌های حقوقی، نهادی و مردمی قرار می‌دهد که برآمده از خود تعالیم  
 اسلامی است. بنابراین، نه تنها زمینه فساد را افزایش نمی‌دهد، بلکه با قرار دادن  
 شرط عدالت و ایجاد سازوکار نظارتی، به دنبال پیشگیری ساختاریافته از فساد  
 است. تجربه تاریخی نیز نشان داده که همین تمرکز مسئولیت، موجب کارآمدی  
 در دفاع مقدس، مدیریت تحریم‌ها و عبور از فتنه‌ها شده، در حالی که نهادهای  
 نظارتی فعال مانع از انحراف کلی شده‌اند.

#### ۷-۱۱-۴. شبهه چهارم

**شبهه:** «آیا اقداماتی که تحت عنوان «مقابله با نفوذ دشمن» و «دشمن ستیزی» انجام می شود، در عمل به بهانه ای برای محدود کردن دامنه آزادی بیان، آزادی اندیشه و فعالیت های قانونی اجتماعی تبدیل نمی شود؟ آیا این رویکرد، در نهایت به حکومت امنیتی و خفه کردن فضای نقد و تنوع آرا منجر نخواهد شد؟

**پاسخ:** پاسخ به این شبهه، مستلزم درک یک اصل راهبردی بنیادین در مدیریت جامعه است: «آزادی مطلق، بدون مسئولیت و مرز، تنها در خلأ وجود دارد و در دنیای واقعی، به هرج و مرج و نابودی خود آزادی می انجامد.» مقابله با نفوذ، نه تنها نافی آزادی های مشروع نیست، بلکه ضامن حفظ فضایی است که در آن، آزادی های واقعی و سازنده امکان رشد دارند.

اولاً، تمایز قاطع بین «آزادی مشروع» و «عملیات نفوذ مخرب» کلید حل این شبهه است. نظام اسلامی، همان گونه که تجربه نشان داده، با فعالیت احزاب، انتقادات سازنده در رسانه ها و مطبوعات، و تجمعات قانونی مخالفی ندارد. آنچه با آن مقابله می شود، فعالیت سازمان یافته، پنهان یا آشکاری است که با پشتیبانی مالی، رسانه ای و علمی دشمنان خارجی، با هدف ایجاد تردید در مبانی نظام، تشتت افکار عمومی، تضعیف رهبری و نهایتاً براندازی نرم یا تغییر غیرقانونی نظام صورت می گیرد. اینها نه «آزادی بیان»، بلکه «جنگ روانی» و «عملیات براندازی» در پوشش فعالیت اجتماعی است. آیه ۱۱۸ سوره آل عمران به روشنی هشدار می دهد که نزدیک شدن به چنین عناصری «بطانة من دونکم»، پیوسته برای شما فساد و تباهی می آفریند.

ثانیاً، امنیت فکری و اجتماعی، پیش شرط تحقق هرگونه آزادی واقعی است.



تجربه تاریخی کشورهایی که دچار نفوذ گسترده شده‌اند مانند برخی کشورهای منطقه در جریان بهار عربی، نشان می‌دهد که در نبود هوشیاری و مقابله با نفوذ، اولین قربانی، آزادی و امنیت خود مردم است. وقتی جامعه در دریایی از شایعات دشمن ساخته، آشوب و بی‌ثباتی غرق شود، نه فضایی برای تفکر آزاد می‌ماند و نه امکان فعالیت اجتماعی سالم. بنابراین، مقابله با نفوذ، در حقیقت پاک‌سازی فضای عمومی از آلودگی‌های تحمیلی است تا اندیشه و عمل اصیل جامعه بتواند در محیطی سالم شکوفا شود.

ثالثاً، خط قرمزها، روشن و مبتنی بر ارزش‌های پذیرفته شده خود جامعه است. محدودیت‌های اعمال‌شده، خودسرانه و مبهم نیست. آنها حول اصول قانون اساسی، تمامیت ارضی، نظام جمهوری اسلامی و مبانی اسلام ناب تعریف شده‌اند. هر فعالیتی که صادقانه و در چهارچوب این اصول باشد، آزاد است. این چهارچوب‌گذاری، امری جهان‌شمول است؛ حتی لیبرال‌دمکراسی‌ها نیز آزادی‌هایی را که به امنیت ملی یا نظم عمومی لطمه بزند، محدود می‌کنند. تفاوت در «مبنا»ی این چهارچوب‌هاست.

در نتیجه، دشمن‌ستیزی و مقابله با نفوذ، به معنای محدود کردن آزادی‌های مشروع نیست، بلکه به معنای حراست از خاکی‌های فکری و اجتماعی جامعه در برابر حملاتی است که خود، آزادی جامعه را هدف گرفته‌اند. این اقدامات، با ایجاد یک محیط امن و باثبات، درواقع بستر لازم برای پویایی فکری سالم، نقد دلسوزانه و فعالیت اجتماعی سازنده را فراهم می‌آورد. جامعه‌ای که نتواند از خود در برابر نفوذ ویرانگر دفاع کند، به زودی تمام فضای آزادی خود را نیز از دست خواهد داد.

## ۷-۱۱-۵. شبهه پنجم

**شبهه:** «آیا تکلیف ولایت‌مداری و مسئولیت‌های آن، تنها بر عهده فرماندهان و مسئولان حکومتی است و عموم مردم، بسیجیان و نیروهای مردمی صرفاً نقش اجراکنندگان منفعل را دارند؟»

**پاسخ:** این شبهه از برداشتی ناقص از ولایت به‌مثابه یک «پست سازمانی» نشئت می‌گیرد، درحالی‌که ولایت در اندیشه اسلامی، یک «پیمان الهی-اجتماعی» و یک «رابطه دوسویه زنده» است که کل پیکره جامعه را در بر می‌گیرد. رد این شبهه بر چند پایه استوار است:

- اولاً، مبنای قرآنی ولایت، خطاب به «جمع مؤمنان» است. آیه ۵۱ سوره نور که می‌فرماید سخن مؤمنان هنگامی که به‌سوی خدا و پیامبرش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، این است که گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»، به وضوح نشان می‌دهد که موقعیت «شنیدن و اطاعت کردن آگاهانه» یک موقعیت عمومی برای همه مؤمنان است. این آیه، مخاطب را «الْمُؤْمِنِينَ» به‌صورت عام معرفی می‌کند و پاسخ «سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا» را به‌عنوان شاخصه ایمان همگان برمی‌شمارد. بنابراین، ولایت‌مداری در گام اول، یک هویت و تکلیف برای هر فرد مؤمن است، پیش از آنکه یک نقش سازمانی باشد.
- ثانیاً، کارآمدی نظام ولایی، کاملاً وابسته به مشارکت آگاهانه و فعال همه اقشار است. همان‌گونه که در تحلیل نقش‌های پنجگانه (پاسدار، بسیجی، فرمانده، روحانی، مردم) توضیح داده شد، این نظام یک اکوسیستم به‌هم‌پیوسته است. فرماندهان و مسئولان، بدون پشتیبانی فکری و عملی مردم و نیروهای مردمی مانند بسیج، تنها یک ساختار توخالی خواهند بود. نفوذ نیز دقیقاً زمانی موفق می‌شود که بتواند بین بدنه جامعه و رهبری فکری و عملی

- فاصله ایجاد کند. بنابراین، ولایت‌مداری مردم و نیروهای مردمی، تنها راه حفظ پیوند ارگانیک جامعه با رهبری و خنثی‌سازی این توطئه است.
- ثالثاً، مسئولیت‌های هر فرد، متناسب با موقعیت و توان او تعریف می‌شود، اما همه در یک چهارچوب کلی (ولایت) معنا می‌یابند. یک فرمانده وظیفه دارد دستورات کلان را به عملیات تبدیل کند، یک بسیجی وظیفه دارد در میدان اجتماعی بصیرت‌افزایی کند، و یک شهروند عادی وظیفه دارد با انتخاب درست و مطالبه‌گری هوشمند، نظام را به پیش برد. همه اینها مصادیق ولایت‌مداری هستند. اینکه یک فرد در رأس هرم تصمیم‌گیری نیست، به این معنا نیست که از دایرهٔ تکلیف نسبت به نظام ولایی خارج است. برعکس، مشروعیت و قدرت نرم نظام، مستقیماً از میزان این مشارکت آگاهانه مردمی نشئت می‌گیرد.
  - در نتیجه، ولایت‌مداری نه تنها منحصر به فرماندهان نیست، بلکه مهم‌ترین و اصیل‌ترین تجلی آن در متن جامعه صورت می‌پذیرد. نظام ولایی، یک «دیکتاتوری نخبگان» نیست، بلکه الگویی برای «مسئولیت‌پذیری عمومی» است که در آن، هر شهروند خود را نه یک رعیت، که یک سرباز آگاه در جبهه حفظ هویت و استقلال نظام می‌داند. موفقیت این نظام در آزمون‌های سخت تاریخی مانند دفاع مقدس، دقیقاً به دلیل همین درک عمومی و مشارکت فراگیر بوده است. شبههٔ یادشده، وقتی معنا پیدا می‌کند که ولایت را یک «مقام دنیوی» ببینیم، نه یک «محور معنا ساز» برای زندگی جمعی امت.

## ۱۲-۷. نتیجهٔ نهایی

ولایت‌مداری و جلوگیری از نفوذ، صرفاً یک توصیهٔ اخلاقی یا سیاسی نیست، بلکه یک الگوی مهندسی‌شده راهبردی برای تضمین بقا، امنیت و تعالی جامعه

اسلامی است. این محور با تبدیل ولایت از مفهومی انتزاعی به محور عینی تصمیم‌گیری و عمل جمعی، دو کارکرد حیاتی را محقق می‌سازد:

۱. ایجاد هماهنگی حداکثری و پیشگیری از تفرقه در شرایط عادی و

بحرانی، که بزرگ‌ترین مزیت رقابتی در مقابله با دشمن پراکنده است؛

۲. ساخت یک سامانه پویای مصون‌سازی که نفوذ دشمن را نه فقط در

مرزهای فیزیکی، بلکه در عمق فرهنگی، فکری و روانی جامعه خنثی می‌کند.

نقش‌آفرینی هماهنگ پاسداران، بسیجیان، فرماندهان، روحانیون و آحاد

مردم در قالب یک شبکه به هم پیوسته، و اجرای چرخه کامل آموزش،

نظام‌مندسازی، نظارت و تمرین، اطمینان می‌دهد که ولایت‌مداری از شعار به

غریزه عملیاتی جامعه تبدیل شود. در این الگو، وحدت محصول طراحی

هوشمندانه، امنیت برآمده از انسجام درونی، و قدرت ناشی از هم‌افزایی

ارگانیک تمام اجزاست.

به بیان دیگر، این محور زیرساخت نرم‌افزاری تمدن اسلامی را فراهم

می‌کند؛ زیرساختی که امکان تبدیل تهدیدات پیچیده را به فرصتی برای نمایش

کارآمدی، تاب‌آوری و پیشرفت نظام ولایی میسر می‌سازد.





محور هشتم:

## عدالت، مردم‌داری و اخلاق جهادی

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ  
وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نحل: ۹۰).

خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از  
فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد،  
شاید متذکر شوید!

### ۸-۱. هدف کلان

تحکیم پیوند ناگسستنی و مبتنی بر اعتماد بین نظام حق و مردم، از طریق تجلی  
عینی عدالت، خدمت صادقانه و اخلاق جهادی در تمام سطوح مدیریت و  
کنشگری، به‌عنوان قلعه مستحکم مقابله با جنگ روانی و نفوذ دشمن و تنها  
تضمین پایایی و پیشرفت جبهه حق.

### ۸-۲. کارکرد کلان

حفظ و رشد سرمایه اجتماعی، تقویت پشتوانه مردمی جبهه حق و تضمین  
استمرار مشروعیت و قدرت نرم نظام در سخت‌ترین میدان‌های نبرد و آزمایش.

### ۸-۳. تبیین محوری

مردم، ستون اصلی مقاومت و پشتیبان واقعی جبهه حق هستند. عدالت، رأفت،

خدمت و اخلاق جهادی، ضامن اعتماد و همراهی آنان است. هر غفلت در این زمینه، زمینه نفوذ دشمن و کاهش اقتدار جبهه حق را فراهم می‌کند. دشمن در جنگ ترکیبی خود، یکی از اصلی‌ترین اهداف را سست کردن این پیوند قرار می‌دهد و از طریق تبلیغات، بزرگ‌نمایی خطاها و ترویج یأس از اصلاح‌پذیری نظام، تلاش می‌کند مردم را نسبت به کارآمدی و صداقت جبهه حق بی‌اعتماد کند. در این میدان، عدالت، مردم‌داری و اخلاق جهادی مهم‌ترین سلاح‌های جبهه حق هستند. عملکرد مدیران و کنشگران جبهه حق، عملی‌ترین تفسیر از آرمان‌های نظام در چشم مردم است. بنابراین، این محور نه یک توصیه اخلاقی حاشیه‌ای، که جبهه اصلی دفاع از هسته مشروعیت نظام و کارآمدترین تبلیغ عملی در برابر جنگ روانی دشمن است.

#### ۴-۸. مؤلفه‌های اساسی (با استناد قرآنی)

##### ۴-۸-۱. عدالت و قسط

در استراتژی جنگ ترکیبی، دشمن می‌کوشد با متمرکز کردن حملات خود بر نقاط ضعف داخلی، مشروعیت و مقبولیت نظام را در اذهان عمومی نشانه رود. یکی از حساس‌ترین این نقاط، مسئله عدالت و اجرای قسط است. دشمن با بزرگ‌نمایی نابرابری‌ها و ترویج روایت «حکومت ناعادلانه»، در صدد ایجاد بی‌اعتمادی عمیق و بیگانگی تدریجی مردم از حاکمیت است. در برابر این حمله حساب‌شده، قرآن کریم نه تنها عدالت را یک فضیلت اخلاقی، بلکه آن را اساس حکمرانی، سنگ بنای مشروعیت الهی حکومت و تکلیفی غیرقابل مسامحه معرفی می‌کند. آموزه‌های قرآنی به روشنی اعلام می‌دارند که اجرای عدالت و گسترش قسط، سپر مستحکمی در برابر تبلیغات مسموم دشمن و تنها راه حفظ پیوند ناگسستنی بین مردم و نظام است. جامع‌های که در سایه عدالت

اداره شود، حتی در سخت‌ترین شرایط فشار، پناهگاه امنی خواهد بود که دشمن توان شکستن دیوارهای آن را نخواهد داشت. عدالت، پایه اعتماد اجتماعی و محور وفاداری مردم است. نادیده گرفتن عدالت، مستقیم‌ترین راه برای بیگانگی مردم از حکومت و بازی دادن به دست دشمن برای تبلیغات علیه نظام است.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (مائده: ۸)؛ عدالت کنید که به پرهیزگاری

نزدیک‌تر است.»

«لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)؛ تا مردمان به قسط (عدالت

گسترده) قیام کنند.»

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰)؛ بی‌گمان خدا به عدل و

احسان فرمان می‌دهد.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ ... اْعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى

(مائده: ۸)؛ ای مؤمنان، برای خدا قیام‌کننده و به عدالت گواه

باشید... عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

• عدالت و قسط، هدف غایی ارسال پیامبران و تشریع دین است و آرمان اصلی

حکومت حق را تشکیل می‌دهد؛

• عدالت، فرمان مستقیم الهی است و نادیده گرفتن آن، نافرمانی آشکار از

خداوند محسوب می‌شود؛

• عدالت فاقد استثناست؛ حتی نسبت به خویشاوندان و نزدیکان یا به زیان

منافع شخصی و گروهی. اولویت عدالت بر روابط خویشاوندی، یک اصل

راهبردی است؛

• عدالت، ملاک و نشانه تقوا در سطح حکومت و جامعه است؛ جامعه‌ای که

عدالت در آن نهادینه شود، به تقوای جمعی دست یافته است؛



- عدالت، تنها پایه استوار برای وفاداری و همراهی پایدار مردم با جبهه حق است. هرگونه سستی در اجرای عدالت، مستقیماً سرمایه اجتماعی نظام را تخریب می‌کند؛
- عدالت، بهترین پاسداشت از خون شهیدان و تحقق عینی آرمان‌های انقلاب است. ترویج این پیوند در اذهان عمومی، یک ضرورت است؛
- نظارت همگانی بر تحقق عدالت، باید به یک حق و تکلیف عمومی تبدیل شود.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

امروز جمهوری اسلامی احتیاج دارد به عدالت، و احتیاج دارد به تقوا؛ امروز جمهوری اسلامی نسبت به گذشته، هم در عدالت پیشرفت داشته است، هم در تقوا؛ لکن تا آن مقداری که مورد انتظار است فاصله داریم. امیرالمؤمنین را باید اسوه قرار بدهیم و در این راه به سمت آن قله حرکت کنیم. ... عدالت واجب‌ترین و اولی‌ترین خصوصیت برای اداره یک جامعه است که بایستی دنبال آن باشید. عواملی جلوی تقوای ما را می‌گیرند؛ گاهی می‌ترسیم، گاهی تردید می‌کنیم در مبانی خودمان، گاهی ملاحظه رفاقت‌ها را می‌کنیم، گاهی ملاحظه دشمن را می‌کنیم؛ اینها باید برود کنار، اینها نباید باشد. بایستی بدون ملاحظه به سمت برنامه عدالت‌آور و برنامه‌ای که تقوا را توسعه بدهد، حرکت کرد.<sup>۱</sup>

### ۸-۴-۲. رأفت و مهربانی با مردم

در میدان جنگ شناختی، دشمن اصلی‌ترین هدف خود را ایجاد گسست عاطفی و بیگانگی روانی میان مردم و حاکمیت قرار می‌دهد. او با ترویج روایت

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار روز میلاد امیرالمؤمنین (ع) و در سالگرد شهید سلیمانی،

«حکومت بی تفاوت و خشن» و بزرگ‌نمایی برخوردهای نسنجیده، می‌کوشد دیوار بی‌اعتمادی بکشد و هرگونه شکاف اجتماعی را به مجرای بی‌نفوذ تبلیغات خود تبدیل کند. در برابر این توطئه، قرآن کریم رویکردی کاملاً معکوس و کارآمد ارائه می‌دهد: رأفت و مهربانی عملی را نه یک شعار اخلاقی، بلکه سلاحی استراتژیک و بهترین دیپلماسی دفاعی در برابر جنگ نرم معرفی می‌کند. این مهربانی که در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت (ع) متجلی است، دیوار انسجام ملی را چنان مستحکم می‌سازد که تیرهای تفرقه‌افکنی دشمن در برابر آن بی‌اثر می‌ماند. جامعه‌ای که بر پایه مهرورزی حکمرانی شود، از درون ضدگلوله شده و هرگونه تلاش برای ایجاد شکاف در آن، محکوم به شکست است.

### الف) آیات و شواهد قرآنی

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْتَضَوْا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ... (آل عمران: ۱۵۹)؛ پس به [برکت] رحمتی از جانب خدا، با آنان نرمخو [و مهربان] شدی؛ و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.»

«وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (شعراء: ۲۱۵)؛ و بال [محبت و تواضع] خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند، فرود آور.»

«وَلَا تُصَيِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمُشْ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (لقمان: ۱۸)؛ متکبرانه روی از مردم برمگردان، و در زمین با ناز و غرور راه مرو، همانا خدا هیچ خودپسند فخرفروش را دوست ندارد.»

«وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا (بقره: ۸۳)؛ و با مردم با خوش‌زبانی سخن گوید.»

«وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم: ۴)؛ و بی‌گمان تو بر خلقی بزرگ [و نیکو] هستی.»

«رَحْمَاءٌ يَنْتَهُمُ (فتح: ۲۹)؛ [مؤمنان] در میان خود، مهربانند.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- رأفت و مهربانی، رحمت الهی است که به مدیران و کنشگران جبهه حق اعطا می‌شود تا وحدت و انسجام را حفظ کنند. فقدان آن، منجر به پراکندگی و انفصال مردم از نظام می‌شود؛
- رأفت، یک الزام استراتژیک برای رهبری است؛ نه یک فضیلت اخلاقی اختیاری. تندخویی و خشونت، حتی اگر در خدمت اهداف حق باشد، به از دست دادن پایگاه مردمی می‌انجامد؛
- مهربانی میان مؤمنان، ویژگی ذاتی و نشانه هویت جمعی جبهه حق است. این صفت، محیط امن عاطفی ایجاد می‌کند که در برابر تبلیغات یأس‌آور و تفرقه‌افکن دشمن مقاوم است؛
- رأفت، قدرت جذب و نفوذ کلام را به شدت افزایش می‌دهد. مردم سخن کسی را می‌پذیرند که دلش برای‌شان بتپد؛
- تواضع و فروتنی در برابر مردم، بزرگ‌ترین مانع در برابر غرور قدرت و فاصله طبقاتی کاذب بین مدیران و مردم است؛
- اخلاق بزرگ و نیکو (که رأفت بخشی از آن است)، کارآمدترین ابزار جذب دل‌ها و مقاوم‌ترین دیوار در برابر نفوذ فرهنگی و روانی دشمن است.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

ما پیام‌مان پیام اسلام است. یکی از ... عوامل انتشار اسلام رفق است... رفق یعنی همواری. رفق به معنای سستی نیست. رفق به معنای خاکریز نرم قابل نفوذ نیست. رفق یعنی ناهنجار نبودن، ناهموار نبودن، جگرخراش نبودن. این معنی رفق است. شما به یک عنصر بسیار سخت، مثل فولاد که می‌زنید، دست‌تان احساس ناراحتی نمی‌کند؛ احساس ناهنجاری و ناهمواری نمی‌کند. رفق —

نرمی به این معناست. هنجار درست. این، معنای رفق است. گاهی هم ممکن است به یک چیز که دست می‌زنید، دست را بخراشد و زخم کند؛ درحالی‌که جنسش مثل فولاد نیست. از یک تگه چوب است. چوب را ممکن است ناهموار بتراشند. بعضی، حرف ناحق را، حرف سست را، سخن کم محتوا را، طوری می‌گویند که همه را می‌خراشد. ممکن هم هست یک فکر با محتوا، یک فکر درست و یک فکر قوی را طوری بیان کرد که با همه استحکام، هیچ ناهنجاری نداشته باشد. اسلام، این است. قرآن، این است.<sup>۱</sup>

#### ۸-۴-۳. خدمت صادقانه

در جنگ شناختی، دشمن تمام تلاش خود را بر ساختن روایتی از حاکمیت بی‌کفایت، بی‌تفاوت و غرق در منافع خود متمرکز کرده است تا با القای این تصویر، رضایت عمومی را به نارضایتی فعال تبدیل کند و زنجیره پشتیبانی مردمی را از نظام قطع نماید. در برابر این پروژه ویرانگر، قرآن کریم راهبردی عملی و قاطع ارائه می‌دهد: خدمت صادقانه و دغدغه‌مندانه به مردم را نه یک کار اداری، بلکه مهم‌ترین عملیات روانی متقابل و کارآمدترین سلاح در جنگ روایت‌ها معرفی می‌کند. این خدمت که با اولویت‌دادن به نیازهای واقعی و حل مشکلات معیشتی و اجتماعی مردم محقق می‌شود، مستقیماً روایت دشمن را بی‌اعتبار کرده و به جای آن، روایت حاکمیت خدمتگزار و مردمی را در اذهان نهادینه می‌سازد. نتیجه این وفاداری دوسویه، ایجاد سدی نفوذناپذیر در برابر هرگونه تبلیغات تفرقه‌انداز است؛ زیرا جامعه‌ای که احساس کند نظام، «مالک» رفاه او نیست، بلکه «خادم» آن است، در سخت‌ترین شرایط نیز پشتیبان

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای علیه‌السلام در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی،

حکومت باقی می ماند و توطئه برای ایجاد فاصله بین ملت و دولت را خنثی می کند.

## الف) آیات و شواهد قرآنی

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (مائده: ۲)؛ و بر [کار] نیک و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید، و بر [کار] گناه و تجاوز همکاری نکنید.»

«وَأَخْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (بقره: ۱۹۵)؛ و نیکی کنید، که بی گمان خدا نیکوکاران را دوست دارد.»

«وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ (توبه: ۱۰۵)؛ و بگو: [به خدمت] عمل کنید که خدا و فرستاده اش و مؤمنان، عمل شما را خواهند دید.»

«وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً (رعد: ۲۲)؛ و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز را برپا داشتند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، پنهان و آشکار انفاق کردند.»

## ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- خدمت صادقانه، نمایان ترین عرصه همکاری عمومی برای تحقق «بر» (هرگونه نیکی) و «تقوا» (صیانت جامعه از فساد) است. نظام حق باید بسترساز این همکاری باشد؛
- خدمت، عملی خدپسندانه و محبوب درگاه الهی است. بنابراین، در منطق جبهه حق، کارآمدی اداری و خدمات اجتماعی، عبادتی سیاسی و مبنای مشروعیت است؛
- خدمت، تحت نظارت همگانی (خدا، رسول، مؤمنان) است. این اصل، شفافیت، پاسخ گویی و دوری از ریا را در بدنه حکومت الزامی می کند؛

- خدمت صادقانه و انفاق (از امکانات عمومی یا شخصی)، مصداق عینی صبر و استقامت در مسیر رضای الهی است و پایه‌های اعتماد عمومی را تقویت می‌کند؛
- خدمت، زنجیره پشتیبانی اجتماعی را فعال و ارگانیک نگه می‌دارد. مردم از نظامی حمایت می‌کنند که خادم آنان باشد، نه حاکم صرف بر آنان؛
- خدمت صادقانه، کارآمدترین تبلیغ عملی برای جبهه حق و مقاوم‌ترین دیوار در برابر ادعاهای تبلیغاتی دشمن درباره بی‌کفایتی یا فساد است.

#### پ) کلام و اندیشه ولایت

از فرصت خدمت به مردم قدردانی کنید. این فرصت اولاً، به همه داده نمی‌شود، ثانیاً، همیشه داده نمی‌شود. من و شما چند سال یک مسئولیتی داریم، یک کاری داریم، یک میدانی داریم که می‌توانیم در این میدان حرکت کنیم، کار کنیم، به مردم خدمت کنیم و می‌توانیم در این مدت خدا را از خودمان راضی کنیم؛ این را از دست ندهیم. از ساعت‌ساعت این عمر خدمتی خودمان استفاده کنیم. اگر این توصیه را عمل کنیم و تحقق پیدا کند و به موازی‌کاری و بیکاری و کم‌کاری و سرگرم شدن به مسائل دیگر نپردازیم، به نظر من همان‌طور که گفتند، مشکلات حل خواهد شد و در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت هم حل خواهد شد.<sup>۱</sup>

#### ۸-۴. صبر بر آزارها و سختی‌ها

در جنگ شناختی، دشمن بر نقطه حساس آستانه تحمل روانی جامعه تمرکز کرده و با بمباران تبلیغاتی، تحریم و فشارهای همه‌جانبه، می‌کوشد یأس، بی‌تابی و

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۴۰۴/۶/۱۶.

از هم گسیختگی اراده جمعی را القا کند تا نظام را نه با شکست نظامی، که با فروپاشی روحیه از پا درآورد. در برابر این حمله به بنیان‌های روانی، قرآن کریم صبر و استقامت را نه یک واکنش منفعلانه، بلکه یک استراتژی فعال و قدرتمند معرفی می‌کند که نشان‌دهنده بلوغ ایمانی، عقلانیت راهبردی و اخلاق جهادی است. این مؤلفه، همچون صخره‌ای استوار در برابر موج‌های ویرانگر یأس‌آفرینی دشمن ایستاده و توطئه آنان برای شکستن روحیه جامعه را ناکام می‌گذارد. این تحمل فعال، خطوط دفاعی فکر و فرهنگ جامعه را حفظ می‌کند و آن را برای عبور از بحران و دستیابی به پیروزی پایدار آماده می‌سازد.

#### الف) آیات و شواهد قرآنی

«وَلَمْ يَصْبِرْ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (شوری: ۴۳)؛ اَمَّا كَسَانِي كِه شَكِيْبِيِي وَ عَفُو كَنَنْد، اِيْن اَز كَارِهَآي پَرَارْش اِسْت!»  
 «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال: ۴۶)؛ وَ شَكِيْبِيِي وَرَزِيْد؛ زِيْرَا خُدا بَا شَكِيْبَايَان اِسْت.»  
 «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ (بقره: ۱۵۶)؛ هِمَان كَسَانِي كِه چُون مُصِيْبَتِي بَه أَنَان رَسْد، گوِيَنْد: «مَا اَز أَنِ خُدايِيْم وَ بَه سُوِي او بَا زَمِي گَرْدِيْم.»

«فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا (معارج: ۵)؛ پَس شَكِيْبَايِي كُن، شَكِيْبَايِي نِيكُو.»  
 «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (بقره: ۱۵۵-۱۵۷)؛ وَ صَابِرَان رَا [بِه پادا ش] بَشَارْت دِه. هِمَان كَسَانِي كِه چُون مُصِيْبَتِي بَه اِيْشَان رَسْد، مي گوِيَنْد: «مَا اَز أَنِ خُدايِيْم وَ بَه سُوِي او بَا زَمِي گَرْدِيْم.» بَر أَنَان درودها وَ رَحْمَتِي اَز پروردگارشان اِسْت وَ أَنَان هِمَان راه يافتگانَنْد.»

#### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- صبر و گذشت در برابر آزارها و توهین‌ها، نشانه عزم راسخ و بلوغ مدیریتی

است، نه ضعف یا انفعال. این خویشتنداری، اقتدار اخلاقی جبهه حق را به نمایش می‌گذارد؛

- واکنش به مصائب و فشارها با جمله «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، بصیرت توحیدی عمیقی را القا می‌کند که مشکلات را گذرا و در مسیر بازگشت به خدا می‌بیند. این نگاه، پایدارترین منبع آرامش جمعی است؛
- صبر، فعالیتی نیکو و برنامه‌ریزی شده است («صَبْرًا جَمِيلًا»). یعنی حفظ خونسردی، تدبیر و تلاش برای تغییر شرایط، نه تسلیم شدن در برابر آن؛
- صابران، مورد درود و رحمت ویژه الهی هستند و این، پیوند مردم و مدیران صبور را با پشتیبانی غیبی تقویت می‌کند؛
- صبر بر سختی‌ها در مسیر خدمت، اعتماد و امید مردم را حفظ می‌کند. وقتی مردم ببینند مدیران و کنشگران جبهه حق، در سخت‌ترین شرایط نیز استقامت و امیدواری خود را از دست نمی‌دهند، ثبات و تاب‌آوری جمعی شکل می‌گیرد؛
- صبر، مهم‌ترین مانع در برابر پروپاگاندا و جنگ روانی دشمن است. دشمن برای ایجاد یأس و ناامیدی فشار می‌آورد؛ صبر، این تلاش را خنثی و روحیه جامعه را تقویت می‌کند.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

- همه چیز، هم دنیا، هم آخرت، هم ایدئال‌های انسانی، هم مقاصد پست شرارت آمیز و خلاصه هر مقصدی که برای کسی مطرح است در گرو صبر و پایداری است و هرکس در مدت عمر خود لااقل در چندین ماجرا درستی این فرمول را آزموده است.<sup>۱</sup> البته من قبول دارم که مقاومت سخت است و عده

---

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای رحمته‌الله، گفتاری در باب صبر، ص ۹۰.



کمتری آن را برمی‌تابند. اما این عده کمتر، همان کسانی هستند که «کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله... در این، هیچ تردید نداشته باشید»<sup>۱</sup>

#### ۸-۴-۵. پاسخ نیک به بدی

در جنگ شناختی، دشمن می‌کوشد با تحریک احساسات خصومت‌آمیز و القای خشونت کلامی و رفتاری، چرخه نفرت و واکنش‌های تند را در جامعه به راه اندازد تا انسجام درونی را تخریب و فضایی پرتنش برای نفوذ بیشتر خود فراهم کند. در برابر این دام خطرناک، قرآن کریم استراتژی هوشمندانه و کارآمد «پاسخ نیک به بدی» را ارائه می‌دهد. این رویکرد، یک عملیات روانی متقابل برتر است. این واکنش اخلاقی، ابتکار عمل در جنگ روایت‌ها را به نیروهای خودی باز می‌گرداند، تلاش دشمن برای دوگانگی‌سازی و تشدید کینه را خنثی می‌سازد و با تقویت انسجام و اقتدار معنوی جامعه، حتی ممکن است موجی از تردید و بازاندیشی در صفوف مقابل نیز ایجاد کند.

#### الف) آیات و شواهد قرآنی

«وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت: ۳۴)؛ و هرگز نیکی و بدی یکسان نیست. بدی را با آنچه [خود] نیکوتر است دفع کن، آنگاه [خواهی دید] همان کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است.»

«وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا» (حشر: ۱۰)؛ و کسانی که پس از آنان آمدند، می‌گویند: «پروردگارا، بر ما و بر برادرانمان که در ایمان بر ما

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار با اعضای حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی،

پیشی گرفتند بی‌مرز باش، و در دل‌های ما نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند کینه‌ای قرار مده.»  
«وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ وَأَدْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (مومنون: ۹۶)؛ و نیکی و بدی یکسان نیست. و [بدی را] با آنچه خود نیکوتر است دفع کن.»  
«وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ (نحل: ۱۲۶)؛ و اگر کیفر دادید، همانند آنچه که به آن کیفر داده شدید، کیفر دهید؛ و اگر شکیبایی کنید، قطعاً آن برای شکیبایان بهتر است.»

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- پاسخ نیکی به بدی، قانونی الهی برای دگرگونی روابط و تبدیل دشمنی به دوستی است. این یک تاکتیک انفعالی نیست، بلکه اقدامی فعال و مؤثر در جنگ روانی و سیاسی است؛
- این رویکرد، کیفیت متفاوت و برتر جبهه حق را در مواجهه با مخالفان و معاندان به نمایش می‌گذارد و آنان را در میدان اخلاق شکست می‌دهد؛
- اصل دفع بدی به نیکی، به معنای نادیده گرفتن عدالت یا تشویق به ظلم‌پذیری نیست، بلکه انتخاب هوشمندانه مؤثرترین روش برای خنثی‌سازی دشمنی است که منافع بلندمدت جبهه حق را تأمین می‌کند؛
- طلب آمرزش برای مؤمنان پیشین و دوری از کینه در دل، الگویی برای انسجام درونی و وحدت صفوف است. جامعه‌ای که در آن کینه و بدخواهی نباشد، در برابر تفرقه‌افکنی دشمن مصون می‌شود؛
- صبر و خودداری از مقابله به مثل (حتی در صورت حق داشتن)، فضیلتی برتر است که پاداشی بزرگ دارد و اقتدار اخلاقی جبهه حق را به رخ می‌کشد؛
- پاسخ نیکو، زمینه انسجام اجتماعی را فراهم و حلقه‌های نفرت و انتقام‌جویی را که دشمن برای تشدید آن تلاش می‌کند، قطع می‌کند.

## ۸-۴-۶. روحیه جهادی

در جنگ شناختی، دشمن به خوبی می‌داند که محور مبارزه، نه تنها سلاح، که انگیزه نیروهاست. از این رو، با ابزارهای روانی مانند تطمیع مادی، ترسیم آینده‌ای بی‌ثمر و ترویج راحت‌طلبی، در پی تضعیف و خاموش کردن موتور محرکه درونی جامعه - یعنی روحیه جهادی - است. در برابر این حمله به بنیادی‌ترین منبع مقاومت، قرآن کریم رویکردی ریشه‌ای و تغییرناپذیر ارائه می‌دهد: جهت‌گیری الهی و خالصانه در عمل. این روحیه، که فراتر از منافع مادی و در مسیر رضای خدا حرکت می‌کند، نیرویی بی‌پایان، غیرقابل تطمیع و شکست‌ناپذیر ایجاد می‌کند. آموزه‌های قرآنی نشان می‌دهند جامعه‌ای که بر پایه این روحیه بسیج شود، در برابر هرگونه فشار، تحریم و تبلیغات یأس‌آفرین دشمن، نه تنها سست نمی‌شود، که پیروزی پایدار را از آن خود می‌سازد؛ زیرا مبارزه برای خدا، خود بزرگ‌ترین پاداش و تضمین‌کننده تداوم حرکت است.

## الف) آیات و شواهد قرآنی

«الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه: ۲۰)؛ کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا با مال و جان خود جهاد نمودند، مقام‌شان نزد خدا برتر است و آنان همان رستگارانند.»

«وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج: ۷۸)؛ و در راه خدا، چنان که سزاوار جهاد اوست، جهاد کنید.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ. تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ» (صف: ۱۰-۱۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذابی دردناک رهایی می‌بخشد؟ [همان] که به خدا و پیامبرش ایمان آورید و در راه خدا با مال و جان‌های‌تان جهاد کنید.»

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ (توبه: ۱۱۱)؛  
بی گمان خدا از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را به [بهای] اینکه بهشت  
برای آنان باشد، خریداری کرده است.

### ب) پیام‌ها و نکات راهبردی

- روحیه جهادی، تعریف جامعی از مشارکت در راه حق است که ایمان، هجرت (تحول و جابه‌جایی برای حق)، و جهاد با مال و جان را در برمی‌گیرد. این، چهارچوب کنشگری کامل یک فرد در جبهه حق است؛
- جهاد، حق الهی است که باید به «حق» ادا شود («حَقَّ جِهَادِهِ»). یعنی باید خالصانه، تمام‌قد و بر اساس موازین الهی انجام شود؛
- جهاد با مال و جان، سودمندترین تجارت اخروی و ضامن نجات از عذاب است. این نگاه، محرک درونی قدرتمندی برای ایثار و فداکاری در راه اهداف جمعی ایجاد می‌کند؛
- روحیه جهادی، مبتنی بر معامله با خدا است: دادن جان و مال برای دریافت رضایت و پاداش الهی. این اصل، انگیزه‌های مادی و نفسانی را در کنش‌های جمعی تضعیف و اخلاص و آرمان‌گرایی را تقویت می‌کند؛
- اخلاق جهادی (ایثار، از خودگذشتگی، دوری از رفاه‌طلبی و انگیزه‌های مادی)، قوی‌ترین پشتوانه برای ایمان فردی، مقاومت جمعی و مشروعیت اجتماعی نظام است. مردم به رهبران و کنشگرانی وفادار می‌مانند که سبک زندگی جهادی داشته باشند؛
- ترویج این روحیه، مهم‌ترین اقدام فرهنگی در برابر جنگ نرم دشمن است که سعی در ترویج مصرف‌گرایی، رفاه‌طلبی فردی و تضعیف روحیه فداکاری دارد.

### پ) کلام و اندیشه ولایت

– روحیه جهادی یعنی اعتقاد به اینکه «ما می‌توانیم»؛ و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها .... در هر بخشی از بخش‌های گوناگون صنعتی و فنی و علمی و تحقیقاتی که ما با روحیه جهادی وارد شدیم، پیش رفته‌ایم... ما از اول انقلاب، هر کار بزرگی که توانسته‌ایم انجام بدهیم، به برکت اعتماد به نفس و بلندپروازی و کار جهادی بوده است.<sup>۱</sup>

– کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمان‌ها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است. این کار جهادی است. کار را باید جهادی انجام داد تا ان شاء الله خدمت به‌خوبی انجام بگیرد... امروز چیزی که در کشور ما از هر طرف نگاه می‌کنیم، مورد نیاز است، مضاعف کردن و بهینه کردن تلاش‌هاست.<sup>۲</sup>

### ۵-۸. جمع‌بندی محور / منطق راهبردی

این محور به ما می‌آموزد که:

- سقوط جوامع اغلب نه از نبود سلاح، که از فقدان عدالت و گسست از مردم آغاز می‌شود. قدرت مادی بدون مشروعیت ناشی از خدمت و انصاف، ناپایدار و شکننده است؛
- فساد، تبعیض و بی‌اعتنایی به مردم، مقدمه شکست در جنگ روانی، فرسایش سرمایه اجتماعی و نهایتاً تزلزل در تمام میدان‌هاست؛

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار کشاورزان، ۱۳۸۴/۱۰/۱۴.

۲. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶.

- جامعه‌ای که عدالت را لمس نکند و حکومت را خادم خود نبیند، حتی اگر از قدرت نظامی برخوردار باشد، در برابر هجوم نرم دشمن و شبیخون بی‌اعتمادی، عمیقاً آسیب‌پذیر و مستعد فروپاشی درونی است؛
- عدالت و اخلاق جهادی، سپر ایمنی اجتماعی و موتور محرک وفاداری مردمی است؛

محور هشتم با فعال‌سازی این سپر، به شکل زیر عمل می‌کند:

- جهاد خدمت اثرگذار و هدفمند می‌شود؛ زیرا مردم، نظام را پشتیبان خود دیده و با جان و مال از آن حمایت می‌کنند؛
- اعتماد عمومی در برابر فساد و شایعات مستحکم می‌ماند و تصمیم‌های راهبردی با پشتوانه مردمی اتخاذ می‌شود؛
- مقاومت بلندمدت و تاب‌آوری در برابر فشارهای اقتصادی و جنگ روانی دشمن تضمین می‌شود؛ زیرا مردم هزینه‌ها را برای حفظ نظامی عادل می‌پردازند؛
- وحدت ملی براساس منافع مشترک و تجربه عدالت شکل می‌گیرد و از اختلاف‌افکنی‌های قومی، مذهبی و طبقاتی دشمن مصون می‌ماند؛
- نیروها و منابع جامعه در مسیر اصلی پیشرفت و دفاع متمرکز می‌شوند و در درگیری‌های داخلی و بی‌اعتمادی‌هایی که دشمن طراحی می‌کند، هدر نمی‌روند.

## ۸-۶. گزاره راهبردی نهایی

مردم، پشتوانه اصلی مقاومت‌اند؛ عدالت، رأفت، خدمت صادقانه، صبر و اخلاق جهادی، ضامن حفظ این پشتوانه و استقرار جبهه حق در میدان‌های سخت است. این پنج رکن، زنجیره مستحکمی را می‌سازند که هر حلقه‌اش

توطئه‌ای از دشمن را خنثی می‌کند: عدالت مانع نفوذ از راه شکاف طبقاتی، رأفت خنثی‌کننده تفرقه‌افکنی قومی و مذهبی، خدمت صادقانه بی‌اعتبارکننده تبلیغات سیاه، صبر شکننده فشار روانی و اخلاق جهادی نابودگر و سوسه‌های مادی و معنوی می‌شود. بنابراین، تقویت این ارکان، نه یک انتخاب که یک ضرورت راهبردی برای حفظ حاکمیت ملی و شکست پروژه جنگ ترکیبی دشمن است.

### ۷-۸. چگونگی تحقق عدالت و اخلاق جهادی

تحقق عینی عدالت و اخلاق جهادی به‌عنوان ستون مشروعیت و قدرت نرم جبهه حق، مستلزم یک برنامه عملیاتی منسجم و چندسطحی است که نقش هر نهاد و قشر را به‌وضوح مشخص می‌کند:

#### ۸-۵-۱. ایجاد عدالت عملی و نظارت مردمی (بنیان اعتماد اجتماعی)

اساس استمرار و مقبولیت هر نظام در میدان جنگ ترکیبی، بر پایه تجربه عینی و روزمره مردم از عدالت استوار است. این رکن، ایجاد عدالت را از سطح شعار به یک فرآیند شفاف، قابل نظارت و نهادینه‌شده تبدیل می‌کند. محور اصلی آن، تضمین اجرای بی‌چون‌وچرای عدالت در توزیع منابع، فرصت‌ها و دادرسی، و نهادینه‌سازی نظارت مستقیم و مؤثر مردم بر این فرآیندهاست.

#### ۸-۵-۲. ترویج رأفت و مهربانی در تعامل با مردم (سیمان پیوند مردمی)

در میدان جنگ شناختی، دشمن از هرگونه خشونت کلامی، برخورد تحقیرآمیز و فاصله طبقاتی در دستگاه حکومت، به‌عنوان بمبی برای انفجار کینه و جدایی مردم از نظام استفاده می‌کند. این رکن، پادزهر آن توطئه است و جای‌گزینی فرهنگ خشک اداری و فاصله‌گیری را با نرم‌خویی، احترام و دلسوزی فعال در

کلیه تعاملات حکومتی دنبال می‌کند. محور اصلی آن، تبدیل هر نقطه تماس مسئولان با مردم به جلوه‌گاه اخلاق و خدمت است. تحقق این هدف از طریق اجرای برنامه‌های آموزشی اخلاق عملی و نظارت مستمر بر کیفیت تعاملات، ایجاد سازوکارهای سریع و مؤثر برای رسیدگی به شکایات مردمی از رفتارهای نامناسب، و ترویج گسترده الگوهای مثبت تعامل در رسانه‌ها میسر می‌گردد. نتیجه، استحکام بی‌مانند پیوند عاطفی مردم با نظام خواهد بود.

#### ۸-۵-۳. خدمت صادقانه و جهادی (عملی‌سازی وفاداری)

در تقابل با روایت دشمن از یک حکومت ناکارآمد و غرق در منافع شخصی، این رکن به دنبال تعریف جدید و ملموسی از حکمرانی بر مبنای خدمت‌رسانی فعال و بی‌منت است. محور اصلی آن، ارائه سریع، دقیق و مؤثر خدمات عمومی است که منافع مردم را به طور مطلق بر هرگونه تشریفات اداری یا ملاحظات شخصی اولویت می‌دهد. تحقق این هدف از طریق راه‌اندازی سامانه‌های یکپارچه پاسخ‌گویی و پیگیری با ضرب‌الاجل مشخص، استقرار نظام ارزیابی و پاداش‌دهی بر مبنای رضایت‌سنجی مستقیم مردم، و معرفی و تکریم گسترده الگوهای عینی خدمت‌گزاری در بدنه مدیریتی میسر می‌گردد. نتیجه، جای‌گزینی اعتماد عملی به جای وعظ اخلاقی و تبدیل خدمت به بارزترین شاخصه هویت نظام در اذهان عمومی خواهد بود.

#### ۸-۵-۴. صبر و تاب‌آوری در بحران‌ها (نمایش اقتدار اخلاقی)

در هنگامه بحران‌های طبیعی، اقتصادی یا امنیتی – که اوج حملات روانی دشمن برای القای درماندگی و فروپاشی است – این رکن، سلاح متقابل «اقتدار اخلاقی» را به کار می‌گیرد. محور اصلی آن، نمایش عینی آرامش، استقامت حساب‌شده و امیدواری فعال توسط نهادها و مسئولان، به جای بروز آشفتگی،



شتابزدگی یا یأس است. تحقق این هدف از طریق طراحی و اجرای مانورهای مدیریت بحران با محوریت «صبر فعال»، آموزش عمومی مهارت‌های تاب‌آوری و مقابله با شایعات، و روایت‌سازی مستمر از پیروزی‌های کوچک و پیشرفت‌های میانی در دل مشکلات میسر می‌گردد. نتیجه، تبدیل بحران از یک تهدید برای روحیه جامعه به فرصتی برای نمایش انسجام و شکست‌ناپذیری اراده ملی خواهد بود.

#### ۸-۵-۵. پاسخ نیکو به دشمن و حفظ اخلاق (اقتداربخشی از طریق بزرگ‌منشی)

در برابر گستاخی و فرومایگی تاکتیک‌های دشمن، این رکن استراتژی برتری جویانه‌ای را پیش می‌گیرد: پاسخ دادن به پستی با بزرگ‌منشی، و به بدی با روش‌های حکیمانه. محور اصلی آن، خودداری قاطع از تقلید روش‌های غیراخلاقی و انتقام‌جویانه دشمن، و پایبندی به چهارچوب‌های شرعی و اخلاقی حتی در سخت‌ترین مقابله‌ها است. تحقق این هدف از طریق تدوین و آموزش دکترین عملیاتی برای جنگ روانی مبتنی بر اخلاق، نظارت و بازخورد سریع بر عملکرد رسانه‌ها و نیروها برای جلوگیری از تنزل اخلاقی، و روایت‌سازی هدفمند از مواضع عزتمند و شرافتمندانه نظام در عرصه داخلی و بین‌المللی میسر می‌گردد. نتیجه، سلبی کردن تبلیغات دشمن و کسب اقتدار نرمی است که آنان از داشتش محرومند.

#### ۸-۵-۶. ترویج روحیه جهادی (نیروی محرکه درونی)

برای مقابله با برنامه دشمن در ترویج مادی‌گرایی و تخریب آرمان‌ها، این رکن به بازسازی موتور محرکه درونی جامعه و نظام می‌پردازد. محور اصلی آن، جای‌گزین کردن تدریجی انگیزه‌های مادی و مقام‌طلبی با انگیزه‌های الهی،

آرامانی و تکلیف محور در فرهنگ تصمیم گیری و کنش جمعی است. تحقق این هدف از طریق اجرای برنامه های آموزشی اثرگذار مبتنی بر سیره عملی اولیای دین و شهدا، ایجاد شبکه های معنوی و تشکل های مردمی حول محور عمل خالصانه، و طراحی سازوکارهای شناسایی، تقدیر و مسئولیت دهی به افراد بر مبنای معیارهای ایثار و تقوا میسر می گردد. نتیجه، شکل گیری نسلی خواهد بود که مصونیت درونی در برابر فساد و تطمیع داشته و پایداری انقلاب را در عمیق ترین لایه ها تضمین می کند.

#### ۸-۸. نتیجه راهبردی نهایی

عدالت، مردم داری و اخلاق جهادی، ستون حفاظت از سرمایه اجتماعی، پشتوانه مردمی و مشروعیت نرم نظام در نبرد ترکیبی است و مستقیماً با تهدیدات زیر مرتبط و پاسخ گوی آنهاست:

- جنگ روانی و بحران مشروعیت (با بزرگ نمایی شکاف بین شعار و عمل)؛
- افزایش گسست و بی اعتمادی اجتماعی؛
- تخریب سرمایه اخلاقی و ترویج یأس؛
- نفوذ از طریق فساد و تبعیض؛
- فرسایش روحیه مقاومت و خدمت.

این محور تضمین می کند که جبهه حق نه تنها در برابر این حملات منفعلانه مقاومت کند، بلکه با عمل عادلانه، رفتار مهربانانه، خدمت خالصانه و صبر جهادی، ابتکار عمل را در میدان نبرد اعتمادها و وفاداری ها به دست گیرد. این رویکرد، دشمن را از مهم ترین سلاح خود (تخریب پیوند مردم با نظام) محروم ساخته و او را در رسیدن به اهداف استراتژیک خود ناکام می گذارد. در یک کلام، این محور سیستم ایمنی حیاتی برای بقا و عزت تمدنی جبهه حق است.

## ۸-۹. نقش آفرینان کلیدی در تحقق عدالت و اخلاق جهادی

تحقق این محور، نیازمند کنش‌گری هماهنگ و هوشمندانه نهادها و اқشار کلیدی جامعه است. نقش چهار گروه به شرح زیر برجسته است:

### ۸-۹-۱. نقش پاسداران

#### الف) نقش راهبردی

پاسداران، ضامن اجرای عینی عدالت و نگهبانان امنیت اخلاقی جامعه هستند که اقتدار نظام را در گرو انصاف و پاک‌دستی می‌دانند.

#### ب) وظایف عملیاتی

- اجرای بی‌طرفانه قانون و عدالت: نظارت و مداخله قاطع در موارد نقض عدالت (اعم از اقتصادی، قضایی، اجتماعی) بدون ملاحظه شخص یا گروه؛
- مبارزه سازمان‌یافته با فساد: رصد، کشف و مقابله با هرگونه فساد اداری و مالی در بدنه حکومت و اقتصاد، به‌عنوان یک مأموریت امنیتی ملی؛
- تضمین امنیت فعالان و افشاگران: ایجاد فضای امن روانی و حقوقی برای افرادی که موارد بی‌عدالتی یا فساد را به‌صورت قانونمند و شفاف گزارش می‌دهند؛
- الگوسازی از اخلاق جهادی: ترویج سبک زندگی ساده، قناعت و دوری از تشریفات در میان نیروهای خود؛
- حفظ نظم و امنیت اجتماعی با رعایت حقوق مردم: برخورد قاطع اما محترمانه و عادلانه در مواجهه با تخلفات، به‌گونه‌ای که مردم، پاسدار را «حافظ حقوق» خود بدانند، نه «قدرت سرکوب‌گر».

## ۸-۹-۲. نقش بسیجیان

### الف) نقش راهبردی

بسیجی، دست و دل جبهه حق در متن مردم و مجری و مبلغ عملی عدالت و اخلاق جهادی در سطح محلات است.

### ب) وظایف عملیاتی

- خدمت‌رسانی میدانی و داوطلبانه: سازماندهی اقدامات جهادی در حوزه‌های محرومیت‌زدایی، سازندگی، امداد رسانی و حل مشکلات معیشتی مردم.
- نمونه‌سازی اخلاقی: نمایش عملی ایثار، ساده‌زیستی، صبر و مهربانی در رفتار روزمره با مردم به‌عنوان یک «مبلغ زنده»؛
- نظارت مردمی و بازخورددهی: حضور به‌عنوان چشم و گوش بیدار نظام در محلات، گزارش‌دهی صادقانه از مشکلات و کم‌بودهای عدالت‌خواهی به سطوح بالاتر؛
- تبیین چهره‌به‌چهره ارزش‌ها: توضیح دلایل و ضرورت عدالت، مبارزه با فساد و اخلاق جهادی برای عموم مردم با زبان قابل فهم؛
- ایجاد شبکه‌های همدلی و حمایت: تشکیل گروه‌های خودجوش برای کمک به نیازمندان و ایجاد پیوندهای عاطفی محکم در جامعه.

## ۸-۹-۳. نقش فرماندهان و مدیران ارشد

### الف) نقش راهبردی

فرمانده، رهبر اخلاقی، برنامه‌ریز و ناظر کلان است که عدالت و اخلاق جهادی را از شعار به اولویت سیاست‌گذاری و معیار ارزیابی تبدیل می‌کند.

## ب) وظایف عملیاتی

- رهبری اخلاقی و الگوسازی: پیشگامی در ساده‌زیستی، پاسخ‌گویی، و رعایت انصاف در مدیریت منابع تحت امر؛
- نظارت عالی بر تحقق عدالت: طراحی سیستم‌های شفافیت، پاسخگویی و ارزیابی عملکرد بر مبنای شاخص‌های عدالت و رضایت مردمی؛
- تصمیم‌سازی و تخصیص منابع بر مبنای عدالت: جهت‌دهی بودجه و امکانات به مناطق محروم و پروژه‌های خدمت‌رسانی با اولویت حداکثری؛
- برنامه‌ریزی جهادی: تدوین استراتژی‌های بلندمدت که در آن «خدمت صادقانه» و «توسعه عادلانه» به عنوان محور پیشرفت تعریف شود؛
- حمایت قاطع از مجریان عدالت: پشتیبانی بی‌قید و شرط از نیروها و نهادهایی که در خط مقدم اجرای عدالت یا مبارزه با فساد ایستاده‌اند.

## ۸-۹-۴. نقش روحانیون و مربیان

### الف) نقش راهبردی

- روحانی، مبنانگذار فکری، وجدان‌بیدار و معلم اخلاق جامعه است که عدالت و خدمت را از تکلیف حکومتی به تکلیف دینی و ارزش اجتماعی تبدیل می‌کند.

### ب) وظایف عملیاتی

- آموزش و ترویج اخلاق اسلامی: تبیین جایگاه عدالت، انصاف، ایثار و خدمت در منظومه فکری اسلام و سیره اهل بیت (ع).
- تبیین فقهی و قرآنی عدالت: استخراج و ارائه احکام و الزامات شرعی مربوط به حقوق مردم، حرمت ظلم، و وجوب امر به معروف و نهی از منکر در سطح حکومت؛

- هدایت جامعه به سمت خدمت و ایثار: ترغیب مردم به مشارکت در کارهای خیر، کمک به محرومان و اولویت دادن منافع عمومی بر منافع شخصی از منظر دینی؛
- نقد اخلاقی و دلسوزانه: هشدارهای به موقع و مبتنی بر دلسوزی درباره انحرافات اخلاقی و عدالت‌ستیزی در بدنه حکومت و جامعه؛
- ایجاد گفتمان حق مدار: تبدیل عدالت‌خواهی و اخلاق جهادی به گفتمان مسلط و ارزش محوری در فضای فرهنگی و رسانه‌ای کشور.

#### ۸-۱۰. جمع‌بندی ارتقایی / تثبیت نگاه راهبردی

- با تکمیل و نهادینه‌سازی این محور، الگوی عدالت، مردم‌داری و اخلاق جهادی به عنوان موتور محرکه مشروعیت و قدرت نرم، به صورت کامل چنین کارکردی پیدا می‌کند:
- تنظیم‌کننده معیار اساسی مشروعیت: تبدیل می‌شود به سنجۀ نهایی ارزیابی عملکرد هر فرد و نهاد در جبهه حق. مشروعیت، دیگر نه صرفاً در «قدرت حفظ نظام»، که در «قدرت خدمت عادلانه و اخلاقی به مردم» تعریف می‌شود؛
  - خنثی‌کننده مؤثرترین سلاح دشمن: پاسخی یکپارچه و عملی به محور اصلی جنگ روانی و نرم دشمن (یعنی ایجاد شکاف بین مردم و حکومت) ارائه می‌دهد. ادعاهای دشمن درباره فساد، بی‌عدالتی و بی‌اعتنایی در عمل رد می‌شود؛
  - تولیدکننده سرمایه اجتماعی غیرقابل نفوذ: وفاداری و حمایت مردمی را از حالت احساسی و شکننده، به وضعیتی مبتنی بر اعتماد نهادینه‌شده، منفعت مشترک و ارزش‌های اخلاقی مشترک ارتقا می‌دهد. این سرمایه، مهم‌ترین پناهگاه در بحران‌هاست؛

• مانع گسست درونی و فرسایش اراده ملی: با ایجاد توقع عمومی از رفتار عادلانه و اخلاقی مسئولان، و پاسخ دادن به آن، مانع از انباشت خشم و ناامیدی در جامعه می‌شود. این امر، تاب‌آوری ملی در برابر فشارهای طولانی مدت را تضمین می‌کند.

#### گزاره راهبردی تکمیلی:

جامعه‌ای که عدالت و اخلاق جهادی را نه به عنوان یک آرمان انتزاعی، که به عنوان قانون اساسی رفتاری حکمرانی و تعامل اجتماعی درآورد و محقق سازد:

- از حمایت مردمی نه فقط به عنوان پشتوانه برای بقا، که به عنوان موتور محرکه پیشرفت و اقتدار تمدنی بهره می‌برد؛
- از قدرت نه برای سلطه و انباشت ثروت، که به عنوان امانتی برای خدمت‌رسانی بیشتر و گسترش دایره عدالت استفاده می‌نماید؛
- و در مسیر تحقق آرمان‌های خود، نه تنها به دنبال ساختن زیرساخت‌های مادی، که توان خلق «الگوی حکمرانی اخلاق‌محور» و «نظام اجتماعی عادلانه و عزتمند» را به نمایش می‌گذارد که خود، بزرگ‌ترین رسالت و پیام برای جهان جست‌وجوگر عدالت خواهد بود.

### ۸-۱۱. شبهات و سؤالات مطرح

#### ۸-۱۱-۱. شبهه اول

شبهه: «آیا فساد و ناکارآمدی برخی از مسئولان باعث می‌شود عدالت و مردم‌داری صرفاً شعار باشد و تحقق عملی نداشته باشد؟»

پاسخ: نه؛ فساد و ناکارآمدی بخشی از مسئولان، عدالت و مردم‌داری را به

شعارِ صرفِ تقلیل نمی‌دهد اما اگر مهار نشود، می‌تواند آن‌ها را در سطح «تجربه مردم» بی‌اثر و بی‌اعتبار کند و مشروعیت عینی را فرسوده سازد.

**الف) تفکیک «مبنای نظام» از «عملکرد کارگزاران»:** در مبنای نظری انقلاب و قانون اساسی، عدالت اجتماعی و مردم‌داری جزو اهداف و شاخص‌های مشروعیت نظام معرفی شده‌اند؛ امام خمینی ره و رهبر انقلاب، عدالت را رکن هویت جمهوری اسلامی و معیار سنجش مسئولان دانسته‌اند. اما تحقق این آرمان‌ها به دستگاه اداری و کارگزاران سپرده شده و نظام اداری ایران در عمل، نتوانسته همه آرمان‌های ارزشی را به‌طور کامل و بدون کاستی محقق کند؛ یعنی «شکاف آرمان – واقعیت» بیشتر ناشی از بوروکراسی و عملکرد است تا نفی اصل هدف؛

**ب) اثر فساد و ناکارآمدی بر عدالت و اعتماد:** فساد اداری و اقتصادی، استفاده از قدرت و امکانات عمومی برای منافع شخصی و گروهی است؛ این پدیده مستقیماً عدالت توزیعی و رویه‌ای را نقض می‌کند و تجربه روزمره مردم را از «بی‌عدالتی» پر می‌کند. اما تداوم فساد و ناکارآمدی، هم احساس بی‌عدالتی را تشدید می‌کند، هم اعتماد عمومی به شعار عدالت و مردم‌داری را می‌ساید و در ذهن بخشی از جامعه، این شعارها را «صرفاً تبلیغاتی» جلوه می‌دهد؛

**پ) نسبت این وضعیت با اصل عدالت در گفتمان انقلاب:** در گفتمان امام خمینی ره، مسئول فاسد یا ناکارآمد، نه نماینده عدالت، بلکه مانع آن است؛ ایشان بارها تأکید کرده که مقام، ارزش ذاتی ندارد و کسی که توان یا صداقت ندارد، باید کنار برود تا به کشور و عدالت آسیب نرسد.

رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای دام‌الله نیز صریحاً می‌گوید یکی از



پایه‌های اصلی نظام، عدالت اجتماعی است «که در آن کم‌کاری و عقب‌ماندگی داریم» و راه اصلاح را مبارزه با فساد، تبعیض و اشرافیت در درون ساختار است. پس فاصله با عدالت کامل را نمی‌تواند انکار کرد، اما این موضوع مسئله‌ای است که باید برای تحقق آن تلاش کرد، نه اینکه کلاً شعار عدالت را کنار گذاشت.

ت) چه زمانی در ذهن مردم به «شعار خالی» تبدیل می‌شود؟ اگر فساد و ناکارآمدی گسترده باشد، برخورد با آن گزینشی یا نمایشی جلوه کند، سازوکارهای شفافیت و پاسخ‌گویی ضعیف بماند و مشارکت و مطالبه‌گری مردم جدی گرفته نشود، شعار عدالت عملاً در ذهن جامعه از «راهبرد» به «زبان رسمی» تنزل می‌کند. برعکس، هر جا مبارزه واقعی با فساد (بدون خط قرمز برای صاحبان قدرت)، اصلاح ساختارها، قانون‌مندی، شایسته‌سالاری و مشارکت مردم تقویت شود، همان شعار عدالت دوباره برای مردم «باورپذیر» و ملموس می‌شود، حتی اگر همه مشکلات فوراً حل نشود.

**جمع‌بندی:** از منظر مبانی انقلاب: عدالت و مردم‌داری، شعار نیستند؛ «معیار مشروعیت» و «هدف اصلی» هستند و هر فساد و تبعیضی در تعارض با اصل خود نظام تعریف شده است. از منظر تجربه عینی، هر مقدار فساد، رانت و ناکارآمدی بی‌پاسخ بماند، همان قدر در ذهن مردم عدالت را به شعاری بی‌پشتوانه تبدیل می‌کند؛ بنابراین راه وفاداری به عدالت، پذیرش ضعف‌ها، اصلاح ساختارها، برخورد بی‌تعارف با مفسدان و تقویت نظارت مردمی است.

## ۸-۱۱-۲. شبهه دوم

**شبهه:** «آیا تبعیض میان مردم باعث فروپاشی اعتماد اجتماعی نمی‌شود و جبهه حق را تضعیف می‌کند؟»

پاسخ: هر نوع تبعیض ساختاری یا رفتاری، مستقیماً اعتماد اجتماعی را فرسوده می‌کند و در عمل، جبهه حق را در سطح جامعه تضعیف می‌کند؛ نه از حیث حقانیت نظری، بلکه از حیث پایگاه اجتماعی و مقبولیت عینی.

الف) تبعیض و فرسایش اعتماد اجتماعی: تحقیقات درباره اعتماد عمومی به دولت نشان می‌دهد «عدالت و رفع تبعیض» مهم‌ترین عامل تقویت یا تضعیف اعتماد است؛ هر جا احساس بی‌عدالتی و تبعیض بالا رفته، اعتماد به‌طور محسوس کاهش یافته است.

مطالعات سرمایه اجتماعی نیز می‌گویند وقتی شهروندان ببینند قانون برای همه یکسان اجرا نمی‌شود، «سرمایه اجتماعی» (اعتماد، همبستگی، همکاری) فرو می‌ریزد و جای آن را بدبینی، بی‌تفاوتی و شکاف «ما / آنها» می‌گیرد.

ب) تبعیض و تضعیف جبهه حق: از منظر دینی، اسلام بر عدالت، برابری در برابر قانون و نفی تبعیض قومی، طبقاتی و... تکیه دارد؛ بسیاری از متون اسلامی، تبعیض و تعصب را عامل ازهم‌پاشیدن امت واحده و زمینه‌ساز فروپاشی سیاسی دانسته‌اند. وقتی نظامی خود را «حامل پیام حق و عدالت» معرفی کند، ولی در لایه‌هایی از عمل دچار تبعیض شود، دشمن می‌تواند روی این شکاف سوار شود، مشروعیتِ گفتمان عدالت را زیر سؤال ببرد و جوانان را نسبت به کل جبهه حق بدبین کند.

پ) چرا تبعیض این قدر خطرناک است؟

تبعیض، پیام پنهانش این است که «برخی انسان‌ها مهم‌تر از بقیه‌اند»؛ این پیام، هم با توحید و کرامت انسانی در تضاد است، هم با حس عدالت‌خواهی فطری مردم. فروکش کردن اعتماد به نهادها، احساس تحقیر و بی‌اهمیتی و رشد نگاه

«فاصله‌گیری از حاکمیت» وقتی شدت گرفته که مردم تصور کرده‌اند حقوق و فرصت‌ها به‌طور نابرابر میان گروه‌ها تقسیم شده است.

#### ت) رام‌جبهه حق چیست؟

در صورت وجود تبعیض در یک سیستم، نباید آن را انکار کرد و یا توجیه نمود؛ مسیر درست، پذیرش صریح آن به‌عنوان «آسیب برخلاف ماهیت جبهه حق» و تبدیل عدالت‌خواهی و مبارزه با تبعیض به مطالبه‌ای درون‌گفتمانی است.

پژوهش‌ها درباره تقویت اعتماد عمومی توصیه می‌کنند:

اصلاح قوانین و رویه‌ها به نفع برابری واقعی در فرصت‌ها و مجازات‌ها؛

شفافیت در انتصابات و تصمیم‌گیری‌ها؛

و برخورد بی‌تعارف با هر نوع رانت و امتیاز ویژه، به‌ویژه در میان وابستگان

به قدرت.

**جمع‌بندی:** از منظر نظری دینی و انقلابی، تبعیض با جبهه حق ناسازگار

است و هر جا رخ دهد، نشانه انحراف از حق، نه ذات حق است؛ ولی اگر با آن

مقابله نشود در ذهن مردم، مرز میان حق و باطل مخدوش می‌شود و بسیاری،

کل ادعای عدالت را زیر سؤال می‌برند. بنابراین، دفاع از جبهه حق، دقیقاً یعنی

ایستادن علیه تبعیض، حتی وقتی به نام دین یا انقلاب توجیه شود؛ هر قدم

عملی به سمت عدالت بی‌تبعیض، هم اعتماد را ترمیم می‌کند، هم جبهه حق را

در دل‌ها تقویت می‌کند.

#### ۸-۱۱-۳. شبهه سوم

**شبهه:** «چرا رهبری برای تحقق عدالت اجتماعی و حفظ سرمایه اجتماعی

نظام با مسئولان فاسد و ناکارآمد برخورد جدی نمی‌کند؟»

**پاسخ:** براساس منطق رسمی جمهوری اسلامی، رهبری هم «مأمور به

مطالبه عدالت و مبارزه با فساد» است و هم «مقید به قانون و تفکیک قوا»؛ به همین دلیل، برخورد وی با مسئولان فاسد و ناکارآمد، برخورد مستقیم قضایی و اجرایی نیست، بلکه راهبردی و ساختاری است.

**الف) جایگاه حقوقی رهبری؛ نه قاضی، نه دادستان:** قانون اساسی، قوه قضائیه و سازمان‌های نظارتی را مسئول «تشخیص، تعقیب و مجازات» مفسدان می‌داند؛ رهبر، رئیس قوه قضائیه یا دادستان کل نیست که رأساً وارد هر پرونده شود. اگر رهبر شخصاً در جزئیات پرونده‌ها و عزل و نصب‌های اجرایی و قضایی دخالت کند، عملاً تفکیک قوا بی‌معنا شده و همه موفقیت‌ها و ناکامی‌ها مستقیماً به تصمیمات فردی او نسبت داده می‌شود، که هم خلاف منطق قانون اساسی است و هم تجربه تاریخی آن را پرهزینه می‌داند.

**ب) موضع صریح رهبری درباره فساد و ناکارآمدی:** در دهه‌های اخیر، رهبر انقلاب بارها فساد را «اژدهای هفت‌سر»، «بیماری مهلک» و عامل ناامیدی مردم معرفی کردند و دستور «مبارزه بدون ملاحظه و رودربایستی با هرگونه فساد» در هر سطحی را صادر نمودند.

فرمان مشهور مبارزه با مفساد اقتصادی (معروف به فرمان هشت ماده‌ای) تصریح دارد که هیچ فرد و نهادی حتی وابسته به رهبری نباید حاشیه امن داشته باشد و قوه قضائیه موظف است با قاطعیت و بدون تبعیض اقدام کند.

**پ) ابزار واقعی رهبری برای برخورد:** ابزار اصلی رهبری برای مبارزه با فساد سه چیز است: سیاست‌گذاری کلان و صدور اسناد بالادستی (مثل فرمان ضد فساد، ابلاغ سیاست‌های کلی)، مطالبه و توبیخ علنی یا خصوصی قوای سه‌گانه و مدیران درباره کم‌کاری، فساد و سوءمدیریت، و نصب و عزل مقامات ارشد (مثل رئیس قوه قضائیه) با معیار «عدالت، تقوا و کارآمدی».

نمونه‌های عینی، مثل تأکید مکرر بر لزوم برخورد «بدون اغماض با مفسدان اقتصادی»، انتقاد از اشرافی‌گری مسئولان و تغییر رؤسای قوه قضائیه با مأموریت صریح مبارزه با فساد در همین چهارچوب قابل فهم است؛ اما اجرای پرونده‌ها و جزئیات، به عهده دستگاه قضایی و نظارتی است.

ت) فاصله بین اراده رابردی و تجربه مردم: با وجود این مواضع، واقعیت میدانی این است که بخشی از جامعه احساس می‌کند برخوردها کند، گزینشی یا ناکافی است و این احساس، سرمایه اجتماعی و باور به عدالت را فرسوده کرده است.

خود رهبری هم بارها اذعان کرده‌اند که عدالت اجتماعی به‌طور کامل محقق نشده، فساد و تبعیض وجود دارد و دستگاه‌ها در مبارزه با آن، کوتاهی و عقب‌ماندگی داشته‌اند؛ یعنی سطح شعار و اسناد، از سطح تحقق و اجرا جلوتر است.

ث) پاسخ درون‌گفتمانی به شبهه: رهبری «در مقام هدایت و نظارت کلان»، مأمور به سیاست‌گذاری و مطالبه عدالت و مبارزه با فساد است و این را در گفتار و اسناد نشان داده است. اما برای حفظ قانون‌مندی، تفکیک قوا و مسئولیت‌پذیری دستگاه‌ها، نمی‌تواند هر بار مستقیماً وارد هر پرونده و عزل و نصب شود؛ در غیر این صورت، نظام به «رهبری اجرایی متمرکز» تبدیل می‌شود و دیگر قوا عملاً بی‌مسئولیت می‌مانند. جبران فاصله بین این سطح رابردی و تجربه مردم، نیازمند مطالبه‌گری عمومی، رسانه‌ای و نخبگانی از همان قوا و نهادهای مسئول است.

#### ۴-۱۱-۸. شبهه چهارم

شبهه: «آیا تمرکز بر عدالت و مردم‌داری باعث کند شدن کارهای فوری و ضروری در میدان‌های جهاد نمی‌شود؟»

**پاسخ:** این تصور، ناشی از یک دوگانه ساختگی و کاذب میان «کارآمدی» و «عدالت» است. در منطق قرآنی و تجربه تاریخی جبهه حق، این دو نه تنها متضاد نیستند، بلکه لازم و ملزوم یکدیگرند. پاسخ را در چند محور می‌توان ارائه کرد:

**الف) عدالت، شرط کارآمدی پایدار و نه مانع آن:** شتابزدگی در اقدامات ضروری، اگر با بی‌عدالتی، تبعیض یا نادیده گرفتن حقوق مردم همراه شود، در کوتاه‌مدت ممکن است به نتیجه برسد، اما در بلندمدت هزینه اجتماعی و سیاسی گزافی به‌بار می‌آورد. این هزینه به شکل کاهش اعتماد عمومی، ایجاد شکاف اجتماعی و از دست دادن مشروعیت ظاهر می‌شود که درنهایت، انجام هر اقدام فوری بعدی را دشوارتر یا غیرممکن می‌سازد. قرآن با صراحت می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰). این فرمان الهی، عدالت را به‌عنوان اصل بنیادین و غیرقابل معامله در همه اقدامات، حتی اقدامات فوری، قرار می‌دهد.

**ب) عدالت، سرمایه‌ساز است نه زمان‌بر:** عمل کردن با عدالت و رعایت حقوق مردم، سرمایه اعتماد اجتماعی می‌آفریند. جامعه‌ای که به نظام اعتماد دارد، همکاری بیشتری می‌کند، تاب‌آوری بالاتری نشان می‌دهد و هزینه اجرای پروژه‌ها را کاهش می‌دهد. این امر در مجموع، سرعت و کیفیت پیشرفت واقعی را افزایش می‌دهد. هدف آیه «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). برپایی جامعه‌ای است که خود، حامل و مجری عدالت است؛ چنین جامعه‌ای نیازی به نظارت دائمی و هزینه‌بر ندارد و به‌صورت ارگانیک در مسیر درست حرکت می‌کند؛

**پ) عدالت، مسیر را «امن» و اقدام را «اثرگذار» می‌سازد:** اقدام فوری اما

غیرعادلانه، مانند راندن با سرعت بالا در جاده‌ای پر از دست‌انداز و ناامن است که در نهایت به تصادف و توقف می‌انجامد. عدالت با ایجاد انصاف و رفع بهانه‌های اعتراض، جاده حرکت را هموار و امن می‌کند. این نه‌کندی، بلکه عقلانیت و آینده‌نگری است. مردم از تصمیماتی که احساس کنند منصفانه و به نفع عموم است، حتی اگر دشوار باشد، حمایت می‌کنند و این حمایت، شتاب و قدرت عمل بیشتری به نظام می‌دهد؛

ت) تجربه تاریخی گواه است: پایدارترین و مؤثرترین اقدامات جبهه حق مانند بسیج عمومی در دفاع مقدس یا مقابله با تحریم‌ها، دقیقاً در دوران‌هایی محقق شد که مردم، نظام را عادل و خادم خود می‌دیدند. در نقطه مقابل، هر جا که شائبه بی‌عدالتی قوت گرفته، حتی اقدامات درست نیز با شک و کارشکنی مواجه شده‌اند.

جمع‌بندی: عدالت و مردم‌داری، کاهنده سرعت نیستند، بلکه تضمین‌کننده تداوم، مقبولیت و اثربخشی اقدامات فوری و بلندمدت هستند. آنها پایه مشروعیت و قدرت واقعی نظام‌اند. بنابراین، هر «شتابی» که به قیمت نادیده گرفتن عدالت تمام شود، در حقیقت عقب‌گردی استراتژیک محسوب می‌شود. وظیفه مدیران جبهه حق، یافتن روش‌های هوشمندانه‌ای است که عدالت و سرعت لازم در میدان جهاد را هم‌زمان تأمین کند.

#### ۸-۱۱-۵. شبهه پنجم

شبهه: «آیا رأفت و مهربانی با مردم باعث ایجاد ناهماهنگی یا سستی در نیروها نمی‌شود؟»

پاسخ: این تصور، مغالطه‌ای است که خشونت را با انضباط و رأفت را با سستی برابر می‌پندارد. قرآن و سنت، دقیقاً عکس این را تأیید می‌کنند.

**الف) رأفت، عامل انسجام است، نه سستی:** آیه «فَإِمَّا رَحْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ لَئِنْ لَّمْ يُؤْكُتْ قَطًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ (آل عمران: ۱۵۹)»، به وضوح نشان می‌دهد که نرم‌خویی و رحمت الهی بود که مردم را پیرامون پیامبر نگه داشت. سختی قلب عامل پراکندگی است. رأفت، پیوند عاطفی ایجاد می‌کند و این پیوند، محکم‌ترین بنیاد برای وفاداری و هماهنگی است.

**ب) رأفت، ویژگی هویت‌ساز جامعه مؤمن است:** صفت «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (فتح: ۲۹)»، به عنوان یک ویژگی ممتاز مؤمنان ذکر شده است. این مهربانی درونی، شبکه اعتماد و همکاری را تقویت می‌کند و جامعه را در برابر تفرقه‌افکنی دشمن نفوذناپذیر می‌سازد. جامعه‌ای که در آن رأفت نباشد، حتی با داشتن نیروهای منظم، از درون می‌پاشد؛

**پ) رأفت، مشوق انگیزه و جذب است؛** نیرویی که احساس کند رهبران و فرماندهانش برای او ارزش انسانی و عاطفی قائلند، با انگیزه، وفاداری و تلاش بیشتری می‌جنگد و خدمت می‌کند. برعکس، فضای خشن و بی‌اعتنا به کرامت افراد، فرسایش روحی و گریز پنهان ایجاد می‌کند.

**جمع‌بندی:** رأفت نه تنها باعث سستی نمی‌شود، بلکه تنها بستر پایدار برای انضباط واقعی، هماهنگی عمیق و مقاومت طولانی مدت است. این مهربانی، سلاحی موثر و کاربردی برای جذب قلوب، حفظ وحدت و خنثی‌سازی تبلیغات یأس‌آفرین دشمن است. هرگونه سخت‌گیری غیرضروری که به نام انضباط، این رأفت را نادیده بگیرد، در بلندمدت به تضعیف بنیادهای انسانی و اجتماعی نیروها منجر خواهد شد.

#### ۸-۱۱-۶. شبهه ششم

**شبهه:** «آیا خدمت صادقانه عملی است یا فقط شعار است؟»



پاسخ: این شبهه ناشی از مشاهده شکاف میان ادعا و عمل در برخی موارد است. اما از منظر قرآن و منطق جبهه حق، خدمت صادقانه یک اصل عملیاتی الزامی و قابل سنجش است، نه یک شعار.

**الف) خدمت، فرمان الهی و محور همکاری اجتماعی:** آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى (مائده: ۲)»، همکاری براساس نیکی را که اوج آن خدمت به خلق است، یک دستورالعمل جمعی و مبنای تقوا می‌داند. این امری قابل اجرا و نظارت است؛

**ب) خدمت، معیار عینی مشروعیت:** در نگاه مردم، خدمت صادقانه (آبادانی، رفع محرومیت، حل مشکل) ملموس‌ترین شاخص کارآمدی و صداقت حکومت است. هر قدرتی که نتواند این خدمات را ارائه دهد، به تدریج مشروعیت خود را از دست می‌دهد، حتی اگر شعارهای آرمانی سر دهد؛

**پ) خدمت، پشتوانه امنیت و قدرت:** تاریخ انقلاب اسلامی نشان داده است که پشتیبانی مردمی در سخت‌ترین بحران‌ها مانند دفاع مقدس، حاصل سرمایه اعتمادی بود که از طریق خدمات اولیه از جمله در روستاها و محروم‌ترین مناطق، ایجاد شده بود. بدون این پشتوانه، حتی برترین قدرت نظامی نیز بی‌ریشه و شکننده است؛

**ت) قابل نظارت و ارزیابی است:** خدمت صادقانه را می‌توان با شاخص‌های عینی (رضایت‌سنجی، کاهش محرومیت، سرعت عمل در حل مشکلات) سنجید. وجود سازوکارهای پاسخ‌گویی و نظارت مردمی، امکان تبدیل آن از شعار به عمل را فراهم می‌کند.

**جمع‌بندی:** خدمت صادقانه عملی و ضروری است. هرگونه غفلت از آن، به معنای تخریب سرمایه اجتماعی و تضعیف بنیادهای قدرت ملی است.

وظیفه جبهه حق، ایجاد نظامی شفاف و پاسخگو است که کیفیت خدمات را به اولویت اصلی تبدیل کند و عملکرد خود را در این زمینه به طور مستمر در معرض قضاوت مردم قرار دهد. این، اصلی ترین آزمون عمل به وعده هاست.

#### ۸-۱۱-۷. شبهه هفتم

شبهه: «آیا پاسخ نیکو به بدی باعث ضعف در مواجهه با دشمن نمی شود؟»

پاسخ: این شبهه از یک نگرش غیراستراتژیک و تقلیل گرا به مفهوم قدرت سرچشمه می گیرد که قدرت را فقط در مقابله به مثل خشن می بیند. قرآن و منطق جبهه حق، پاسخ نیکو را اقتداربخش و عامل ضعف دشمن می داند.

الف) پاسخ نیکو، استراتژی هوشمندانه برای تغییر معادله: آیه «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَخْسَنُ (فصلت: ۳۴)» یک دستور تاکتیکی است: بدی را با چیزی دفع کن که خود نیکوتر و مؤثرتر است. این واکنش، دشمن را در بن بست اخلاقی و روانی قرار می دهد. او انتظار عکس العمل مشابه و توجیه گراانه را دارد، اما با رفتاری برتر مواجه می شود که نقشه روانی او را خنثی و مشروعیت ظاهریش را می رباید؛

ب) پاسخ نیکو، قدرت نرم و جاذبه می آفریند: رفتار بزرگوارانه، حتی در نظر ناظران بی طرف، برتری اخلاقی و اعتماد به نفس جبهه حق را نشان می دهد. این خود نوعی قدرت نرم و بازدارندگی است که هزینه اجماع سازی دشمن علیه نظام را افزایش می دهد. آیات سوره حشر درباره دعای خیر مؤمنان برای یکدیگر «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا» نیز نشان می دهد که جامعه ای که در درون خود کینه و انتقام جویی را کنار بگذارد، انسجام عمیق تر و آسیب ناپذیری بیشتری خواهد داشت؛

پ) ضعف واقعی در بی اخلاقی است: ضعف واقعی آنجاست که جبهه حق، به سطح اخلاقی دشمن سقوط کند و هویت متمایز اخلاقی خود را از دست بدهد. این رفتار، مهم‌ترین پناهگاه روانی نیروهای خودی و عاملی برای جذب دلسردشدگان از جبهه باطل است؛

ت) پاسخ نیکو، به معنای سکوت در برابر تجاوز نیست: این اصل به معنای نادیده گرفتن حق دفاع یا عدم مقابله با تجاوز نظامی و امنیتی نیست. بلکه به عرصه رفتار سیاسی، اجتماعی و تبلیغاتی مربوط است و کیفیت واکنش را ارتقا می‌بخشد.

جمع‌بندی: پاسخ نیکو به بدی، یک سلاح راهبردی در جنگ اراده‌ها و جنگ روانی است. این رفتار، اقتدار اخلاقی و ابتکار عمل را به جبهه حق باز می‌گرداند، دایره دشمنان را محدود و حلقه دوستان را گسترش می‌دهد. نشان دادن قدرت خویشتنداری و برتری اخلاقی، قوی‌ترین پاسخ به دشمنی است که می‌خواهد تصویری خشن و افراطی از جبهه حق ارائه دهد.

#### ۸-۱۱-۸. شبهه هشتم

شبهه: «آیا روحیه جهادی با عدالت و رأفت هم‌زمان قابل تحقق است؟»  
پاسخ: این شبهه از یک تعریف ناقص و تقلیل یافته از جهاد ناشی می‌شود که آن را محدود به سختی و درگیری خشن می‌داند. در منطق قرآن، روحیه جهادی، چتری جامع است که عدالت و رأفت، نه تنها با آن قابل جمع، بلکه اجزای ضروری و تکمیل‌کننده آن هستند.

الف) جهاد در قرآن، مفهومی چندبعدی و اخلاق‌بنیان است: آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ» (توبه: ۲۰) نشان می‌دهد جهاد واقعی، ترکیبی است از ایمان (بنیان فکری)، هجرت (تحول و جابه‌جایی برای

حق) و مجاهدت با مال و جان. این مجاهدت، در فضایی خالی از اخلاق معنا ندارد. عدالت و رأفت، اخلاق عملی این مجاهدت هستند. یک مجاهد واقعی نمی‌تواند در راه خدا بجنگد، اما به مظلوم ستم کند یا با مردم خود خشونت بورزد.

ب) عدالت و رأفت، «سلاح‌های نرم» جهاد همه‌جانبه هستند: جنگ امروز، یک نبرد تمدنی در میدان‌های موازی است. در میدان اقتصاد، جهاد یعنی ایجاد عدالت اقتصادی و مبارزه با تبعیض. در میدان فرهنگ، جهاد یعنی نرمش و حکمت در تبلیغ و دفاع از ارزش‌ها. در میدان سیاست داخلی، جهاد یعنی خدمت صادقانه و برخورد محترمانه با مردم. بدون این ابعاد، جهاد نظامی نیز پشتوانه مردمی خود را از دست می‌دهد؛

پ) قله جهاد، جهاد اکبر با نفس است: بزرگ‌ترین میدان جهاد، مبارزه با هوای نفس است که رذایلی مانند ظلم، خشونت، تکبر و بی‌عدالتی را در درون انسان می‌رویاند. تحقق عدالت و رأفت در سطح جامعه، بدون پیروزی در این جهاد اکبر ممکن نیست. بنابراین، روحیه جهادی ابتدا باید در درون، عدالت در حق نفس و رأفت با دیگران را محقق کند تا در سطح جامعه تجلی یابد.

ت) تجربه تاریخی: تلفیق اقتدار و رحمت: اوج اقتدار و اثرگذاری جبهه حق، در دوره‌هایی بوده که صلابت در برابر دشمن با عدالت و رأفت با مردم همراه شده است. نمونه پیامبر ﷺ که در اوج قدرت و پیروزی، با دشمنان شکست خورده نیز با رأفت برخورد کرد، بهترین گواه این هماهنگی است.

جمع‌بندی: روحیه جهادی یک کل منسجم است که اقتدار در میدان نبرد، عدالت در میدان حکمرانی و رأفت در میدان تعامل اجتماعی را یک‌جا و هماهنگ طلب می‌کند. عدالت و رأفت، قدرت اخلاقی و نرم این روحیه را

می‌سازند و جهاد بی‌اخلاق، محکوم به شکست یا انحراف است. بنابراین، نه‌تنها قابل جمع هستند، بلکه تحقق کامل روحیه جهادی بدون آنها ناممکن است.

#### ۸-۱۱-۹. شبهه نهم

**شبهه:** «آیا فساد و ناکارآمدی مسئولان باعث می‌شود عدالت و مردم‌داری صرفاً شعار باشد و تحقق عملی نداشته باشد؟»

**پاسخ:** این شبهه، واقعیت فساد را دلیلی بر بی‌اعتباری اصل تلقی می‌کند. اما قرآن، این منطق را رد کرده و عدالت را یک فرمان الهی و معیار نهایی ارزیابی می‌داند که خود، شالوده مبارزه با فساد است.

**الف) عدالت، معیار سنجش و انفکاک است:** آیاتی مانند «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (نحل: ۹۰)» و «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید: ۲۵)»، عدالت را به‌عنوان یک معیار ثابت و فرافردی معرفی می‌کنند. این معیار، ابزاری است در دست مردم و نیروهای صالح برای تشخیص، افشا و مقابله با فساد و ناکارآمدی. وجود فساد، نه‌تنها اصل عدالت را بی‌اعتبار نمی‌کند، بلکه ضرورت تحقق آن را فریاد می‌زند.

**ب) معیار بودن، راه را برای اصلاح بازمی‌گذارد:** اگر فساد باعث می‌شد اصل عدالت کنار گذاشته شود، هیچ معیاری برای نقد، اعتراض و اصلاح باقی نمی‌ماند و جامعه به پذیرش فساد تن می‌داد. اما تأکید قرآن بر این اصل، به جامعه حق و تکلیف نظارت می‌دهد. این تکلیف بر عهده همه مردم است تا قیام به قسط کنند؛

**پ) اخلاق جهادی، «ضدفساد» درونی است:** ریشه بسیاری از فسادها، فقدان روحیه جهادی (ایثار، قناعت، عمل برای خدا) است. ترویج این اخلاق،

پیشگیری درونی از فساد است. کسی که انگیزه‌اش خدمت باشد، کمتر به فساد گرایش می‌یابد. بنابراین، عدالت و اخلاق جهادی، هم معیار سنجش و هم راه درمان هستند.

ت) تجربه تاریخی: شعارزدایی از طریق عمل: بزرگ‌ترین ضربه به فساد و ناکارآمدی، نه انکار آرمان عدالت، بلکه افزایش فشار برای تحقق عملی آن است. وقتی مردم و نهادهای نظارتی (مثل قوه قضائیه و پاسداران) با تکیه بر همین معیارها، برخورد قاطع و شفافی با مفسد نشان دهند، اعتماد به تحقق‌پذیری عدالت بازمی‌گردد و فساد از حالت یک «هنجار» به یک «انحراف قابل مجازات» تبدیل می‌شود.

جمع‌بندی: وجود فساد، عدالت را به شعار تبدیل نمی‌کند، بلکه لزوم مبارزه جهادی برای تحقق آن را آشکار می‌سازد. عدالت و مردم‌داری باید به عنوان تنها هنجار مشروع و مطالبه دائمی جامعه باقی بمانند. هرگونه فساد، تخطی از این هنجار است و وظیفه جبهه حق، نه کنار گذاشتن اصل، بلکه تصفیه صفوف و تحکیم سازوکارهای تضمین عدالت است. کنار گذاشتن این معیار به بهانه وجود فساد، یعنی پذیرش شکست و تسلیم شدن در برابر باطل.

#### ۸-۱۱-۱۰. شبهه دهم

شبهه: «آیا تبعیض میان مردم باعث فروپاشی اعتماد اجتماعی نمی‌شود و جبهه حق را تضعیف می‌کند؟»

پاسخ: این شبهه درواقع اصل راهبردی محور هشتم را تأیید می‌کند: عدالت، ستون وفاداری است و تبعیض، تخریب‌کننده آن. پاسخ قرآن قاطع و روشن است: تبعیض ناقض عدالت و ویرانگر اعتماد عمومی است و راه مقابله با آن، پایبندی مطلق به قسط و برپایی نظارت است.

**الف) تبعیض، انحراف از فرمان قسط است:** هدف نهایی بعثت انبیا «لِيُقْسَمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» است. تبعیض، دقیقاً ضد این هدف است و نظام اجتماعی را از درون می‌پوساند؛

**ب) عدالت برترین واجب حتی با وجود کینه و دشمنی:** آیه «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اَعْدِلُوا» (مائده: ۸) به صراحت اعلام می‌کند که کینه و دشمنی نسبت به یک گروه، هرگز نمی‌تواند مجوز بی‌عدالتی شود. عدالت، فراتر از احساسات شخصی و گروهی است. این دستور، به وضوح تبعیض را ممنوع و تخریب‌کننده اعتماد می‌داند؛

**پ) تبعیض، مهم‌ترین دستاویز تبلیغاتی دشمن:** دشمن همواره در پی یافتن یا ساختن مصادیق تبعیض است تا با بزرگ‌نمایی آن، شکاف در جامعه ایجاد کند و مشروعیت جبهه حق را مخدوش سازد. وجود تبعیض واقعی، به معنای تسلیم مهم‌ترین سلاح تبلیغاتی به دست دشمن است؛

**ت) عدالت و انصاف، تنها پادزهر تبعیض:** راهکار قرآن برای خنثی‌سازی تبعیض، نه انکار آن، بلکه پایبندی عملی و نظام‌مند به انصاف است. این کار با دو اقدام ممکن می‌شود:

**عمل کارگزاران:** مدیران و مسئولان باید در تخصیص منابع، فرصت‌ها و دادرسی، تنها معیار را حق و استحقاق قرار دهند؛

**مشارکت و نظارت مردمی:** مردم باید به عنوان شاهد بالقسط (گواهان عدالت) فعال شوند و با نظارت مستمر، مانع شکل‌گیری تبعیض شوند.

**جمع‌بندی:** تبعیض به واقع ویرانگرترین عامل برای سرمایه اجتماعی و تضعیف‌کننده جبهه حق است. اعتماد، زمانی ساخته می‌شود که مردم باور کنند نظام، بی‌طرف و عادل است. بنابراین، مبارزه با تبعیض و استقرار عدالت،

اولویت امنیتی و راهبردی جبهه حق است. وجود شبهه تبعیض، نشانه‌ای هشداردهنده است که نظام باید با شفافیت، پاسخ‌گویی و اصلاح قوانین و رویه‌ها، به‌صورت فعال به آن پاسخ دهد و با عمل، ثابت کند که «اغْدِلُوا» یک فرمان اجرایی است، نه یک شعار.

#### ۸-۱۱-۱۱. شبهه یازدهم

شبهه: «اگر کارگزاران تبعیض یا فساد کنند، آیا مردم پشت جبهه حق باقی می‌مانند؟»

پاسخ: تاریخ و قرآن صریحاً نشان می‌دهند که تداوم حمایت مردم، نه براساس عادت یا اجبار، بلکه مشروط به تحقق عدالت و صداقت است. فساد و تبعیض، دقیقاً سمومی هستند که این شرط را نقض کرده و پیوند مردم با نظام را می‌گسلند. پاسخ دو بخش دارد: هشدار و راه‌حل.

(الف) هشدار: فساد و تبعیض، بنیان‌های حمایت را می‌پوسانند؛ مردم، جبهه‌ای را حمایت می‌کنند که آن را تجسم آرمان‌های خود بدانند. وقتی کارگزاران همان جبهه مرتکب فساد یا تبعیض شوند، از نظر مردم این اقدامات خیانت به آن آرمان‌ها و شکاف بین شعار و عمل است. آیه «فَإِمَّا رَحْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ إِنْتَ لَهُمْ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ (آل عمران: ۱۵۹)»، اصل کلی را بیان می‌کند: خشونت و سخت‌دلی (که فساد و تبعیض مصادیق آنند) باعث پراکندگی مردم می‌شود. مردم از اطراف کسی که به آنها ظلم کند یا حق‌شان را ضایع کند، می‌گریزند؛

(ب) راه حل: اعتماد، محصول عمل اصلاحی و نظارت است، نه وعده؛ نکته امیدبخش این است که قرآن و تجربه نشان می‌دهند اعتماد از دست رفته، قابل بازسازی است، اما تنها از یک مسیر:



اصلاح علنی و قاطع: برخورد شفاف، سریع و بی‌امان با عوامل فساد و تبعیض، به مردم نشان می‌دهد که ارزش‌ها هنوز زنده و حاکم هستند و نظام، خود را تصفیه می‌کند؛

نظارت مردمی سازمان‌یافته: باید سازوکارهایی ایجاد شود که مردم نه به‌عنوان تماشاگر، بلکه به‌عنوان گواهان عدالت در نظارت بر کارگزاران مشارکت داده شوند؛

مسئولیت‌پذیری نهادهای انقلابی: بسیج، پاسداران و فرماندهان باید به‌عنوان بازوی اجرایی عدالت و وجدان بیدار نظام عمل کنند و پیشگام در افشا و مقابله با انحرافات داخلی باشند. همکاری آنان با مردم بر اساس «تَعَاوُنًا عَلٰی الْبِرِّ وَالْتَّقْوٰی» در همین عرصه معنا می‌یابد؛

شفافیت و پاسخ‌گویی: نظام باید عملکرد خود در مبارزه با فساد را به‌طور مستمر و شفاف به مردم گزارش دهد.

جمع‌بندی: مردم تا زمانی پشت جبهه حق می‌مانند که آن را حافظ منافع و ارزش‌های خود ببینند. فساد و تبعیض، این تصویر را مخدوش می‌کند. بنابراین، بقای جبهه حق در گرو مبارزه بی‌امان و عملی با همین فساد و تبعیض است. وجود این شبهه، زنگ خطری است که نشان می‌دهد نظام باید اولویت اول خود را به اجرای عدالت و پاسخ‌گویی به مردم اختصاص دهد. بازسازی اعتماد، نه با سخنرانی، که با عمل قاطع و قابل مشاهده ممکن است.

#### ۸-۱۱-۱۲. شبهه دوازدهم

شبهه: «آیا اخلاق جهادی و صبر در برابر ظلم و فساد کارگزاران، با واقعیت عملی سازگار است؟»

پاسخ: این پرسش، مفاهیم «صبر» و «اخلاق جهادی» را به اشتباه به معنای

سکوت و تمکین در برابر باطل تفسیر می‌کند. در منطق قرآن، این مفاهیم دقیقاً عکس این را معنا می‌دهند: صبر و اخلاق جهادی، سلاح مبارزه فعال اما هوشمندانه با فساد و ظلم هستند و تضمین‌کننده استمرار جبهه حق در مسیر اصیل خود.

**الف) صبر جهادی، نه صبر رضایتمندانه:** صبر قرآنی، واکنش توأم با بصیرت در برابر مصیبت‌هاست. آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» (بقره: ۱۵۶)، به جای ایجاد یأس، چشم‌اندازی الهی ارائه می‌دهد که مشکلات (از جمله فساد) را موقتی و در مسیر بازگشت به خدا می‌بیند. این نگاه، سکون نمی‌آورد، بلکه ثبات قدم برای اصلاح می‌بخشد. این صبر، پایه مقاومت است، نه نشانی از رضایت؛

**ب) اخلاق جهادی، سنگر عمل و اصلاح است؛** جهاد در آیه «جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ» (توبه: ۲۰) تعریف شده است. این جهاد تنها در میدان جنگ با دشمن خارجی نیست، بلکه مبارزه با دشمن درونی (فساد، بی‌عدالتی) را نیز در بر می‌گیرد. اخلاق جهادی به این معناست که یک مجاهد، درون نظام حق نیز باید با همان انگیزه الهی و با مال و جان (یعنی با سرمایه و خطرپذیری) برای اصلاح آن بکوشد. این، انتقاد و اصلاح‌گری سازمان‌یافته و مسئولانه است، نه سکوت؛

**پ) سازگاری با واقعیت:** پاسخ هوشمند به پیچیدگی، اعتراف به وجود فساد، پذیرش یک واقعیت تلخ است. صبر و اخلاق جهادی، تنها پاسخ عملی و پایدار به این واقعیت است؛ زیرا:

از انفعال و یأس جلوگیری می‌کند: به نیروهای صالح می‌آموزد که نباید با مشاهده فساد، از اصل نظام و آرمان‌ها مأیوس و منفعل شوند؛  
از افراط و براندازی می‌پرهیزد: به جای واکنش هیجانی و انقلابی ویرانگر، مسیر اصلاح تدریجی اما مستمر را پیشنهاد می‌دهد؛

ابزار فشار اخلاقی می‌سازد: تداوم فعالیت‌های جهادی خدمت‌محور توسط نیروهای سالم در کنار انتقاد صبورانه، مقایسه عملی ایجاد کرده و مسئولان ناصالح را در تنگنای اخلاقی قرار می‌دهد؛

پشتوانه مردمی را حفظ می‌کند: مردم وقتی بینند نیروهای جهادی درون نظام، فساد را تحمل نمی‌کنند و برای اصلاح می‌کوشند، امید و پیوند خود را با جبهه حق حفظ می‌کنند.

**جمع‌بندی:** اخلاق جهادی و صبر، نه تنها با واقعیت فساد سازگار است، بلکه تنها راهبرد عملی و الهی برای مواجهه خردمندانه و مؤثر با آن است. این مفاهیم، نیروهای صالح را به عناصری اصلاح‌گر، مقاوم و امیدبخش در دل سیستم تبدیل می‌کند و مانع از آن می‌شود که فساد معدود، به بهانه‌ای برای سست کردن پایه‌های کلی حق تبدیل شود.

## ۸-۱۲. نتیجه نهایی

این محور، قلب تپنده مشروعیت، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی جبهه حق است و مستقیماً با حیاتی‌ترین چالش‌های امنیت ملی و بقای نظام در عصر جنگ ترکیبی ارتباط دارد و پاسخ آن‌ها را می‌سازد:

جنگ روانی و بحران مشروعیت: با تبدیل عدالت و خدمت به تجربه ملموس مردم، مهم‌ترین سلاح دشمن (القای بی‌کفایتی و فساد) را خنثی و اعتماد عمومی را بازسازی می‌کند؛

جنگ اقتصادی و فشار معیشتی: با ترویج اخلاق جهادی (قناعت، ایثار) و اجرای عدالت در توزیع منابع، تاب‌آوری جامعه را افزایش داده و اتحاد ملی در برابر تحریم‌ها را تحکیم می‌بخشد؛

تهدید نفوذ و گسست اجتماعی: با رأفت، خدمت صادقانه و پاسخ نیکو به

بدی، پیوند عاطفی بین احاد ملت و نظام را استحکام بخشیده و جامعه را در برابر تبلیغات و شایعات تفرقه افکن واکسینه می نماید؛

چالش بی اخلاقی و فساد درونی: با تعریف روحیه جهادی به عنوان معیار گزینش و ارزیابی کارگزاران، یک سیستم ایمنی اخلاقی در بدنه حکومت ایجاد کرده و ریشه های فساد و ناکارآمدی را می خشکاند؛

خطر انفعال و از دست دادن آرمان: با تأکید بر صبر فعال و امیدواری مبتنی بر نگاه توحیدی، از تبدیل فشارها به یأس و انفعال جلوگیری کرده، نیروی حرکت و تحول را در جامعه زنده نگه می دارد.

**جمع بندی نهایی:** در نبرد تمدنی کنونی، مهم ترین سنگر، دل های مردم است. محور هشتم نشان می دهد که حفظ و تسخیر این سنگر، نه با شعار و وعده، بلکه تنها با عمل عادلانه، رفتار مهربانانه، خدمت خالصانه و اخلاق ایثارگرانه ممکن است. این محور، بقا و عزت جبهه حق را نه در انباشت سلاح های سخت، که در انباشت اعتماد عمومی و نه در نمایش قدرت بر مردم، که در نمایش خدمت به مردم تعریف می کند. هرگونه غفلت از این محور، حلقه ای ضعیف و مرگبار در زنجیره دفاع ملی ایجاد می کند که دشمن تمام توان خود را برای حمله به آن متمرکز خواهد کرد. بنابراین، عدالت و اخلاق جهادی، اولویت اول امنیت ملی و شرط لازم برای هرگونه پیشرفت و اقتدار است.



## کتابنامه

قرآن کریم.

پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir>

حر عاملی، محمدبن حسن. وسائل الشیعه، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ق.

حسینی خامنه‌ای دامنه‌ای، سیدعلی. بیان قرآن (تفسیر سورة براءت)، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹.

\_\_\_\_\_ . بیان قرآن (تفسیر سورة حشر)، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹،

\_\_\_\_\_ . گفتاری در باب صبر، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.

مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

مکارم شیرازی، ناصر. پیام قرآن، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۸۱.

موسوی بجنوردی سیدمحمد و محمد مهریزی ثانی، حقوق شهروندی از نگاه امام خمینی علیه السلام، پژوهشنامه متین، دوره ۱۵، شماره ۶۱، زمستان ۱۳۹۲،

ص ۱ - ۲۴.

«... امروز ما فراتر از درگیری‌های نظامی - که وجود داشت، دیدید و همین‌طور دائماً احتمال [تکرار] آن را هم می‌دهند، بعضی هم عمداً در این کانون می‌دمند برای اینکه مردم را دل‌به‌شک نگه دارند، دلهره ایجاد کنند، که موفق هم نمی‌شوند ان‌شاءالله - در کانون یک درگیری تبلیغاتی و رسانه‌ای هستیم؛ با چه کسی؟ با یک جبهه‌ی وسیع، ما در **جنگ تبلیغاتی قرار داریم**، در **جنگ معنوی قرار داریم**. دشمن فهمید که تصرف این مَلک و این خاک و این سرزمین الهی و معنوی با ابزار فشار و ابزار نظامی امکان ندارد. فهمید که اگر بخواهد تصرفی بکند، دخالتی بکند، موفقیتی پیدا کند باید دلها را تغییر بدهد، **باید مغزها و فکرها را عوض کند**؛ رفتند در این خط. البته ما در مقابلشان محکم ایستاده‌ایم، اما امروز خطر این است، خط این است، هدف دشمن این است. هدف دشمن در کشور ما محو کردن آثار مشعشع مفاهیم انقلابی است؛ هدفش این است که بتدریج مردم را از یاد انقلاب، از یاد هدف انقلاب، از یاد کارهایی که در انقلاب شد، از یاد امام انقلاب منصرف کند؛ ... تبیین معارف را برجسته کنید. به نظر بنده ائمه (علیهم السّلام) دو کار عمده انجام می‌دادند: یکی تبیین معارف بود، و یکی مبارزه بود....»

(بیانات امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۴۰۴/۰۹/۲۰)

www.serajnet.org



@serajnet



@serajnet



serajnet